

فہرست
کتابخانہ تربیت



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

از مجموعه کتب اهدائی

علی اصغر حکمت

رئیس پیشین و استاد ممتاز دانشگاه تهران

۲۳۹۱





7/508
۳۲۸۹

فهرست

کتابخانه دولتی تربیت تبریز

کتب خطی



نویسنده

محمد نجوانی



۱۳۲۹ شمسی

باز چاپخانه شفق



کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University

بسمه تعالی

کتابخانه‌ای که فهرست کتابهای خطی آن اینک از نظر خوانندگان محترم میگذرد در سال ۱۳۰۰ شمسی بسعی وجدیت مرحوم میرزا محمد علی خان تربیت که در آنوقت رئیس اداره فرهنگ آذربایجان بود تأسیس یافته که آن مرحوم عشق و علاقه مفروطی بعالم کتاب و تشکیل کتابخانه داشت و در شناختن کتب شرقی صاحب ید طولی و در واقع فهرست ناطق کتب بود (چنانکه تاریخ وفات آن مرحوم نیز با عبارت «فهرست الکتب ناطق» در عدد مطابق است) (۱)

(۱۳۵۸)

چون شرح تأسیس کتابخانه در مقدمه فهرست کتابهای چاپی بقلم آقای محمد علی قوسی مقصدی کتابخانه چاپ شده و علاوه از آن حضرت آقای دهقان رئیس محترم فرهنگ آذربایجان که مرد بسیار شریف و فعال و صاحب اخلاق حمیده میباشد تصمیم گرفته است که تاریخ کامل و مبسوطی برای فرهنگ آذربایجان تهیه شود و هیئتی از دبیران و نویسندگان با اطلاع برای اینکار معین شده اند و بجمع آوری مقدمات مشغولند و البته در این ضمن تاریخ جامعی هم برای کتابخانه نوشته خواهد شد دیگر نگارنده از ذکر تفصیل خودداری نمود.

مسیب تالیف

برای رسیدگی بامور کتابخانه هیئتی مرکب از چند نفر از معارف و کتابدوستان تبریز بنام (انجمن کتابخانه و قرائتخانه) تشکیل شده بود و بنده هم در خدمت ایشان بدم در سال ۱۳۲۷ روزی در انجمن صحبت از لزوم فهرست کتابخانه بمیان آمد که پس از مذاکره ، تنظیم و نوشتن فهرست کتابهای خطی را باین بنده محول فرمودند و در اینکار بنحوی تأکید و اصرار رفت که کناره جویی را مجال نماند و با وجود مشکلات و موانع عدیده که عمده آنها عدم شایستگی نگارنده بود و همچنین نبودن وسائل از قبیل فهرستهای کامل کتابخانهها و نداشتن نسخه های دیگر از بعضی کتابها ، محض امثال امر آقایان با همه عجز و ناتوانی بر عهده گرفتم و تا آنجا که مقدور بود انجام دادم و از مطالعه کنندگان محترم تمنا می رود که هرگونه اشتباه و خطائی بنظرشان برسد لطفاً اصلاح فرمایند که آنچه در قوه بنده بود بفعل آورده و غایه الجود را که بذل موجود است عمل کرده ام .

محمد نخبجوانی

اسفند ماه ۱۳۲۹ شمسی

این کتاب فهرست که از لحاظ مبارک حضرت استاد معظم آقای تقی زاده
رئیس محترم مجلس سنا دام ظلّه العالی گذشته بود جناب ایشان در آن
بعین رضا و قبول نگریسته و بمقتضای بزرگواری طبع و کرم ذاتی که معهود
ایشان است تقریظی مرقوم فرموده بودند اینک عین مرقومه ایشان که اسباب
تشویق خدمتگداران علم و ادب و مایه سربلندی این اثر ناچیز و مؤلف
بی‌حقدار آن می‌باشد باتشکر از معظمّ له افتخاراً درج میشود .

نخجوانی



دوست عزیز من آقای نخجوانی که شرح مکارم و فضائل ایشان
حاجت به بیان ندارد با اقدام به ترتیب و تدوین فهرست کتب خطّی
کتابخانه تربیت تبریز خدمتی بعلم و معرفت نموده‌اند که قدر آن برعلاقه
مندان بعلم و ادب و دوستداران کتب مجهول نمی‌تواند باشد
این عمل بقدری مطلوب و گران بها است که باید آرزو کرد و بلکه
دائماً تشویق و تبلیغ نمود که همه فضا را برای همه کتابخانه‌های عمومی
و خصوصی مملکت در همه نقاط چنین فهرستی ترتیب بدهند که خود مایه
بزرگی برای تحقیق و مطالعه اهل علم است .

و اینجانب بسهم خود می‌خواهم این تمنای دوستانه را از جناب آقای
نخجوانی نسبت بکتابخانه شخصی خودشان و کتابخانه اخوی محترم و
فاضل‌شان حاجی حسین آقا بعمل بیاورند که چنانکه همه میدانند گنجی
عظیم دارند .

وجود این کتابخانه در تبریز که از مآثر دوست مرحوم من
میرزا محمد علیخان تربیت است مرا بدو جهت علاقه‌مند ساخته که یکی بانی

کتابخانه و دیگری مؤلف فهرست آنست که هر دو از دوستان ایام صبی و شباب من بوده هستند

اگر این چند سطر ناچیز من در مقدمه این کتاب نفیس عنوان تقریظ و انتقاد داشته باشد باید بگویم که محسنات این تألیف بیش از آنست که بتوان بیان کرد. ترتیب فصول و شرح کتب و اطلاعات لازمه مربوط به کتاب علاوه بر صحت و نفاست چاپ شایسته همه گونه ستایش است و اگر محض دفع چشم زخم انتقادی لازم باشد باید اشاره بیک نقیصه که در مقالات و رسائل ادبی دیگر غالباً وجود دارد بنمایم یعنی ذکر اسامی و اشخاص مؤلفین و غیره بانهوت مدحیه مثل علامه مفضال و فیلسوف شهیر ، و مولانا ، و اعلی الله مقامه ، و متعالی الله بدوام افاضاته و غیره و غیره که از معایب منشئات شرقی است و باید انشاء الله در آنیه متروک شود و هر شخصی فقط باسم و نسب ذکر شود و بس

دیگر آنکه بسیار مطلوب بوده و هست که کتب بسیار مهم و یاقدیم این مجموعه بنحوی تمایز واضح داشته باشد مثلاً بخط خیلی درشت چاپ شود و یا علامت ستاره در پهلوی اسم آنها گذاشته شود .

از محاسن این کتاب فهرست اعلام و فهرست کتب مندرج در آخر آنست که بر ارزش کتاب می افزاید

تألیف و طبع و نشر این کتاب موجب شکران اهل علم و ادب است و باید از خداوند مسئلت کرد که با طول ایام افاضات آقای نخجوانی ما را ممتع گرداند.

سید حسن تقی زاده

فهرست مندرجات

تفسیر	از صفحه ۱	الی صفحه ۸
خطب و ادعیه	۹	۲۲
فقه و اصول	۲۳	۷۶
عقائد و احادیث	۷۷	۱۰۱
موعظه و اخلاق	۱۰۲	۱۱۲
لغت	۱۱۳	۱۲۷
منطق و حکمت	۱۲۸	۱۴۶
ادبیات و دیوانها	۱۴۷	۱۸۷
تاریخ و تذکره	۱۸۸	۲۰۵
طب	۲۰۶	۲۱۵
هیئت و نجوم	۲۱۶	۲۲۵
جغرافی	۲۲۶	۲۲۹
منطق	۲۳۰	۲۳۷
نحو و صرف	۲۳۸	۲۴۹
کتب متفرقه	۲۵۰	۲۷۲
فهرست اعلام	۲۷۴	۲۰۳
فهرست کتب	۳۰۵	۳۱۷

(۱)

انوار التنزیل عربی شماره ۲۴

تألیف ناسرالدین ابوسعید عبدالله بن عمر بن محمد
ابن علی بیضاوی شیرازی مشهور بقاضی بیضاوی است که در سال ۶۸۵
وفات یافته و در چرنداب تبریز مدفون است. مؤلف آنرا بانوارالتنزیل
و اسرارالتأویل نامیده و مشهور بتفسیر بیضاوی است و از معارف علمای
شافعیّه و قاضی بیضا^(۱) بوده است. و تألیفات دیگر مثل غایةالقصوى در فقه
و شرح مطالع در منطق و شرح کافیه و غیره دارد و جمعی از علماء
انوارالتنزیل را مانع و مختصر کشف زمخشری میدانند.

این کتاب جلد دوم و نصف اخیر از تفسیر است که ازسوره کهف
تا آخر قرآن میباشد و آیات باجوهر سرخ نوشته شده و پشت ورق
اولی تذهیب خوبی دارد و باقی صفحات با جوهر قرمز جدول کشیده شده
تاریخ کتابت ۹۷۹ و نویسنده محمد بن محمد بن احمد بن اسماعیل الشہر
بابن داود مقدس میباشد و در حاشیہ آخر کتاب ختم مقابله و تصحیح
آنرا بسال ۹۸۰ نوشته اند.

(۱) بیضا در هشت فرسخی شیراز بوده و اکنون آباد نیست و نام قدیمی
آن در اسپید یا دز اسپید بوده که پس از استیلای عرب بیضا گفته اند و صاحب روضات
مجاہبی بدان شهر نسبت داده و میگوید فرعون و موسی از اهل بیضا بوده اند ص ۴۵۵

(۲)

حاشیه بر تفسیر عربی شماره ۱۴۴

انوار التنزیل تفسیر انوار التنزیل از قاضی بیضاوی است که در شماره (۱۴۴) معرفی از او شد و این تفسیر که شهرت کاملی بین علماء پیدا کرده حاشیه و تعلیقات زیادی بر آن نوشته اند که صاحب کشف الظنون چهل الی پنجاه حاشیه و تعلیق و انتقاد را با مؤلفین آنها نام میبرد (جلداول صفحه ۱۸۶) که از آن جمله است همین حاشیه که از مولی محمد بن عبدالغنی مشهور به غنی زاده متوفی ۱۰۳۶ می باشد و خیلی مفصل و مبسوط است که این مجلد با وجود اینکه قریب پنجاه جزء و در حدود یکپنجاه صفحه است از اول قرآن تا نصف سوره بقره می باشد و مؤلف آنرا عالم الانوار و علیم الاسرار نامیده و دیباچه آن بنام سلطان احمد خان چهاردهمین سلطان عثمانی است (۱۰۱۲-۱۰۲۶) و این مؤلف هم انوار التنزیل را ملخص و مختصر کشف می داند که در مقدمه پس از توصیف بلیغ از کشف زمخشری مینویسد (و کذا لك مختصره المسمى بانوار التنزیل) و در حاشیه کتاب اسامی اغلب حاشیه نویسان بر انوار التنزیل را که در متن از ایشان بعنوان (قیل) نقل شده با جوهر سرخ نوشته اند و این نسخه در زمان حیات مؤلف نوشته شده که در آخر در ضمن دعاء (اللهم طول عمره واحتفظ اولاده) مینویسد و تمام صفحات باطلا و لاجورد جدول کشی شده و يك سر لوح بسیار زیبایی دارد.

کاتب نام خورد و تاریخ کتابت را ننوشت در صورتیکه يك صفحه در علت

نوشتن این کتاب شرح داده میگوید سالها در این فکر بودم از هر فنی باشد کتابی استنساخ نمایم و بعد از تفأل واستخاره بنوشتن این حاشیه اقدام کردم^(۱)

(۴)

لباب التاویل فی عربی شهره ۱۸۰

معانی التنزیل مفسر علاءالدین علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی معروف بن خازن متوفی بسال ۷۴۱ می باشد و چنانکه در مقدمه گوید تفسیر معالم التنزیل تألیف ظهیرالدین ابو محمد حسین بن مسعود معروف بفراء بغوی^(۲) را که از فقهاء بزرگ شافعیه و معاصر امام غزالی و متوفی بسال ۵۱۵ بوده است تلخیص و اسناد را حذف و بعضی نکات دیگر علاوه نموده است.

این مجلد از اول کلام الله تا آخر سوره هود است و آیات تماماً با جوهر سرخ نوشته شده و تاریخ کتابت که در آخر جلد دوم و خط یک نویسنده است بدین نحو می باشد.

قد من الله تعالی بالتمام هذا التفسیر علی ید افتر الخلالی
الی الله تعالی محمد الرنجاوی ابن المرحوم سلیمان البرماوی فی
رجب الفرد من شهر سنه الف و مائه و سبعه و ثلاثین .

(۱) ایکاش استخاره ای هم برای نوشتن نام خود و کتابت میکرد .

(۲) بغوی منسوب یکی از شهرهای خراسان است که میان مرو و هرات واقع است و آن را بغ و بغشور میگویند .

(٤)

لباب التاویل فی عربی شماره ۱۸۱
معانی التنزیل جلد دوم و بقیه تفسیر شماره (۱۸۰) است و از
اول سوره یوسف الی آخر کلام الله می باشد تاریخ و نام نویسنده در همان
شماره مذکور است.

(۵)

کنز العرفان عربی شماره ۹۲
فی فقه القرآن تألیف مقداد بن عبدالله بن محمد بن حسین سیوری
حلی است (سیور از دهات حله است) که از اعظم علمای امامیه و در
سال ۸۲۲ بر حیات بوده و بین الطلاب بفاضل مقداد مشهور است آیاتیکه
راجع بفقّه و احکام است از طهارت تا دیات جمع آوری و تفسیر نموده
است که این کتاب را تفسیر آیات الاحکام هم مینامند و در سال ۱۳۱۳
در تهران بچاپ رسیده صفحه اولی افتاده بعداً بخط علیجده ای نوشته
شده و در حواشی از تفسیرهای دیگر شرحهایی نوشته اند و تاریخ کتابت
ماه صفر ۹۶۵ می باشد نام نویسنده را ندارد.

(۶)

کنز العرفان فی عربی شماره ۵۶

فقه القرآن این کتاب نصف اخیر از کنز العرفان است که از مبحث الامر بالمعروف و النهی عن المنکر شروع شده و در اول کتاب از اینکه این مجلد نصف اخیر است ذکر می نشده است و از روی نسخه‌ای استنساخ شده که بخط صافی ابن ابراهیم بن محاسن الصمری در سال ۱۱۱۳ بوده و نویسنده این کتاب احمد بن حسین زنوزی است که در سال ۱۳۱۲ قمری برای آقا میرزا کاظم ولد میرزا محمد علی نوشته است سقط و غلط زیادی هم دارد.

(۷)

جوامع الجامع عربی شماره ۱۵۱

تألیف امین الدین ابوعلی فضل بن حسن طبرسی است که از اجله علمای امامیه و مؤلف مجمع البیان است و در سال ۵۴۸ وفات یافته.

چنانکه خود در مقدمه گوید بعد از اتمام مجمع البیان تفسیر دیگری موسوم به الکافی الشافی که مأخوذ از تفسیر کشاف زمخشری بوده تألیف

و بعد از آن بنا بتقاضای پسرش ابونصر حسن در سال ۵۴۲ از هردو تفسیر مجمع و الکافی تلخیصی کرده و موسوم بجوامع الجامع نموده است و مینویسد در حالی که سنین عمرم از هفتاد متجاوز بود .

این نسخه نصف اول تفسیر یعنی از اول کلام الله المجید تا آخر سوره کهف است و روی آیات جدول سرخ کشیده شده .

در حواشی کتاب مطالبی راجع بمتن عبری و فارسی نوشته اند که اغلب آنها در صحافی بریده شده و از بین رفته است .

کتاب وقتی آب افتاده و خطوط بعضی از صفحات مشوش است .

نام نویسنده امین بن رضا کاشانی است و در سال هزار و ده و اندی نوشته شده که رقم آحاد محو گردیده است .

این کتاب بیست و پنج سال قبل در طهران باطبع سنگی چاپ شده است .

~~~~~

(۸)

شماره ۱۸۱

فارسی

تفسیر

این نسخه از اول سوره مریم است تا آخر سوره

یاسین چون چند ورق از اول و آخر کتاب افتاده و جلدهای دیگر هم موجود نبود نام کتاب و مفسر معلوم نشد و آنچه از متن کتاب مشخص

است مؤلف از اهل سنت و جماعت بوده و مشرب عرفانی و تصوف داشته است و اشعار عرفانی از ملای رومی و دیگران در ضمن تفسیر زیاد آورده و عبارت کتاب بسیار شبیه عبارت کتاب خلاصه المنهج مرحوم ملا فتح الله کاشانی (متوفی ۹۸۸) میباشد که غالباً عین عبارت خلاصه المنهج است با مختصر تلخیص و تغییر.

و آیات قرآنی را با خط نسخ و ترجمه و تفسیر با خط نستعلیق نوشته و روی کلمات قرآنی خط سرخی کشیده شده.

~~~~~

(۹)

امارات الکلم الرحمنی فارسی شماره ۲۸

(کشف الایات) مؤلف سید مصطفی ابن سید محمد است و در سال ۱۱۰۴ هجری تألیف کرده و نام کتاب ماده تاریخ تألیف است و مؤلف از طرف پادشاه وقت مخاطب بمقرّب الخاقان بوده است موضوع کتاب پیدا کردن هر يك از کلمات و آیات قرآنی است قاعده استخراج و پیدا کردن کلمات را با شماره جزء و رکوع قرار داده که مینویسد در هر جزء قرآن از اجزاء سی گانه

باختلاف از شانزده تا بیست و دو رکوع هست که در بعضی قرآن‌ها
 خصوصاً خطی‌های قدیم در محل‌های رکوع و تعظیم حرف (ع) (۱)
 مینوشتند که بحساب ابجد علامت جزء را برنك سرخ و علامت رکوع
 برنك سیاه نوشته است.

و کلمات و آیات را بترتیب حروف تهجی ظاهری قرار داده
 نه اصل و جوهر کلمه را چنانکه تقرّب و نصرنا در یک ردیف **کنتم**
 و **کنز** در يك ردیف آورده است.

و کتاب بخط نسخ خوب در سال ۱۲۷۲ در مراغه نوشته شده
 و نویسنده حسن بن محمد باقر مراغه می باشد.

(۱) حرف (ع) که در حاشیه بعضی از قرآن‌ها مینویسند بعلامت عشر
 بودند مشهور است.

(۱۰)

ترجمهٔ مفتاح فارسی شماره ۱۱۲

الفلاح مفتاح الفلاح تألیف شیخ بهائی اعلی الله مقامه عربی در
اعمال شب و روز از واجب و مندوب و ادعیه مأثورهٔ وارده برای هر ساعت
از ساعت‌های روز و شب است و در شش باب بترتیب ذیل می‌باشد که شیخ
مرحوم در سال ۱۰۱۵ هجری در بلد گنجه با تمام رسانیده

باب اول در بیان اعمالی که میانهٔ طلوع صبح تا طلوع آفتاب است

باب دوم در اعمال میانهٔ طلوع آفتاب تا پیشین

باب سوم در اعمال میانهٔ ظهر تا غروب

باب چهارم در اعمال میانهٔ غروب تا وقت خواب

باب پنجم در اعمالی که از وقت خواب تا نصف شب است

باب ششم در اعمال نصف شب تا طلوع صبح

و بر مفتاح الفلاح ترجمه و شرح‌هایی نوشته‌اند که از آنجمله است

این ترجمه که از مولی جمال‌الدین محمد خوانساری معروف به آقا جمال

متوفی بسال ۱۱۲۵ می‌باشد که عبارات را کلمه بکلمه ترجمه کرده و ترجمهٔ

تمام ادعیه و آیات را با جوهر سرخ میان سطرها زیر هر کلمات عربی نوشته‌اند

و آقا جمال مقدمه‌ای از خود علاوه کرده و بنام شاه صفی نانی که

بعداً خود را شاه سایمان نامید (۱۰۷۶-۱۱۰۴) نوشته است و چنانکه

در مقدمه ذکر کرده است در متن کتاب عباراتی را تغییر نداده و اضافه ننموده است و هر چه از مسائل خلافی از اقوال علماء و سند ادعیه و عبارات دعا بنظرش مرجح آمده در حاشیه توضیح داده است

و تفسیر سورۀ فأنجه را که در آخر کتاب است ترجمه نکرده فقط ترجمۀ تحت اللفظی سورۀ را بجوهر قرمز زیر هریک از کلمات نوشته است و آنچه بنظر مترجم محتاج بشرح بوده در حاشیه ورق آخر کتاب ولی با خطوط خیلی کج و معوج نوشته اند و در آخر کتاب در دو صفحه ده آیه از قرآن مجید بعنوان (آیه های کریمه) نوشته شده

و این نسخه نام نویسنده و سال کتابت را ندارد اما از قرائن مستفاد میشود که زمان حیات مترجم نوشته شده که در آخر حاشیه ها هر کدام که از شیخ بهائی مرحوم است (شیخ رحمه الله) و هر کدام که از آقا جمال مترجم است (جم سلمه الله تعالی) مینویسد و ایضاً پشت ورق اول کتاب تاریخ تولد نوزادی را بسال ۱۱۲۰ نوشته اند

(۱۱)

الدروع الواقیه عربی شماره ۱۷

تألیف رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد الطلوس است که در سال ۶۶۴ وفات یافته و چنانکه مؤلف

در مقدمه ذکر کرده کتاب را بنام (الدروع الواقية من الاخطار فيما يعمل
مثالها کل شهر علی التکرار) نامیده و در ادعیه و روزه های مستحبه در
ایام ماه است.

کتاب در بیست فصل است که فصل ۲۱ و ۲۲ در دعای هر روز
از ماه است و فصل ۲۳ در سعد و نحس روزها است
و در فصل ۲۲ که دعای هر روز از ماه را معین نموده روایه از
سلمان فارسی يك نام فارسی برای همان روز معین میکند مثلاً برای روز
اول ماه ، روز هرمزد ، دوم ماه روز بهمن ، سوم روز اردیبهشت ،
چهارم روز شهریور ، پنجم روز اسفندار ، و هاکذا تا آخر ماه
و کتاب بخط نسخ خوب و نام کاتب عبدالرزاق میباشد تاریخ کتابت ندارد

~~~~~

(۱۴)

## فارسی پیوست شماره ۲۱۴

رساله کوچکی در تعبیر خواب و ادعیه موقع  
خواب و دعاهائی که برای رفع ترسیدن در خواب و دیدن خواب  
پریشان مجرب است و از آخرش ناقص است مؤلف و نویسنده و تاریخ  
معلوم نشد

(۱۴)

## شرح نهج البلاغه عربی شماره ۱۳۷

شارح شیخ کمال الدین میثم بن علی بن محمد بحرینی

است که از اجله علما و حکمای امامیه و مشهور بعالم ربانی بوده و در محضر خواجه نصیرالدین طوسی استفادة علوم حکمت و کلام نموده است وفات آن مرحوم در سال ۶۷۹ اتفاق افتاده و در بحرین مدفون است و این شرح را برای صاحب علاء الدین عطا ملک جوینی تألیف نموده<sup>(۱)</sup> و بعد

(۱) در تاریخ تألیف همین شرح استاد محترم آقای ابن یوسف شیرازی در صفحه ۵۲ جلد دوم نهجست کتابخانه مدرسه سپهسالار مینویسد که در سال ۶۷۷ تألیف شده ولی این نسخه که تقریباً نزدیک بعصر مؤلف و از روی خط مؤلف استنساخ شده در آخر جلد اول مینویسد

(صورة خط مصنفه)

(کاتبه مؤلفه الملتحی الی عفو الله و رحمته میثم بن علی بن میثم البحرانی بمدينة دارالاسلام حرسها الله تعالى فی الیوم السادس من ذی الحجة سنة سبعین و ستمائة والحمد لله وصلى الله على افاضل المرسلین محمد وآله)

ووافق الفراغ من کتابته علی ید العبد الفقیر الی الله حسین بن محمد بن حسن جوینانی العاملی فی ربيع الاخر سنة احدى وتسعين و ستمائة ودر آخر جلد دوم باز مینویسد

(صورة خط مصنفه)

و فرغ من کتابته احوج الخاق الی عنایة ربّه مصنفه میثم بن علی بن میثم البحرانی فی صفر من سنة اثنتین و سبعین و ستمائة و تاریخ کنایت را جمادی اولی ۷۹۱ مینویسد و با این دو فقره تاریخ صحیح و صریح معلوم است که شروع بتألیف حتماً در سال ۶۷۰ بوده است و شاید اتمام آن بسال ۶۷۷ منتهی شده است

از اتمام در دو قسمت تلخیص کرده و بشرح متوسط و شرح صغیر معروف است.  
و مؤلف را تعنیفات متعددی هست که در صفحه ۶۸۱ روضات مبسوطاً  
مندرج است

و این شرح در پنج جلد میباشد و این نسخه سه جلد اول و دوم و  
سوم بوده و از آخر جلد سوم هم ناقص است و از اول کتاب قریب بیست  
ورق بعداً نوشته شده که خط آن بقدمت خط متن کتاب نیست

اوائل خطبه‌ها با سایر عناوین با جوهر قرمز نوشته شده

نویسنده حسین بن محمد بن حسن جوای نی عاملی است و در سال ۷۹۱

در نجف اشرف نوشته است

~~~~~

(۱۴)

شرح و ترجمه
ترکی
شماره ۱۶

خطبه البیان شارح و مترجم شیخ سید حسین بن سید غیبی

است که متظاهر بمذهب اهل سنت است و خود را از اهل سلوک و صفا
میداند و خطبه البیان را اسناد بحضرت علی بن ابیطالب سلام الله علیه میدهد
و معلوم نیست مأخذ و سند آن از کجا است و مینویسد که حضرت علی
در احتجاج با معاویه از فضائل خود بدین ترتیب بیان فرموده

وخطبه را بهفتاد جمله تقسیم و هر جمله را بعنوان کلمه اول و کلمه دوم تا هفتم ذکر و هریک را بشرکی ترجمه و باخبار واحدیش که نسبت بحضرت رسول میدهد و مناسب باهمان جمله و مؤید آن است آورده و شرح مینماید

و محض اینکه خوانندگان محترم بدانند که عبارات خطبه از چه قبیل است چند جمله از خطبه را ذیلا مینگار

کلمه اول حضرتعلی بمعاویه فرمود :

انا الذی عندی مفاتیح الغیب لا یعلمها بعد محمد غیرى و انا
بکل شیئی علیم - انا ذوالقرنین المذکور فی الصحف الاولی -
انا اللّوح المحفوظ - انا حجة الذی عندی خاتم سلیمان - انا الذی
اتّولی حساب الخلائق اجمعین

انا وحی الله تعالی - انا قلب الله - و قس علیهذا

و عبارات خطبه با جوهر سرخ نوشته شده و تمام صفحات آهاری و
مجدول است کاتب مصطفی رسمی چاووش زاده است تاریخ کتابت ندارد
و زمان شارح هم معلوم نشد حاجی خلیفه در جلد اول ص ۷۱۵ کشف الظنون
مینویسد خطبة الیمان منسوبة الى علی بن ابي طالب رضی الله تعالی عنه
وهی سبعون کامة و قیل انها من المفتریات ولها شرح بانثرکة

(۱۵)

صحیفه الاعمال فارسی شماره ۹۳

تألیف حیدر بن نعمت الله طبعی است در اوقات نمازهای واجب و نمازهای مستحبی در تمام ایام هفته و ماه ها و دعای تعقیبات هر يك از آنها و همچنین در ادعیه وارده برای ایام هفته و ماه ها در تمام سال که کتاب را بیک فاتحه و سه صحیفه و خاتمه ای ترتیب داده و تاریخ اتمام تألیف آن بموجب این دو بیت است که در آخر کتاب آورده و ماده تاریخ است

شکر کز لطف ایزد متعال شد تمام این صحائف الاعمال
سال و مه روز وقت اتمامش شد رقم (صبح ثانی از شوال)
بسال ۱۰۰۶ هجری میباشد و اگر واو مشدد شوال دو واو حساب
شود هزار و دوازده خواهد بود

نام نویسنده شاه قاسم ابن مقری محمد جان و تاریخ کتابت دهم ذی الحجه

۱۰۵۲ میبایسد



(۱۶)

صحیفه سجّادیّه عربی شهره ۱۰۴

ادعیه ایست از حضرت سید الساجدین امام زین العابدین
 علیه السلام و از کتب مشهوره بین علمای امامیه است که آن را انجیل
 اهل بیت و زبور آل محمد و تالی قرآن میگویند
 و جمع آوری آن بدین ترتیب از مولی نجم الدین بهاء الشرف
 ابوالحسن بن محمد بن عمر بن یحیی العلوی است و در این نسخه در اول
 کتاب بخط نستعلیق ریز این عبارت نوشته شده

(قال عمید الرؤساء و قیل ابن السکون اعفی محمد بن السکون
 و هو من ثناء اماماء الامامیه) کذا

و صحیفه را شرح های بسیاری بر عربی و فارسی نوشته اند که صاحب
 روضات در صفحه ۱۹۸ مقداری از شروح را با اسامی شارحین ذکر کرده است
 و این نسخه مشتمل بر پنجاه و چهار دعا، و چند باب ملحقات است
 و بخط نسخ بسیار خوب نوشته شده و تمام صفحات مجدول و مایین سطور
 سطرهای سفید است که برای نوشتن ترجمه جدول کشیده اند ولی نقطه
 در چند ورق از اوایل ترجمه بعضی عبارات بر عربی و فارسی نوشته شده
 و باقی سفید است

نویسنده شیخ محمد بن محمد شریف قاری و تاریخ کتابت ۱۱۳۶ می باشد

(۱۷)

صحیفه مسجانیه عربی شماره ۴۱

مکرر قطع کوچک بغلی بخط نسخ خوب بهمان ترتیب
است که در شماره ۱۰۴ ذکر شد این نسخه یک سرلوح میناتور دارد
و تمام صفحات متن و حاشیه شده و جدولی طلایی دارد و عنوان دعاها
با جوهر قرمز نوشته شده نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد

(۱۸)

غرر الحکم و عربی شماره ۱۱۰

درر الکلم مؤلف ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد بن
عبدالواحد الآمدی است که بقول صاحب روضات الجنات معاصر با سید رضی
متوفی در سال ۴۰۶ و با سید مرتضی متوفی در ۴۳۶ بوده است
مشمول بذکر کلمات قصاری است که از حضرت امیر المؤمنین علی بن
ایطال علیه السلام میباید
مؤلف در مقدمه گوید که عمده سببی که مرا وادار بجمع و تألیف
این کتاب نمود آنستکه ابو عثمان جاحظ باینکه علامه زمان و وحید

اقران و بعد نزدیک بود کلمات آنحضرت را محدود در صد کلمه کرده و از این همه کلمات بی شمار بنقل اندکی قناعت ورزیده و من باعد استطاعت و لیاقت آنچه میسر بود از مواظظ و حکم و کلمات آنحضرت بدست آورده و با حذف اسناد ثبت کردم که باز بمثابه قطره ای از دریا و مشتی از خرمن است و آنها را به بیست و نه باب بترتیب حروف تهجی از اول کلمات تقسیم و حروفات را هم با تعیین هر یک مبوب و مرتب ساخته مثلاً در حرف الف : (ما او ال انور یف) کلماتیکه اول آن الف و لام تعریف دارد در این فصل است و این فصل قریب به پنجاه صفحه است و بعد از آن باز در حرف الف (ما جاء فی اوله ان) و همین چنین (ما جاء فی اوله ان) یا (الا) یا (این) یا (اذ) یا (ایاک) و قس علیهذا تا آخر حروف نام کاتب و تاریخ کتابت را ندارد و باینکه مؤلف در اول کتاب میگوید : و سمیته غرر الحکم و در الکلام نویسنده کتاب در آخر نوشته اسم کتابه هذه الرسالة الموسومة بالدرر المکنون من کلام امیر المؤمنین .. که اشتباه کاتب است.

و در آخر کتاب دو رساله بخط همین نویسنده است که اولی باز کلمات قصار حضرت امیر است بترتیب حروف تهجی و در هر حرفی ده فقره از کلمات موعظه و حکم و در نه صفحه است

دومی در بیست و سه صفحه شامل اشعار منسوب بد آنحضرت و مکتوبی که بسهل بن خنیف عامل خود در بصره نوشته و وصایائی که بحضرت

امام حسن علیه السلام فرموده‌اند می‌باشد و محتمل است که از همان مؤلف غرر و درر مذکور در فوق باشد و غرر و درر را مولای عبدالکریم بن محمد بن یحیی القزوینی در زمان شاه سلطان حسین صفوی در چند مجلد ترجمه و شرح بفارسی نموده و نظم الغرر و نضد الدرر نامیده که جلد دوم آن بخط محمد صالح قزوینی که از خطاطان است و بسال ۱۱۱۴ نوشته نزد نگارنده موجود است و این غرر و درر است که سید مرتضی علم الهدی اعلی الله مقامه در ادب و تفسیر و حدیث تألیف کرده است

(۱۹)

مرقع

شماره ۲۰۳

مرقع جلد مخملی که بعد از اسامی مبارکه چهارده معصوم دعای (یا من اظهر الجمیل) بخط نسخ بسیار خوب خوشنویس مشهور میرزا محمد علی پسر میرزا شفیع خوشنویس تبریزی است و صفحات تماماً تذهیب کاری و میان سطور طلا اندازی خیای زیبائی شده است

و در سال ۱۲۹۶ برای امین لشکر (۱) که آنوقت در تبریز پیشکار عزیز خان سردار و وزیر مالیه آذربایجان بود نوشته

(۱) میرزا قهرمان امین لشکر شخص سخی و بدال و از منتسبین عزیز خان سردار کل رئیس لشکر و والی آذربایجان بوده است و شرح حال میرزا قهرمان در صفحه ۱۰۴ تاریخ تبریز تألیف نادر میرزا مندرج است

میباشد دامنگار ایشان و بسنج و طبعی
 جوادشان بجزیر شمع ابر استخاسته و بجز
 عطارد عاکی بان را ملجاء و پناه و در فاند کار
 امیدگاه خدای نادان چون میباشد از این
 مکار و فریب کار شمع و طبع و مکار
 دامنگار می خود و خط و آویز و آویز
 در این مکار و فریب کار و شمع
 کتب العبد المذنب الشیخی ابن صبر الشیخ
 خوشنویس محمد علی الشیرازی

(۲۰)

نخبة الاعمال فارسی شماره ۷۴

در ادعیه و اعمال روزهای سال است که ابتدا از
 غرة ماه محرم کرده تا آخر ذی الحجه و در کاغذ ترمه و بخط بسیار
 خوب و عناوین با جوهر سرخ نوشته و تمام صفحات جدول طلا کشیده
 و میان سطور دو برك اولی طلا اندازی شده است
 و در اول کتاب که کمی محو شده این عبارت خوانده میشود (عمل
 السنه فاضل طبرسی)

و در دو صفحه در اول کتاب جدولهای مربع با جوهر قرمز کشیده
 و فهرست محتویات کتاب نوشته شده و در آخر کتاب با جوهر سرخ مینویسد
 (حرره فی مشهد علی علیه السلام من شهر رمضان المبارک من
 سنة ۱۴۶۷ من الهجرة النبویه) و کاتب نام خود را نوشته

(۲۱)

نهج البلاغه عربی شماره ۱۷۸

خطبه ها و مواعظ منسوب بحضرت امیر مؤمنان
 علیه السلام است که مشهور و معروف و مستغنی از هر گونه تعریف و توصیف
 است که آنرا اخ القرآن و تالی القرآن گفته و مادون کلام خالق و مافوق

سخن مخلوق مینویسند

و ابوالحسن محمد بن طاهر موسوی معروف بسید رضی شریف
متوفی در سال (۴۰۴) جمع آوری کرده است و از علمای امامیه و
علمای اهل سنت بعربی و فارسی قریب به پنجاه شرح بر نهج البلاغه
نوشته اند که مشهور آنها شرح ابن ابی الحدید و شرح راوندی و شرح
شیخ محمد عبده میباشد

و این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و صفحات تماماً مجدول
است و در حاشیه ها ترجمه و شرح بعضی عبارات را بعربی و فارسی نوشته اند
و تاریخ جمع آوری در آخر کتاب چهار صد هجری معین شده
و در آخر کتاب در پنج و شش ورق اشعاری از دیوان منسوب
بآنحضرت نوشته اند.

نویسنده علی اکبر بن مشهدی معصومعلی بخشایشی است و در سال

۱۲۵۹ نگاشته است.



فقه و اصول

(۲۲)

ارشاد الانهان عربی شماره ۱۳۸

الی احکام الایمان مؤلف آن جمال الدین ابو منصور حسن بن یوسف ابن علی بن مطهر حلی متوفی بسال ۷۲۶ میباشد که مشهور بعلمه حلی است و مؤلفاتش در غایت اعتبار و مورد توجه و استفادۀ عموم علمای امامیه است و تألیفات او بمقداری بوده که مینویسند بعدد ایام عمرش بهر روزی هزار بیت رسیده و صاحب مجمع البحرین در ماده علم میگوید که تألیفات علمه تا پانصد جلد بخط خودش دیده شده ولی خود آن بزرگوار در کتاب خلاصه الاقوال فی علم الرجال در شرح حال خود اسامی هفتاد و پنج مجموعه از تألیفات خود را نوشته که بعضی از آنها در چند مجلد است و سلطان محمد خدا بنده (اولجایتو) از سلاطین مغول (۷۰۴ - ۷۱۶) بارشاد آنجناب متابعت مذهب امامیه نموده و امر کرد اسامی چهارده معصوم را در سکه درهم و دینار نقش زدند و مناظره آن بزرگوار با علمای عامه در مجلس خدا بنده مشهور و در روضات و ریاض الجنه زنوزی و قصص العلماء و مجالس المؤمنین مسطور است

و در هفتاد و هفت سالگی در شهر حله وفات یافته و در نجف اشرف مدفون است

و ارشاد الاذهان حاوی مسائل فقه از طهارت تا دیات میباشد که شروح زیادی بر این کتاب نوشته اند و آقای جواهر کلام در فهرست کتابخانه معارف بیست و یک شرح را با نام مؤلفین آنها ذکر کرده است

و علامه مرحوم این کتاب را برای فرزند خود فخرالدین محمد در سال ۶۹۶ تألیف نموده است که در مقدمه و آخر کتاب تصریح شده است نام کاتب عبد الغنی بن حاجی شعبان تونی است و تاریخ کتابت ۱۰۸۲ میباشد

(۲۳)

الاستبصار فیها مختلف عربی شماره ۱۷۹

من الاخبار استبصار تألیف ابو جعفر محمد بن علی مشهور بشیخ طوسی و شیخ الطائفه اعلی الله مقامه و متوفی بسال ۴۶۰ میباشد و از کتب اربعه مشهوره در احادیث و اخبار است که مدرک و مأخذ عموم علمای امامیه است

کتاب استبصار چنانکه در آخر کتاب اشاره شده سه جزء است و جزء

در عبادات و جزء سوم در معاملات و سایر مسائل فقهیه

و در آخر کتاب مصنف اسانید روایات را که در این نسخه در پنج صفحه است نوشته و در هر جزء چند باب و چند حدیث است معین کرده که کلیه کتاب نهصد و بیست و پنج باب، و پنجهزار و پانصد و یازده حدیث است و مینویسد (حصرتها لئلا يقع فیها زیادة او نقصان)

و شروح و تعلیقات زیادی بر آن نوشته اند که در صفحه ۱۵ و ۱۶ جلد دوم الذریعه مذکور است و کتاب استبصار مکرر چاپ شده است و این نسخه بخط خوب و بابها و عنوانها با جوهر سرخ نوشته شده

نویسنده محمد امین خوانساری و تاریخ کتابت ۱۰۸۵ می باشد

(۲۴)

الاصلاح و فيه الفوز عربی شماره ۷۳

و الفلاح تألیف آقای سید محمد بن امیر سید علی طباطبائی

معروف بمجاهد که در جنگ فتحعلی شاه باروسیه حکم جهاد داده و خود با جمعی از علماء به همراه لشکر میرفتند بعد از شکست لشکر فتحعلی شاه سید مرحوم بقزوین عودت نموده و در همان سال (۱۲۴۲) وفات یافت

و کتاب بطریق رسالۀ عملیہ نوشتہ شدہ کہ مقدمہ در کیفیت و مسائل تقلید و باب اول در مسائل طہارت و باب دوم در احکام نماز و سوم در مباحث روزہ است و مقداری از باب سوم و بقیہ کتاب از این نسخہ ناقص است نام نویسندہ و تاریخ کتابت را ندارد .

(۴۵)

کتابی در اصول عربی شماره ۱۹۹

فقه عامہ شرحی است در اصول فقه عامہ و محتمل است کہ در مذہب مالکی باشد چون چند ورق از اول کتاب افتادہ و در آخر ہم ذکر نشدہ و از متن کتاب ہر چہ مطالعہ و تفحص شد نامی از مؤلف و شارح بدست نیامد عبارات متن در بالای صفحہ ہا نوشتہ شدہ و بنظر میآید کہ مجلدہای دیگری ہم داشتہ است .

کاتب دوست محمد بن محمد تقی خسرو جردی و تاریخ کتابت شہر مجرم ۱۰۵۷ میباشد و کاتب بعد از تاریخ مینویسد (در حین کتابت ہوا بمرتبہ سرد بود کہ رنگ را از مرکب زایل میساخت تا باصابع کہ محل کتابت است چہ رسد)

(۲۶)

الفیه شهید در واجبات نماز عربی ضمیمه ۲۵۱

مؤلف شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی است که در سال ۷۸۶ در دمشق مصلوباً شهید شده و بشهید اول معروف و صاحب تألیفات عدیده و معتبره است

کتاب الفیه مشتمل بر هزار مسئله در واجبات نماز است که بدینمناسبت آنرا به الفیه موسوم ساخته و شرحهایی بر آن نوشته اند نام نویسنده محمد مؤمن بن مرتضی و تاریخ کتابت ۱۰۰۷ هجری است

(۲۷)

برات النجاة فارسی شماره ۵۸

تألیف مولا محمد علی رشتی ملقب به بهشتی است که از فتواهای استادش آقا سید علی جمع آوری کرده و در سال ۱۲۲۱ هجری بر حیات بوده و این کتاب قسمت دوم از شطر اول کتاب برات النجاة و در مسائل طهارت و نماز و روزه است

نویسنده میر محمد علی بن حاجی میر مهدی عطار تاریخ کتابت ۱۲۲۱ مییاشد.

(۲۸)

بغیة الطالب فی معرفة
عربی شماره ۲۵۲

المفروض والواجب مؤلف شیخ جعفر بن شیخ خضر جناحی
نحوی صاحب کتاب (کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء) متوفی در
سال ۱۲۲۷ میباید و پسرش شیخ موسی متوفی بسال ۱۲۴۲ کتاب
مزبور را در دو جلد شرح کرده و موسوم به (منیة الراغب فی شرح
بغیة الطالب) است و این نسخه از ابتداء طهارت تا آخر صلوٰة میباشد
و پسر بزرگش شیخ حسن تکمله ای در احکام صوم و اعتکاف نوشته و بدان
ملحق کرده است

و بخط نسخ بدی در سال ۱۲۴۲ نوشته شده و بعضی صفحات آب
دیده و محو گردیده است و در بعضی جاها در متن عبارات را قلم کشیده
و در حاشیه تصحیح کرده اند.

(۲۹)

بغیة الطالب فی معرفة
عربی شماره ۲۷

المفروض والواجب همان کتاب

این نسخه بخط نسخ خوانا است تاریخ کتابت و نام نویسنده را ندارد
در پشت ورق آخر کتاب تاریخ تولد نوزادی بسال ۱۲۴۶ نوشته شده

(۳۰)

تعلیق به شرح لمعه عربی شماره ۱۰۲

متن لمعه از شهید اول محمد بن جمال الدین مکی
مقتول بسال ۷۸۶ و شرح مشهور آن الروضة البهیة تألیف شهید ثانی
زین الدین علی بن احمد عاملی مقتول بسال ۹۶۶ میباشد که حواشی و
تعلیقات زیادی بر آن شرح نوشته اند که از آن جمله همین تعلیق
است که از شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین عاملی متوفی بسال
۱۱۰۴ میباشد که نبیره شهید ثانی است

و این نسخه از اول کتاب جهاد است تا آخر کتاب دیات و تمام
فصول و ابواب و کلمات (قوله) باجوهر سرخ نوشته شده و چنانکه مؤلف
در آخر کتاب ذکر مینماید در ماه جمادی الاخره سال ۱۰۷۵ باتمام رسانیده
نام نویسنده میرزا بابا بن عبدالرسول و تاریخ کتابت ۱۱۸۶ میباشد

~~~~~

(۳۱)

## التلویح فی کشف عربی شماره ۱۹۸

حقائق التنقیح مؤلف تنقیح الاصول صدر الشریعه عیدالله بن  
مسعود بخاری حنفی است که در سال ۷۴۷ در گذشته و چون موجز بوده  
خود شرحی کرده و (التوضیح فی حلّ غوامض التنقیح) نامیده



و سعد الدین مسعود بن عمر تفتازانی شافعی متوفی بسال ۷۹۲  
 شرح مبسوطی بر همان کتاب نوشته است موسوم به ( التلویح فی کشف  
 حقایق التتبیح ) ( همین کتاب ) و در سال ۷۵۸ در ترکستان از تألیف  
 آن فارغ شده و کتاب او خیلی اشتهار و مقبولیت عامه پیدا کرده  
 و حواشی و تعلیقات بسیاری بر آن نوشته اند که بطور تفصیل در  
 صفحه ۴۹۶ تا ۴۹۹ کشف الظنون ( چاپ جدید ) ضبط است  
 و این نسخه به چند خط نستعلیق و نسخ خوب و بد نوشته شده که  
 نام نویسنده در آخر کتاب محمد بن کافی بن علی است و در سال ۸۲۹  
 در هرات نوشته است و عناوین باجوهر قرمز است .  
 و کتاب آب افتاده که خط نصف صفحات از اول کتاب مغشوش  
 و در بعضی صفحات محو شده است

(۴۲)

## تهذیب الاحکام عربی شماره ۱۲۹

تألیف شیخ ابوجعفر محمد بن علی معروف بشیخ  
 طوسی و شیخ الطائفه اعلی الله مقامه است که در سال ۴۶۰ وفات یافته  
 و در نجف مدفون است

کتاب تهذیب مثل کتاب استبصار که تألیف دیگر همین مؤلف

است از کتب چهار گانه مشهور است که مورد توجه و مستند عموم  
 علمای ائمه است و این کتاب را قبل از کتاب استبصار تألیف نموده  
 و چنانکه خود در اول کتاب ذکر مینماید تهذیب تقریباً شرحی  
 است بر رساله مقننه تألیف شیخ مفید اعلی الله مقامه (۴۱۳) که استاد  
 مؤلف بوده و کتاب را در حال حیات شیخ مفید مرحوم شروع بتألیف کرده  
 که در جاهای بسیاری از کتاب نام مرحوم شیخ را بادعای ائمه الله ذکر میکند  
 و مرحوم شیخ طوسی را تألیفات متعددی است که اسامی و موضوع  
 آنها در کتاب لؤلؤة البحرین شیخ یوسف بحرانی و روضات الجنات صفحه  
 ۵۸۰ تا ۵۹۱ مذکور است کتاب تهذیب در هفت جزء است  
 جزء اول در طهارت و صلوة ، دوم کتاب زکوة ، سوم کتاب صوم ،  
 چهارم کتاب حج ، پنجم در زیارات و جهاد و تجارت و نکاح ، ششم در  
 در طلاق و عتیق و نذر ، هفتم در حدود و دیات ،  
 و شروح و حواشی بسیاری بر تهذیب نوشته اند که استاد محترم شیخ  
 آقا بزرگ طهرانی سلمه الله تعالی در صفحه ۵۰۶ جلد چهارم الذریعه  
 پانزده شرح و بیست حاشیه را با مؤلفین آنها نام میبرد  
 و این نسخه باقطع بزرگ و خط نسخ و حواشی زیاد مشتمل بر چهار  
 جزء از کتاب است که در آخر کتاب مینویسد  
 ( تم الجزء الرابع من کتاب تهذیب الاحکام و يتلوه الخامس  
 کتاب الزیارات )

و تمام فصول و عناوین و اسامی روات با جوهر سرخ نگاشته شده  
نویسنده گل محمد بن ملا خان محمد گـوکانی و تاریخ کتابت

۱۰۸۶ می باشد

گوشه کتاب آب افتاده ولی بعبارات متن چندان عیبی نرسیده است

(۴۳)

جامع الفوائد فی  
عربی شماره ۱۱۲

تکمله شرح القواعد قواعد الاحکام تألیف حسن بن مطهر  
معروف بعلامه حلّی متوفی بسال ۷۲۶ اعلی الله مقامه می باشد و در سال  
۶۹۹ از تألیف آن فارغ شده

شرح القواعد از شیخ نورالدین ابوالحسن علی بن حسین بن عبدالعالی  
کرکی متوفی بسال ۹۴۰ است که تا اوایل کتاب نکاح شرح نوشته است  
و جامع الفوائد ( همین نسخه ) که در تکمیل همان شرح و از مبحث  
تفویض مهر از کتاب نکاح تا آخر مبحث ظهار است از ملا عبداللّه  
شوشتری است که از اجلّه علما و ازهد ناس در عهد خود و مورد توجه  
و احترام شاه عباس کبیر بوده است که صاحب روضات می نویسد در وفات  
او که ماه محرم هزار و بیست و یک هجری در اصفهان اتفاق افتاد قریب  
یکصد هزار کس در نماز او حاضر بوده اند و این تکمله را در سال ۱۰۰۴  
باتمام رسانیده

و این نسخه بخط نستعلیق خیلی ریز است چون آخر کتاب ناقص و سفید مانده نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد ولی در سالهایی نوشته شده که مؤلف بر حیات بوده است که در پشت ورق اول کتاب پنجم که کتاب فراق و در طلاق است بهمان خط کتاب چنین نوشته شده  
(المجلد الخامس من جامع الفوائد فی تکملة شرح القواعد للمولی العالم . . . . مولانا عبدالله الشوشتری حفظه الله تعالى عن نواب الزمان و زید عمره . . . .)  
و در آخر اغلب حواشی هم مینویسد ( بخطه الشریف مدّ ظله یا سلمه الله )  
و این نسخه از کتابهای وقفی ملا ملک علی شیرازی است که در پشت ورق اول نوشته و مهر شده است و این نویسنده وقف نامه نیز از نوشتن تاریخ مضایقه کرده است .



(۴۴)

جامع المقاصد فی عربی - شماره ۱۵۰  
شرح قواعد الاحکام مؤلف، قواعد الاحکام جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی است که در سال ۷۲۶ وفات یافته و از اجله علمای امامیه است که سلطان محمد خدا بنده (او اچایتو) از سلاطین مغول بارشاد او مذهب شیعه را اختیار نمود و قواعد را که در رؤس

مطالب فقهی است در سال ۶۹۹ تألیف کرده

شروح و حواشی بسیاری بر قواعد نوشته‌اند که آقای جواهر کلام در صفحه ۹۴ جلد اول فهرست کتابخانه معارف نام هفده شرح را با مؤلفان آنها ذکر کرده است

جامع المقاصد (همین کتاب) یکی از آن شرح‌ها است که محقق ثانی (۱) علی بن بن حسین بن عبد العالی کرکی (۲) متوفی بسال ۹۴۰ شرح و در سال ۹۳۵ از تألیف آن فراغت یافته

محقق ثانی را شاه طهماسب اول از جیل عامل دعوت کرده و پس از ورود مشارالیه شاه طهماسب در تبریز او بغایت کوشیده تا جائیکه بمحقق گفت چون امروز تو نایب امامی لذا بسلطنت اولی‌تر و سزاوارتری اینک من تمام امور سلطنت را بتو تفویض نموده و خود نیابتاً بداره امور اقدام خواهم کرد

و در اینخصوص فرمان مفصلی بکلیه قلمرو سلطنتی صادر کرد (۳) و محقق را بفرمان روائی معرفی نمود و محقق بولایات دستور داد که مخالفین را هر جا هست بیرون کنند و در هر شهر و دهی پیشنمازی معین

(۱) محقق اول جعفر بن ابی زکریا بن یحیی بن حسن حلی است که بمحقق مطلق مشهور بوده و در سال ۶۷۶ وفات یافته

(۲) کرک از قراء جبل عامل و نزدیکی جبع است

(۳) این فرمان را اگرچه از اول و آخرش انداخته صاحب روضات در صفحه ۵۴ جلد سوم درج نموده است

نمایند که نماز بجماعت کرده واحکام دینی بمردم تعلیم نماید و برای خراج و وقت آن ترتیباتی قرار داد و منهیات شرعیّه را بکلی بقدغن و ممنوع نمود

و مینویسد مولانا محقق پیاده یا سواره هر جا میرفت جمعی در اطراف او میرفتند که مخالفین را آشکار سب و لعن میکردند (۱) و سید جزایری میگوید بعضی از علمای شیعه که در مکه بودند بدین عمل محقق سخت اعتراض کردند

و این نسخه از مجلدات جامع المقاصد و ناقص است که اول کتاب کتاب الامانات است که مقصد و دیعه، و مقصد عاریه، و مقصد لقطه، و مقصد جعاله، در این کتابست بعد کتاب الغصب است که ناقص است و یک ورق سفید مانده و باقی از جلد دیگر منضم باین کتاب شده که در مبطالات روزه و مسائل قضاء و کفاره آن است که آخرش هم افتاده است

نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد

آغاز قوله کتاب الامانات و توابعها

انجام مع انتفاء النص علی تقدیم بعضها علی بعض و من سبق تعلّق

(۱) صاحب قصص در این موضوع مینویسد که جوانها در اطراف او میرفتند و سب و لعن میکردند بعقیده نگارنده سبّ را شباب خوانده که صاحب روضات مینویسد ولا یعضی الی موضع الا والسبّ یمشی فی رکابه مجاهرأ بلعن . . . و شیخ یوسف بحرانی در لؤلؤة البحرین بعد از ذکر این حکایت سبّ و لعن آشکار مینویسد اگر این نقل از شیخ مذکور صحیح باشد خلاف اخبار وارده از ائمه علیهم السلام است و غفلتی است که از شیخ واقع شده

(۳۵)

## جامع المقاصد عربی شماره ۱۵۴

همان کتاب ، و این نسخه از مقصد ثالث شروع میشود که بعد از آن ( کتاب الاجاره ) است و چند ورقی از آخر کتاب افتاده است و باقی تا آخر کتاب بدین ترتیب است

المقصد السادس فی الوکاله ، المقصد السابع فی السبق والرّمایه ، کتاب الوقف ، المقصد الاول الوقف ، المقصد الثانی فی السکنی والصدقه و الهبه ،

و در سال ۱۲۴۵ نوشته شده نام نویسنده را ندارد

(۳۶)

## حاشیه بر ارشاد عربی شماره ۳۶

الاذهان ارشاد الاذهان تألیف علامه حلی حسن بن مطهر

متوفی بسال ۷۲۶ و از کتب بسیار معتبر میباشد که بشماره ۱۳۸ در همین کتابخانه موجود و در صفحه ۲۳ ذکری از آن شده است تعلیقات و حواشی زیادی بر آن نوشته اند که از آن جمله همین حاشیه است که از محقق ثانی نور الدین ابو الحسن علی بن حسین بن عبد العالی کرکی متوفی بسال ۹۴۰ میباشد و این حاشیه از کتاب طهارت تا آخر کتاب تجارت است

و بقطع كوچك بغلی و بخط نستعلیق ریز ولی خوانا است و کلمات  
( قوله ) تماماً با مرگب سرخ نوشته و روی عبارات متن جدول سرخ  
کشیده شده و ورق اول بخط نسخ و نونویس است  
تاریخ کتابت رجب ۱۱۱۴ نویسنده نام خود را ننوشته

~~~~~

(۳۷)

حاشیه بر رسائل فارسی شماره ۲۱۹

مؤلف رسائل شیخ مرتضی انصاری ششتری
دزفولی اعلی الله مقامه است که در سال ۱۲۸۱ قمری در نجف وفات یافته
و رساله های مختلف از تألیفات آن مرحوم که موسوم بفرائد الاصول و
معروف بر رسائل است بارها چاپ شده و مورد بحث و تدریس است

و این نسخه حاشیه ایست بر مبحث حجیت قطع و حجیت ظن همان
کتاب از تألیفات مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی اعلی الله مقامه که
در سال ۱۳۰۲ از تألیف آن فارغ شده

کاتب محمد مهدی ابن علی اکبر زرقانی شیرازی است و بسال ۱۳۱۴
قمری در نجف نوشته است

و روی عبارات متن جدول سرخ کشیده شده

(۳۸)

حاشیه بر قوانین عربی شماره ۵۵

الاصول مؤلف قوانین الاصول مرحوم میرزا ابوالقاسم بن حسن قمی اعلی الله مقامه میباشد که معروف بمیرزای قمی است و در سال ۱۲۳۱ وفات یافته

مؤلف کتابرا (القوانین المحکمه) نامیده ولی بقوانین الاصول مشهور است و طرف توجه علمای امامت است و بین طلاب علوم دینی شهرتی بسزا دارد و مکرر بچاپ رسیده

و حواشی و تعلیقات زیادی بر آن نوشته اند که آقای جواهر کلام در فهرست کتب خطی کتابخانه معارف جلد ۱ ص ۱۰۶ از بیست و دو شرح و شارح نام میبرد که یکی از آنها همین کتاب است که مولی سید آقا قزوینی نوشته است و در اول کتاب سید محمد نام تبریزی که شاگرد همین مولا سید آقا قزوینی بوده است بسال ۱۳۱۵ نام مؤلف کتابرا با القاب زیاد و دعای (مدظله) مینویسد که بنا براین مولی سید آقا قزوینی در سال ۱۳۱۵ قمری بر حیات بوده است

و این حاشیه مشتمل بر دو مبحث از مقدمه قوانین الاصول است که مبحث تعریف اصول فقه و مبحث بیان حقیقت و مجاز میباشد

و کتاب بخط نستعلیق خوانا است، عبارات متن بخط نسخ نوشته و روی آنها جدول کشیده شده و نام کاتب و تاریخ کتابت را ندارد

(۳۹)

حاشیه ملا میرزا جان عربی شماره ۹۷۰
 بر شرح مختصر عضدی مختصر الاصول تألیف ابن حاجب و
 شرح آن از عضدی که در ذکر کتاب شرح عضدی شماره (۱۰۷) معرفی
 از آن شده

و این حاشیه از مولی حبیب الله باغ نوی شیرازی مشهور بملا میرزا جان
 است که وفات ویرا کشف الظنون ج ۲ ص ۱۸۵۳ بسال ۹۹۴ نوشته ولی
 مؤلف فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار ج ۱ ص ۵۷۳ و تحفه الاحباب
 ص ۲۵۲ در سال ۹۰۲ نوشته اند چون معاصر با مولی جلال الدین
 دوانی بوده است و دوانی در سال ۹۰۸ وفات یافته چنین بنظر میرسد
 که سال ۹۰۲ صحیح است و آقا جمال خوانساری متوفی بسال ۱۱۲۵
 و چند نفر دیگر از علماء حاشیه و تعلیقاتی بر همین شرح عضدی نوشته اند (۱)
 و این کتاب بخط نستعلیق شکسته آمیز و بسیار ریز نوشته شده
 تاریخ کتابت ۱۰۶۶ می باشد.

(۱) این تعیین را جناب آقای میرزا محمد علی مدرس خیابانی سلمه الله تعالی فرموده اند

(۴۰)

رساله‌های آقای عربی شماره ۲۲۱

بهبهانی دوازده رساله مختصری است از مولی محمد باقر ابن محمد اکمل اصفهانی بهبهانی معروف به آقای بهبهانی که از فحول علما و مجتهدین عصر خود بوده و بسال ۱۲۰۸ وفات یافته است و شرح حال و تألیفات او در صفحه ۱۲۳ روضات مذکور است

و این رساله‌ها در موضوعات مختلفه در مباحث اصول، در استصحاب و برائت، و تقلید مجتهد میت، و حاشیه بر ذخیره و مباحثه میرزا محمد علی نامی با اشاعره که آقای بهبهانی جواب نوشته، و در اجتهاد و تقلید میباید و این آخری چنانکه در متن ذکر شده در سال ۱۱۵۵ تألیف شده است و تمام عربی است و مرحوم بهبهانی تألیفاتی بفارسی هم دارد نویسنده محمد رضی بن حسن ربیعی است و تاریخ کتابت ۱۲۴۲

(۴۱)

رساله فی الاجتهاد عربی شماره ۲۲۶۵

والاخبار تألیف مولی محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی معروف به آقا باقر بهبهانی که در صفحه ۴۰ شماره ۲۳۱ معرفی شد

و این کتاب را درروضات چنین نام میبرد و منها رساله فی الاجتهاد
والاخبار وما يتعلق بهما و رفع الشبهات الواردة فیها
و این نسخه بخط نستعلیق ریز نوشته شده و تاریخ تألیف آن
چنانکه در آخر کتاب تصریح شده سال ۱۱۵۵ می باشد .
نام نویسنده و تاریخ کتابت نوشته نشده

(۴۲)

رساله فی الارث عربی شماره ۷۹

رساله ایست درمسائل ارث تألیف علی بن نصرالله اللیشی الجزایری
که از شاگردان شیخ بهائی مرحوم بوده است و چند ورقی از آخر کتاب
افتاده که نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد اولش
الحمد لله الذی برء الانام و خصهم بالاکرام و دعاهم الی
دارالسلام و اورث العلماء انبیاء الکرام می باشد

(۴۳)

رساله ای درخیارات عربی شماره ۲۵۸

رساله کوچکی است درخیاراتی که باعث فسخ عقد درمعاملات میشود
مثل خیار مجلس ، و خیار غبن ، و خیار رؤیت ، و خیار بروز عیب

وخیار سه روز در بیع و شرای چهار پایان چون اول رساله افتاده مؤلف
معلوم نشد نویسنده نام خود را ننوشته
و تاریخ کتابت ۱۲۴۳ مییاشد

(۴۴)

رساله رضاعیه فارسی پیوست شماره ۸۰

رساله ایست در مسئله رضاع بفارسی در هشت صفحه که از مؤلف
و نویسنده نامی داده نشده و تاریخ کتابت هم ندارد .

(۴۵)

رساله ای در طهارت فارسی شماره ۳۹

و صلوٰة رساله ایست در طهارت و صلوٰة که مولی میرزا
حسن معروف بگوهر عربی نوشته و مولی محمد حسین علی اکبر کرمانی
ملقب بمحیط در حال حیات مؤلف ترجمه بفارسی کرده است
نام نویسنده و تاریخ کتابت نوشته نشده

(۴۶)

رساله‌ای در مسائل عربی شماره ۲۵۹

نکاح رساله کوچکی است در تحقیق بعضی از مسائل نکاح که بین علماء در آن مسئله‌ها اختلاف و تشاجری هست و مؤلف نام خود را در مقدمه حسن بن محمد علی معرفّی کرده و تاریخ تألیف آن ۱۲۳۹ هجری است

نویسنده علینقی بن محمد حسین خادم آستانه رضویه است و بخط نستعلیق شکسته آمیز بسیار خوب در سال ۱۳۴۱ در طهران نوشته شده

(۴۷)

رساله‌ای در وجوب نماز عربی شماره ۳۴

نماز جمعه مؤلف مولی محمد باقر بن محمد مؤمن خراسانی معروف بمحقق سبزواری است که از علماء مبرز و از حکماء و متکلمین و از شاگردان شیخ بهائی مرحوم بوده و بسال ۱۰۹۰ در اصفهان در گذشته محقق مزبور در زمان شاه عباس ثانی باصفهان آمده و خلیفه سلطان او را شیخ الاسلام و امام جمعه اصفهان معین نموده و تدریس مدرسه ملا عبداللّه شوشتری بوی مفعّوض گردید و این منصب و مقام تامدنی در

اعقاب او باقی بود

و با مولانا محمد محسن فیض کاشانی معاصر و دوست بوده اند و باهمه این چون اختلاف مشرب و سلیقه باهم داشته اند ردّ بر بعضی از رساله های فیض مرحوم در حرمت غنا، و غیره نوشته است و همچنین با شیخ علی کرکی معارضه و مخالفت هایی داشته اند و بعضی از فتاوی کرکی را ردّ نوشته است که بعضی از متأخرین ایرادهای محقق را وارد ندانسته اند و محقق سبزواری صاحب تألیفات عدیده عبری و فارسی است که از آنجمله است ذخیره المعاد فی شرح الارشاد که شرح بر ارشاد علامه است. و کفایة الفقه، و رسائلی در وجوب نماز جمعه عبری و فارسی (که یکی از آنها همین کتاب است) و مفاتیح النجاة بفارسی و رساله های در تحریم غناء و غیره

و در تاریخ وفات محقق مزبور گفته اند (شد شریعت بی سرو افتاد از ۱۰۹۰
یا اجتهاد) نویسنده نام خود را در آخر رساله دوم که باین رساله در يك مجلد است محمد علی بن میر سعدالدین حسینی نوشته است
و تاریخ کتابت ۱۱۲۸ می باشد.

(۴۸)

رساله‌ای در وجوب عربی ضمیمه شماره ۲۴

نماز جمعه رساله ایست در وجوب نماز جمعه از مولی محمد بن عبدالفتاح تنکابنی که از شاگردان محقق سبزواری است و اجازه از معظم له دارد و در سال ۱۱۰۶ تألیف کرده است

و میرزا محمد تنکابنی صاحب قصص العلماء مینویسد محمد بن عبدالفتاح از اهالی سراب که یکی از قراء بیلاقی تنکابن است میباشد و نام او در کتب علمیه و کتب اجازات مذکور است

و در این رساله اخبار و احادیثی را جمع کرده که دالّ بر این است که نماز جمعه واجب عینی است نه تخییری

و این رساله بارساله محقق سبزواری در یک مجلد و هر دو وقف است کاتب محمد علی بن میر سعد الدین حسینی است و در سال ۱۱۲۸

نوشته شده

~~~~~

(۴۹)

## روضه کافی عربی شماره ۱۰۸

کتاب کافی تألیف نفع الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی است که در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ وفات یافته (و در آن سال تناثر نجوم



هم واقع شده است) و از کتب اربعه معتبره مشهوره میباشد، و در سه قسمت است اصول - فروع - روضه - (۱)

و این هر سه قسمت مکرر چاپ شده و شروحن بر آنها نوشته اند و این نسخه قسمت اخیر و روضه کافی است که در سال ۱۰۹۱ باخط نسخ خوب و خوانا و خیلی کم غلط نوشته شده

نام نویسنده را محو و سیاه کرده اند و علی اکبر خوانده میشود

~~~~~

(۵۰)

زبدۃ الاصول عربی شماره ۳۰

تألیف شیخ بهائی علیه الرحمه متوفی (۱۰۳۱)

عربی در علم اصول و در پنج منهج است که هر منهج در چند فصل و چند مطلب است

منهج اول فی المقدمات منهج دوم فی الادله الشرعیه
منهج سوم فی مشترکات الكتاب والسنة منهج چهارم فی الاجتهاد
والتقليد منهج پنجم فی الترجیحات

کتاب نام خود را نوشته تاریخ کتابت ۱۲۵۶ میباشد و بخط نسخ خوبی نوشته شده

(۱) بعضی از علما احتمال داده اند که کتاب روضه از مرحوم کلینی نباشد اگرچه آقای ابن یوسف شیرازی چنانکه در حاشیه صفحه ۸۸ جلد اول فهرست کتابخانه مسجد سپهسالار نوشته اند این احتمال را بعید میدانند

(۵۱)

الشافعی عربی ضمیمه بشماره ۱۰۸
 فی شرح الکافی هر سه قسمت کتاب کافی را شرح متعددی
 نوشته اند که از آنجمله است این شرح که مولی خلیل بن غازی قزوینی
 متوفی (۱۰۸۹) نوشته و بشافی نامیده است چنانکه در مقدمه گوید این
 شرح را در سال ۱۰۵۷ در مکه معظمه بامر خلیفه سلطان ملقب ومشهور
 بسلطان العلماء نوشته است و همین شارح شرح دیگری بر کافی بفارسی
 نوشته که آنرا صافی نامیده است
 و مولی خلیل بن غازی در نزد سلاطین صفویه مقامی داشته و محترم
 بوده و چندی تولیت موقوفات بقعه حضرت عبد العظیم با او بوده است
 و این نسخه فقط شرح کتاب العقل والجهل از اصول کافی است که
 آخرش هم ناقص است و باروضه کافی شماره ۱۰۸ در یک مجلد و خط یک
 کاتب است که در سال ۱۰۹۱ نوشته شده

(۵۲)

شرح عضدی عربی شماره ۱۰۷

بر مختصر الاصول تألیف جمال الدین ابو عمرو عثمان بن عمر معروف بابن حاجب (۱) متوفی بسال ۶۴۶ می باشد که تألیف دیگر خود موسوم به (منتهی السؤل والامل فی علمی الاصول والجدل) را بعد از اتمام تالخیص و قریب بیک ربع آنرا حذف کرده و آنرا مختصر الاصول نامیده

و شروح متعددی بر مختصر الاصول نوشته اند که از همه مهم تر و کاملتر شرح عضد الدین عبد الرحمن بن احمد ایجی (۲) صاحب مواقف است که بقاضی عضد معروف و باخواجه حافظ شیرازی معاصر بوده و در دیوان خواجه نامی از او و کتاب مواقف او هست

دگر شهنشه دانش عضد که در تصنیف بنمای کار مواقف بنام شاه نهاد و از کلمین متکلمین و فضایل عصر خود بوده و مدتی در سلطانیه پای تخت سلطان محمد خدا بنده مغولی (اولجایتو) بتدریس اشتغال داشته و چندی منصب قضاوت شیراز با او و باقاضی القضاة ملقب بود و داست

(۱) پدرش حاجب امیر عزالدین موسک صلاحی بوده و بدین جهت بابن حاجب معروف شده است

(۲) ایجی قریه ایست در حوالی شیراز

و تألیفات مهمّ و مفیدی دارد که از آنجمله است مواقف الساطئه، و فوائد غیائیه، و عیون الجواهر، و شرح مختصر الاصول (همین کتاب) و بطوریکه در آخر کتاب شرح مختصر الاصول اشاره کرده در سال ۷۳۴ از تألیف آن فراغت یافته

و حواشی و تعلیقات زیادی بر این شرح نگاشته اند و قاضی عضد در سال ۷۵۶ در قلعه دریمان از توابع شیراز که باهر صاحب گرمان در آنجا محبوس بود وفات یافته و از اول این نسخه چند ورقی افتاده و در سی صفحه تقریباً حاشیه از شرح الشرح و غیره در حواشی نوشته اند و در بالای صفحات متن کتاب مختصر الاصول نگاشته شده و کتاب بخط نسخ خوانا میباشد کاتب تقی الدین محمد بن شیخ زاهد گیلانی است و تاریخ کتابت را محو نموده اند

(۵۴)

شرح الشرح عربی شماره ۲۴۷

بر مختصر الاصول شرح عضدی بر مختصر الاصول را که در شماره (۱۰۷) معرفی شده حواشی و تعلیقات متعددی نوشته اند که در صفحه (۱۸۵۳ - ۱۸۵۷) کشف الظنون مشروحاً مندرج میباشد که از آنجمله

همین شرح است که آنرا سعد الدین مسعود بن عمر تفتازانی متوفی
بسال (۷۹۲) شرح کرده است
و این نسخه بخط نستعلیق ریز و بد در اصفهان در سال ۹۹۱ نگاشته شده
نام نویسنده محمد حسین یزدی است

(۵۴)

شرح کبیر یا عربی شماره ۷۱
ریاض المسائل که شرحی است بر کتاب مختصر النافع محقق حلی
مختصر النافع تألیف شیخ نجم الدین جعفر بن یحیی بن حسن حلی
متوفی در سال ۶۷۶ هجری و مشهور بمحقق مطلق و محقق اول میباشد
چون کتاب مختصر النافع را شرح مختصری نیز نگاشته اند که معروف
بشرح صغیر است این شرح که از مولی سید علی بن محمد علی بن سید
ابی المعالی طباطبائی متوفی بسال ۱۲۳۱ بوده و در سال ۱۱۹۲ از تألیف
آن فراغت یافته و مفصل است بشرح کبیر مشهور شده و نام کتاب
(ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل) است که مؤلف آن
بصاحب ریاض معروف است
و این نسخه مشتمل است بر دو کتاب طهارت و صلوٰه از

شرح مذکور

و کتاب که احمد بن سلطان محمد است در آخر کتاب مینویسد
(تمّ المجلد الاول من رياض المسائل في تحقیق الاحکام)
و تاریخ کتابت ندارد.

(۵۵)

شرح کبیر یا عربی شماره ۱۷۴

رياض المسائل جلد دوم از شرح کبیر است از اوّل کتاب
زکوة تا آخر نکاح و طلاق

نویسنده نام خود را ننوشتہ فقط در آخر کتاب با جوهر سرخ
نوشتہ است (التماس دعا دارد کتاب رو سیاه)

تاریخ کتابت ۱۲۳۳

(۵۶)

شرح کبیر یا عربی شماره ۱۹۴

رياض المسائل این مجلد که جلد سوم از شرح کبیر است
از کتاب الاقرار تا آخر کتاب حدود و دیات است و این سه مجلد شماره
۷۱ - ۱۷۴ - ۱۹۶ - اگر چه از حیث خط و کاغذ و قطع جور

نمیستند ولی در سه مجلد یکدوره شرح کبیر تمام است که فقط کتاب عتق
و مکاتبه را ناقص دارد و چنین بنظر میرسد که آنهم در اول همین مجلد
بوده است که افتاده

نام نویسنده و تاریخ کتابت نوشته نشده
در پشت ورق آخر زیارت نامه اصحاب کهف با ذکر اسامی هریک
از آنها را نوشته اند

(۵۷)

شرح لمعه یا عربی شماره ۱۷۲

الرّوضة البهیة مؤلف لمعه دمشقیّه مولانا شمس الدین محمد بن
جمال الدین مکی العاملی مشهور بشهید اول است که در سال ۷۸۶ در زمان
سلطنت برقو بفتوای قاضی برهان الدین مالکی و عبّاد بن جماعه شافعی
پس از آنکه یکسال زندانی بود در دمشق بقتل رسید و در علت حبسش
مینویسند که یکنفر از بدخواهان او هقلاتی که بعقیده علمای عامه مردود
و ناروا بوده است از قول شهید اعلی الله مقامه روی کاغذ آورده و در نزد
قاضی صیدا برده و محضری نوشته و جمعی شهادت دادند و بحکم قاضی
محبوس گردید و پس از یکسال قاضی شافعی فتوی داد که توبه نموده
و مستخلص شود ولی قاضی مالکی حکم بقتل او نموده و بدار آویخته

شد و پس از آن جنازه او را سوختند رحمه الله علیه و کلمه (ذبیح الله)
 ماده تاریخ او است ۷۸۶

و اینکه مینویسند لمعه را در محبس تألیف نموده است محل تأمل
 است زیرا که شهید ثانی در شرح لمعه تاریخ شهادت شهید اول را در
 سال ۷۸۶ و تاریخ تألیف لمعه را در سال ۷۸۲ معین نموده و تمام مورخین
 هدت حبس شهید را زیادتر از یکسال ننوشته اند

شارح زین الدین علی بن احمد الجبعی مشهور بشهید ثانی است
 که در سال ۹۶۵ یا ۹۶۶ در اسلامبول بامر سلطان سلیمان پادشاه عثمانی
 بعلت تشیع شهید گردیده (۱) و تألیفات بسیار مهم و مفیدی دارد که در روضات
 ص ۲۹۵ و ۲۹۶ مشروحاً ذکر شده و همین کتاب الروضة البهیة فی شرح
 لمعة الدمشقیة که بشرح لمعه مشهور است آخرین تألیف آن مرحوم است

و این کتاب نصف اول از شرح لمعه است که از کتاب طهارت
 تا کتاب مساقات میباشد نام نویسند و تاریخ کتابت را ندارد و با خط نسخ
 خوانا و اوایل فصول و مباحث بامر گب قرمز نوشته شده و تقریباً از
 نصف اخیر کتاب کاغذهای حاشیه هارا بریده اند

(۱) قتل شهید ثانی اعلی الله مقامه را که در روضات ص ۲۹۷ و آقای
 ابن بوسف شیرازی در فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار ص ۳۷۶ جلد اول و صاحب
 قصص العلماء ص ۲۰۶ بامر سلطان سلیم نوشته اند اشتباه است و سلطان سلیمان
 صحیح است و البته اشتباه در مأخذ اولی بوده است
 سلطان سلیم اول که نهمین سلطان از سلاطین عثمانی است در سال ۹۲۶
 وفات یافته و سلطان سلیمان پسر او و مشهور بسلطان سلیمان قانونی از سال ۹۲۶
 تا سال ۹۷۴ در سلطنت بوده است و قتل شهید ثانی بالاتفاق در سال ۹۶۵ یا
 ۹۶۶ میباشد

(۵۸)

شرح منظومه عربی شماره ۲۵۶

فقهی ناظم شیخ محمد علی اعظم نجفی است که مسائل عدّه وارث و رضاع را بطرز الفیه منظوم نموده است

و پسر ناظم شیخ حسین اعظم نجفی منظومه مزبوره را بطور تفصیل شرح کرده و اخبار وارده و اختلاف علمای در بعضی مسائل ذکر کرده است و در اول کتاب تمام منظومه نوشته شده بوده که متأسفانه چند ورق از آن در اثر رطوبت پوسیده و پاره شده است

و نسخه بخط خود شارح است که در سال ۱۲۴۵ هجری نوشته است

(۵۹)

شرح مفاتیح عربی شماره ۲۳۷

مفاتیح الشرائع تألیف ملا محسن فیض متوفی سال ۱۰۹۱ می باشد که حاوی تمام فقه و در دوازده کتاب است و در سال ۱۰۴۲ با تمام رسانیده و چند نفر از علما شرح و حاشیه بر مفاتیح نوشته اند که این شرح چنانکه در آخر کتاب مینویسند از فاضل بهبهانی است (آقا باقر بهبهانی متوفی سال ۱۲۰۸) که آن مرحوم بنا

بقول روضات پنج کتاب اول طهارت ، و صلوٰه ، و صوم ، و زکوة ،
و خمس را شرح نموده

و این نسخه فقط شرح کتاب اول است

نام نویسنده شیخ محمد مهدی کاتب و تاریخ کتابت ۱۲۴۵ می باشد



(۶۰)

شرح الوافیه عربی شماره ۱۲۷

فی اصول الفقه مؤلف وافیہ مولی عبداللہ بن حاج محمد
بشرویہ ای خراسانی متوفی در ۱۰۷۱ بوده که در سال ۱۰۵۹ تألیف آنرا
باتمام رسانیده (۱) و شرح چندی بر آن نوشته اند که آقای جواهر
کلام در فهرست کتابخانہ معارف چند شرح را با نام شارحین آنها ذکر
کرده اند کہ از آنجمله یکی همین کتاب است کہ سید صدرالدین محمد
ابن محمد باقر قمی متوفی بسال ۱۱۶۵ شرح نموده

از آخر کتاب چند ورق افتاده است و بدین جهت نام کاتب
و تاریخ کتابت معلوم نشد و بخط نسخ متعارف است و خالی از اغلاط نیست
و در پشت یک ورق سفید کہ در آخر کتاب است نوشته شدہ کہ دو ورق ناقص است

(۱) در فهرست کتابخانہ معارف تاریخ اتمام تألیف سال (۱۰۵۱) نوشته
شدہ ولی صاحب روضات با نقل از مولی احمد برادر شارح سال (۱۰۵۹) را معین
نموده است

(۶۱)

شرح الوافیه فی عربی پیوست شماره ۱۲۱

اصول الفقه این شرح از مرحوم سید مهدی بحر العلوم

متوفی بسال ۱۲۱۲ اعلی الله مقامه میباشد که در سال ۱۱۷۸ تألیف کرده

و این نسخه تا مبحث حقیقت و مجاز است

تاریخ کتابت و نام نویسنده نوشته نشده

(۶۲)

غصون الاصول عربی پیوست بشماره ۷۷

تألیف شیخ خضر بن حاجی محمد مفتی الماسی

است و یکی از چهار رساله مجلد شماره ۷۷ میباشد و در اصول فقه

بمذهب امام ابوحنیفه است که در سال ۱۰۶۲ تألیف شده و در بیست

و چهار صفحه است

~~~~~

(۶۳)

فصل الخطاب الابراهيميه في

كشف عبارات روضة البهيه

عربی

شماره ۶۲

تعليق شرحی و انتقادی است بر شرح لمعه دمشقيه

شهيد ثانی مقتول بسال ۹۶۵ از ابراهيم بن محمد حسين بن مجدالدین ابن سيد عليخان و اينكتاب فقط در شرح كتاب طهارت و صلوة است و در كاغذ كبود بخط ريز نستعليق خوانا ميباشد

كاتب نام خود و تاريخ كتابت را ننوشته و تمام كلمات ( قوله )

باجوهر سرخ نوشته شده (۱)

(۶۴)

فوائد الاصول

عربی

شماره ۱۲۱

تأليف حضرت مولی سيد مهدي بجرالعلوم متوفی

بسال ۱۳۱۲ اعلى الله مقامه است و در آخر كتاب تحقيقی درباره كتاب الفقه

منسوب به حضرت رضا عليه السلام و ذكر اشخاصی كه ادعای دیدن آن كتاب را نموده اند و بخط آنحضرت و خط كوفي بوده است شرح ميدهد

نویسنده ميرزا محمد نامی است تاريخ كتابت ندارد

(۱) آقای جواهر کلام که در فهرست کتب خطی کتابخانه معارف (جلد اول صفحه ۸۵) دوازده فقره حواشی و شروح مختلفه بر شرح لمعه ذکر کرده است از این کتاب نامی نبرده

(۶۵)

## القواعد و الفوائد عربی شماره ۲۲۳

تألیف شمس الدین محمد بن جمال الدین صاحب  
لمعة الدمشقیه است که در سال ۷۶۸ بشهادت رسیده و در شماره ۱۷۲ و صفحه  
(۵۲) معرفی از او شد و این نسخه رساله مختصری است که در ضوابط  
کلیه اصول و فروع فقه نوشته شده  
و یکی از پنج رساله ایست که در مجلد شماره ۲۲۳ میباشد

(۶۶)

## لبّ الفرائض عربی ضمیمه بشماره ۷۷

تألیف شیخ خضر بن حاجی محمد مفتی الماسی  
است در مسائل ارث و در دوازده صفحه است و یکی از چهار رساله  
مجلد شماره ۷۷ میباشد

(۶۷)

## لوامع النکات عربی شماره ۵۳

مؤلف محمود بن جعفر بن باقر المیشمی است

که از شاگردان شیخ مرتضی الانصاری متوفی ۱۲۸۱ رحمة الله علیه بوده و مؤلف در سال ۱۲۸۸ از نوشتن قسمت آخری این کتاب فارغ شده و مشمل بر شش جزء: کتاب الوقف، کتاب الوصایا، کتاب النکاح، کتاب الرهن، کتاب الخمس، کتاب الصوم میباشد نویسنده علی اکبر بن محمد تابجی است و تاریخ کتابت ۱۲۹۸

(۶۸)

## مجمع البحرين عربی شماره ۱۷۶

و ملتی النیرین<sup>(۱)</sup> تألیف مظفر الدین احمد بن علی بن ثعلب معروف بابن الساعاتی بغدادی حنفی است که در سال ۶۹۴ وفات یافته چنانکه در مقدمه مینویسد این کتاب حاوی مسائل کتاب مختصر القدوری تألیف ابوالحسن قدوری<sup>(۲)</sup> (کشف الظنون ابوالحسین مینویسد) و منظومه شیخ

(۱) در اول و آخر نسخه نام کتاب (مجمع البحرين و ملتی النیرین) نوشته شده ولی کشف الظنون (مجمع البحرين و ملتی النهرین) ضبط کرده است

(۲) شیخ ابوالحسین احمد بن محمد القدوری در سال ۶۲۸ وفات یافته کشف الظنون صفحه ۱۶۳۱ در معرفی کتاب مختصر قدوری مینویسد که این کتاب متن متین معتبر و متداول بین اعیان ائمه میباشد و حنفی ها متبرکاً آنرا حفظ نموده و در ایام شیوع و با میخوانند و مشتمل بر دوازده هزار مسئله است

ابو حفص نسفی (۱) است که اوّلی در مسائل فروعی حنفی و دومی در مسائل خلافتی بین المذاهب است که این نسخه قسمت اوّلی کتاب است و شروح بسیاری بر آن نوشته اند که حاجی خلیفه در کشف الظنون بتفصیل نام برده و مینویسد

خود مؤلف هم برای ابوالقاسم عبدالله بن یوسف المستنصر بالله در دو جلد شرح کرده است (جلد دوم صفحه ۱۶۰۰)  
و کتاب بخط نستعلیق نسخ آمیز و فصول و عناوین با جوهر سرخ نوشته شده

نام نویسنده خلیل ابن اولیا و تاریخ کتابت ۸۶۳ می باشد



(۶۹)

## مختصر الاصلاح عربی شماره ۱۰۳

مؤلف کتاب الاصلاح آقای سید محمد بن سید

علی طباطبائی معروف بمجاهد است که در صفحه (۲۵) همین فهرست

(۱) ابو حفص عمر بن محمد بن احمد نسفی متوفی بسال ۵۳۷ مسائل خلافتی بین مذاهب اربعه را نظم کرده و دوهزار و شصت و شصت و نه بیت است که در آخر منظومه گوید  
و جملة الايات يا صدر الفئدة الفان و الستون و الستائة  
و تسعة و الله يجرى نازمه جنات عدن و قصوراً ناعمة  
و شرح بسیاری بر آن نوشته اند نقل از کشف الظنون

از همان کتاب و مؤلف آن معرفی شده و چند نفر از علما آن را تلخیص کرده اند که از آنجمله است همین نسخه که آخوند ملاکریم بن حسن ایروانی که از تلامذه مؤلف بوده آن را تلخیص نموده و مختصرالاصلاح نامیده و در مقدمه مینویسد که من بامر و اجازه مؤلف این تلخیص را اقدام کردم

نام نویسنده محمد قاسم پسر مشهدی محمد دیلمقانی  
و تاریخ کتابت ۱۲۳۹ می باشد

(۷۰)

مسالك الافهام الى تنقيح عربي شماره ۱۰۹

شرائع الاسلام تأليف شيخ نجم الدين ابو القاسم  
جعفر بن حسن حلي معروف بمحقق مطلق يامحقق اول مي باشد که در سال  
۶۷۶ در حله بعثت افتادن از بالای پله ها وفات يافته

(ورود خواجه نصير الدين طوسي در ايام محاصره بغداد از طرف  
هلاکو به مجلس درس محقق مزبور در حله و مذاکره ايشان در موضوع  
مسئله قبله در روضات وسایر تذکرها مندرج است)

و شروح متعددی بر شرائع نوشته اند که از آنجمله همین کتاب  
مسالك الافهام است که از شهيد ثانی زين الدين بن علی بن احمد عاملی



مقتول در ۹۶۶ اعلی الله مقامه می باشد و در شش جلد تألیف شده و مانند  
متن آن مورد توجه و درس و بحث طلاب علوم دینیّه است  
و این نسخه شرح کتاب اول از شرائع است که قسم اول و  
در عبادات است

و بخط نسخ خوب و خوانا نوشته شده و روی عبارات متن جدول  
قرمز کشیده اند نویسنده محمد علی تبریزی و تاریخ کتابت ۱۱۰۶ هجری  
می باشد .

( ۷۱ )

## مسالك الافهام عربی شماره ۱۴۸

این نسخه فقط شرح کتاب نکاح و مباحثات آن می باشد و با خط  
نسخ ریز ولی خوانا نوشته شده و کلمات ( قوله ) با جوهر سرخ نوشته  
و بالای عبارات متن جدول سرخی کشیده شده

نویسنده محمد بن علی بابا ارونقی

و تاریخ کتابت ۱۲۶۷ می باشد

(۷۲)

## مشرق الشمسین عربی شماره ۲۰

تألیف شیخ اجل محمد بهاء الدین عاملی متوفی  
 بسال (۱۰۳۱) رحمه الله علیه است که در مطالب فقهی است و مینویسد  
 که محتوی خلاصه چهار کتاب اصول است که مشهور باصول اربعة میباشد  
 و عبارتست از کافی ، و من لایحضر ، و تهذیب ، و استبصار ،  
 واحادیث صحاح را با تطبیق آیات قرآنی نقل مینماید و چون جامع احکام  
 کتاب و سنت بوده آن را مشرق الشمسین نامیده  
 و مقداری از آخر کتاب ناقص است که آنچه موجود است تا و اائل  
 مطهرات میباشد

(۷۳)

## معالم الدین یا عربی شماره ۱۲

تألیف جمال الدین ابو منصور حسن فرزند  
 شهید ثانی متوفی در سال ۱۰۱۱ میباشد و در مقدمه نام کتاب را (معالم الدین  
 و ملاذ المجتهدین) ذکر میکند کتاب مذکور مورد توجه و بحث و تدریس  
 طلاب علوم دینیّه و معروف بین علماء است که غالباً مؤلف را بنام

صاحب المعالم یاد میکنند و مکرر چاپ شده  
و شروح و حواشی متعددی بر آن نگاشته اند که در فهرست کتابخانه  
معارف جلد ۱ ص ۱۰۸ مفصلاً مذکور است

وازمؤلفات مشهور مؤلف منتقى الجمان فی احادیث الصحيح والحسان  
است، که اخبار صحیح را نقل کرده و رساله اثنی عشریه و مناسک حج  
و رساله مشکوة العقول السدید (در اجتهاد و تقلید) و شرح الفیه است و  
دیوان اشعاری دارد و صاحب حسن خط بوده و نقش مهر او

(بمحمد وآل معتمد حسن بن زین الدین عیدهم) بوده است

و از اول کتاب یکورق و در اواسط دو ورق افتاده است که بخط  
و کاغذ علیحده نوشته اند. آغاز کتاب: الحمد لله المتعالی فی عز  
جلاله عن مطارح الافهام فلا یحیط بکنهه العارفون

و در آخر کتاب نام نویسنده و تاریخ بدین طرز ثبت شده  
تمت هذه الرسالة الشریفة المسمی بمعالم الاصولیه فی يوم  
الاربعاء سلخ شهر ذی الحجة سنة احدى و سبعین بعد الالف علی  
ید الفقیر المذنب محمد مقیم بن محمد علی الحسنی الازی

( ۷۴ )

## مفاتیح الشرائع عربی شماره ۱۲۸

تألیف محمد بن مرتضی بن شاه محمود کاشانی  
 مشهور بملاً محسن فیض است که از شاگردان ملاً صدرا بوده و در  
 هشتاد و چهار سالگی در سال ۱۰۹۱ وفات یافته و تألیفات زیادی دارد  
 که تا دوست جلد نوشته اند و در روضات الجنّات و قصص العلماء و جلد اول  
 فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار مفصلاً مذکور است و مرحوم فیض  
 فهرستی برای تألیفات خود نوشته است که تاریخ تألیف و عدد ابیات هر  
 يك را بتفصیل معین کرده است

مرحوم فیض قریحه شعری نیز داشته که در شعر تغلّص به  
 (فیض) میکند (۱)

و کتاب مفاتیح را چنانکه در مقدمه گوید از کتاب معتصم الشیعه فی  
 احکام الشریعه که تألیف خود فیض است تلخیص کرده و در دو فن است  
 فنّ اول در عبادات و سیاسات و فنّ دوم در عادات و معاملات و این نسخه  
 نصف اول از کتاب مفاتیح است که فنّ اول و مندرجات آن در شش  
 کتاب و خاتمه ای میباشد بدین ترتیب کتاب الصّاوة ، کتاب الزّکوة ،  
 کتاب الصّیام ، کتاب الحجّ ، کتاب النذر والعهدود ، کتاب الحسبه

(۱) دیوانی خطی از اشعار مرحوم فیض نزد نگارنده هست که قریب به  
 پانزده هزار بیت است

## و الحدود و خاتمه در احکام وصایا

و سایر مباحث هم در ضمن هریک از کتابها ذکر شده مثل مبحث طهارت و نجاست در ضمن کتاب الصلوة و مبحث خمس در ضمن کتاب الزکوة و چون عنوان مباحث کتابرا بمفتاح معین میکنند لذا کتابرا بمفاتیح نامیده و این نسخه بخط نسخ خوانا و تقریباً بدون غلط و عناوین با جوهر سرخ نوشته شد، و در اول کتاب در دو صفحه فهرستی از مندرجات باتعین شماره صفحات دارد و در آخر مینویسد ( و یتلوه فن العادات و المعاملات ) نام نویسنده ملا علی خوئی است که در سال ۱۳۱۵ قمری در مراغه نوشته است

(۷۵)

## مفاتیح الشرائع عربی شماره ۲۰۱

جلد دوم همان کتاب

فن دوم از کتاب مفاتیح الشرائع در شش کتاب و خاتمه ای بدین ترتیب میباشد

کتاب المطاعم و المشارب ، کتاب المناکح و الموالد ، کتاب المعاش و المكاسب ، کتاب القضاء و الشهادات ، کتاب الفرائض و الموارث خاتمه در حیل شرعیه

و این نسخه سه کتاب اولی از فن دوم است و دو ورق از کتاب

عطیات و چند صفحه از آخر کتاب پاره و افتاده است  
و بخط نسخ خوب نوشته شده و عناوین و فصول با جوهر سرخ است

(۷۶)

### مفتاح الغیب عربی شماره ۸۶

در موضوع فضیلت و کیفیت انواع استخارات است  
که مشتمل بفتح و هشت مفتاح و خاتمه ای میباشد تألیف علامه مرحوم  
مولانا محمد باقر مجلسی متوفی در سال ۱۱۱۱ هجری که (غم و حزن)  
ماده تاریخ وفات و (جامع کتاب بحار الانوار) تاریخ ولادت آن بزرگوار  
است و این کتاب را در رمضان سال ۱۱۰۴ تألیف فرموده و تاریخ  
کتابت آنهم در سال ۱۱۰۷ و بخط محمد مهدی اصفهانی میباشد که در حال  
حیات مؤلف و سه سال پس از تألیف کتاب نوشته شده است

(۷۷)

### المقاصد العلیه عربی شماره ۱۱۱

فی شرح الالفیه متن الفیه تألیف ابو عبد الله محمد بن جمال الدین  
مکی العاملی اعلی الله مقامه است که از اجله علمای امامیه بوده و در سال

۷۸۶ دردمشقی بشهادت رسیده و مشهور بشهید اول است و کتاب خود را بمناسبت اینکه مشتمل بر هزار مسئله واجب از اعمال نماز است (الالفیه) نامیده و علما شروح بسیاری بر آن نوشته اند که شیخ آقا بزرگ طهرانی سلامه الله در صفحه ۲۹۶ جلد دوم الدرریمه سی و یک شرح با اسامی شارحین ذکر نموده که از آنجمله همین کتاب است و این شرح از زین الدین بن علی بن احمد العاملی الشامی است که در سال ۹۶۶ هجری در اسلامبول در عهد سلطان سلیمان قانونی بشهادت رسیده و بشهید ثانی مشهور است و تألیفات زیادی دارد که صاحب روضات مینویسد که از مؤلفات شهید ثانی دو هزار جلد کتاب بوده که دو یست جلد آن بخط خود شهید و اغلب از مؤلفات خود آن بزرگوار بوده است و این کتاب بخط نسخ واضح و خوانا است و در اوائل کتاب تقریباً در پانزده و بیست ورق عبارات متن با جوهر سرخ نوشته شده و باقی با مرکب سیاه است که روی آن جدول سرخ کشیده اند

نام نویسنده محمد قاسم بن احمد مازندرانی است که در سال یک هزار و چهل و پنج هجری در اصفهان در مدرسه شیخ لطف الله نوشته است

~~~~~  
(۷۸)

شماره ۱۲۶

عربی

المقاصد العلیه

همان کتاب و این نسخه بخط نستعلیق ریز است

و روی عبارات متن جدول سیاه کشیده و در سال ۱۲۵۸ هجری نوشته شده است

نام نویسنده را ندارد

(۷۹)

فقیه من لایحضره عربی بشماره ۱۶۵

الفقیه تالیف مولی الاجل ابو جعفر محمد بن علی بن موسی

ابن بابویه قمی معروف بشیخ صدوق اعلی الله مقامه است که در سال ۳۸۱ وفات یافته و در ری مدفون است

و این کتاب یکی از کتب اربعه الکافی - من لایحضره الفقیه -

الاستبصار - التهذیب است که مرجع علمای امامیه و صحت اسناد و احادیث آن متفق عاید تمام علمای شیعه است

و چنانکه در مقدمه در سبب تألیف کتاب مرقوم است آنجناب در قصه ایلاق از توابع بلخ با شرف الدین نعمت الله از اولاد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ملاقات نموده و مشارالیه ذکر از کتاب طیب من لایحضره الطیب ابو زکریای رازی کرده و ضمناً از حضرت شیخ تقاضا مینماید که ایشان هم کتابی در کلیه مسائل فقهیه که حاوی تمام احکام حلال و حرام در شریعت مطهره و جامع تمام اخبار فقهی باشد بنام فقیه من لایحضره الفقیه تصنیف فرمایند

شرح حال و تألیفات آن مرحوم که تا سیمصد جلد نوشته اند و اینکه تولد او و برادرش ابو عبد الله حسین در اثر دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام بوده است و کیفیت مباحثه آن مرحوم با مخالفین در مجلس رکن الدوله

دیلمی از آل بویه و تحسین بلیغ رکن الدوله از صدوق علیه الرحمه و اینکه در سال ۱۲۳۸ که فتحعلی شاه قاجار امر به تعمیر قبر مرحوم شیخ نموده و در موقع تعمیر جمعی مشاهده کرده اند که جسد آن مرحوم نپوسیده و متلاشی نشده در صفحه هجدهم تابست و یکم روضات الجنات مذکور است

و اسامی تألیفات وی را میرزا محمد تنکابنی در صفحه ۳۰۰ قصص العلماء با شماره از یک تا یکصد و نود جلد مشروحاً نوشته و در شماره ۱۹۰ که من لایحضره الفقیه است مینویسد که این کتاب در چهار جلد و ششصد و شصت باب است و در هر جلد چند حدیث مسند و چند حدیث مرسل هست با تعیین هر یک به تفصیل بیان مینماید که کلیه احادیث مندرجه در چهار جلد را (۵۹۶۳) حدیث معین نموده است طالبین رجوع نمایند

و شروح و حواشی متعددی به من لایحضره الفقیه نوشته اند که آقای جواهر کلام در صفحه ۷۳ جلد اول فهرست کتابخانه معارف هشت شرح و نه حاشیه با اسامی مؤلفین آنها نگاشته اند

و سندهای اخبار را که بجهت اختصار از خود کتاب حذف کرده با آخر کتاب ملحق است

و این نسخه بخط نسخ بسیار خوب در سال ۱۱۲۶ نوشته شده

و نام نویسنده اسماعیل بن حاجی ابراهیم عامری سبزواری است و از

کتابهای وقفی مرحوم حاجی محمد علی بادامچی میباشد

(۸۰)

فقیه من لایحضره عربی شماره ۱۵۸

الفقیه همان کتاب که در شماره ۱۶۵ معرفی از آن
و مؤلف آن شده است و در آخر این نسخه رساله کوچکی است در
بیان ثواب و فضیلت و آداب نماز شب و ذکر برخی از نمازهای نافله
و تاریخ کتابت آن سال ۹۷۸ می باشد
و در متن رساله از نام مؤلف و تاریخ تألیف اشاره ای نیست



(۸۱)

ناصر الاخوان عربی شماره ۱۱۵

موضوع کتاب فقه و تألیف شیخ ناصر بن شیخ
مسعود کربلائی است که در سال ۱۱۳۳ هجری بر حیات بوده
و این مجلد جزء شانزدهم و هفدهم است که جزء شانزدهم در
طهارت و باب هفدهم در احکام میت است و این باب ناقص است
و بخط مؤلف می باشد و تاریخ کتابت ندارد

(۸۲)

ناصر الاخوان عربی شماره ۵۴

تألیف شیخ ناصر بن شیخ مساعد کربلائی است
و این کتاب از جزء هیجدهم از کتاب ناصر الاخوان شروع میشود بدین ترتیب

جزء هیجدهم	در کیفیت صلوٰۃ و در آن سی و یک باب است
جزء نوزدهم	در اوقات صلوٰۃ و در آن بیست و هشت باب است
جزء بیستم	در مستحبات نماز و در آن چهل باب است
جزء بیست و یکم	در نماز مسافر و نماز جماعت و نماز خوف است

و این جزء ناقص است که چند ورقی در آخر کتاب سفید مانده و معلوم است که اجزاء سابقه این کتاب هم بوده است که حالا در دست نیست و مؤلف در پشت ورق اول کتاب مینویسد که احادیث این کتاب تماماً از کتب اربعه مشهوره اخذ و نقل شده است و تمام کتاب و حاشیه‌های آن بخط خود مؤلف است و در سال ۱۱۳۳ در بغداد نوشته است و راجع باحوال مؤلف در مآخذی که در دسترس نگارنده بود چیزی نیافتم

(۸۳)

نتائج الحائريه عربى شماره ۲۱۵

تأليف محمد هاشم بن محمد مهدى اصفهاني است

در اصول فقه

و ابواب و فصول بعبارت های التیجه و المفتاح و المغلاق
میباشد گویا مسوده ای بوده که به تمییز نرفته که اغلب صفحه ها در آخر
باب ها سفید مانده و بعضی جاها قلم کشیده و حاشیه رفته است
در اول کتاب هم رساله ای در اصول از همین مؤلف هست که
چند صفحه نوشته شده و ناقص است و بنظر می آید که همان رساله را
بعداً تکمیل و به نتائج الحائریه نامیده
نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد

(۸۴)

نخبه العقول فى عربى ضمیمه بشماره ۶۹

علم الاصول رساله ایست در ۲۲ صفحه و ۶۲۰ بیت مؤلف
در اول کتاب نام خود را ذکر نکرده یکنفر در پشت جلد آخر کتاب

نوشته است که از مرحوم سید جعفر بن ابی اسحق کشفی است (۱)
موضوع کتاب در علم اصول است بنحو اختصار و به يك مقدمه
و پنج باب و يك خاتمه ترتیب داده شده

باب الاول فی الاوامر والنواهی ، الثاني فی العام والخاص
والمطلق والمقيّد والمجمل والمبین والناسخ والمنسوخ ،
الثالث فی الاخبار ، الرابع فی الاجماع ، الخامس فی دليل العقل ،
الخاتمه فی الاجتهاد والتقليد .

(۸۵)

نهج المسترشدين عربي پیوست شماره ۸۰

تألیف مولانا جمال الدین ابو منصور حسن بن
یوسف بن علی بن مطهر معروف بعلمه حلی است که برای فرزند
خود فخر المحققین محمد نوشته است و در مقدمه گوید

(فهدا کتاب نهج المسترشدين لخصت فيه مبادئ القواعد
الكلّامیه ورؤس المطالب الاصولیه اجابة لسؤال الولد العزيز محمد
ایده الله بعنايته)

(۱) اگرچه مرحوم کشفی در اول تألیفات نام خود و در آخر کتاب محل و تاریخ
اتمام را مینویسد چنانکه سه کتاب از تألیفات ایشان که در همین مجموعه و مجلد است
اجابة المضطربین - الرق المنشور - الشرق والبرق بهین طور است و در
این کتاب از نام و تاریخ اشاره ای نیست باز از طرز عبارات کتاب چنین احتمال
میرود که تألیف مرحوم کشفی باشد

و علامه مرحوم تألیفات زیادی دارد که خود در (خلاصه الاقوال فی علم الرجال) اسامی هفتاد و پنج کتاب را نوشته و تمام تألیفات او در غایت اعتبار و محل توجه عموم علمای شیعه است و در ضمن کتاب شماره (۱۳۸) صفحه (۲۳) همین فهرست بمختصری از شرح حال او اشاره شده است

و همین کتاب را شیخ مقداد بن عبدالله السیوری در سال ۷۹۲ شرحی نوشته است کاتب نام خود را ننوشته و تاریخ کتابت ۱۱۱۴ می باشد

(۸۶)

وافیه

عربی

شماره ۲۲۶

تألیف ملا عبدالله بن حاجی محمد بشرویه ای
خراسانی متوفی بسال ۱۰۷۱ می باشد که در سال ۱۰۵۹ باتمام رسانیده
و در آن شش بابست بترتیب زیر
باب الاول فی الامر و النهی الثانی فی العام و الخاص
الثالث فی الأدلة الشرعیة الرابع فی الأدلة العقلیة
الخامس فی الاجتهاد و التقليد السادس فی التعداد و التراجیح
و شروحن بر آن نوشته اند که در صفحه ۱۰۵ جلد اول فهرست کتابخانه
معارف مندرج است کاتب صدر ابن حاجی بابا تاریخ کتابت ۱۱۹۶

(۸۷)

الوسيلة الى عربی شماره ۹

نیل الفضیلة
مؤلف عماد الدین محمد بن علی بن حمزه طوسی
است که به عماد طوسی و ابن حمزه مشهور و از معتبرین و اجله علمای امامیه
محسوب است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری میزیسته
و کتاب الوسيلة جامع تمام ابواب فقه از طهارت تا دیات میباشد.
و این نسخه بخط نسخ خوانا و عناوین فصول و ابواب با مرکب
سرخ نوشته شده

و قسمت پایین ورق اول کتاب پاره شده و افتاده است.
کاتب نام خود و تاریخ کتابت را ننوشته است



عقائد و احادیث

(۸۸)

ابصار المستبصرین فارسی پیوست شماره ۷۵

مؤلفش عبد الوهاب بن عبد الرحمن ساکن شهر
دهلی بوده است و در شرح حال خود میگوید پدرم خطّ نسخ خوب
مینوشت و اکثر اوقات بکتابت کلام الله اشتغال داشت و حافظ قرآن
و سنّی و حنفی مذهب متعصب بود من در سال ۱۰۶۲ هجری که تحقیقات
عمیق در مذاهب اربعه و مذهب امامیه میکردم بهدایت و ارشاد مولی
عبد العلی شیرازی در جهان آباد هند بمذهب شریف امامیه مشرف شدم
و موضوع کتاب شرح بحث وجدلی است که با علمای مذهب حنفی داشته
و کیفیت محاجّه و مباحثه بپدرش را مشروحاً مینویسد
تاریخ کتابت ۱۲۶۷ هجری است .

(۸۹)

اجابة المضطرين عربی شماره ۶۹

تألیف سید جعفر بن ابی اسحق موسوی مشهور
بکشفی است که در سال ۱۲۶۷ هجری وفات یافته و جمله (غاب نجم العلم)
۱۳۶۷

تاریخ وفات اوست مرحوم کشفی از مجتهدین و اعظام عرفای عصر خود
و محترم و صاحب کرامات بوده و اصلاً از داراب فارس است که در بروجرد

ساکن و مقیم شده است و مدفن او در بروجرد دارای بقعه و بارگاه و مزار مردم آنصفحات است

و تألیفات متعدّد داشته که (الرّق المنشور) (نخبة العقول فی علم الاصول) (الشّرق والبرق) (این سه رساله منضمّ بهمین کتاب اجابة المضطّرین است) (تحفة الملوک) (سنا برق) و چند رساله منظوم از آنجمله است

و بعضی از این کتابها در هند و ایران چاپ شده است و موضوع کتاب اجابة المضطّرین اصول دین است و بجای باب و فصل کلمه نصره و اجابت را معین کرده است و کتاب را به يك مقدمه و دو مقاله قرار داده که مقاله اولی سه نصره و هر یکی را چند اجابت است و مقاله دومی پنج نصره که در هر نصره چند اجابت است که بتحقیقات عرفانی بنام شاهزاده محمد تقی میرزا حسام السّلاطنه پسر فتحعلی شاه قاجار و بخواهش او تألیف کرده است و در مقدمه گوید (این کتاب در موقع مسافرت از نجف الاشرف بمشهد مقدس بین راه که هیچ کتاب و اسبابی که رجوع بآن شود بامن نبود بتفرّق بال و تشّت احوال

باخران گاه در جواب و سؤال با جزو کاه رفته که بجوال) نوشتم و در آخر کتاب مینویسد در قریه بغداد آباد از قراء یزد در سال

۱۲۲۸ باتمام رسید

و کتاب بخط نستعلیق خوانا است که در آخر قریب پنجاه و شصت

صفحه بخط نسخ نوشته شده

تاریخ کتابت ۱۲۴۲ و نام کاتب میر عبد الغفار حسینی قندهاری است

(۹۰)

احیاء معالم الشریعة عربی شماره ۲۵۵

احیاء معالم الشریعة و تجدید مراسم الشیعه تألیف شیخ عبد علی ابن احمد الدرازی البجرانی است که برادر شیخ یوسف بجرانی صاحب حدائق است که در سال ۱۱۸۶ وفات یافته و صاحب روضات نام او را درضمن ترجمه شیخ عبد علی بن جمعه عروسی (صفحه ۳۵۹) ذکر کرده و چند سطری از دیباچه کتاب احیاء معالم الشریعة او را که طعن بر مجتهدین است بطریق اعتراض آورده و قول او را ضعیف می‌شمارد و مینویسد که داب اخبارین بر این است

و موضوع کتاب در صحت و سقم اخبار و احادیث و اختلاف آنهاست و این نسخه چند ورق از آخرش افتاده

(۹۱)

الحق الهبیین عربی شماره ۶۴

الحق المبین فی تصویب رأی المجتهدین و تخطئة الاخباریین
تألیف شیخ جعفر بن شیخ خضر نجفی حلی متوفی بسال ۱۲۲۸
میباشد و معروف بصاحب کشف الغطاء است و موضوع کتاب در ردّ بر
اخباریین است و مؤلف بامیرزا محمد اخباری نیشابوری معاصر بوده
و مناقضاتی با او داشته که منجر بحکم قتل میرزا محمد اخباری از
طرف علماء و فرار میرزا محمد بطهران شده و شیخ جعفر مرحوم غیر
از این کتاب رساله دیگری بنام (کشف الغطاء عن معایب میرزا محمد
عدو العلماء) در همین موضوع نوشته که آنرا برای فتحعلی شاه
فرستاده است

و مشهور است شیخ جعفر مرحوم افقه علمای عصر خود بوده و می گفته
که اگر تمام کتب فقه موجودی در عالم را بشویند و از بین برود من
از طهارت تا دیات را تماماً از حفظ مینویسم و باز مشهور است که تمام
افراد خانواده آن مرحوم ذکوراً و اناناً فقیه بوده اند

و این کتاب در ۷۸ صفحه بخط نسخ خوب در سال ۱۳۰۷ قمری نوشته شده

نام نویسنده محمد باقر رضوی است و یک نفر در پشت ورق اول کتاب

نام نویسنده را اشتباهاً بنام مؤلف نوشته است

(۹۴)

ارشاد المسترشدین عربی شماره ۱۲۵

شرح خطبه طنجیه تألیف مرحوم حاجی سید کاظم رشتی است که در سال ۱۲۵۹ وفات یافته و از تلامذه مرحوم شیخ احمد احسائی بوده است و کتاب در دو جزء است که جزء اول ۴۰۶ صفحه و جزء دوم در ۲۰۲ صفحه میباشد و در سال ۱۲۳۵ شرح آن باتمام رسیده است و در آخر دو جزء عین خطبه را هم تماماً علیحده آورده است و بخط نسخ خوب و عبارات خطبه و عناوین با جوهر سرخ نوشته شده

کاتب علی اصغر بن عبدالجبار دهنوی و تاریخ کتابت ۱۲۶۶ میباشد و در پشت صفحه آخر یک نفر که نام خود را ننوشته و مهر علی بن محمد جعفر دارد حدیث (ولایة علی بن ابیطالب حصنی) را با اسناد و رواة و خواص آن با خط شکسته خوبی نوشته و در آخر مینویسد (در شهر رجب ۱۲۷۲ در نمازخانه ارك دارالعلم شیراز تحریر شد)

(۹۳)

الانصاف عربی شماره ۲۲۳

این نسخه دو جزء بعنوان مقام پانزدهم و مقام هفدهم از کتاب انصاف است چون اول کتاب نبود مؤلف معلوم نشد کاتب در آخر رساله مینویسد

(من کتاب مستطاب الانصاف اعلى الله مقام مؤلفه البارع الذى صفته لآرد على ابن تيميه الذى رد على شيخنا العلامة اعلى الله مقامه ما ذكر فى كتابه المسمى بمنهاج الكرامة فى معرفة الامامة)

از فهرست‌ها و مآخذ دیگر که در دست نگارنده بود این کتاب و مؤلف آن معلوم نشد و در کتاب الذریعه که ده و دوازده جلد کتاب بنام الانصاف ضبط شده هیچیک با این نسخه تطبیق نکرد

در کتابخانه آستانه رضویه هم يك جلدی بوده است که در فهرست همان کتابخانه (جلد چهارم) صفحه (۳۲) مینویسد (الانصاف فى الانتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف این کتاب رد بر منهاج السنه ابن تيميه است و بجهت افتادگی اول و آخر نسخه مؤلف کتاب شناخته نشد)

و در این مجلد رساله کوچکی که عبارت از چند صفحه است بنام مدارج النمل فى علم الرمل تألیف شیعخ عبدالعلی بن ناصر حویزی و رساله

دیگر در تفسیر سوره اخلاص از مرحوم جلال الدین دوانی هست که
باقی کتاب مثل کشکول از اشعار و بعضی احادیث و اخبار و تاریخ وفات
بعضی از مشاهیر علما و حکما و شعرا میباشد و سطرها در تمام صفحات
کج نوشته شده

نام نویسنده معلوم نشد تاریخ کتابت در آخر بعضی از صفحات
۱۲۵۶ هجری است

(۹۴)

تمییز الحق فارسی شماره ۲۳۹

من الباطل در متن کتاب از مؤلف و نام کتاب ذکر نشده

در بالای صفحه اول بخطی غیر از خط متن چنین نوشته شده

(هذا کتاب تمییز الحق من الباطل للسید الفاضل العالم ابو الحسن

ابن یوسف الجسینی التبریزی)

رساله ایست در موعظه و نصیحت و اعتراض به طایفه شیخیه و خانیه

و در توحید و اثبات نبوت و امامت و در تعریف بهشت و جهنم ولی

غالب روایات آن از روایات ضعیف است

و بخط نستعلیق شکسته آمیز بسیار خوب نوشته شده و آخر کتاب

ناقص است و نام نویسنده و تاریخ ندارد

(۹۵)

الرق المنصور لبيان عربي شماره ۶۹

معراج نبینا المنصور تألیف آقای سید جعفر بن اسحق الموسوی مشهور بکشفی است که در سال ۱۲۶۷ وفات یافته و در صفحه (۷۷) معرّ فی از او شده است

موضوع کتاب در اثبات معراج حضرت رسول صلوات الله علیه است و اینکه معراج آنحضرت با همین جسد ظاهری و عنصری و در عالم یقظه واقع شده است

و در موقع اتمام یکمطلب و شروع بمطلب دیگر کلمه (رق) مینویسد و اتمام تألیف کتاب در سال ۱۲۳۱ در نجف بوده است
کاتب نام خود را ننوشته و تاریخ کتابت بدین طرز نوشته شده
تمام شد بتاريخ يوم سه شنبه ۱۹ ربيع الاولی سنه ۱۴۲ که رقم مآت فراموش شده و باید ۱۲۴۲ باشد

(۹۶)

رساله حسنیّه فارسی منضم بشماره ۵۸

رساله حسنیّه علی المشهور تألیف جمال الدین حسین بن علی بن محمد نیشابوری الاصل مشهور به ابوالفتح رازی صاحب

تفسیر معروف است (۱) که بطرز حکایت از قول حسنیّه نام کنیز منسوب
 بامام جعفر صادق علیه السلام در حقانیت مذهب شیعه بطریق مناظره با
 علمای اهل سنت نوشته شده که حسنیّه در مجلس هارون الرشید خلیفه
 عباسی با ابراهیم نظام که اعلم و اfaqه علمای عصر بوده مباحثاتی نموده
 و غالب آمده که هارون حسنیّه را بسیار تحسین و انعامی در حق او
 نموده است

اصل کتاب بعربی بوده و مترجم آن بفارسی ابراهیم استرآبادی
 ملقب بکونین در اول کتاب مینویسد که در سال ۶۵۸ در مراجعت ازمکه
 در شام کتابی نزد سیدی که به تشیع مشهور بود دیدم و باصرار تمام
 نسخه ای از روی آن نوشته و ببلاد عجم آوردم و بخواهش دوستان آن
 را بفارسی ترجمه نموده و نشر دادم و باندك زمانی اشتهار تمام یافته و
 مقبول خاص و عام گردید و این رساله در آخر کتاب حلیة المتقین در
 سال ۱۲۴۲ با حروف سری در تبریز چاپ شده

کاتب محمد علی پسر حاجی میر مهدی عطار است و تاریخ کتابت ۱۲۲۱

هجری میباشد

(۱) استاد علامه مرحوم آقای محمد قزوینی اعلی الله مقامه در ضمن تعلیقاتی که
 در جلد پنجم تفسیر رازی چاپ طهران نوشته اند وفات ابوالفتح رازی صاحب
 تفسیر را در اواسط قرن ششم هجری مینویسد

(۹۷)

شماره ۴۳

عربی

رساله ایست بعربی از مرحوم حاجی سید کاظم
رشتی متوفی بسال ۱۲۵۹ که از تلامذه مرحوم شیخ احمد احسائی
متوفی ۱۲۴۲ بوده

در جواب سؤال میرزا ابراهیم شیرازی در عقائد و کیفیت ایمان
و تحقیق در مسئله علم الیقین و عین الیقین نوشته
و در آخر کتاب مینویسد که در جزیره تاجیه نزدیکی کوفه اتمام یافت
و رساله کوچکی از مرحوم شیخ احمد احسائی در آخر کتاب هست
که در جواب سؤالی از مسئله لوح و قلم و محو و اثبات در سال ۱۲۲۳
در یزد نوشته است

و کتاب بخط نسخ خوب و عناوین با جوهر سرخ نوشته شده
نام کاتب عبدالله بن ابراهیم و تاریخ کتابت ۱۲۵۸ میباشد

(۹۸)

شماره ۲۱۶

فارسی

سراج المنهاج

مؤلف محمد باقر نجم ثانی است که در سال ۱۰۳۷

بنام ابوالمظفر شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی شاه جهان در هند تألیف
 نموده است و مشتمل بر يك مقدمه و دو مقصد میباشد
 مقدمه در فضیلت و شرف علم
 مقصد اول در اثبات واجب الوجود و اثبات نبوت و امامت و معاد
 مقصد دوم در مسائل فرعیه
 و این نسخه شامل مقدمه و مقصد اول است
 نام نویسنده و تاریخ کتابت نوشته نشده است

(۹۹)

سفینه النجاة عربی شماره ۱۳۵

تألیف محمد بن عبدالفتاح تنکابنی مشهور بسراب
 است (۱) که از شاگردان شیخ محمد باقر محقق سبزواری است و در سال ۱۱۲۴
 وفات یافته و در اصفهان مدفون است
 و موضوع کتاب در اصول دین و خصوصاً در اثبات امامت و مذهب
 شیعه است و در سال ۱۱۰۲ تألیف شده و مؤلف را تألیفات دیگری هم

(۱) میرزا محمد تنکابنی در قصص العلماء مؤلف را سرابی مینویسد و گوید
 (سراب از دهات نزدیک تنکابن بوده و اکنون خراب است)

هست بعربی و فارسی که در صفحه ۱۰۸ جلد چهارم روضات مشروحاً
مذکور است

و این نسخه از آخرش ناقص است و در چند جا از کتاب حاشیه‌هایی
نوشته شده که در یکی از حاشیه‌ها نویسنده اینطور امضا نموده
حرره ابوالحسن محمد بن حسین بن حمیب الله الرضوی

چون آخر کتاب افتاده است نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد



(۱۰۰)

سیف الامة و فارسی شماره ۱۱۷

برهان الهملة تألیف حاج ملا احمد بن ملا مهدی بن ابی ذر نراقی
کاشانی است که در سال ۱۲۴۴ بمرض وبا در نراق در گذشته و از اجله
علمای قرن سیزدهم و جامع معقول و منقول بوده و تألیفات متعدد و مهمی
در فقه و موعظه و اخلاق دارد مانند مستند الشیعه و مناهج الاصول و شرح
تجريد و معراج السعادة و غیره و کتب ادبی مانند خزائن و طاقدیس و مشکول
و قریحه شعری هم داشته که در شعر صفا تخلص مینموده است مثنوی

طاقدیس ایشان معروف است و در خزائن هم از اشعار خود آورده است

کتاب سیف الامة را در سال ۱۲۳۳ بموجب اشاره نایب السلطنه عباس میرزا

در جواب شبهات هنری مارتن انگلیسی^(۱) نوشته که مشارالیه در ردّ اسلام رساله‌ای منتشر کرده بوده است و مؤلف شصت فقره از توراۃ در حقیقت دین اسلام مطالبی استخراج کرده که اغلب عین عبارات توراۃ را ذکر مینماید^(۲)

و کتاب در سه بابست باب اول در فوایدی چند که قبل از بیان مطلب دانستن آنها لازم است باب دوم در اثبات نبوت خاتم النبیین باب سوم در ذکر شبهات پادری و ردّ آنها و اغلب تألیفات نراقی مرحوم بطبع رسیده و کتاب سیف الامّة هم در سال ۱۲۶۷ در طهران چاپ شده است نویسنده نام خود را ننوشته تاریخ کتابت ۱۲۶۲ هجری است در پشت ورق اول اردشیر نامی مینویسد که در تبریز برای خود نویسنده است

(۱) تنکابنی در قصص العلماء گوید پادری نصرانی بایران آمده و بلباس مبذل چند سالی در خدمت آخوند ملا علی نوری تلمذ کرده شبهاتی نوشته نشر داد که از طرف علماء جوابهایی در ردّ همان شبهات نوشتند که از جمله آنها است کتاب مفتاح النبوة تألیف حاج ملا رضا همدانی و کتاب (حجة الاسلام) تألیف آخوند ملا علی نوری و سیف الامّة تألیف حاج ملا احمد نراقی

(۲) تنکابنی در قصص صفحه ۱۰۴ مینویسد که نراقی در موقع تألیف کتاب سیف الامّة ده نفر از علمای یهود را در نزد خود خواسته و از کتابخانه ملا موشه یهودی کتبی چند در لغت توراۃ جمع کرده و مدتی با آن علمای یهود وارد مباحثه و مذاکره بوده اند و خود نراقی هم در اوایل باب اول کتاب اشاره باین قضیه کرده است

(۱۰۱)

شرح تجرید عربی شماره ۸۲

کتاب تجرید الکلام فی تحریر عقائد الاسلام از
سلطان المتکلمین خواجه نصیرالدین محمد بن حسن طوسی اعلی الله مقامه
میباشد که در سال ۶۷۲ وفات یافته و فصول کتاب درشش مقصد و بدین
ترتیب است

المقصد الاول فی امور العامه الثاني فی الجواهر والاعراض
الثالث فی اثبات الصانع الرابع فی النبوة الخامس فی الامامة
السادس فی المعاد

شارح علاء الدین علی بن محمد قوشچی است که به ملا علی قوشچی
مشهور و از علمای ماوراء النهر و شافعی است و در اوائل جوانی
بازدار الغ بیگ کورکانی بوده (بهمن مناسبت به قوشچی مشهور شده)
و بعد بتحصیل علوم پرداخته و بمقامات عالیه نائل و از مقربات
الغ بیگ گردید و درساختن رصد الغ بیگی مداخله و مساعدتهائی داشته
و بعد از فوت الغ بیگ بقصد مسافرت حج به تبریز رسیده و مورد انعام
و احترام شایان اوزون حسن آق قویونلو^(۱) گردیده و از جانب مشارالیه
برای ایصال نامه و پیغامی باسلامبول نزد سلطان محمد ثانی مأمور شده

(۱) اوزون حسن آق قویونلو بعد از قتل جهانشاه قره قویونلو (بانی مسجد
مشهور تبریز) در آذربایجان و اغلب نقاط ایران چند سالی مالک بالاقتدار بوده است

و بعد از انجام مأموریت از طرف سلطان محمد مزبور بمعلمی مدرسه ایاصوفیه تعیین و دو رساله خود را (الرساله المحمدیه) و (الرساله الفتنیه) اولی در حساب و دومی در هیئت در اسلامبول بنام همان سلطان محمد ثانی تألیف کرده است و در سال ۸۷۹ وفات یافته و در اسلامبول مدفون است و تجرید الکلام را شروح و حواشی و تعلیقات متعددی نوشته اند که در صفحه ۳۴۹ و ۳۵۰ کشف الظنون (طبع جدید) و در روضات الجنات والذریعة مشروحاً ذکر شده و مفصلتر از همه شرحی است که شمس الدین محمود بن عبدالرحمن اصفهانی متوفی بسال ۷۶۴ نوشته و آن را به (تشهید القواعد فی شرح تجرید العقائد) نامیده و این شرح بین طلاب علوم بشرح قدیم معروف است و بعداً مرحوم قوشچی شرح بلیغی بر تجرید نوشته (همین کتاب) که بشرح جدید مشهور و مورد توجه و بحث و تدریس بین علما است که حواشی و تعلیقاتی هم بر آن نوشته اند و بتصدیق اغلب محققین شرح قوشچی بر سایر شرحها رجحان دارد

و این نسخه فقط شرح مقصد ثانی از همان کتاب و اوّلش این است
المقصد الثانی فی الجواهر والاعراض

و دو ورق از اول کتاب و دو ورق از آخر نو نویس است باقی صفحات جدولهای شجره و طلایی دارد. و روی عبارات متن خط سرخی کشیده شده نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد

(۱۰۲)

حاشیه بر شرح تجرید عربی شماره ۲۵۱

کتاب تجرید العقائد تألیف خواجه نصیرالدین طوسی و شروح آن در شماره (۸۲) صفحه (۹۰) معرفی شد این نسخه حاشیه ایست بر شرح جدید قوشچی از فخرالدین محمد بن حسن الحسینی استرآبادی که حاجی خلیفه در کشف الظنون صفحه (۳۵۰) از این حاشیه نام برده و مینویسد که تا آخر مقصد چهارم است

و این نسخه فقط راجع بمقصد سوم است

نام نویسنده مؤمن بن مرتضی کاشانی و تاریخ کتابت ۱۰۰۵ هجری می باشد



(۱۰۳)

شرح عقائد عضدی عربی شماره ۲۳۵

شرحی است که جلال الدین محمد بن اسعد دوانی صدیقی متوفی در سال ۹۰۸ بر رساله عقائد (عیون الجوهر) قاضی عضدالدین عبدالرحمن بن احمد ایجی (۱) متوفی بسال ۷۵۶ نوشته است حاجی خلیفه در کشف الظنون (صفحه ۱۱۴۴ چاپ جدید) گوید که (دوانی در سال ۹۰۵ از تألیف آن فارغ شده و این کتاب آخرین تألیف دوانی است) و حواشی و شروح دیگری بر عقائد عضدی نوشته اند که در کشف الظنون مشروحاً مندرج است

(۱) ایجی قریه ایست در فارس که تا شیراز سی و پنج فرسخ است

صاحب اکتفاء القنوع مینویسد که عقائد عضدی با شرح دوانی در سال ۱۸۸۸ میلادی در شهر کازان بطبع رسیده .
نویسنده کتاب محمد بن سلیمان بن محمد است که در قصبه بایزید در مدرسه ابراهیم بیك بسال ۱۱۱۸ هجری نگاشته است

(۱۰۴)

شمع الیقین فارسی شماره ۲۱۳
یا آئینه دین تألیف مولی حسن بن عبدالرزاق لاهیجی و در اصول
عقائد امامیه است و این کتاب در سال ۱۳۰۳ در طهران چاپ شده است
و ملا عبدالرزاق لاهیجی مؤلف شرح تجرید و گوهر مراد و غیره است
که در سال ۱۰۵۱ وفات یافته
و این نسخه آخرش ناقص است

(۱۰۵)

کتاب التعجب فی الامامه فارسی شماره ۶۴
عن اغلاط العامة مؤلف ابو الفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی
است که در سال ۴۴۹ وفات یافته و صاحب تألیفات عدیده است و در اول

کتاب مینویسد که شیخ مفید اعلی الله مقامه در آخر کتاب اطراف الدلائل و اوائل المسائل بعضی از اغلاط عامه را بعنوان تعجب آورده ولی بطریق اختصار از خطاهای ایشان ذکر کرده است لذا بعضی از دوستان و برادران دینی از من خواهش کردند که آنچه در این موضوع مشهور است برای ایشان جمع آوری نموده و بنویسم و نوشتن این رساله اقدام شد و عنوان هر مطلب را (ومن عجیب امرهم) (ومن العجب) مینویسد

و روی تمامی عناوین خط سرخ کشیده شده

و کتاب بخط نسخ خوب و صحیح در ۶۵ صفحه نوشته شده که ندره بغلطی تصادف میشود و کتاب التعجب باحق المبین که در شماره ۶۴ معرفی از آن شده است در يك مجلد است

(۱۰۶)

کشف السبحات فی عربی شماره ۲۶

تحقیق الصفات تألیف مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد تقی بن

محمد بن حسین الشریف مامقانی تبریزی متخلص به نیر و متوفی بسال ۱۳۱۲

قمری هجری است

شرح حال و تألیفات و تاریخ زندگانی آن مرحوم در دیباچه دیوان

غزلیات و مرثیاتی او که بسال ۱۳۱۹ شمسی بنام آتشکده حجة الاسلام و بسعی و اهتمام استاد محترم آقای عماد (۱) بطبع رسیده بانقل از کتاب داستان دوستان تألیف فاضل ارجمند آقای صفوت (۲) مشروحاً مندرج است و این کتاب را که در کشف معضلات مسائل توحیدیّه بدلائل عقلی و نقلی است و کتاب جامع و متقنی میباشد بر دو مقدمه و خاتمه ای نهاده و هریک را فصولی ترتیب داده است

و کتاب را بنام شاهزاده مؤبدالدوله طهماسب میرزا کیه والی آذربایجان بوده است تألیف کرده و متأسفانه در دیباچه آتشکده که اسامی تألیفات آن مرحوم درج شده از ذکر نام این کتاب غفلت گردیده است تاریخ کتابت ۱۳۳۳ قمری و نام کاتب علی اکبر و از کتب موقوفه مرحوم حاجی محمدعلی بادامچی میباشد

(۱) آقای حاجی میرزا علی اکبر عماد دامت ایام افاضاته یکی از دانشمندان محترم تبریز و دارای اخلاق فاضله و از اختیار است و تألیفی در چهارده جلد بنام رنگارنگ دارد که مانند کشکول شیخ بهائی و خزائن نراقی از هر مقوله ای از معقول و منقول و نظم و نثر گلچینی و جمع آوری نموده است که اکنون مشغول تلخیص و تهذیب آن هستند و امید است که قریباً طبع آن انجام یافته و مورد استفاده دوستداران علم و ادب گردد

(۲) آقای میرزا محمدعلی صفوت تبریزی دام بقاء که از مؤسسين اول همین کتابخانه تربیت محسوب و اکنون در قم ساکن و مجاورند از فضایی محترم تبریز و صاحب تألیفات عدیده هستند که تقریباً تاکنون زیاده از ده جلد از تألیفات ایشان بطبع رسیده و مورد استفاده است

(۱۰۷)

مرصاد العباد فارسی (۱) شماره ۲۱۱

من المبدء والعماد مؤلف شیخ نجم الدین ابوبکر بن عبداللہ شاہا

وراسدی رازی معروف بدایہ و متوفی بسال ۶۵۴ میباشد

موضوع کتاب در عرفان و سلوك و وصول بعالم یقین است کہ در

سال ۶۲۰ زمان سلطنت کیخسرو و کیقباد از سالاجقه روم در سیواس

تألیف نموده و مشتمل بر پنج باب است

باب اول در دیباچه باب دوم در مبدء موجودات

باب سوم در معاش خلق باب چهارم در معاد نفوس

باب پنجم در بیان ساوک طوائف مختلفه

در دیباچه مینویسد (در سال ۶۱۷ که در همدان بودم خبر هجوم

لشکر مغول و قتل و نهب ایشان در شهرها میرسید و مردم در اضطراب

و تشویش بودند تا سال ۶۱۸ بهمدان نزدیک شدند کہ بالضروره ترك تمام

متعلقان کرده با چند نفر از درویشان و عزیزان شب از همدان خارج و

(۱) مؤلف مزبور را کتاب دیگری هست بهربی بنام منارات السایرین و

مقامات الطایرین در مقدمه آن نوشته است کہ سی و چند سال پیش کتاب مرصاد العباد

را بفارسی تألیف نمودم و عربی زبانان را استفاده از آن ممکن نبود لذا این کتاب

را بهربی نوشتم

کشف الظنون صفحه ۱۸۲۳

براه اردبیل رفتیم در عقب خبر رسید که آنملاعین بشهر همدان دست یافته و جمع کثیری بقتل رسانده‌اند و متعلقان و اقربای این ضعیف را بشهر ری برده و همگی را شهید کرده‌اند)

عناوین و فصول با مرگب قرمز بوده و روی آیات قرآنی جدول سرخ کشیده‌اند و اینکتاب وقف بوده است که در پشت ورق اول و اغلب حاشیه‌ها وقف بودن آن را نوشته بوده‌اند ولی همه را محو و سیاه کرده‌اند تاریخ کتابت ۱۰۳۴ کاتب نام خود را ننوشته



(۱۰۸)

مناقب مرتضوی فارسی شماره ۱۴۶

تألیف محمد صالح حسینی ترمذی متخلص بکشفی

است که از متصوفه و از پیروان طریقت ملامتیه و در هند بوده است موضوع کتاب فضائل و مناقب حضرت امیرمؤمنان علیه السلام میباشد مؤلف باوجود اینکه از اهل سنت و جماعت است از نقل مناقبی که در کتب شیعه در حق حضرت امیرمؤمنان نوشته‌اند فروگذاری نکرده و روایات ضعیف را هم آورده است و مناسب هر مقام اشعاری از خود نوشته و در بعضی جاها از اشعار پدرش بعنوان (لوالدی) ذکر میکنند

و کتاب بخط نستعلیق خوب در ۸۳۲ صفحه در اورنگ آباد هند
نوشته شده

و از اول تا نصف کتاب تمام صفحات جدول طالبی و شنگرفی دارد
و عناوین با جوهر سرخ است تاریخ کتابت ۹۹۷ می باشد نویسنده نام خود
را ننوشته

در پشت ورق اول کتاب یک نفر هراتی رجبعلی نام نوشته است که
این کتاب را در سال ۱۲۶۱ در شاهجهان آباد از شخص هندی کتابفروش
خریدم و قیمتی را که نوشته بوده محو کرده اند

(۱۰۹)

منهاج الکرامه فی عربی شماره ۲۱۳

معرفه الامامه تألیف جمال الدین ابو منصور حسن بن مطهر معروف
بعلامه حلمی است که صاحب تألیفات کثیره و متوفی بسال ۷۲۶ می باشد که بنام
سلطان محمد خدا بنده (اولجایتو) نوشته و موضوع کتاب در اثبات
امامت است

و ابن تیمیه (شیخ تقی الدین احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حنبلی متوفی
بسال ۷۲۸) کتابی موسوم بمنهاج السنه در رد منهاج الکرامه علامه نوشته
و یک نفر از علمای امامیه رد بر این تیمیه نوشته بنام الانصاف فی الانتصاف

که قسمتی از اینکتاب اخیر بشماره (۲۱۳) در همین کتابخانه بوده و در صفحه (۸۲) ذکر آن شده است

از آخر کتاب چند ورقی آب دیده و چند ورقی افتاده است
نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد

(۱۱۰)

منهاج الکرامه عربی شماره ۲۴۲
فی معرفة الامامة همان کتاب (۲۱۳)

این نسخه چند ورقی از اولش افتاده و تاریخ کتابت ۱۰۹۲ می باشد

(۱۱۱)

ارشاد المسترشدين عربی منضم بشماره ۲۴۲
وهداية الطالبين تأليف فخر الدين محمد بن حسن بن مطهر معروف

بعلامه حلی اعلی الله مقامه است که در سال ۷۷۱ وفات یافته و موضوع
آن در عقائد و اصول دین است و تاریخ کتابت ۱۰۹۳ می باشد



(۱۱۲)

موجب النجاة فی عربی پیوست شماره ۸۰

الحیوة و المهمات شرحی است بر رساله واجب الاعتقاد مولانا علامه
حلی اعلی الله مقامه شارح مولی حسن بن عبدالحق تونی است و در سال
۱۱۱۴ نوشته شده

رساله رضایه و شرح دیباچه جواهر النحو و کتاب نهج المسترشدين
مرحوم علامه پیوست همین نسخه است

(۱۱۳)

هدایة المنصفین فارسی شماره ۱۷۷

در دیباچه کتاب مصنف از نام وعصر خود چیزی
ذکر نکرده در پشت ورق اول کتاب نوشته شده (هذا الكتاب الشریف
من مؤلفات المیرزا المرحوم مولانا الفاضل ملا محمد الاصفهانی
قدس سره الله حين توقفه فی دار السلطنة الکابل) و از حال مؤلف
چیزی بدست نیامد

موضوع کتاب اثبات امامت و حقیقت حضرت امیرالمؤمنین علی
علیه السلام است بها استناد و استدلال باحادیث و اخبار وارده از
طرق عامه

و مشتمل بر يك مقدمه و سه باب و خاتمه است و از نویسنده و
تاریخ کتابت اشاره ای نیست



موعظه و اخلاق

(۱۱۴)

اخلاق محسنی فارسی شماره ۱۳۰

مؤلف کمال الدین حسین بن علی کاشفی سبزواری
واعظ معروف متوفی بسال ۹۱۰ میباشد که تفسیر مواهب علیّه و جواهر التفسیر
از تألیفات اوست و همین کتاب اخلاق را بسال ۹۰۰ هجری بنام سلطان
حسین میرزا بایقرا و پسرش ابوالحسن میرزا نوشته و بچهل باب مرتّب
نموده و این کتاب بطبع رسیده و بترکی هم ترجمه شده است
تاریخ اتمام کتاب را در آخر کتاب بدین نحو مینویسد

(اخلاق محسنی بتمامی نوشته شد تاریخ هم نویس ز (اخلاق محسنی)
(۹۰۰)

و يك كتاب فارسی ناقص هم منضم بهمین كتاب است كه معجزات
ائمّه هدی و كرامات بعضی از اولیا را مینویسد كه از فصل نوزدهم تا
فصل پنجاه و سوم است و باقی در این نسخه ناقص است نام نویسنده
علی بن محمد لطیف مرزا آبادی و تاریخ كتابت ۱۲۴۵ هجری است

در پشت ورق آخر كتاب یكنفر تاریخ ولادت و وفات كسانی از خانواده خود را
نوشته كه بحوادث مشهوری هم مؤكّد گردانیده از جمله در ولادت پسری
كه بسال ۱۲۴۱ تولد یافته مینویسد و در این سال بود كه آقا سید محمد

طباغیائی خلف مرحوم آقا سیدعلی عساکر ظفر پیکر را بجهاد مهیا نموده و بتلمع گنج و شوشی برد و در وفات ملا علی پدر خود مینویسد در ماه شوال ۱۲۶۲ از وبا مرد که در ایام پادشاهی محمدشاه غازی در تبریز اتفاق افتاد و حاکم تبریز بهمن میرزا بود و هم چنین در ولادت دختری که بسال ۱۲۶۸ بوده مینویسد در این سال از طرف بابیان بناصرالدین شاه سوء قصدی شده و شاه محفوظ مانده و بدین مناسبت در تبریز چراغانی کردند

(۱۱۵)

انوار سهیلی فارسی شماره ۱۸۷

کلیله و دمنه کتابی است در سیاست و آئین جهاننداری و تهذیب اخلاق از زبان حیوانات که قبل از تاریخ اسلام فیلسوف هندی برای دابشلیم سلطان هند بزبان هندی سانسکریتی تألیف نموده که سلطان مزبور در مقابل آن مؤلف را رتبه وزارت داده است و در زمان کسری انوشیروان برزویه حکیم آن را از زبان هندی به پهلوی ترجمه کرد و عبدالله بن مقفع متوفی بسال (۱۴۲) برای ابو جعفر منصور عباسی آن را به عربی ترجمه نمود. و ابان بن عبدالحمید الاحقی بامر یحیی بن خالد برمکی آن را به عربی نظم کرده که یحیی در مقابل آن ده هزار دینار

و فضل پسرش پنجهزار دینار بوی اعطا نمودند که ابوالفرج اصفهانی در کتاب اغانی چهار بیت از آن را آورده

دکتر احمد رفاعی در کتاب (العصر المأمونی) جلد دوم صفحه ۳۲۱ چاپ مصر گوید (که در کتابخانه مصر به نسخه خطی برخوردیم بنام (الاوراق) تألیف صولی مشهور که در سال ۵۹۴ هجری نوشته شده بود و قطعه‌ای از منظومه کلیله و دمنه ابان در آن مندرج بود و خواستم تمام آن قطعه را در اینجا ضبط نمایم که این منظومه از دست رفته و نمانده مگر چهار بیتی که ابوالفرج نقل کرده است (۱) و تمام ابیات را که مقداری از اول منظومه و مقداری از باب (الاسد والثور) است نقل کرده و مجموعاً هفتاد و شش بیت است

و کلیله دمنه در زمان سلطنت نصر بن نوح سامانی بفارسی ترجمه شده و رودکی شاعر آن را بنظم آورده (۲) و کلیله باغلب زبانهای خارجه ترجمه شده

و ترجمه فارسی آن را که از ابوالمعالی نصرالدین محمد بن عبدالحمید است کمال الدین حسین بن علی کاشفی واعظ متوفی در سال ۹۱۰ تلخیص و اغلب آیات قرآنی و عبارات و اشعار عربی را حذف کرده و بجای

(۱) جرجی زیدان در کتاب آداب اللغة العربیه جلد ۲ صفحه ۱۳۳ در ترجمه حال ابان الاحقی و نظم او کلیله و دمنه را مینویسد (انه نظم کلیله و دمنه شعراً لم یبق منه الا بیتان)

(۲) مناسفانه غیر از ابیاتی چند از این منظومه اثری نیست و آقای سعید نفیسی در کتاب (احوال و اشعار رودکی) احتمال داده اند که این منظومه در حدود هجده هزار بیت بوده است

اشعار عربی اشعار فارسی قریب بهمان مضمون آورده و بنام امیر شیخ احمد
سهیلی از امرای سلطان حسین بایقرا نوشته و باین مناسبت آن را انوار
سهیلی نامیده (همین کتاب)

صفحه اول نو نویس است و در سال ۱۱۲۱ در مدرسه طالبیه تبریز

نوشته شده

(۱۱۶)

تذکرة الآخرة فارسی شماره ۶۰

در موعظه و نصیحت تألیف محمد علی کرمانی است
از حال مؤلف چیزی بدست نیامد بنظر میرسد که از طبقه و عاظم و اهل
منبر بوده است مضمون کتاب اغلب در توصیف بهشت و تهدید از دوزخ
بوده و در بعضی جاها اشاره بوقعه کربلا و مصیبت سیدالشهداء مینماید
و از قرائن در اوایل دوره قاجاریه بوده است

نام نویسنده محمد علی بن علی اکبر تبریزی است و تاریخ کتابت ۱۲۵۸

(۱۱۷)

حدائق الجنان فارسی شماره ۹۱

محمد حسن بن محمد ابراهیم نامی که از وعظ و اهل منبر بوده در احوال حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نوشته و در اواسط کتاب بعضی از اوراق را سفید گذاشته و تاریخ کتابت ندارد در پشت ورق اولی نوشته شده یکصد و دو ورق و چهار هزار بیت است.

(۱۱۸)

عیار دانش فارسی شماره ۱۲۲

تلخیصی است از انوار سهیلی تألیف کمال الدین حسین کاشفی واعظ که در شماره (۱۸۷) صفحه (۱۰۳) معرفی از آن شده و این تلخیص از ابوالفضل بن مبارک (۱) مقتول بسال ۱۰۱۱ و مؤلف تاریخ و آئین اکبری، و تحفه فتحیه، میباشد، که در سال ۹۹۶ هجری بنام جلال الدین محمد اکبر شاه هندی نوشته و تمام عبارات عربی و استعارات و تشبیهات و اشعار را حذف و باانشاء ساده فارسی نگاشته است و دو باب اول و دوم را که کاشفی در انوار سهیلی نیاورده ابوالفضل در این کتاب درج کرده که کتاب در شانزده باب است و در آخر هر باب (۱) برای شرح حال مفصل اورجوع شود بلغت نامه آقای دهخدا علیه السلام الله تعالی جلد ۲ صفحه ۷۳۰

معنی اجمالی و مقصود از آن باب را بعنوان خلاصه قید کرده است
تألیف و کتابت این کتاب هم در هند بوده است که در آخر کتاب
می نویسد

(الحق دانایی بود از هند جدا افتاده و باز بهند آمد
مانند غربی که بسوی وطن آید)

کاتب نام خود را نوشته و در آخر کتاب این عبارت را مینویسد
در اوقات قلمی این کتاب سن حقیر در سیست سالگی بود رجب ۱۲۳۵

(۱۱۹)

غرر الخصائص الواضحه عربی شماره ۱۵۹
و غرر النقائق الفاضله تألیف محمد بن ابراهیم بن یحیی بن علی
انصاری معروف بجمال الدین و طواط است چنانکه جرجی زیدان در صفحه ۱۳۲
جلد (۳) (آداب اللغة العربیة) مینویسد در سال ۶۳۲ متولد شده و در
سال ۷۱۸ وفات یافته

مجموعه ایست در اخلاق محتوی مدح متخلفین باخلاق حسنه و ذم
متخلفین از آن که بانظم و نشر مسجع در شانزده باب و هر باب در سه
فصل آورده و شامل اخبار تاریخی و حکایت های شیرین از شعرا و امرا
و ملوک است و کتابی است علمی و اخلاقی و ادبی

و این کتاب را ابن جانی بیک برای سلطان قایت بای از سلاطین مصر
 تلخیص کرده و آن را (محاسن الغرر و مساوی العرر) نامیده و تلخیص
 دیگری هم هست بنام (خصائص الغرر و نقائص العرر)
 و جمال الدین و طواط را تألیف دیگری است موسوم به مباحج الفکر
 و مناهج العبر که در چهار جزء است جزء اول در علم هیئت و جزء دوم در
 جغرافی و بلدان سوم در حیوانات چهارم در نباتات
 و غرر الخصائص در سال ۱۲۸۴ و ۱۲۹۹ در مصر چاپ شده
 و این نسخه با خط نسخ و عناوین با جوهر قرمز در سال ۱۲۵۷
 نوشته شده و غلط زیاد دارد

نام نویسنده علنقی بن محمد حسین کاتب کازرونی است
 و در صفحه آخر کتاب ملا محمدنای بتاریخ ۱۲۵۹ مینویسد
 این کتاب را در زمانی که فرهاد میرزا بن ولیعهد والی فارس بود و
 من در خدمت ایشان بودم آقای سید احمد شیخ الاسلام کازرون از روی
 نسخه خود برای من نویسانیده و هدیه کرده و مهر محمد بن عبدالله دارد

(۱۴۰)

کیمیای سعادت فارسی شماره ۱۱

تألیف حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد

غزالی طوسی است که متولد در ۴۵۱ و متوفی بسال ۵۰۵ میباشد چنانکه گفته‌اند :

نصیب حجة الاسلام از این سرای سپنج حیات پنج، و چهار و ممت پانصد و پنج
و لقب ایشان را صاحب روضات و بعضی از دیگران غزالی بتخفیف
(زا) قید کرده و منسوب بغزاله که دهی است در طوس گفته‌اند. گویا
غزالی بتشدید (زا) صحیح است که عماد زوزنی که معاصر و شاگرد و
مرید حجة الاسلام بوده گوید :

خرد را دوش پرسیدم که این کهنه جهان از کی
شد از غوغای شیطان وز سودای هوا خالی
خرد گفتا عجب دارم که میدانی و میپرسی
بعهد علم غزالی بعهد علم غزالی

که اگر بتخفیف خوانده شود وزن شعر درست نخواهد بود

و موضوع کتاب تهذیب اخلاق است و در چهار رکن ترتیب یافته :
غزالی تصنیفات متعددّ عربی و فارسی دارد که مشهور آنها کتاب
احیاء العلوم در اخلاق و در چهار جلد است و کتاب البسيط و الوسيط
والوجيزة والخلاصة در فقه است
و چند ورق از آخر کتاب افتاده نام نویسنده و تاریخ کتابت
معلوم نشد

(۱۴۱)

لوامع الاشراف فی فارسی شماره ۹۸

مکرم الاخلاق تألیف جلال الدین محمد بن اسعد دوانی (۱) صدیقی است که وفات او را صاحب روضات در سال ۹۰۲ و کشف الظنون در سال ۹۰۸ قید کرده اند عالمی متبحر و حکیمی محقق بوده و تألیفات متعددی دارد که از آن جمله است حاشیه قدیم و جدید بر شرح تجرید قوشچی نور الهدایه ، شرح هیاکل النور ، شرح عقائد عضدی ، انوار شافعیه ، حاشیه بر تهذیب منطق ، رساله الزوراء ، و رساله در انموذج علوم ، حاشیه بر شمسیه

و دوانی شعر هم می گفته است وفانی تخلص داشته و این بیت او در بین علمای عصر موجب خیلی قال و قیل گردید

درد خمار دارم و درمان من می است

می ده که می زهر مداوا حرام نیست

که بیت زیر را در حق از بطریق اعتراض گفتند

بهار است درکش می ارغوانی بفتوای ملا جلال دوانی

و کتاب محتوی یکدیباچه و سه لامعه و یک خاتمه میباشد که لامعه

(۱) دوان از قراء کازرون فارس است

اول در مکارم اخلاق دوم در تدبیر منزل و سوم در اجتماعیات و سیاست
مدن است

و کتاب را بنام حسن بیك بهادرخان (مشهور ازون حسن آق قویونلو)
متوفی بسال ۸۸۴ و پسرش سلطان خلیل نوشته است

و جلال الدین در تبریز هم بوده است که کتاب شواکل الحور فی شرح
هیاکل النور را در زاویه مظفریه که در نزدیکی مسجد جهانشاه (گوی
مسجد) تبریز بوده نوشته است (۱) و لوامع الاشراف بانگلیسی هم ترجمه
شده (۲) و کتاب بخط نستعلیق خوب است ولی خیلی مغلوط
نویسنده نام خود را ننوشته تاریخ کتابت ۱۰۵۹ می باشد

(۱۴۴)

همایون نامه ترکی شماره ۱۶۳

ترجمه کلیل و دمنه
سیاست و جهاننداری و در شماره ۱۸۷ صفحه (۱۰۳) همین فهرست ذکر آن شده
و برای سلاطین و زمامداران آن را ترجمه و تلخیص کرده اند که از آن
جمله انوار سهیلی است که حسین کاشفی واعظ برای امیر سهیلی از امرای
سلطان بایقرا آن را تلخیص و تسهیل کرده است

(۱) دانشمندان آذربایجان تألیف تربیت صفحه ۱۲۰

(۲) قاموس الاعلام جلد ۳ صفحه ۱۸۲۵

و این نسخه ترجمه انوار سهیلی است که علی بن صالح رومی ملقب
 بعدالواسع علیسی متوفی بسال ۹۵۰ بنام سلطان سلیمان خان از سلاطین
 آل عثمان ۹۲۹ - ۹۷۴ بترکی ترجمه کرده و آنرا بهمایون نامه موسوم
 نموده است چنانکه در خاتمه گوید

پادشاهك چون همایون نامینه قلیدی تمام
 آنا ویردی هاتف غیبی همایون نامه نام
 و تمام اشعار فارسی را عیناً آورده و در بعضی جاها اشعار ترکی
 هم علاوه نموده است
 و کتاب بخط نستعلیق شکسته آمیز و عناوین با مرکب سرخ
 نوشته شده

نام نویسنده را ندارد و تاریخ کتابت ۱۲۰۴ می باشد



لغت

(۱۲۳)

بحر الجواهر

شماره ۱۴۹

مؤلف محمد بن یوسف هروی طیب است و بقول صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه در سال ۹۳۸ هجری تألیف آن انجام یافته و از قرار معلوم مؤلف در زمان حمله و تاخت و تاز عمیدالله خانباز بخراسان (۹۳۰ - ۹۴۴) در هرات یا یکی از شهرهای خراسان بوده که در دیباچه مینویسد

(اذ قد صعب فی ذالک الزمان التدبیر اللائق لتکثیر العلائق وتلاطم امواج الفتن بین الخلائق خصوصاً فی بلاد خراسان فانه قد جرد الدهر علی اهلایها سیف العدوان و اهلك من کان فیها من السکنان)

و مینویسد که بهمین مناسبت ترک اتمام تألیف را کرده بودم تا اینکه امر مطاع از حضرت وزیر (قریب ده سطر در القاب و اوصاف

وزیر (ظهیرالدین محمدالمشهر با میر بیک^(۱)) رسید و بتہذیب و اتمام کتاب پرداختم

و موضوع کتاب لغتی است طبعی که در نام‌های اقسام دواها و

(۱) در سالهایی که در بالا ذکر شد غازی خان تکلو لله بہرام میرزا برادر شاه طہماسب اول از جانب شاه طہماسب حاکم ہرات بودہ و امیر بیک منشی و وزیر او بود .

اسکندر بیک منشی در عالم آرای عباسی در ذیل وقایع سال ۹۳۷ مینویسد کہ در این سال عبیداللہ خان اوزبک بخراسان هجوم آورده و ہرات را در محاصره گرفت کہ ایام محاصره یکسال بطول انجامید و قحط و غلا بدرجہای رسید کہ دو نفر امیر برای گرفتن و خوردن یک سکہ با ہم نزاع کردند و عبیداللہ خان با ارسال نمایندہ و نامہ تکلیف تسلیم قلعہ گیان میکرد و در این ضمن مینویسد کہ عبیداللہ خان مرد شاعر پیشہای بود و در آن چند روز این ابیات را نوشتہ نزد خواجہ امیر بیک کہ وزیر غازیخان بود بشہر فرستاد

ایباد اگر براہل خراسان گذر کنی	زینہار عرضہ دہ بر ایشان پیام ما
و آنکہ ز روی لطف بگوی آن گروہ را	کای گشتہ کینہ خواہ شما خاص و عام ما
کلک غرور و جہل شما کردہ است ثبت	در رقعہای کہ بودہ در آن رقعہ نام ما
کا بخواجہ بعد از این طمع از زندگی بہر	ز آنرو کہ گشت سکہ خانہ بنام ما

خواجہ امیر بیک وزیر مرد سخنور و قابل و از مستعدان روزگار بود در جواب این ابیات را نوشتہ و فرستاد

ای مدعی مگر نشنیدی کہ میرسد	شاه ستارہ حشمت و جم احترام ما
ما بندگان حضرت شاہیم و از ازل	ثبت است بر جریدہ ہستی دوام ما
باشد جواب دعوی خانہ کہ کردہ بود	بیمتی ز شعر حافظ شیرین کلام ما
چندان بود گر شمشہ و ناز سہی قدان	کآید بجلوہ سر و صنوبر خرام ما

بیماری‌ها و غذاهای بیماران و ترکیب دواها و اصطلاحات اطباء و بترتیب
حروف تهجی میباشد

و معانی بعضاً عربی و بعضاً بفارسی است که در دیباچه میگوید
و یَنْتَ فِیْهَا بَعْضُهَا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِیَّةِ وَ بَعْضُهَا بِالْفَارْسِیَّةِ وَ از لغت‌های
غیر طبّی هم مثل آجر و آبنوس و ادب گاهی آورده و در اوایل کتاب
ترجمه‌ی حال چند نفر از مشاهیر اطباء و حکمای گذشته مثل محمدزکریای
رازی و ابن سینا و ابونصر فارابی و ابوسهل مسیحی و غیره را بطریق
اختصار ذکر نموده است

و این کتاب با خط‌های مختلف نسخ و نستعلیق نوشته شده و از
حرف قاف تا آخر کتاب که بخط نسخ خوب میباشد از يك نسخه دیگر
اینکتاب بوده که اندازه‌ی اوراق آن از اینکتاب کسوتاه تر بوده و تمامی
اوراق را کاغذ علیحده چسبانیده و باندازه‌ی قسمت اول این کتاب کرده‌اند
و احتمال میرود که این قسمت اخیر بخط مؤلف کتاب باشد که در آخرش
مینویسد (تَمَّ تَصْنِیْفُهُ وَ تَحْرِیرُهُ عَلَیْ يَدِ الْعَبْدِ الضَّعِيفِ الْمَحْتَاجِ إِلَى اللَّهِ
الْقَوِیِّ مُحَمَّدِ بْنِ یُوسُفَ الطَّیِّبِ الْهَرَوِیِّ فِی شَهْرِ رَجَبِ الْمَرْجَبِ)

و نام نویسنده دیگر هم نیست

و اینکتاب در سال ۱۲۸۸ قمری در طهران به‌باشرت میرزا سیدرضی

طباطبائی سمنانی بطبع رسیده است

(۱۳۴)

فرهنگ جهانگیری (از فارسی به فارسی) شماره ۱۴۰

مؤلف جمال الدین حسین ملقب بعضدالتوله ابن
فخرالدین حسن انجو است چنانکه خود در مقدمه گوید مدت سی سال
مشغول جمع آوری لغات فارسی و کتابهای فرهنگ بوده و در این فن اشتهار
یافته که مدعی است :

یاران مرا در این علم ثقة میدانستند و محمد اکبر شاه مرا در سال
هزار و پنج بشهر سری نگر دارالملک کشمیر دعوت و امر بتألیف و تدوین
کتاب فرهنگ جامعی نمود و در سال ۱۰۱۴ محمد اکبر شاه در گذشته و
پسرش نورالدین محمد جهانگیر بتخت سلطنت نشست و فرهنگ در زمان
سلطنت نورالدین جهانگیر در سال ۱۰۱۷ باتمام رسیده و بنام وی بفرهنگ
جهانگیری موسوم گردید و تاریخ آن از این دو بیت ظاهر است:

مرتب گشت این فرهنگ نامی باسم شاه جمجاه و جهانگیر
چو جستم سال تاریخش خرد گفتم (زهی فرهنگ نورالدین جهانگیر)
(۱۰۱۷)

و چنانکه مؤلف تصریح نموده پنجاه و سه جلد فرهنگ مختلف در
دست داشته که نام چهل و چهار جلد آنرا در مقدمه ذکر کرده (۱)
و میگوید نه جلد از آنها نام کتاب و مصنف معلوم نبود

(۱) یکی از چهل و چهار جلد فرهنگ حکیم قطران بوده است

و تنظیم فرهنگ در بیست و چهار باب بترتیب حروف تهجی مرتب و حرف دوم هر کلمه باب و حرف اول فصل قرار داده شده و در مقدمه دوازده آئین مشتمل بر کیفیات و مختصات زبان فارسی آورده و مینویسد که چون کنایات و استعارات و اصطلاحات و لغات مرکبه از فارسی و عربی و لغاتی که یکی از حروف هشتگانه در آن یافت شده و لغات زند و پازند و لغات غریبه که دانستن آن ضروری بوده و از آن گریزی نبود و داخل کردن آنها در اصل کتاب مناسب نمینمود در خاتمه درج نمودم (۱)

و خاتمه را به پنج در (باب) و هر در - بچند جمله ترتیب داده در اول - مشتملست بر کنایات و اصطلاحات و استعارات در دوم - مشتملست بر لغات مرکبه از پارسی و عربی یا دو کلمه عربی که بروش پارسی آورده باشند مانند (فتح باب) که هر دو عربی است اما بروش فارسی استعمال کرده اند یا مرکب از عربی و فارسی مثل (آب منجمد) (باغ و سمیع) (بازوی شرق) (چادر احرام) (سقف مینا) در سوم - مشتملست بر لغاتی که یکی از حروف هشتگانه در آن یافته شده مثل: بوقه، طراق، غلطان،

در چهارم - مشتملست بر لغات زند و پازند و وستا در پنجم - مشتملست بر لغات غریبه (آذربایگان در این قسمت

(۱) این خاتمه را نسخه چاپی و اغلب نسخه های خطی ندارند

نوشته شده است) مانند اگر با (نام شهری) خاصگی دابشلیم
 فرهنگ جهانگیری در دو جلد در هند بچاپ رسیده
 و همین کتاب هم مثل اغلب نسخ خاتمه را ندارد
 و کتاب بخط نستعلیق خوانا و لغات با رنگ سرخ نوشته شده است
 نویسنده نام خود را ننکاشته تاریخ کنابت سال ۱۰۶۸ می باشد
 در پشت ورق اول کتاب این عبارت نوشته شده
 (بتاریخ ربیع الثانی هذه السنة ۱۲۶۹ این جلد کتاب را بعاریت گرفتم
 از آقای میرزا محمود که بعد از انتفاع از او در تألیف اسرار الشهادة
 برگردانم بایشان)
 محتمل است که خط آقای ملا آقا در بندی مشهور بفاضل در بندی
 و مؤلف اسرار الشهادة و متوفی در سال ۱۲۸۶ باشد

~~~~~  
 (۱۴۵)

## کنز اللغات (عربی بفارسی) شماره ۱۶۹

مؤلف محمد بن عبد الخالق بن معروف است که در  
 قرن هفتم هجری در زمان سلطان محمد پسر ناصر کیا از پادشاهان  
 گیلان (۸۵۱-۸۸۳) بنام همان پادشاه تألیف کرده و بذکر مصادر لغات و  
 باعتبار حروف اول و آخر مرتب داشته.

و در اول و آخر کتاب و همچنین در کشف‌الظنون نام کتاب را  
کنز اللغه نوشته‌اند و کنز اللغات صحیح است و در حاشیه کتاب از برك هشتم  
فرهنگ سروری که در شماره (۱۴۲) معرفی از آن شده و بعد از اتمام  
فرهنگ سروری رساله انیس العاشقین حسن بن محمد ملقب بشرف‌رای معاصر  
سلطان اویس ایلکانی (۷۵۷-۷۷۶) نوشته شده که همگی بخط یک نویسنده  
و بخط نستعلیق خوانا میباشد

و کاتب با اینکه در آخر هر کتاب تاریخ روز و ماه و سال اتمام را  
معین نموده نام خود را ننوشته

و کتاب کنز در سال ۱۱۹۷ و فرهنگ سروری در ۱۱۹۸ و انیس  
العاشقین در سال ۱۱۹۹ نوشته شده و در پشت برك آخر کتاب دوازده  
بیت ثبت شده که حرف اول و آخر تمام مصرع‌ها ماده تاریخی است برای ولادت  
محمد رفیع نامی در سال ۱۲۰۴ و اشعار از مشهدی حسن بن حاجی غلامعلی  
هرجی است

و این کتاب از کتابهای اهدائی مرحوم آقا سید عبدالرحیم  
خلخالی است

(۱۴۶)

شماره ۷۰

لغت فارسی بترکی

یا لغت ایاسی مصادر کلمات فارسی و بعضاً کلمات عربی را که

در زبان فارسی معمول است به ترتیب حروف تهجی و مراعات اعراب مفتوحه و مکسوره و مضمومه نوشته و معنای آنها را با ترکی اسلامی زیر هر کلمه نوشته‌اند و غالباً کلمات مرکبه را هم مثل کلمات مفرده نوشته مثل آب آوردن و آب گشادن

و از مؤلف و تاریخ تألیف خبری نیست فقط در آخر کتاب با جوهر قرمز نوشته شده :

تمت کتاب لغت ایاسی فی ذیقعه سنه ۹۵۱ بید آصفی الرومی  
و بهمین مناسبت در پشت صفحه اول کتاب بخط درشت نوشته شده  
لغت ایاسی .

(۱۴۷)

## لطائف اللغات ( فرهنگ مثنوی ) شماره ۱۴۳

مؤلف این فرهنگ عبداللطیف بن عبدالله کبیر است که مثنوی مولانا جلال الدین رومی را با نسخه‌های بسیاری قریب بهشتاد نسخه ( بقول خود ) مقابله و تصحیح و این فرهنگ را برای مثنوی تألیف نموده که معانی لغات عربی و فارسی و ترکی مثنوی را نوشته و برای هر یک علائمی معین کرده و در همین کتاب بتاریخ تألیف اشاره‌ای نشده آقای ابن یوسف شیرازی ( فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار جلد دوم صفحه ۲۲۸ ) مینویسد که باقرینه تصحیح مثنوی این فرهنگ در سال ۱۰۳۱

هجری تألیف شده و نیز آقای ابن یوسف مینویسد که احمد بن مصطفی اللبائی دیالیمشقی بسال ۱۳۲۱ کتابی در لغت بنام لطائف اللغة تألیف کرده و چاپ شده (۱)

نویسنده در آخر کتاب مینویسد : تمت الكتاب المسمى بلطائف اللغات من يد احقر العباد والعصاة ...

دیگر نام خود و تاریخ کتابت را نوشته یکمفر از مالکین آن در آخر کتاب مینویسد :

من مستملکات خیر الحاج حاجی ملا محمد خلف حاجی ملا علی اکبر روضه خوان میلانی اشتراها فی مدینه شام فی سنه ۱۲۶۹  
از طرز نگارش و خط چنان معلوم میشود که در هند نوشته شده و یک ورق در آخر عوضی صحافی شده است

(۱۲۸)

مجمع الفرس یا فارسی شماره ۱۴۲

فرهنگ سروری مؤلف آن محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی  
متخلص بسروری است که در سال ۱۰۰۸ هجری بنام شاه عباس اول تألیف کرده

(۱) چون آغاز و انجام آن کتاب را نوشته اند بقیده نکارنده همین کتاب لطائف اللغات عبداللطیف میباشد

و مجمع‌الفرس نامیده چنانکه در مقدمه گوید

کرد توفیق چو داد اتمامش      مجمع‌الفرس سروری نامش  
و این لغت را از روی شانزده فرهنگ جمع‌آوری کرده که در  
دباجه گوید

چون در تتبع اشعار بلغات فرس بیشتر احتیاج واقع میشد همت به  
تفحص لغات مصروف ساخت و با تأیید ربانی در سنه ثمان و الف شانزده  
نسخه فرس که تفصیل اسامی ایشان این است جمع‌آوری کرده و بتدوین  
این فرهنگ مبادرت نمود

اول شرفنامه منیری تألیف ابراهیم فاروقی  
دوم معیار جمالی افصح‌المتکلمین شمس فخری  
سوم تحفة الاحباب حافظ اوبهی

چهارم رساله حسین وفائی

پنجم رساله ابو منصور علی بن احمد اسدی طوسی  
ششم رساله میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی  
هفتم رساله محمد هندوشاه

هشتم مؤبد الفضلا تألیف محمدلاد

نهم شرح‌الاسامی فی الاسامی میدانی

دهم رساله ابو حفص سغدی

یازدهم ادات‌الفضلاء تألیف قاضی خان بدر محمد دهلوی

دوازدهم نسخه زبان گویا

سیزدهم ترجمه صیدنه ابوریحان بیرونی

چهاردهم لسان الشعرا

پانزدهم جامع اللغات منظوم نیازی حجازی (یا بخاری)

شانزدهم نسخه لطف الله بن یوسف حلیمی که معنی لغات را بترکی نوشته  
سروری کلمات عربی را اگرچه مصطلح در زبان فارسی باشد و لغات  
مشهوره فارسی را در فرهنگ نیاورده و در مقدمه گوید (بعضی از مؤلفان  
لغات عربی در میان لغت فرس آورده اند و فرس را بعربی مخلوط  
ساخته اند و ظاهر است که کتب مبسوطه در لغت عرب بسیار نوشته اند  
و بر احتیاج باین چند لغت که در میان فرس آورده اند نیست بنابراین  
مقدمات بخاطر رسید این شانزده نسخه را بالتام جمع کرده مکررات  
و لغات عربی و لغات مشهوره سهل را که در نوشتن آنها نفعی نباشد  
حذف کند و از روی تتبع بسیار آنچه بصحت پیوسته بترتیب حروف  
درج نماید)

و فرهنگ خود را بعد از تألیف تلخیص و امثال و شواهد را حذف

کرده و به خلاصه الجمع موسوم ساخته

سروری از شعرای مشهور عصر خود بوده و در تذکره ها هم نام

سروری را ذکر کرده اند و مسافرتی بهند کرده که در سال ۱۰۳۶ در

لاهور بوده و ظاهراً در هند هم وفات یافته

فرهنگ سروری چاپ نشده است  
و این نسخه با خط نسخ خوب و کم غلط نوشته شده و تمام کلمات  
لغات و عناوین با جوهر سرخ است  
و از حیث تاریخ هم اهمیت دارد که هشت سال بعد از تألیف کتاب  
و در حال حیات مؤلف نوشته شده که تاریخ کتابت آن ۱۰۱۶ هجری  
میباشد متأسفانه نویسنده نام خود را ننوشته است  
و این نسخه را امیر عبدالنّاح نای وقف کرده است که در پشت ورق  
اول کتاب شرحی راجع بوقف بودن آن نوشته بوده اند که بعداً حک و  
سیاه کرده اند

~~~~~  
(۱۲۹)

مجمع الفرس لغت فارسی شماره ۱۵۲
فرهنگ سروری
(همان کتاب)

این نسخه بخط بدی نوشته شده نویسنده محمد

رضابن علی اصغر تبریزی و تاریخ کتابت ۱۲۰۸ می باشد

(۱۳۰)

المغرب فی اللغة

شماره ۱۲۴

تألیف ابی الفتح ناصر بن عبدالسید خوارزمی معروف بمطرزی است که در سال ۵۳۸ متولد شده و در ۶۱۰ وفات یافته و او را خلیفه زمخشری نیز گویند که در سال وفات زمخشری متولد شده است. و کتاب المغرب که در لغت‌های غریب فقهی است در بین فقها و فضلا شهرت و اهمیت کاملی دارد و خود مؤلف همین کتاب را شرح و به المغرب نامیده و از جمله مؤلفات او است الاقتناع لما حوی تحت القناع، ومختصر اصلاح المنطق، ومصباح در نحو، والایضاح، که شرح مقامات حریری است و در سال ۵۶۳ با تمام رسانیده و نیز اشعاری عبری دارد که بعضی از آنها را ابن خلکان ضبط کرده است و کتاب بخط چند نفر و با نسخ و نستعلیق نوشته شده

و نام کاتب و تاریخ کتابت را ندارد

در پشت ورق اول کتاب بامر کتب سرخ نوشته شده

(اسامی اشخاصیکه در این کتاب از آنها نقل میکند از فقها و اهل

لغت) و نام چهل و دو نفر را ذکر کرده و باز زیر جدول علیحده نوشته

شده (اسامی کتبی که در این کتاب مذکور است از کتب لغت و فقه) و

پنجاه و سه جلد کتاب را نام برده که اغلب آنها کمیاب و نادر است

(۱۳۱)

شماره

نصاب الصبیان

تألیف ابی نصر بدرالدین محمد بن ابی بکر فراهی
 است (قصبه‌ای در سیستان) ولغتی است عربی بفارسی منظوم که برای
 مبتدی کتاب بسیار نافع است که در حق همین کتاب گفته‌اند
 آن نصابی که ساخت بدرالدین در لغت عدّه دیران است
 گرچه او را نصاب صبیان خوانند او بمعنی نصیب پیران است
 و ابونصر در لغت متبحر و بقول فاضل محترم آقای اقبال (تاریخ
 مفصل ایران جلد ۱ صفحه ۵۱۶) کور مادر زاد و در اوایل قرن هفتم
 هجری بوده است

و مجموعه ابیات نصاب ابونصر دو بیت بوده (۱) و بهمین
 مناسبت که حد نصاب زکاة نقره است آن را نصاب الصبیان نام کرده است
 و بقیه الحاقی است (۲) و چند نفری بعد از ابی نصر منظومه‌هایی بطرز
 نصاب در لغت عربی بفارسی گفته‌اند که از آنجمله است احمد داعی در

(۱) نزد نگارنده يك جلد نصاب خطی از ابونصر هست که در سال ۸۵۶

نوشته شده و همان دو بیت میباشد

(۲) يك نسخه دیگر از نصاب فراهی بیش نگارنده هست که محمد جمال نام
 اصفهانی در اول آن مینویسد که چند بیتی از ابیات متفرقه بنظر آمده بود و از
 استادان این استماع کرده مناسب مینمود الحاق آن بنا بر این درج کردم و اوزان
 و مقطعات را نیز تحقیق کرده و در اول هر قطعه در آوردم تا بحروزش نیز معلوم شود

سالهای ۸۱۶ - ۸۲۴ در حدود هفتصد بیت گفته و به عقود الجواهر موسوم نموده است

دیگری حسام‌الدین حسن بن عبدالله الخوی متخلص بحسام که رساله او در حدود چهار صد بیت و موسوم به نصیب‌الفتیان است و دیگری حمیدالدین بن عبدالرحمن انگوری که بعد از حسام‌خویی بوده و رساله او در حدود ششصد بیت میباشد و در سال ۷۵۷ هجری تمام و بسلك جواهر موسوم ساخته و در آخر کتاب گوید حمید این را بسال هفتصد و پنجاه و هفت اندر بیایانش رسانیدی بعون خالق یزدان و نصاب را شرح‌های متعددی عربی و فارسی نوشته‌اند و این نسخه ۲۶۲ بیت است و آخر کتاب افتاده نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد



منطق و حکمت

(۱۳۲)

اسفار در فلسفه عربی شماره ۱۵۳

و حکمت تألیف محمد بن ابراهیم قنوی شیرازی
مشهور بملا صدراست که شاگرد شیخ بهائی و میر محمد باقر داماد
و از افاضل حکما و متالین و استاد در معقولات و فلسفه بوده و در سال
۱۰۵۰ در سفر حج در بصره وفات یافته (۱)
ملا صدرا تألیفات متعددی دارد که در صفحه ۳۳۱ روضات الجنات
مندرج است

این نسخه از جلد اول اسفار و شامل چهار مرحله است بدین ترتیب
المرحلة الخامسة، فی العلة و المعاول، المرحلة السادسة، فی القوة و الفعل،
المرحلة السابعة، فی تنمة احوال الحر که و احکامها، المرحلة الثامنة،
فی العقل و المعقول،

(۱) مستر ادوارد براون در تاریخ ادبیات ایران در شرح حال ملا صدرا مینویسد
که لباس تقدس و روحانیتش بضخامت و استحکام معلمیش میرداماد و شیخ بهائی
نبوده است و بعد از چند صفحه مینویسد که هفت مرتبه پیاده بزیارت خانه خدافت
و در پایان سفر هفتم چون بصره رسید بدرود زندگانی گفت سنه ۱۰۵۰
(نقل از جلد چهارم ادبیات ایران ترجمه آقای رشید یاسمی)

و قسمت آخر کتاب ناقص مانده و نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد و در حاشیه اوائل مرحله نامنه چند سطرى اشاره بتاریخ تألیف کتاب بود و احتمال میرفت خط مصنف باشد بى مناسبت ندانستیم که اینجا ذکر آن بشود و برای واضح شدن مطالب قبلا قسمتی از عبارت متن باید آورده شود در فصل بیان تعقل میگوید

(لَمَّا رَأَيْنَا صَعُوبَةَ هَذِهِ الْمَسْئَلَةِ وَلَمْ نَرِ فِي كُتُبِ الْقَوْمِ مَا يَرْوِي الْغَائِلُ فَتَوَجَّهْنَا إِلَى مَسَبِّبِ الْأَسْبَابِ وَ تَضَرُّعْنَا إِلَى مَسْهَلِ الْأُمُورِ الصَّعَابِ لِأَنَّ عَادَتَهُ الْإِحْسَانَ وَالْإِنْعَامَ وَ شَيْمَتَهُ رَفْعَ أَعْلَامِ الْهَدَايَةِ وَ بَسْطَ أَنْوَارِ الْإِفَاضَةِ فَافَاضَ عَلَيْنَا فِي سَاعَةِ تَسْوِيدِي هَذَا الْفَصْلِ مِنْ خَزَائِنِ عِلْمِهِ عِلْمًا جَدِيدًا وَ فَتَحَ عَلَيَّ قُلُوبَنَا مِنْ أَبْوَابِ الرَّحْمَةِ فَتَحًا مُمِينًا وَ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ)

و در حاشیه نوشته شده

تاریخ هذه الافاضة كان ضحوة يوم الجمعة سابع جمادى الاول لعام سبع و ثلاثين و الف من الهجرة و قد مضى من عمر المؤلف ثمان و خمسون سنة قمرية

و کتاب اسفار در چهار جلد بطبع رسیده

(۱۳۳)

شماره ۱۳۲

عربی

حاشیه ملا عبداللہ

کتاب تہذیب المنطق تألیف ملا سعد تفتازانی متوفی

بسال ۷۹۲ میباشد که در سال ۷۸۹ از تألیف آن فارغ شده
 و شروح و حواشی متعددی بر آن نوشته اند که در صفحه ۵۱۵ و ۵۱۶
 کشف الظنون مشروحاً ذکر شده و از آن جمله این حاشیه است که از ملا عبدالله بن
 نجم الدین یزدی شه آبادی است که از جانب شاه طهماسب اول بخزانهداری
 حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منصوب بوده و در سال ۹۸۱
 وفات یافته و حاشیه را در سال ۹۶۷ تألیف کرده
 و این کتاب مورد بحث و تدریس طلاب علوم بوده و به (حاشیه
 ملا عبدالله) معروف است و مکرر بچاپ رسیده
 و این نسخه بخط نسخ خوب و عبارات متن در بالای صفحه ها
 نگاشته شده و عناوین و فصول با جوهر قرمز است متأسفانه یک ورق از
 اولش افتاده
 نویسنده الله ویردی تبریزی ساکن محله سرخاب و تاریخ کتابت
 ۱۲۶۷ می باشد

(۱۳۴)

حاشیه ملا عبدالله عربی شماره ۸۷
همان کتاب (مکرر)

این نسخه ورق اولش نو نویس و ورق دوم پاره و

افتاده است

تاریخ کتابت ۱۱۹۸ کاتب نام خود را ننوشته

(۱۳۵)

عربی شماره ۸۹

ده رساله تألیف معلم ثانی ابو نصر محمد بن محمد بن
اوزلغ بن طرخان فارابی (۱) متوفی بسال ۳۳۹ هجری باشد که در هفتاد سالگی
در دمشق در گذشته و در آنجا مدفونست

رساله اول در جواب سؤالاتی که در فلسفه طبیعیات است

رساله دوم المقالة فی السیاسة (این رساله ناقص است)

(۱) استاد معظم آقای دهخدا در صفحه ۸۹۸ تا صفحه ۹۰۶ (لفت نامه دهخدا)
شرح حال و تألیفات فارابی را بشرح مبسوط نوشته اند و مینویسند که فارابی
شاعر هم بوده و چند شعر عربی و دو رباعی فارسی هم بنام فارابی نوشته اند
و تعداد تألیفات فارابی را یکصد و دو رساله معین کرده اند.

رساله سوم در عقل

رساله چهارم در صنوف عالم

رساله پنجم مقاله ایست در تحقق غرض ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه

موسوم بکتاب الحروف

رساله ششم عیون المسائل که در آن یکصد و شصت و شش مسئله است (۱)

رساله هفتم در ماهیت انسان

رساله هشتم در اثبات مفارقات

رساله نهم در مسائلی که در احکام نجوم صحیح است و مسائلی که

ناصحیح است و این رساله را بنا بخواهش ابواسحق ابراهیم بن عبدالله

بغدادی که از فضلا و ریاضیون بوده نوشته است و ابواسحق در دیباچه

میگوید که من در بعضی مسائل و احکام نجوم تردید و شک داشتم و

بامطالعه کتب حکما شک و تردید من زایل نمیشد تا ملاقات ابونصر میسر

گردیده و از او کشف شبهات و حل مشکلات خود را التماس نمودم و

این رساله را نوشته و بمن داد که تمام تردید و وسواس از من مرتفع

گردید (و رساله درسی فصل است

رساله دهم در سعادت و این رساله هشت ورق است و باقی افتاده است

(۱) در حاشیه صفحه اول عیون المسائل یکنفر که نام خود را اظهار نکرده

چنین مینویسد (يك نسخه قدیمه که بخط نسخ آمیخته بکوفی نوشته شده و تاریخ

کتابت آن سیصد و بیست و شش هجری بود دیدم که عنوان این رساله را چنین

نوشته بود عیون المسائل علی رای ارسطاطالیس و آن یکصد و شصت و شش مسئله

است که فارابی آن را ترجمه کرده یا جمع آراء ارسطاطالیس را کرده است)

و این رساله‌ها بخط نستعلیق شکسته آمیز نوشته شده و در آخر هیچ يك از رساله‌ها نام نویسنده و تاریخ کتابت نوشته نشده فقط در آخر رساله ششم (عیون المسائل) این عبارت نوشته شده
(بلغ مطالعة بتوفیق الله تعالى فی سنة ۱۰۶۹ هـ هی السنة التي كان عمری فی التسع واربعین سنة)

(۱۳۶)

شرح حکمة العین عربی شماره ۶۳

متن حکمة العین تألیف نجم الدین ابوالحسن علی بن محمد مشهور بدیران کاتبی قزوینی متوفی بسال ۶۷۵ می باشد که از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی بوده و در موقعی که خواجه بساختن رصد اشتغال داشته مشارالیه را بمرآغه طلیمیده است

و نجم الدین در مقدمه حکمة العین گوید بعد از تألیف رساله ای در علم منطق که مسمی بعین است جمعی از رفقا خواهش نمودند که بر همان رساله اضافه نمایم قسمت الهیات و قسمت طبیعیات را با وجود مشغولی خاطر بلکه خاطر عموم از اضطرابات و اغتشاشاتی که در این زمان حادث و ظاهر شده ملتزم ایشانرا نتوانستیم ردّ نمایم و بنویشتن این رساله اقدام نموده و آن را در دو قسمت قرار دادیم اولی الهیات و دومی طبیعیات و آنرا بحکمة العین موسوم نمودیم

و این کتاب که شرح حکمة العین است از مولی شمس الدین محمد بن مبارک شاه بخارایی معروف بمیرک بخاری است که در ضمن شرح آن حواشی قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی را هم بر آن افزوده است

و این نسخه ناقص است که قسمت دوم از طبیعیات که در آن شش
مبحث است این نسخه فقط دو مبحث اول و دوم را دارد و نام کاتب و
تاریخ کتابت هم معلوم نشد

(۱۳۷)

شرح شمسیه^{۲۲} عربی شماره ۹۶

رساله شمسیه در منطق تألیف نجم الدین عمر بن
علی کاتبی قزوینی متوفی بسال ۶۹۳ (بقول کشف الظنون) که شاگرد
خواجه نصیرالدین طوسی بوده و بنام خواجه شمس الدین محمد نوشته
(و بدین مناسبت شمسیه نامیده) و شروح و حواشی چندی به عربی و فارسی
بر آن نوشته اند که در صفحه ۱۰۶۳ کشف الظنون و صفحه ۱۲۳ جلد اول
فهرست کتابخانه معارف مشروحاً ذکر شده است که از آن جمله است همین شرح
که از قطب الدین محمد رازی متوفی در سال ۷۶۶ میباشد که بنام غیاث الدین
محمد بن خواجه رشید الدین وزیر سلطان محمد خدا بنده نوشته و آنرا
به (تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه) موسوم نموده و مولی سید شریف
علی بن محمد جرجانی متوفی بسال ۸۱۶ حاشیه جامعی بر شرح قطب الدین
رازی نوشته و حواشی متعددی بر حاشیه سید نوشته اند
و شرح شمسیه مکرراً چاپ شده

و این نسخه بخط نسخ خواناست و عبارات متن را در بالای صفحات نوشته و روی آن جدول سرخ کشیده‌اند
نویسنده نام خود را ننوشته تاریخ کتابت ۱۰۷۴ هجری باشد

(۱۳۸)

حاشیه بر شرح عربی شماره ۲۰۹

شمسیه در شماره (۹۶) در موضوع شروع و حواشی شمسیه

ذکری شد این نسخه حاشیه ایست که بر حاشیه سید شریف جرجانی نوشته شده

و آخر کتاب افتاده نویسنده و تاریخ معلوم نشد

و پنج و شش ورق از کتاب تمرین الطلاب خالد بن عبدالله ازهری

در اول این کتاب وصل و صحافی شده است

در پشت ورق اول یک نفر تاریخ ریش گذاشتن خود را بدین عبارت

نوشته و خیلی شبیه بخط کتابست که شاید خط همان نویسنده کتاب باشد

(قد وقع ارسال لحيثي في سنة الف و مائة و اربعة عشر

من الهجرة)

(۱۳۹)

حاشیه بر شرح عربی شماره ۲۱۷

شمسیه حاشیه ایست از عماد الدین محمد بن یحیی بن
علی فارسی که بر حاشیه سید شریف جرجانی نوشته است
و بخط بسیار بدی نوشته شده

نویسنده حاجی محمد بن شبنج محمد و تاریخ کتابت ۸۹۹ میباشد

~~~~~

( ۱۴۰ )

حاشیه سید شریف عربی شماره ۲۴۰۵

بر شرح شمسیه حاشیه ایست که سید شریف علی بن محمد  
جرجانی بر شرح قطب الدین رازی نوشته و در شماره (۹۶) ذکر آن  
شد و آنرا حاشیه کوچک مینامند

نام نویسنده ولی ولدعلی پاشا است و تاریخ کتابت ندارد

(۱۴۱)

حاشیه بر شرح عربی در یک جلد با شماره ۲۴۰

شمسیه این حاشیه از برهان الدین ابن کمال الدین

حمید است بر شرح قطب الدین محمد رازی متوفی بسال ۷۶۶

و بخط خیلی ریز نوشته شده نام نویسنده و تاریخ ندارد

(۱۴۲)

حاشیه بر شرح عربی شماره ۲۲۸

شمسیه حاشیه ایست بر حاشیه سید شریف جرجانی که

محشی معلوم نشد

نویسنده عبدالباری بن عبدالرحمن علیابادی تاریخ کتابت ندارد

(۱۴۳)

حاشیه بر حاشیه خفری عربی شماره ۲۴۱

حاشیه ایست بر حاشیه خفری که بر شرح تجرید

ملا علی قوشچی است

از مولی محمد بن حسن مشهور بملا میرزای شیروانی متوفی بسال  
۱۰۹۹ و بنام شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۶-۱۱۰۴) نوشته که شرح حال  
و تألیفات او در صفحه ۶۴۳ روضات مسطور است و این نسخه تامبخت  
علم است

نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد

(۱۳۴)

### باشماره ۲۴۱ در يك مجلد است عربی

حاشیه بر حاشیه خفّری بر شرح تجرید قوشچی  
محشی در اول و آخر کتاب نای از خود نبرده و معلوم نشد در  
صفحه ۷۰ جلد چهارم فهرست کتابخانه آستانه قدس این حاشیه را به آقا  
جمال خوانساری متوفی بسال ۱۱۲۵ نسبت داده که شرح حال و تألیفات  
او در صفحه ۱۵۵ روضات مذکور است

نام نویسنده را ندارد تاریخ کتابت ۱۱۲۳

( ۱۴۵ )

## شرح هداية الحكمة      شماره ۷

مؤلف هداية الحكمة اثيرالدين مفضل بن عمر ابهری است که وفات او را حاجی خلیفه در کشف الظنون بسال ۶۶۰ و جرجی زیدان ۶۶۳ و مرحوم اعتصام الملك در فهرست کتابخانه مجلس در سال (۷۰۰) نوشته

شارح حسین بن معین الدین میبدي است ( میبد قصبه ایست در ده فرسخی یزد ) که دیوان منسوب بحضرت امیرعلیه السلام را در سال ۸۹۰ هجری شرح مبسوطی بفارسی نوشته و هر بیت را پس از شرح يك رباعی فارسی بهمان مضمون آورده و تألیفات دیگری هم دارد

کتاب هداية الحكمة در سه قسم ترتیب یافته که قسم اول در منطق و دوم در طبیعیات و سوم در الهیات میباشد و این کتاب شرح دو قسم اخیر است که در دیباچه گوید:

اقتصرت علی شرح قسمین الاخیرین

نویسنده ولی بن حسینعلی بن احمد است و در تاریخ کتابت رقم آحاد را ننوشته سنه ۱۱۱ چنین بنظر میرسد که اوائل قرن دوازهم هجری باشد

( ۱۴۶ )

## شواکل الحور فی عربی شماره ۲۵

شرح هیاکل النور مؤلف هیاکل النور شیخ شهاب الدین ابوالفتح

یحیی بن حبش بن امیرک<sup>(۱)</sup> سهروردی است که در سال ۵۸۵ یا ۵۸۷ در حلب  
باتهام الحاد بفتوای علماء حلب و بأمر صلاح الدین ایوبی درسی و شش  
سالگی مقتول شده و او را قتیل الله گفتند و از تألیفات او ست کتاب التلویحات  
و کتاب الالواح العمادیه، که بنام عماد الدین ابوبکر قره ارسلان نوشته و  
کتاب اللمحه، والمقاومات، و هیاکل النور، و المعارج، و المطارحات، و  
حکمة الاشراق، و یرتونا، و صندوق العمل، و کتاب البروج،

شارح هیاکل النور مولی جلال الدین محمد بن اسعد دوانی مشهور  
است که در سال ۹۰۸ وفات یافته و همین شرح را که موسوم بشواکل الحور  
است بنام خواجه جهان محمود نوشته است

و فصول کتاب در هفت هیکل است بدین ترتیب

هیکل اول در مقدمات هیکل دوم در اثبات تجرّد نفس  
هیکل سوم در مسائل ما بعد الطبیعه هیکل چهارم در الهیات  
هیکل پنجم در اثبات تسلسل حوادث هیکل ششم در اثبات بقاء نفس

(۱) در قاموس الاعلام (جلد چهارم صفحه ۲۸۸۵) نام پدر مؤلف که حبش

است حسین چاپ شده

## هیکل هفتم در معجزات و کرامات

هیاکل النور را غیر از این شرح حواشی و شرحهای دیگری هم هست و بترکی هم ترجمه و شرح شده است که ایضاً الحکم نام دارد

نویسنده محمد باقر حسینی تبریزی است و در سال ۱۰۷۶ نوشته

شده است

(۱۴۷)

شواکل الحور فی مکرر ضمیمه شماره ۵۱

شرح هیاکل النور که در شماره (۲۵) صفحه (۱۴۰) معرفی شد

و این نسخه مقداری از اولش افتاده که موجودی از باب و هم است که

اولش فی ادراک المعقولات بالجزئیات المدرکه ... میباشد

و در ورق آخر این عبارت نوشته شده است

بخطه الشریف مع حواشیا...

بقرینه نباید بخط مؤلف باشد چون در اغلب حاشیه منه

مذّظه نوشته اند استنساخ آن در حال حیات مؤلف بوده است

نامی از کاتب و تاریخ کتابت ندارد



(۱۴۸)

## طبیعیات کتاب شفا عربی شماره ۱۴۱

تألیف فیلسوف شهیر و امام الحکما ابوعلی حسین  
ابن عبدالله سینا است که از اعظم فلاسفه اسلام و مشاهیر اطبا بوده و در  
سال ۴۲۸ وفات یافته و در همدان مدفون است (۱) و شرح حال و تاریخ  
حیات آن مرحوم در اغلب کتب تذکره و تواریخ مسطور و مستعنی از معرفتی  
است و تألیفات او را تا صد جلد نوشته اند

طبیعیات کتاب شفا در هشت فن به ترتیب زیر است

- الفن الاول فی السماع الطبیعی
- الفن الثانی فی السماء و العالم
- الفن الثالث فی الکون و الفساد
- الفن الرابع فی الافعال و الانفعالات
- الفن الخامس فی الآثار العلویه
- الفن السادس فی علم النفس
- الفن السابع فی النبات
- الفن الثامن فی طبایع الحيوان

(۱) امسال که تاریخ قمری هزار و سیصد و هشت و هشت هجری است و دو  
سال دیگر که هزارمین سال ولادت ابن سیناست برای جشن هزار ساله و بتجلیل  
و تکریم نام آن فیلسوف شهیر ایران از طرف دولت و معارف ایران تهیه و  
مقدماتی در نظر گرفته شده و تمبرهای پستی خیلی زیبا بهمین منظور چاپ گردیده  
و بتعمیر آرامگاه آن استاد اعظم اقدامات نموده اند

و هر فن دارای چند مقاله و هر مقاله دارای چند فصل است  
این نسخه از فن هفتم که در آن يك مقاله و هفت فصل است فقط  
پنج فصل را دارد که دو فصل از فن هفتم و تمام فن هشتم که در آن  
نوزده مقاله هست ناقص است

و بیست و سه ورق در آخر کتاب سفید است چون آخر کتاب  
افتاده است نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد

(۱۴۹)

## طبیعیات شفا عربی شماره ۲۰۲

طبیعیات شفا تألیف فیلسوف اسلام ابن سینا که  
در شماره (۱۴۱) صفحه ۱۴۲ معرفی از ایشان و از همین کتاب شد  
این نسخه از واسطه فصل پنجم از مقاله دوم از فن اول شروع میشود تا آخر  
فن دوم که کتاب السماء و العالم است و فن سوم و فن چهارم را ندارد مگر سه  
ورقی از آخر فن چهارم و از فن پنجم تا آخر مقاله شانزدهم از فن هشتم  
را که در کیفیت تکوّن جنین است دارد و آخرش هم افتاده است  
و کتاب بچند خط مختلف نوشته شده و تمام صفحات را جدول سرخ

کشیده و عناوین با جوهر سرخ نوشته شده

تاریخ کتابت ۱۰۳۸ می باشد

نویسنده نام خود را ننوشته

(۱۵۰)

## قسطاس شرح حاشیه ملا عبدالله یزدی

حاشیه را مولی عبدالله بن نجم الدین بن شهاب الدین حسین یزدی متوفی در سال ۹۸۱ بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته و در سال ۹۶۷ با تمام رسانیده و مورد توجه طلاب علوم و از کتب درسی بوده و بحاشیه ملا عبدالله مشهور است که استاد فاندیک در اکفاء القنوع ص ۲۰۱ مینویسد که ملا عبدالله همین کتاب را تحفه شاهجانیه نامیده

و ملا عبدالله معاصر شاه طهماسب صفوی و بسیار محترم بوده و صاحب تألیفات متعددی است و یک شرح فارسی بر تهذیب المنطق نوشته که نسخه ای از آن نزد صاحب روضات بوده است و این کتاب (قسطاس) شرح حاشیه ملا عبدالله است که مولی محمد حسین بن محمد اسمعیل یزدی نبیره مولی محمد صادق اردستانی در سال ۱۲۵۴ تألیف کرده

نویسنده نام خود و تاریخ کتابت را ننوشته و برای امیر حسین میرزا

نوشته شده

(۱۵۱)

## مجموعه محتوی سه کتاب شماره ۵۰

اول کبری (فارسی) در منطق تألیف سید شریف جرجانی متوفی  
 ۸۱۶ و مورد بحث و تدریس طلاب است و چند شرحی بر آن  
 نوشته اند تاریخ کتابت ۱۲۲۲

این نسخه وقف است و واقف معلوم نشد



(۱۵۲)

## ۲- شرح ایساغوجی عربی

متن ایساغوجی (۱) از اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری  
 میباشد که در شماره (۱۴۵) صفحه (۱۳۹) ذکر او شده  
 شارح حسام الدین کاتبی است که در سال ۷۶۰ وفات یافته و شرحهای دیگری هم  
 بر آن نوشته اند که در صفحه ۲۰۶ و ۲۰۷ کشف الظنون مذکور است.  
 نویسنده ابوالحسن بن گلنظر قراجه داغی است تاریخ کتابت ۱۲۲۲

(۱) حاجی خلیفه در کشف الظنون صفحه ۲۰۶ در معنی ایساغوجی چنین مینویسد  
 کلمه ایساغوجی لفظ یونانی و عبارتست از کلیات خمس، جنس: نوع، فصل، خاصه،  
 عرض، که از ابواب نه گانه منطق است و این بیت فارسی را هم بعنوان شاهد آورده  
 (جنس و فصل و نوع و خاصه عرض عام جمله را ایساغوجی کردند نام)

(۱۵۳)

## حاشیه ملا عبدالله عربی

حاشیه ایست بر تهذیب المنطق تفتازانی و بحاشیه

ملا عبدالله معروف و متداول در بحث و تدریس است و مکرر چاپ شده است و در شماره ۱۳۲ صفحه (۱۳۰) از این فهرست از مؤلف و شارح آن معرفی شده

نویسنده ابوالحسن بن گلنظر قراجه داغی است که در سال ۱۳۲۲ در تبریز در مدرسه کاظمیه (۱) نوشته است

(۱) دو تبریز مدرسه ای باین نام معروف نیست



## ادبیات و دیوانها

(۱۵۴)

انوار الربیع      عربی      شماره ۱۴۷

تألیف صدرالدین علی بن احمد دشتکی شیرازی  
معروف بسید علیخان کبیر میباشد که از اجله و مشاهیر علما و فضلا است  
و تألیفات نفیس و متعددی دارد که در صفحه ۴۱۳ روضات مندرج است  
و چون تولد او در مدینه بوده بمذنبی معروف است

سید علیخان بهند رفته و مورد توجه سلطان هند و از مقر بان دربار  
سلطنت بوده است و انوار الربیع را در هند تألیف نموده که در مقدمه  
مدح محمد اورنگ زیب عالمگیر را کرده (۱۰۶۹ - ۱۱۱۸)

و در سال ۱۱۱۸ در شیراز وفات یافته و در بقعه امامزاده شاه  
چراغ مدفون است

و اساس متن کتاب انوار الربیع قصیده ایست در مدح حضرت رسول  
صلوات الله علیه که مشتمل بر یکصد و پنجاه و چهار بیت میباشد که هر بیت  
دارای یکنوع از صنایع بدیعه است

(چنانکه مؤلف در مقدمه اشاره کرده این قصیده را در دوازده شب تمام کرده است)

و بعد بشرح همان قصیده پرداخته که در شرح و تفسیر هر بیت استشاداتی از اشعار و کلمات شعرا و ادبا آورده و آن را انوار الربیع فی انواع البدیع نامیده و در سال ۱۰۹۳ با تمام رسانیده که جمله (طیب الختام) تاریخ آنست.

و در خاتمه بعنوان تراجم ارباب البدیعه ترجمه حال مختصری از هشت نفر از مؤلفین در علم بدیع را آورده که نام‌های ایشان بدین ترتیب است

شیخ صفی الدین حلی متوفی بسال ۷۵۲

شمس الدین بن جابر اندلسی متوفی بسال ۷۸۰

ابوجعفر احمد بن یوسف غرناطی متوفی بسال ۷۹۰

شیخ عزالدین موصلی متوفی بسال ۷۸۹

ابوبکر بن حجت حموی معروف بابن الحجّه متوفی در ۸۳۷

جلال الدین سیوطی متوفی در ۹۱۱

وجیه الدین عبد الرحمن علوی

شیخ عبد القادر طبری

و انوار الربیع در هند و ایران چاپ شده است

و این نسخه بخط نسخ بسیار خوب و تمام عناوین با جوهر سرخ

نوشته شده

نویسنده ابوالقاسم بن محمد اصفهانی و تاریخ کتابت ۱۲۶۲ می‌باشد و کتاب را مرحوم شیخ‌الرئیس محمد هاشم افسر خراسانی نماینده مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۱ هجری با پنج جلد کتاب دیگر به کتابخانه اهداء نموده که بخط خود در آخر کتاب نوشته است

(۱۵۵)

### بهارستان فارسی شماره ۱۱۹

تألیف نورالدین عبدالرحمن جامی متوفی در سال ۸۹۸ است که برای پسرش ضیاءالدین یوسف بطرز گلستان شیخ سعدی علیه‌الرحمة در هشت باب تألیف نموده چنانکه در مقدمه گوید:

( تبرکاً بانفاسه الشریفة و متبّعاً لاشعاره اللطیفة و رقی چند بدین منوال پرداخته گردید ) و این قطعه را آورده

گدزی کن بر این بهارستان تا به بینی در او گلستانها  
در لطافت بهر گلستانی رسته گلها دمیده ریحانها

و در سال ۸۹۲ با تمام رسیده که در تاریخ آن گوید:

تک و پوی خامه در اینطرفه نامه که جای بدان کرد طبع آزمائی  
بوقتی شد آخر که تاریخ هجرت شود نهصدار هشت بروی فزائی

کتاب بخط نستعلیق خوب نوشته شده و خالی از غلط نیست و تمام



صفحات متن و حاشیه شده و بالاجورد و طلامجدول است و سر لوح مذهب کوچکی دارد برك آخر وصالی شده و از جمله کتاهای اهدائی مرحوم حاجی محمدعلی بادامچی است:

نام کاتب شاه محمد بن فخرالدین علی شهابی و تاریخ کتابت ۱۰۰۴ می باشد

بهارستان را در عهد سلطان سلیم پادشاه عثمانی محمدشاکر بن سید احمد بترکی ترجمه نموده و در سال ۱۲۵۲ بنام هدیه العرفان در اسلامبول بطبع رسیده .

(۱۵۶)

## دیوان جامی

شماره ۱۱۴

مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی که از مشاهیر شعرا و متصوفه قرن نهم هجری است در سال ۸۱۷ در قصبه خرجرد از توابع جام خراسان متولد شده و در سال ۸۹۸ در هرات در گذشته جدش شمس الدین محمد از اهل اصفهان بوده است  
تعداد تألیفات ویرا سام میرزای صفوی در تذکره تحفه سامی صفحه ۸۶ نظام و نثراً چهل و چهار تألیف نوشته و اسامی آنها را يك يك ذکر کرده  
و مولی عبدالغفور لاری که از شاگردان خاص جامی بوده شماره

تألیفاتش را چهل و هفت مینویسد و بعضی‌ها گفته‌اند که موافق عدد لفظ جامی که پنجاه و چهار است تألیفات داشته که برای مزید اطلاع در موضوع تألیفات و شرح حال جامی بکتاب ( تاریخ و آثار و احوال جامی ) تألیف جناب اشرف وزیر محترم آقای علی اصغر حکمت رجوع شود.

این دیوان جامی بخصوصه يك مزیتی دارد و آن عبارت از پنج صفحه دیباچه‌ای علی‌حده است که در اول این کتاب دیده میشود و در این باب توضیح مختصری بعرض مطالعه کنندگان میرساند: مولانا جامی دیوان اول خود را در دوره سلطنت سلطان ابوسعید کورکان ۸۶۳ - ۸۷۳ تألیف و در دیباچه نام همان سلطان را نشرأ و نظماً ذکر میکند که صاحب حبیب‌السیر هم میگوید:

( مولانا دیوان اول خود را در زمان سلطان ابوسعید ترتیب داده و بتألیف بعضی رسائل تصوف در همان زمان پرداخته ) بعد از قتل سلطان ابوسعید که در سال ۸۷۳ بامر اوزون حسن ترکمان آق‌قویونلو در آذربایجان اتفاق افتاد و سلطان حسین میرزا بایقرا در هرات بتخت سلطنت نشست مولانا جامی همان دیوان را تجدید ترتیب داده و دیباچه‌ای ابوسعیدی اولی را حذف کرده و مجدداً دیباچه قدری مفصل‌تر از اولی نوشته و در قصاید بعد از حمد خداوند و نعت حضرت رسول بمدح سلطان حسین بایقرا پرداخته و این ترتیب در سال ۸۸۴ بوده که در آخر دیباچه تاریخ را بدین طرز مینویسد

بادل گفتم کای بصفا گشته سمر هستی صدفی پراز گهر چیست خبر  
از گوهر سال نظم این عقد درر بر روی صدف نهاد یکدانه گهر  
و چنین بنظر میرسد که آن دیباچه اولی (ابوسعیدی) فقط در آن  
نسخه‌ها بوده که قبل از سال (۸۸۴) استنساخ و منتشر شده و کمیاب و نادر  
است و شاید هم این نسخه منحصر بفرد باشد که استاد محترم جناب آقای  
حکمت دام‌بقاه که در شرح حال جامی بذل جهد فرموده و نسخه‌های متعدّد  
از دیوان جامی در دست داشته‌اند در صفحه ۲۱ تألیف نفیس خودشان  
چنین مینویسند: ( از آثار جامی تألیف کتابی بنام سلطان ابوسعید  
بنظر نرسید )

و همین دیوان غیر از دیباچه مخصوص خود که در ۸۸۴ تألیف شده  
دیباچه ابوسعیدی را هم تذهیب شده نگه داشته - و دیباچه ابوسعیدی بدین  
نحو شروع میشود: ( موزون‌ترین کلامیکه غزل سرایان انجمن انس و  
محبت و قافیه سنجان نشیمن عشق و مودت بادای آن زبان بگشایند حمد  
و ثنای ... الخ ) و پس از حمد و ثنا و نعت حضرت رسول شرحی در  
توصیف کلام موزون و فضیلت شعر چنین گوید: و چون این بنده قلیل  
البضاعه و کمینه استطاعت را از این مقوله نظمی چند دست داده بود و  
تسوید ورقی چند اتفاق افتاده و جمهورا نام از خواص و عوام آنرا بسمع  
رضا استماع مینمودند و بحسن اصغا تلقی میفرمودند مناسب بلکه واجب  
چنان نمود که خلعت قبولش بطراز عرض برجانب شهر یاری مطرّز شود

و خطبه کمالش بنعت و نام خجسته فرجام حضرت سلطنت شعاری مشرف  
و معزز گردد

زانکه نقد سخن در این بازار      گر چه باشد چو زر تمام عیار  
نرود همچو نقدهای روان      تا نباشد بر آن زسکه نشان  
سکه آن اگر ندای آگاه      نیست الا قبول حضرت شاه  
شاه روشن ضمیر صافی دل      حامی حق و ماحی باطل  
معدن عدل و منبع انصاف      مخزن فضل و مجمع الطاف

شاه سلطان ابوسعید که هست

آسمان پیش قصر قدرش پست

و این منظومه را تا آخر نوشته و دیباچه را بادعای سلطان ختم مینماید.  
و عین همین منظومه در سایر دیوانهای جامی هم ضبط شده ولی نه در  
دیباچه بلکه در ضمن مثنویات

و این نسخه باخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده و تمام صفحات  
جدول طلایی و لاجوردی دارد و دارای دوسر لوح ظریف بسیار عالی است  
چون از آخرش چند برگگی از رباعیات افتاده نام کاتب و تاریخ  
کتابت معلوم نشد

(۱۵۷)

## حَدِيقَةُ الْحَقِيقَةِ      فارسی      شماره ۱۲۴

حدیقه از مثنوی‌های مشهور و از آثار حکیم

سنائی ابوالمجد مجدود بن آدم غزنوی متوفی بسال ۵۲۵ می‌باشد  
سنائی از مشاهیر و صنادید عرفا و شعرا بوده و مولانا جلال‌الدین رومی در حق او گوید  
عطار روح بود و سنائی دو چشم او      ما از پی سنائی و عطار آمدیم

این مثنوی را چنانکه در مقدمه مذکور است محمد بن علی رفا  
که معاصر با حکیم مزبور بوده بعد از وفات آن حکیم در عهد یمین‌الدوله  
بهرام شاه بن مسعود غزنوی ۵۱۲ - ۵۴۷ بجمع و ترتیب آن پرداخته  
و مقدمه‌ای بر آن نوشته و نام آنرا فخری‌نامه معین کرده بمناسبت لقب  
بهرامشاه غزنوی که فخرالدوله بوده است

و مشهور است که حکیم سنائی حدیقه را در مدت یکسال تمام  
کرده که گوید

شد تمام این کتاب درمه دی      که در آذر فکندم آن را پی  
پانصد و بیست و چار رفته زعام      پانصد و بیست و پنج گشته تمام  
اما استاد محترم آقای مدرس رضوی متعالله بمقائه که در تصحیح  
و طبع حدیقه‌الحقیقه و گرد آوردن نسخه‌های متعدد قدیمی زحماتی متحمل  
شده و حقیقه خدمتی به‌المعلم و ادب فرموده‌اند در صفحه ۷۴۷ این بیت را

از روی نسخ متعدد اینطور صحیح دانسته و ضبط فرموده‌اند

پانصد و بیست و پنج رفته زعام      پانصد و سی و چار گشت تمام  
و چنانکه در باب دهم گفته ابیات حدیقه ده هزار بیت بوده است  
که خود سنائی گوید

آنچه زین نظم در شمار آمد      عدد بیت ده هزار آمد  
و نسخه‌ای که با عتمام آقای مدرس رضوی سلمه الله تعالی چاپ شده  
قریب بدوازده هزار بیت میباشد و حلّ این مسئله را اینطور فرموده‌اند  
که سنائی نسخه‌ای از این کتاب را که برای برهان الدین بیخداد فرستاده  
ده هزار بیت بوده است و بعد از آن نیز تا مدتی که زنده بوده است ابیات  
دیگری بر آن افزوده که خود گوید

بعد از این گر اجل کند تأخیر      آنچه تقصیر شد شود توفیر  
و این نسخه بخط نستعلیق خوب با مقدمه محمد بن علی رفا نوشته شده  
و دو سر لوح میناتوری خیلی زیبا دارد و حاشیه‌ها دو برك اول از مقدمه و دو  
برك از اول کتاب تذهیب کاری و میان سطور طلا اندازی شده است  
متأسفانه قسمت پائین دو برك اولی پاره و وصالی شده و چند ورقی از  
آخر کتاب افتاده که نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد

(۱۵۸)

## دیوان ابن فارض عربی شماره ۶۱

(شرف الدین ابوالقاسم عمر بن ابی الحسن الحموی  
المصری) از مشاهیر و معاریف صوفیه است ابن خلکان گوید که پدرش  
در محضر قاضی در حقوق زنان با مردان مذاکره میکرد و بدین جهت  
مشهور بفارض گشته، عمر بن فارض در سال ۵۷۷ هجری متولد شده و در  
۶۳۲ وفات یافته دیوان او مکرر در مصر و اروپا چاپ شده و قصیده  
تأییه او بسیار مشهور است این کتاب بخط نسخ و نام نویسنده ملا علی  
و تاریخ کتابت ۱۳۱۱ هجری قمری است

(۱۵۹)

## دیوان اخطل شماره ۹۵

( اخطل نام او غیاث بن غوث بن الصلت از قبیلۀ  
تغلب و مسیحی میباشد از فحول شعرای عرب در عصر اموی است و بامر  
معاویه انصار را هجو کرد که این بیت از همان اشعار است  
ذهب قریش بالملک و العلی واللوم تحت عمانم الانصار  
و در نزد عبد الملک مروان قرب و منزلتی بسزا داشته و او را

شاعر عرب لقب داده بود و شرح مهاجرات او با جریر مشهور و در اغانی  
و سایر کتب ادب بتفصیل مذکور است و در سال ۹۵ هجری در گذشته  
و این نسخه از اشعار اخلط است با شرح بعضی از ابیات و عبارات  
مشکله آن

و نام شارح معلوم نشد تاریخ کتابت ندارد

کاتب نام خود را در آخر کتاب بدینطور نوشته است

کاتبه الداعی لدوام الدولة الابدیة محمد زکی بن محمد رضی بن  
محمد زکی بن محمد بن نور الدین بن نعمت الله الموسوی الجزایری  
الاصل الشوشتری المسکن





(۱۶۰)

## دیوان انوری

شماره ۱۲۶

حکیم اوحدالدین علی بن اسحق ایبوردی  
خاورانی که در اول امر خاورانی تخلص می‌کرده و بعد بانوری  
مبدل نمود از شعرای مهم و معروف قرن ششم و از مداحان سلطان  
سنجر سلجوقی بوده و در فنون ریاضی و هیئت ید طولائی داشته است (۱)

(۱) درمجموع فصیحی در وقایع سال ۵۴۷ مذکور است  
سلطان سنجر با سلطان المشرق علاءالدین حسین بن سام و علی چتری جنگ  
گرفته و هر دو را دستگیر نمود علی چتری را بقتل رسانیده و علاءالدین را خلاصی  
داده و در مجالس خلوت و شراب محرم داشت و سنجر شبی طبعی جواهر باو بخشید  
و علاءالدین بدیهه گفت

بگرفت و نکشت شه مراد صیف کین      زان پس که بدم کشتنی از روی یقین  
و اکنون بطبق می‌دهم در نمین      بخشایش و بخشش چنان بود چنین  
و علاءالدین دائماً رخصت مراجعت با الحاح می‌طلبید و سلطان سنجر کاره  
بود انوری این معنی را دانسته و او را با این دو بیت هجو کرد

چون بندگی شهنشاه نمید آید خوش      باملك چو آب و دولتی چون آتش  
بر خیز و بسیج آنچه انکن خوش خوش      و آنجا علف کلخن دوزخ میکش  
علاءالدین بغایت منفعل شد پس از وفات سلطان سنجر فخرالدین خالد را  
که دوست انوری بود گفت بانوری از پیش من بنویس که بغز نه بیاید خالد از زبان  
سلطان علاءالدین بدو نامه‌ای نوشت که بغز نه بیاید و در مکتوب خود نوشت  
ای آنکه در هنر بهمه جا رسیده      نیک و بد زمانه غدار دیده  
اصلت ز قاین است و نشیمنت بکوشک      و آن نیم بیت دیگر دانم شنیده  
انوری دانست که رفتن او مصلحت نیست اینقطعه را در اعتذار نوشت  
کلبه‌ای کاندر او بروز و شب      جای آرام و خور و خواب منست الخ...  
قطعه در دیوان انوری ثبت است

وفات او را در تذکره‌ها در سال ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۷۵ و ۵۸۳

باختلاف نوشته اند

سالهای ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۷۵ مسلماً اشتباه است که بعد از این تاریخ را در دیوان خود اشعاری دارد که ماده تاریخ است و مسئله قران کواکب سیاره در برج میزان و شعر انوری در آن موضوع که مشهور است در سال ۵۸۲ اتفاق افتاده .

فصیح خوافی در مجمل فصیحی وفات انوری را در ضمن وقایع سال ۵۸۵ نوشته و مینویسد که در مقبرة الشعراء سرخاب تبریز بجانب خاقانی مدفونست و استاد محترم آقای ابن یوسف شیرازی در فهرست کتابخانه مجلس و کتابخانه مسجد سپهسالار وفات انوری را در سال ۵۸۳ صحیح دانسته اند و این نسخه بخط نستعلیق شکسته آمیز و تمام قصائد و غزلیات و مقطعات بترتیب حروف تهجی نوشته شده سرلوح ندارد ولی تمام صفحات جدول طلایی و لاجوردی دارد و عناوین با جوهر سرخ نوشته شده نام نویسنده حمید الله بن محمد باقر الحسینی و تاریخ کتابت ۱۲۵۹ قمری است

و از کتابهای وقفی مرحوم حاجی محمد علی بادامچی و در حدود

۱۲۵۰۰ بیت میباشد

(۱۶۱)

## دیوان نظیری نیشابوری شماره ۳۱۰

نامش محمد حسین نیشابوری و در سال ۱۰۲۲

یا ۱۰۲۳ در هند وفات یافته گویند نخستین شاعریست که از ایران  
به هند رفته و از امرای هند محبت بسیاری دیده است دیوان او قریب به  
هزار بیت میباشد و در هند به چاپ رسیده

این دیوان از اول و آخرش افتاده و خیلی ناقص است  
تاریخ کتابت و نام کاتب معلوم نشد.

(۱۶۲)

## دیوان نوایی (ترکی جغتائی) شماره ۸۱

نظام الدین امیر علیشیر نوایی ابن کیچکینه بهادر

که در ترکی نوایی و در فارسی فانی تخلص دارد (در تذکره تحفه سامی  
چاپ وحید صفحه ۱۸۰ فنائی نوشته شده سهو مطبعه است)

و بیست و دو کتاب نظماً و نثراً از تألیفات ایشان دیده شده که اسامی  
آنها در تذکره‌ها و فهرست‌ها ضبط است که همگی بترکی جغتائی است  
دیوان فارسی هم دارد که بقول تذکره سامی قریب بشش هزار بیت میباشد

تولد مشارالیه در سال ۸۴۴ و وفات وی در سال ۹۰۶ در هرات اتفاق افتاده که کلمه (جنت جنت) تاریخ وفات اوست

۹۰۶

صاحب دارا مرثیه‌ای در وفات آن بزرگوار گفته که مصرع اول هربیت تاریخ تولد و مصرع دومی تاریخ وفات اوست که این چند بیت از آن مرثیه است (۱)

ای فلک بیداد و بیرحمی بدینسان کرده  
وی اجل ملک جهان را بازویران کرده  
(۸۴۴) (۹۰۶)

بر جهانبا نان چه میگوی مرا نبود حسد  
از حسد باری جهان را بی جهانبا نان کرده  
(۸۴۴) (۹۰۶)

کرده بر جانها کمین بنهاد دامن  
هر زمان از کینه جوئی صید صد جان کرده  
(۸۴۴) (۹۰۶)

حیف از آن اندامهای چه چو گل در زیر گل  
با گل اندامان ازین سودا فروان کرده  
(۸۴۴) (۹۰۶)

و این کتاب قسمت اول از دیوان غزلیات غرائب الصغر نوائی است تاریخ کتابت ۹۱۳ قمری میباشد که هفت سال پس از وفات امیر علیشیر نوشته شده است

(۱) استاد محترم آقای ابن یوسف شیرازی که در تألیف فهرست کتابخانه مدرس سه سده سالار رحمتها کشیده و در حقیقت ید بیضائی نموده است که الحق همان فهرست خود کتابخانه جامعی است در حاشیه صفحه ۵۳۸ جلد ۲ در ضمن شرح حال امیر علیشیر باین اشعار تاریخی صاحب دارا هم اشاره فرموده و یک بیت اولی را ذکر کرده و نوشته است: (چنانچه دیده میشود مصرع دوم سال ۹۰۶ را که مسلماً امیر در آن سال وفات یافته نمیرساند)

چنین بنظر میآید که ایشان این بیت را از تذکره تحفه سامی نقل کرده‌اند که فقط دو بیت در همان تذکره از این مرثیه ضبط است که هر دو غلط چاپ شده و اول مصرع دوم را ایشان (ای اجل) نوشته‌اند که اگر (وی اجل) بنخوانیم هم شعر درست و هم تاریخ صحیح میشود.

(۱۶۳)

## دیوان حافظ شیرازی شماره ۱۵

خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی متخلص بحافظ  
و مشهور بلسان الغیب و معروف بخواجه که از مشاهیر و اعظم شعراء و  
مفاخر ایران و مستغنی از همه گونه تعریف و توصیف است در سال ۷۲۸  
متولد شده و در ۷۹۲ در شیراز وفات یافته که اکنون مزار او باتجلیل  
تمام مطاف اهل دلست

شرح حال آنشاعر شهیر در کتاب (بحث در آثار و افکار و احوال حافظ)  
تألیف استاد محترم جناب آقای دکتر غنی مفصلاً درج و ضبط است (۱)  
این دیوان بخط نستعلیق شکسته آمیز بسیار خوب و در کاغذ اعلا  
نوشته شده و تقریباً چهار هزار و سیصد بیت میباشد

نویسنده کتاب نام خود را ننوشته و تاریخ را بدینطور رقم کرده  
قد تمت الكتاب ۱۳۰ که رقمی از آحاد یامئات ناقص دارد

(۱) دیوان حافظ از بسکه زیاد استنساخ و چاپ شده تحریف و تصحیف و الحاق  
بسیاری در دیوان نامبرده راه یافته و میتوان گفت که بهترین و صحیحترین دیوان  
خواجه همان است که در سال ۱۳۲۰ شمسی بهمت و تصحیح حضرت استاد اجل  
آقای میرزا محمد خان قزوینی طاب ثراه و جناب فاضل دانشمند آقای دکتر غنی  
دام بقاء در طهران بطبع رسیده

(۱۶۴)

## دیوان حافظ فارسی شماره ۵۱

این نسخه از کتب موقوفه مرحوم حاجی محمدعلی بادامچی میباشد و در سال ۱۲۹۴ قمری نوشته شده کاتبش معلوم نشد و مقدمه گل اندامی را ندارد

یکنفر در حاشیه در اول تمام غزلها چند کلمه از امثال و غیر امثال و بعضاً يك بيت يا يك مصرع كه شبیه به مثل است چیزهایی نوشته و نظرش به تناسب و عدم تناسب باهمان غزل هم نبوده فقط سعی کرده است که آخر ابیات هر غزل هر حرفی که بوده اول مثل یا هر چه میخواسته بنویسد از همان حرف باشد

مثلاً در حاشیه غزلهای اول دیوان نوشته است

( اینهم اندر عاشقی بالای غمهای دگر ) ( آمین برای استعجابت دعا است )

( اشتها در بیخ دندان است )

و در زیر یکی از نوشته های حاشیه نام یعقوب که با حروف مقطّع

نوشته شده خوانده میشود

(۱۶۵)

## دیوان دعوات فارسی شماره ۱۲۹

ناظم نامش محمد علی میرزا ملقب بدولتشاه  
متخلص بدولت دومین فرزند فتحعلی شاه قاجار است که در سال ۱۲۰۳  
متولد و در زمان پدرش مدتی والی عراق عجم و مقرر حکومتش کرمانشاه بوده است  
در سال ۱۲۳۶ که محمود پاشای بابان و محمد آقا کهما بتحریر  
والی بغداد از طرف کرکوک و سلیمانیه تخطی بخاک ایران میکنند  
شاهزاده مذکور بالشکر ابوابجمعی خویش بمقابله و مدافعه پرداخته و  
در نزدیکی یاسین تپه طرفین ملاقات و در نتیجه بغدادیان روبهزیمت نهاده  
و کهما دستگیر و شاهزاده وارد سلیمانیه و سرمن رای شده و عزیمت بغداد  
مینماید و والی بغداد شیخ موسی نجفی را که از اجله علمای امامیه بوده  
بشفاعت و مصالحت فرستاده و شاهزاده که مریض شده بود بمصالحهراضی  
و فسخ عزیمت میکند در مراجعت مرض شدت نموده در منزل طاق کراه  
در ۲۶ صفر ۱۲۳۶ در گذشته جنازه او را در بیرون کرمانشاه در مقبره‌ای  
که خود ساخته بود دفن مینمایند

این دیوان از حیث خط و کاغذ و تذهیب و جلد بسیار نفیس و زیبا میباشد  
سه سر لوح بسیار عالی دارد و اوایل قصائد و غزلیات تماماً تذهیب  
شده و صفحات کلیه جدول لاجورد و طلا دارد  
متأسفانه از آخر کتاب يك یا چند ورق برداشته و کتاب را ناقص

کرده‌اند و نام نویسنده و تاریخ کتابت هم از بین رفته بهر حال دیوان  
بعد از وفات ناظم نوشته شده که در اول قصیده‌ها و غزل‌ها (وله ایضاً علیه الرحمة)  
(وله ایضاً نور الله مرقده) (و مضجعه) مینویسد  
دیوان مشتمل بر قصائد و غزلیات و مثنوی و رباعیات و حکایات  
منظومه و مرثیاتی و نوحه می‌باشد که چند نوحه ترکی هم دارد

(۱۶۶)

### دیوان قاسمی فارسی شماره ۹۹

ناظم علی بن نصیر بن هارون حسینی مشهور  
بقاسم انوار و ملقب بمعین الدین و متخلص بقاسمی است از اهل سراب  
آذربایجان و از مشاهیر عرفا و از مریدان شیخ صفی الدین اردبیلی بوده و  
بگیلان و خراسان رفته و مدتی در هرات و سمرقند اقامت کرده و جمع  
کشیری دست ارادت باو داده‌اند و در سال ۸۳۷ در خرد جام وفات  
یافته و در باغی که در آنجا منزل و خانقاه داشته است مدفون گردیده  
و امیر علیشیر نوائی عمارت و طاق بسیار عالی بر سر قبر او ساخته است  
و از تألیفات او مثنوی مقامات العارفین و انیس العارفین مشهور است  
این نسخه فقط غزلیات و رباعیات و مقطعات می‌باشد که در حدود پنجاهزار  
سیمصد بیت است و تمام صفحات مجدول است فقط صفحه اولی نو نویسی است  
آغاز من بیچاره سودا زده سرگردانم که باو صاف خداوند سخن چون رانم  
و در سال ۱۰۱۲ نوشته شده کاتب نام خود را ننوشته



(۱۶۷)

## دیوان قطران فارسی شماره ۱۰۱

حکیم قطران شاعر تبریزی که تذکره نویسان تماماً بنحو اختصار ذکر کرده‌اند از او مینمایند نامی بجز قطران برای آن شاعر بزرگوار ننوشته‌اند و شرح حال و تاریخ وی بقام آقای سید احمد کسروی تبریزی مفصل و مشروح در چند شماره سال دوازدهم مجله ارمغان مندرج است. و کسروی هم قطران را نام شاعر میداند نه تخلص او و بموجب تتبعات آقای کسروی حکیم قطران در چهار صد و اند سال از هجرت در قریه شادی آباد تبریز متولد شده و در سالهای ۴۲۵ - ۴۲۸ بشعر گفتن آغاز نموده، و سال ۴۳۴ که زلزله شدیدی در تبریز واقع شده و قریب چهل هزار نفر تلف شده‌اند مرثیه‌ای در باره آن سروده و چند سال بعد از این زمین لرزه ناصر خسرو شاعر و سیاح مشهور در تبریز قطران را دیده

بنا بر مرقومه آقای کسروی قطران در سال ۴۵۹ بر حیات و در گنجینه بوده و تاریخ وفات او را معین نکرده است مرحوم هدایت در مجمع الفصحا وفات قطران را در سال ۴۶۵ مینویسد

دیوان قطران تاکنون چاپ نشده و نسخه آن کمیاب است و این نسخه شامل پنج هزار و پانصد و سی بیت میباشد در کتابخانه مجلس نسخهای هست که تقریباً نه هزار و پانصد بیت است و در کتابخانه شخصی مرحوم

حاجی سید نصرالله تقوی و همچنین در کتابخانه شخصی استاد محترم آقای سعید نفیسی هر یکی يك جلد هست که مقدار ابیات آنها هم در حدود نسخه مجلس است و در تبریز هم در کتابخانه شخصی آقای سراجمیر (حاجی ذکاءالدوله) دیوانی هست که شامل یازده هزار بیت است (۱) بعضی از شعرا در دیوان‌های خود از قطران نام برده و باستانی هم ستوده اند از جمله حکیم ابو الحامد محمود بن عمر الجوهري الصائغ الهروی در قصیده‌ای که در صفت ابر گفته و مطلع قصیده اینست :

الایاجزع گون خرم بگنج گوهر آبتن    ز نور پاك داری دل زدود تارداری تن

در آخر قصیده گوید :

بر آن طرز آمد این شهرم که استاد سخن گوید (الابا پرده تاري به پیش چشم روشن)  
 لباب الالباب جلد دوم صفحه (۱۱۴)

و مصرع آخر این قصیده از حکیم قطران است (نقل از مرقومه آقای حاج ذکاءالدوله «سراجمیر»)

و روحی ولو الجی که درجه و هزل استاد بوده در قصیده مفصلی که قریب بمیکصد بیت میباشد چنین گوید :

لقیم روحی است و چون روح است    شعر پرداخته بدیوانم  
 مطلع و مقطع قصائد را    سوم فرخی و قطرانم

لباب الالباب جلد دوم صفحه (۱۶۷)

(۱) شاید دیوان قطرانی که آقای تربیت مرحوم در کتاب (دانشمندان آذربایجان) صفحه ۳۰۷ اشاره نموده‌اند که دیوان دوازده هزار بیتی از قطران دیده‌اند همین نسخه آقای سراجمیر باشد

امیر معزی گوید

چو بهرمن ز تو اعظام و اکرام است هر روزی  
ترا هرگز نگویم آنچه قطران گفت مملان را  
که از تو در نکوکاری مرا شکر است بسیاری

ز مملان از حسودان گر شکایت بود قطران را

(از جلد دوم سخن و سخنوران تألیف آقای بدیع الزمان فروزانفر)

مؤلف فرهنگ جهانگیری در مقدمه کتاب خود نام چهل و چهار  
فرهنگ را ذکر میکند که از جمله یکی (فرهنگ حکیم قطران) بوده است

مولانا عبدالرحمن جامی در مثنوی سلامان و ابسال میگوید :

بود قطران نکته دانی سحر ساز قطره ای از کلاک او دریای راز  
و این کتاب از جمله کتب اهدائی و موقوفه مرحوم بادامچی میباشد  
نام کاتب و تاریخ کتابت را ندارد

(۱۶۸)

رساله‌ای در اشعار عربی شماره ۲۵۵

حضرت ابوطالب مصنف نامی از خود ذکر نکرده در اول کتاب

نوشته شده (قال جامع هذا الكتاب)

و در شرح حال حضرت ابوطالب پدر حضرت امیر مؤمنان و اشعاری که

منسوب باوست میباشد

و خبرهایی ذکر میکند، و مینویسد نام حضرت ابوطالب عبدمناف بوده است

و در تاریخ ۱۳۰۳ نوشته شده

(۱۶۹)

## عربی و ترکی شماره ۲۴۵

رساله ایست جنك مانند که شیخ عبدالکریم افندی زاده در سال ۱۱۲۸ در بوسنه‌سرای نوشته که شرح اشعار منسوب به ابوالفتح بستی بهربی است و چند فصلی از کتاب احیاء العلوم غزالی و اشعاری از هدایی افندی و شعرای دیگر به ترکی است که موضوع جملگی در عرفان و طریقه نقشبندیّه است

و در سال ۱۱۲۹ نوشته شده

~~~~~

(۱۷۰)

شرح دیوان خاقانی فارسی شماره ۱۳۶

نام خاقانی افضل الدین ابراهیم بن علی نجار شیروانی است که در سال ۵۸۲ وفات یافته و در مقبره الشهرای سرخاب تبریز مدفونست

خاقانی در ابتدای حال بحقایق تخلص میکرد و بعداً بمناسبت تقرب بشیروانشاه خاقان کبیر منوچهر بخاقانی ملقب شد و دیوان و منظومه تحفة العراقین و حدیقه او مشهور است و مکرر بطبع رسیده

و بعضی از قصاید و اشعار مشکله آن را چند نفری شرح نوشته اند که از آنجمله همین شرح است که محمد بن داود علوی شادی آبادی از فضایل قرن هشتم هجری شرح کرده است
آغاز دل من پیر تعلیم است و من طفل زباندانش دم تسلیم سر و سر زانو بدستانش

بدانکه دل نفس ناطقه را گویند که روح انسانی است الخ...
و بیت آخرین در این نسخه این سه بیت است که در حق شیروانشاه گوید
از طالع میلاد تو دیدند رصدها اخترشمران رومی و یونانی و هائی
تسمیر بر اندند و براهین بفزودند هیلاج نمودند که جاوید بقائی
کردند همه حکم که در پانصد و هشتاد ابخاز بدست آوری و روم گشائی
و نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته و روی اشعار جدول سرخ کشیده شده
نام نویسنده عبدالرحیم و تاریخ کتابت ۱۲۴۴ می باشد و برای شخصی
نوشته شده که اسم او را بعداً محو کرده اند

(۱۷۱)

شرح دیوان حمیری فارسی شماره ۱۹۱

سید اسمعیل حمیری از شعرای قرن دوم هجری و از طرفداران و مداحان علوین بوده و در کثرت شعر مشهور است که جرجی زیدان در صفحه ۶۱ جلد دوم آداب اللغة العربیه مینویسد که

دو هزار و سیصد قصیده داشته است و در سال ۱۷۳ هجری وفات یافته و این کتاب شرح قصیده عینیّه اوست که مشهور است نام شارح را در دیباجه کتاب معمو کرده‌اند ولی لقب او زیب‌العلماء خوانده میشود و حسامی تخلّص داشته و از مریدان مرحوم شیخ احمد احسائی و مرحوم حاجی سید کاظم رشتی بوده است و تألیف کتاب در عهد ناصرالدین شاه قاجار است در جائی از کتاب نوشته (امروز که روز سه‌شنبه بیست و سوم محرم سنه یک‌هزار و دویست و هفتاد و یک هجری است استاد من حاجی ملا اسدالله از دار فنا بعالم بقا رحلت نمود)

و در جای دیگر مینویسد (در سال ۱۲۶۴ در تبریز بودم شخصی از اهل فرانسه نیکولا نام را که از منشیان ایلچی فرانسه بود و به همراهی ایلچی که برای تهنیت جلوس پادشاه جمجه‌ا ناصردین شاه بایران آمده بود در خانه شاهزاده والانتبار انوشیر میرزا (۱) ولد بهمن میرزا که همشیره زاده بنده بود دیدم که فارسی خوب میدانست و علما و شعرای ایران را خوب می‌شناخت و اشعار عربی و فارسی می‌خواند و آدم بافهم و از مذاهب مختلفه شیعه و از سایر فرق اسلام با اطلاع بود و از من خواهش کرد که تا در تبریز هستم عصرها

(۱) در دوجا نام این شاهزاده را انوشیر میرزا نوشته شاید انوشیروان بوده و مرخصاً انوشیر می‌گفته‌اند

بیايد در باغ شمال که باغ معروفی است در تبریز، صحبت بداریم)
و بعد شرح مفصلی در مذاکره و مباحثه با نیکولا بقلم آورده و در
آخر مینویسد فهمیدم که قلباً مسلم است
و بعد از اتمام شرح قصیده احادیث و اخبار زیادی در مدح و فضائل
انتمه اظهار خصوصاً در حق حضرت امیر مؤمنان بعربی و فارسی آورده است
و تاریخ کتابت ۱۲۷۶ می باشد

~~~~~

(۱۷۳)

### شرح قصائد انوری فارسی شماره ۱۲۳

از ابوالحسن حسینی فراهانی است که بدو رساله  
منقسم است قسمت اول در شرح بعض قصائد مشکله انوری است که از  
يك قصیده يك و دو بیت آورده و شرح میکند و از سایر ابیات آنقصیده  
معنی کلمات مشکله را مینویسد

قسمت دوم در شرح بعضی اشعار مقطعات انوری است که در اول آن  
مقداری از مباحث عروض از کلام شمس فخری آورده و بعد شروع  
بشرح مقطعات مینماید.

و این کتاب ناقص است و مقداری از صفحات آخر کتاب سفید مانده

است و نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد

و از کتابهای اهدایی مرحوم آقای شیخعلی اتحاد تبریزی است

(۱۷۳)

شمار ۴۵

## صفات العاشقین هلالی

تألیف هلالی استرآبادی که از نسل ترکان و از معاصرین و تربیت یافتگان امیر علیشیر نوائی است و در سال ۹۳۵ یا ۹۳۶ بسعایت رقبای خود بقائی و شمس‌الدین کوهستانی بسبب تشیع درهرات بامر عبیدالله خان اوزبک کشته شده و گویند عبیدالله خان بعد از کشتن هلالی نادم شد. رضاقلیخان هدایت گوید که هلالی را در عراق سنی و در خراسان رافضی خواندندی و صاحب مجالس المؤمنین او را در عدد شعرای شیعه نیاورده

هلالی غیر از اینکتاب نامبرده مثنوی (شاه و درویش) (لیلی و مجنون)

و دیوان اشعار دارد

در ختم کتاب صفات العاشقین گوید

هلالی این چه دریای معانی است که موج آن ز بحر آشنا نیست  
بوصف عاشقان دفتر کشادم صفات العاشقین نامش نهادم

و با این بیت کتابرا ختم مینماید

الهی گر سیه شد نامه من خطا افتاد خط خامه من

خطای من مبین و در عطا کوش عطا کن پرده بر روی خطابوش

و در حاشیه شصت و شش صفحه از کتاب غزلیات هلالی نوشته شده



که در آخر آن مینویسد ( باثمام رسید منتخبات هلالی در ایام پر هلالی  
 بدست درویش زمان جلالی یوم یکشنبه ۱۱ رجب المرجب ۱۲۲۴ )  
 و باز تا آخر کتاب در حواشی، اشعاری از سایر شعراء بخط‌های  
 مختلف نوشته شده

تاریخ کتابت ۱۲۱۷ می‌باشد و نام کاتب را ندارد و چند برك از  
 وسط کتاب از باب چهارم افتاده است

(۱۷۴)

### چند رساله در ضمیمه صفات العاقین شماره ۴۵

- (۱) منظومه نان و حلوا (سوانح سفر حجاز)
- (۲) مثنوی شپروشکر که هر دو از شیخ بهائی علیه الرحمة است
- (۳) تضمین قصیده میر ابوالقاسم فندرسکی متوفی بسال ۱۰۵۰ از تجرید  
 که آنقصیده مشهور و اول آن (چرخ بالین اختران نعر خوش زیباستی) می‌باشد
- (۴) شرح همان قصیده از مولامحمد صالح خان خالی در ۲۴ صفحه بتاریخ ۱۲۲۰
- (۵) اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی متوفی ۶۷۲
- (۶) رساله‌ای است در انشاء و نامه نگاری و القاب و عناوین سلاطین

و علماء و امرا و وزراء، و نامی از مؤلف مذکور نیست و چون بعضی نکات غریبه داشت ذکر مجملی از آن خالی از مزه نیست  
مؤلف در مقدمه چند فائده را یاد آوری مینماید که کاتب و منشی همواره باید متذکر شده و معمول دارد و مینویسد

(کاتب نباید در اول نامه کلمه‌ای نویسد که اول آن کلمه یکی از این شش حرف باشد ت ش غ لا ک م  
و میگوید علت را چنین یافته اند که ت از حروف تفرقه و ش از شامت و ک از کدورت و غ از غرامت و م از ملالت میباشد  
و اگر بر توالی این حروف در اول سطرها واقع شود هیچ مطلوبی از آن مکتوب حاصل نشود و اگر برای حجت قرضی نوشته شده باشد هرگز آن دین ادا نشود) و تاریخ کتابت ۱۲۱۲ دارد

(۱۷۵)

قصیده تبرک (۱) عربی شماره ۲۴۰

ناظم قصیده شیخ شرف الدین ابو عبد الله محمد

(۱) در وجه تسمیه قصیده چنین مینویسند که ناظم بمرض فلج مبتلا بوده و در خواب حضرت رسول صلوات الله علیه را دیده و طلب شفا مینماید آنحضرت تبردی بطرف ناظم انداخته و بادست مبارک بدن ناظم را مسح میفرماید که در این حین از خواب بیدار شده و بدن خود را سالم مییابد

بوصیری (۱) متوفی بسال ۶۹۶ می‌باشد  
قصیده مزبوره به (الكواكب الدریة فی مدح خیر البریة) موسوم  
و مشهور است.

و شرح و ترجمه بسیاری بر عربی و فارسی و ترکی نظاماً و نثراً بر آن  
نوشته‌اند و تضمین و مخمس هم نموده‌اند که در کشف الظنون چاپ  
جدید صفحه ۱۳۳۱ تا صفحه ۱۳۳۵ مشروحاً ذکر شده (۲)

و این نسخه یکصد و شصت و هشت بیت است

نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد

۱۷۶

## قصیده بر ده مکرر عربی ۲۴۹

در شماره ۲۴۰ معرفی از آن شده و این نسخه سرلوح منیاتوری  
دارد و هر صفحه یازده سطر است که سطر وسطی با مرکب سرخ  
و سطرهای اول و آخر با قلم درشت نوشته شده و تمام صفحات  
جدول طلایی و شنگرف دارد متأسفانه از آخرش ناقص است

و این نسخه ۱۵۶ بیت می‌باشد

(۱) بوصیر قصیده‌ایست در نزدیکی مصر

(۲) در ذکر قصیده برده در کشف الظنون می‌نویسد که این قصیده را برای تبرک و  
استشفاء و پیشاپیش جنازه‌ها می‌خواندند، و وقتی که آنرا پیش بهاء الدین صاحب  
وزیر الملک الظاهر آوردند نذر کرد که آنرا استماع ننماید مگر اینکه سرپا  
ایستاده و پا و سر را برهنه نماید

(۱۷۷)

## گلستان سعدی فارسی ۱۰۰

شیخ مشرف الدین یامصلح الدین سعدی علیه الرحمة  
 که از هر حیث مستغنی از تعریف است (۱) در سال ۶۹۱ وفات یافته که  
 کلمه (خاص) را تاریخ وفات او نوشته‌اند و حاجی خلیفه در کشف الظنون  
 این بیت را در تاریخ وفات شیخ علیه الرحمة مینویسد  
 گلستان عین تصنیفات او بود شده تاریخ هم (عین گلستان) (۲)  
 و گلستان عبری و ترکی و اغلب زبانهای خارجی ترجمه شده که  
 در کشف الظنون دوازده ترجمه بترکی را با اسامی مترجمین آنها نام  
 برده که مشهورترین آنها ترجمه سودی است که در سوم صفر سال  
 ۱۰۰۴ هجری ترجمه را با تمام رسانیده و در سال ۱۲۸۶ در اسلامبول  
 چاپ شده

(۱) شرح حال سعدی و تألیفات وی را جناب وزیر دانشمند آقای علی اصغر  
 حکمت (در مجموعه‌ای که برای هفتصدمین سال تألیف گلستان در سال ۱۳۱۶  
 شمسی منتشر نموده‌اند) و همچنین استاد محترم آقای قریب (در مقدمه گلستان)  
 و فاضل دانشمند آقای ابن یوسف که افتخار همشهریگری سعدی را هم دارند  
 (در صفحه ۵۶۱ تا ۵۶۶ جلد سوم فهرست کتابخانه مجلس) بطور اکمل نوشته‌اند  
 (۲) اگرچه در کشف الظنون اشتباهات این بیت را تاریخ تألیف گلستان پنداشته  
 ولی در حاشیه چاپ جدید کشف الظنون صفحه ۱۵۰۴ بخروف لاتینی این اشتباه  
 را تصحیح کرده و مینویسد که این بیت تاریخ وفات شیخ علیه الرحمة است

پیشوئی از عشق و وفا

سید محمد رفیع خاں

مکتبہ اسلامیہ

آقا محمد علی

وکنایه اش است که در میان دولت

بسم الله الرحمن الرحيم

1941

کتابخانه عمومی

[illegible]

سید محمد علی

از وزرای هیئت کجاست گفتای مداوم می

المعاليق

ای در کدشت ویر و دیگر که خند او بود

رت پادشاہ خیر باستی سخن نشا پرف

یہذا گفت ملک وہی ازین سخن

مخدوم آزاد از وزارت

انارخست و خدست

---



10

پادشاهی را شنیدم که بپای

ما امید یزبانی که داشت

اعاز کرد و گفتند هر که دوست

تتميز بـ

فَوَيْلٌ لِلْإِنسَانِ

ملک پروردگار کی پستی کو یہ بھی

Figure 1

ملک احمد آباد روی و از خون

کتابخانه خاندان

۱- مرکز مشاوره و آموزش خانواده

سید محمد علی شاہ

ازار و بی بستی خود و این

\_\_\_\_\_

این نسخه اگرچه متأسفانه تاریخ کتابت و نام نویسنده را ندارد ولی از حیث کاغذ و تذهیب و رسم الخط چنین بنظر می‌آید که در قرن دهم هجری نوشته شده که حرف چ و پ غالباً يك نقطه دارد و در همه جا بدون استثناء زیر سین بی دندان سه نقطه هست

سرلوح ندارد ولی تمام صفحات و فاصله‌های سطور مجدول باطال و لاجورد است و کلمات عربی باطال، و عناوین تماماً باشنگرف و زنگار و لاجورد و بخط نستعلیق خوب نوشته شده

و از کتابهای اهدائی و وقفی مرحوم حاجی محمدعلی بادامچی میباشد

(۱۷۸)

### گلشن راز فارسی شماره ۱۴

مثنوی گلشن راز در تصوف و عرفان تألیف شیخ سعدالدین محمود بن عبدالکریم شبستری است که از اجله علمای متصوفه بوده است

وفات او را باختلاف مابین سالهای ۷۱۸ و ۷۲۵ در تذکره‌ها نوشته‌اند (۱) مقبره آن مرحوم در قصبه شبستر در هشت فرسخی تبریز در باغچه ایست که آنرا گلشن مینامند

شیخ شبستری مثنوی گلشن راز را در جواب سؤالات هفده گانه

(۱) در سنه ۱۲۶۷ قمری که روی قبرش هست و در تعمیر سال ۱۲۶۷ قمری نصب شده است تاریخ وفاتش ۷۲۰ منقول است

امیر حسین حسینی هروی بامر و اشاره استاد خود شیخ بهاء‌الدین یعقوب تبریزی بسال هفتصد و هفده سروده است که گوید

گذشته هفده از هفتصد سال ز هجرت ناگهان درماه شوال  
و از قراری که در گلشن راز میگوید شیخ شبستری آثار نثری زیاد  
داشته و قبل از مثنوی گلشن راز شعر نمیگفته چنانکه گوید  
همه دانند کاین کس در همه عمر نکرده هیچ قصه گفتن شعر  
به نثر ارچه کتب بسیار میساخت بنظم مثنوی هرگز نه پرداخت  
و از جمله تألیفات آن مرحوم است (سعادت‌نامه) و (رساله حق‌الیقین  
فی معرفة رب العالمین) و (مرآت‌المحققین) و (رساله شاهدنامه) و (ترجمه منهاج  
العابدین غزالی)

گلشن راز را شروح زیادی نوشته‌اند که مرحوم تربیت در کتاب  
دانشمندان آذربایجان هفده شرح را با اسامی شارحین نام میبرد  
و در آخر کتاب پنج بند از ترجیع بند مشهور سید احمد هاتف  
اصفهانی متوفی ۱۱۹۸) و هفت بند از ترجیع بند میرزا محمد تقی کرمانی  
که ترجیع‌های آن بیت شیخ سعدی علیه‌الرحمة بلغ‌العلی بکماله ...  
است میباشد و بعد از آن چهل سه رباعی منسوب به خیام و پنجاه و پنج  
رباعی منسوب به باباطاهر را نوشته‌شده

نام نویسندگان را ندارد تاریخ کتابت ۱۲۶۱ میباشد

(۱۷۹)

### مثنوی رعنای و زیبا فارسی شماره ۲۲۰

ناظم آن سید محمد اصفهانی یا کلپایکانی متخلص به شعله  
 و از شعرای قرن دوازدهم هجری است و ذرفنون شاعری استاد و در مراتب  
 حکمت طبیعی و الهی با اطلاع بوده و در فن طبابت هم دستی داشته است  
 قصیده‌ای از او در مدح حضرت امیر مؤمنان مصدّر بلغز شمشیر  
 در مجمع الفصحاء و آتشکده نقل شده است

و مثنوی یوسف و زلیخائی نیز دارد

و این نسخه در حدود دو هزار بیت میباشد و اول آن این بیت است  
 خدا و ندا برعنا قامتانت بشوخیهای زیبا گل رخانت  
 بیت آخر

تو هم خواهی چشیدن شعله زان می کند این نشئه راه هستیت طی  
 و در آخر کتاب حکایت افسانه بهرام و گلندام به نثر نوشته شده  
 تاریخ و نام نویسنده را ندارد

~~~~~

(۱۸۰)

مثنوی سلسله الذهب فارسی شماره ۲۲

تألیف نورالدین عبد الرحمن جامی متوفی بسال

۸۹۸ هجری

این مثنوی از هفت اورنگ جامی است که هفت مثنوی است بدین ترتیب
 سلسله الذهب سلامان و ابسال تحفة الاحرار سبحة الابرار
 یوسف وزینخا لیلی و مجنون خردنامه اسکندری
 و سلسله الذهب بسه دفتر اول دوم و سوم منقسم است که این کتاب
 دفتر اول سلسله الذهب است که بموجب شرح مندرج در کتاب (تاریخ و
 احوال و آثار جامی) تألیف جناب آقای علی اصغر حکمت دام بقائه (صفحه ۱۸۵)
 بین سالهای ۸۷۳ و ۸۷۷ تألیف شده
 و در آخر همین دفتر، مثنوی اعتقاد نامه که جامی بر حسب خواهش
 پسر ارشد خود گفته است میباشد
 و این کتاب از رسم الخطّ و جدول کشی و تجلید ظاهر است که
 در ترکیه نوشته شده است
 و در آخر کتاب نام نویسنده و تاریخ کتابت بوده است که يك
 بی انصافی محو نموده است

اول مثنوی لله الحمد قبل كل كلام بصفات الجلال والاكرام
 آخر و رہماند جواد عمر از سیر ختم الله لی بما هو خیر

(۱۸۱)

مثنوی مولوی فارسی شمه‌اره ۸۴

تألیف جلال الدین محمد بن محمد بن حسین بلخی است که در سال ۶۰۴
 در بلخ متولد شده و در سال ۶۷۲ در قونیه وفات یافته و استاد محترم آقای

بدیع الزمان (فروزانفر) در خلاصهٔ مثنوی که در سال ۱۳۲۱ شمسی در طهران چاپ شده شرح مبسوطی از مولوی و کتاب او معرفی فرموده‌اند و این نسخه سه دفتر از شش دفتر مثنوی است که دفتر اول و دوم و سوم باشد و در اول دفتر اول و سوم دیباچهٔ عربی و در اول دفتر دوم دیباچهٔ فارسی را دارد

و مثنوی را شروح بسیاری به عربی و فارسی و ترکی نوشته‌اند که در کشف‌الظنون ستون ۱۵۸۷ (چاپ اخیر) با اسامی شارحین مشروحاً ذکر شده کاتب عمر بن علی و تاریخ کتابت ۹۷۸ هجری می‌باشد و بخط نستعلیق خوانا نوشته شده و تمام صفحات و فاصلهٔ مصرع‌ها با جوهر آبی جدول کشیده شده و عناوین با جوهر قرمز است

کاتب در آخر دفتر دوم مینویسد (مجموع ابیات مثنوی مولانا جلال‌الملک والحق والدین ۲۵۸۱۰ بیت است

مجلد اول ۴۰۴۰ بیت مجلد دوم ۳۸۲۴ بیت مجلد سوم ۴۸۵۶ بیت

مجلد چهارم ۳۸۷۰ بیت مجلد پنجم ۴۲۵۳ بیت مجلد ششم ۴۹۶۷ بیت

و دیوان مولانا ۳۳۷۱۰ بیت می‌باشد) (۱)

ایضاً کاتب وفات سلطان ولد فرزند مولوی را بسال ۷۱۳ و وفات چلبی حسام‌الحق والدین را در سال ۶۸۳ معین نموده است

(۱) در قاموس الاعلام عدد ابیات مثنوی را از چهل هزار زیاده‌تر مینویسد

(۱۸۴)

مقامات بدیع الزمان عربی شماره ۱۱۸

همدانی مؤلف آن ابوالفضل احمد بن حسین بن یحیی بن سعید همدانی معروف به بدیع الزمان است که در سال ۳۵۸ در همدان متولد شده و در سال ۳۹۸ در هرات وفات یافته است

بدیع الزمان از معاریف ادباء قرن چهارم هجری بوده و حریری در مقامات خود او را علامه و استاد مینویسد

رسائل و اشعار او قریب به هزار سال است که مورد مذاکره و استفاده بین ادباست

و غیر از مقامات دیوان شعری هم دارد که در مصر چاپ شده است شرح مباحثه و مناظره بدیع الزمان با ابوبکر خوارزمی در نیشابور در مجمع عام و غلبه بدیع الزمان بر خوارزمی و توصیف قوه حافظه بدیع الزمان مفصلاً و از رسائل و اشعار او مجملاً در جلد دوم معجم الادباء در صفحه ۱۶۱ تا صفحه ۲۰۲ مندرج است

مقامات بدیع الزمان مکرراً بطبع رسیده و مرحوم شیخ محمد عبده شرحی بر آن نوشته است

و این نسخه چهل و سه مقاله است و در خاتمه مقامات پنج فصل کوچک بعنوان (الحکم المفیده) هست

و در آخر مقامه اول و دوم و بیست و ششم و سی و هشتم ترجمه و تفسیر بعضی الفاظ همان مقامه نوشته شده
و نسخه بخط نستعلیق خوب و عناوین باجوهر سرخ و معنی بعضی لغات مشکله در حواشی نوشته شده متأسفانه نویسنده نام خود و تاریخ کتابت را ننوشته است

(۱۸۳)

منشآت فارسی شماره ۶

تألیف میرزا مهدیخان بن محمد نصیر استرآبادی
است که منشی نادرشاه کبیر و مؤلف تاریخ جهانگشای نادری و دره نادری و لغت سنگلاخ و از نویسندگان مشهور قرن دوازدهم هجری بوده و در سال وفات نادرشاه (۱۱۶۱) بسفارت روم (دولت ترکیه کنونی) رفته بود که بفاصله کمی بعد از وفات نادرشاه بایران مراجعت کرده و در همان سال وفات یافته عنوان مکاتیب و معنی بعضی از لغات باجوهر سرخ نوشته شده
نویسنده نام خود را ننوشته تاریخ کتابت ۱۲۴۶ می باشد

(۱۸۴)

منطق الطیر شماره ۲

منظومه ایست عرفانی در تصوف از زبان طیور
که مؤلف آن را مقامات طیور هم نامیده . ناظم شیخ فریدالدین محمد بن

ابراهیم نیشابوری متخلص به‌عطار است که یکی از بزرگترین شعرای متصوفه است و در سال (۶۲۷) در هجوم مغول به نیشابور شهید شده است جامی در نفحات الانس مدت عمر عطار را یکصد و چهارده سال مینویسد و عطار را تألیفات نظمی و نثری بسیار است که نام قریب سی منظومه از آنها باقی است و منطق‌الطیر را در سال (۵۸۳) با تمام رسانیده

و این کتاب بخط نستعلیق متوسط و عنوانها با جوهر سرخ بسال ۹۲۶۷ در شیراز نوشته شده و نام کاتب حسینعلی شیرازی است و در آخر کتاب مهری بنام علی اکبر و مهری بنام سعید ناصر لشکر زده شده است

(۱۸۵)

منظومه درویش علی
شماره ۲۱
گیلانی
رساله ایست منظوم در تصوف و عرفان بطریق

سؤال و جواب بطرز گلشن راز شبستری از درویشعلی گیلانی که در حلب بوده است و غزلیات چندی هم دارد که در غزلیات علی، و دیوانه علی تخلص مینماید

و در اول کتاب در وسط دایره‌ای نوشته شده (جلد بیستم از کتب اشعار درویشعلی گیلانی در حلب) و در آخر کتاب مینویسد

(عدد ابیات این کتاب یک هزار و هفتصد و بیست مجرر و معدود است
در حلب محروسه گفته شد و نظمش در سی و سه روز تمام شد در ماه
جمادی الاخر در سال نهصد و شصت و پنجم از هجرت)

و در صفحهٔ اول کتاب بالای سر لوح این بیت نوشته شده
بی وقت برآمد چو گل سرخ من از باغ هیاهات که هر بلبل از این بهره توان یافت
و کتاب بخط نستعلیق و مجدول و دارای یک سر لوح است و چند
ورقی افتاده است

تاریخ کتابت و نام نویسنده معلوم نشد



تاریخ و تذکره

(۱۸۶)

تجارب الأمم عربی چاپ عکسی شماره ۳۹۱۸

و تعاقب الهمم مؤلف تجارب الأمم ابوعلی احمد بن محمد بن

یعقوب مسکویه است که در سال ۴۲۱ وفات یافته و در اصفهان در محله

خواجه مدفون است

ابوعلی یك چندی خازن کتابخانه ابو محمد مهلبی وزیر معزالدوله

دیلمی بوده و پس از او نزد ابن العمید و پسرش ذوالکفایتین وزیر

رکن الدوله دیلمی مشغول بوده و بعد از کشته شدن ذوالکفایتین پیش

عضدالدوله دیلمی رفته و مخصوص منادمت او گشت

یاقوت در معجم الأدبا جلد (۵) صفحه (۵) گوید که ابوعلی مجوس

بوده و اسلام آورد ولی در دائرة المعارف اسلامی ترجمه عربی جلد ۱

صفحه (۲۷۷) این احتمال را بعید دانسته و مینویسد که ما نام پدر و جدش را

میدانیم که مسلمان بوده اند و میگویند شاید از اجدادش مجوسی بوده

و مسلمان شده است

و کنیه او را دائرة المعارف اسلامی (ابن مسکویه) نوشته اما استاد

محترم آقای دهخدا در جلد اول لغت نامه صفحه (۳۴۹) مینویسد

مُسْكٍ عَقِيٍّ وَكُلَّيٍّ وَحَبِيٍّ طَيِّبٍ مَسْكٍ
وَلَحْظٍ عَلَى الْمَذْرُوعَةِ وَفِيهِ عَلَى الْبَطْنِ الْمَسْكُوفِ
فَقَوْلُ الْبَحْثِ وَخَاتَمُهُ مَا كَانَ لِحَدِيٍّ أَوْ سَمْتٍ

مَعْنَى الْفِعْلِ

مُسْكٍ الْمَلِكِ الْأَوَّلِ مِنْ كَابٍ مَعْنَى الْمَلِكِ
وَمَحَارِبِ النَّصْرِ وَالْحُدُودِ وَحَسْبَانِ وَفِيهِ الزَّيْلُ

وَمَعْنَى عَلَى خِدْمَةِ الْأَمْرِ

وَمَعْنَى فِي الْمَحَارِبِ وَالْمَلِكِ وَأَنَّ هَذَا الْمَلِكُ مِمَّنْ قَدْ عَادَتْ إِلَى الْمَوْتِ

وَمَعْنَى فِيهَا وَفِيهِ مِنْ بَارِئِهَا أَقْبَلَ حَتَّى السَّيِّئِ لِلْمَلِكِ

وَمَعْنَى فِي الْمَحَارِبِ وَالْمَلِكِ وَفِيهِ عَلَى خِدْمَةِ الْأَمْرِ وَالْمَلِكِ وَالْمَلِكِ
وَمَعْنَى فِي الْمَحَارِبِ وَالْمَلِكِ وَفِيهِ عَلَى خِدْمَةِ الْأَمْرِ وَالْمَلِكِ
وَمَعْنَى فِي الْمَحَارِبِ وَالْمَلِكِ وَفِيهِ عَلَى خِدْمَةِ الْأَمْرِ وَالْمَلِكِ

(این کنیت که در بعض کتب از جمله دائرة المعارف اسلامی به ابوعلی داده شده غلط است و کنیت او ابوعلی و لقبش مسکویه است بی اضافی ابن) و ابوعلی مسکویه را تألیفات متعددی در فلسفه و حکمت و ریاضیات و اخلاق بوده است که بعضی از آنها در صفحه (۶۸۱) جلد دوم لغت نامه استاد محترم آقای دهخدا و صفحه (۱۰) جلد پنجم معجم الادباء ذکر شده و آقای دهخدا مینویسد که ابوسلیمان سجزی در منتخب صوان الحکمة گوید (تألیفات ابوعلی چون بسیار بود من نقل نکردم)

و تجارب الامم تاریخی است عمومی و نفیس درشش جلد که ابتدا از بعد طوفان است تا سال (۳۶۹) هجری و جلد اول و پنجم و ششم آن از روی نسخه کتابخانه ایاصوفیه اسلامبول که تاریخ کتابت آن (۵۰۵) هجری میباشد بطور عکس برداری با خرج اوقاف کیپ چاپ شده و جلد پنجم و ششم آن بایک جلد ذیل تجارب الامم تألیف ابوشجاع ظهیرالدین رودراوری (متوفی ۴۸۸) در سال ۱۳۳۳ قمری در مصر چاپ شده و ذیل تجارب الامم تاریخ بیست سال است از سال (۳۶۹) تا (۳۸۹) و این نسخه جلد اول است که در تاریخ ۱۹۰۹ میلادی با عکس برداری چاپ شده و فهرست اعلام مرتبی بر آن علاوه شده

معرفی شد و این مجلد در سال (۱۹۱۳) میلادی با عکس برداری چاپ شده و فهرست اعلام در آخر آن مرتب کرده اند

.....

(۱۸۸)

تجارب الأمم عربی ۳۹۱۶

جلد ششم است و در سال ۱۹۱۷ از همان نسخه ایاصوفیه عکس برداری شده و این مجلد فهرست ندارد

~~~~~

(۱۸۹)

## ترجمه تاریخ طبری فارسی شماره ۱۹۰

مؤلف تاریخ ابوجعفر محمد بن جریر طبری در سال ۲۲۴ در شهر آمل متولد شده و در سال (۳۱۰) هجری در بغداد درگذشته مترجم ابوعلی محمد بن محمد بلعمی (متوفی در سال ۳۸۶) وزیر منصور بن نوح بن نصر از سلاطین سامانی است (۳۵۰ - ۳۶۶) که بامر منصور مذکور با تفسیر مشهور طبری از عربی به فارسی ترجمه نموده و جای خوشوقتی است که این هر دو کتاب که از کتابهای فارسی قدیم است از دستبرد زمان تاکنون مصون مانده است

تاریخ طبری که نام اصلی آن تاریخ الأمم والملوک است شامل تاریخی است از خلقت آدم تا سال (۳۰۲) هجری . مؤلفش محمد بن جریر طبری حافظ قرآن و از فحول علمای عصر خود و صاحب ید طولی در اغلب علوم بوده که ابن الندیم (صفحه ۳۲۷ الفهرست) تألیفات او را در لغت و تفسیر و نحو و شعر و فقه و تاریخ بخط خودش دیده است و شاگردان او تألیفات او را نسبت بحدّت عمرش حساب کرده اند بهر روزی چهارده ورق رسیده

و در فقه رأی واجتهاد و مذهب مخصوصی داشته که پیروان و تابعینی هم داشته است

و از قرار معلوم مندرجات کتاب تاریخ او زیاد تر از این مقدار بوده است. که بطبع رسیده و اکنون در دست است استاد ادوارد فان دیک در (اکتفاء القنوع صفحه ۶۸) گوید که این کتاب نفیس از بین رفته و ضایع شده بود چند نفر از مستشرقین اروپائی يك قسمت زیادی از آنرا بدست آورده و در سال ۱۸۷۶ میلادی در بیست و سه جزء کوچک درلیدن چاپ کردند و دلیلی که برای تصدیق و اثبات عقیده استاد فان دیک بنظر میرسد این است که مندرجات تاریخ راجع بقرن سوم هجری باوجود اینکه بزمان مؤلف نزدیکتر و در حال حیات مؤلف بوده است

تقریباً باندازه نصف مندرجات راجع بقرن اول و دوم هجری است خصوصاً در اواخر قرن سوم که واقعات یکسال فقط در یک صفحه و بعضی سالها در کمتر از یک صفحه است که سلیقه مؤلف بر این نبوده است و میتوان گفت که مع الاسف قسمت مهمی از این تاریخ نفیس از بین رفته و ضایع شده است

وعریب بن السعد القرطبی تاریخ سی ساله ای از سال ۲۹۱ تا ۳۲۰ هجری بنام (صلة تاریخ الطبری) نوشته که در آخر مجلدات تاریخ طبری با منتخبی از کتاب ذیل مذیل طبری که مشتمل بر تاریخ اصحاب و تابعین و زوجات حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه است چاپ شده است و تاریخ طبری بترکی هم ترجمه شده و در سالهای ۱۲۶۰ و ۱۳۰۶ هجری در اسلامبول بطبع رسیده است

و این ترجمه فارسی موجود در کتابخانه ، بسیار ناقص و از اول تاریخ تا سال نهم هجری میباشد که تقریباً ترجمه یک خمس از کلیه کتاب است و آخرش ناقص مانده نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد .

و این کتاب از روی نسخه ای نوشته شده که پاره بوده و وصالی شده و بعضی کلمات زیر کاغذهای وصلی مانده است که کاتب در چند صفحه اولی جای همان کلمات را سفید گذاشته

(۱۹۰)

## ترجمه تاریخ فارسی شهره ۱۸۳

یهیمنی مؤلف تاریخ یهیمنی بعربی ابو نصر محمد بن عبد الجبار عتبی متوفی بسال (۴۳۱) میلاد تألیف او شامل تاریخ سلطنت یمین الدوله سلطان محمود غزنوی است

مترجم بفارسی ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (کلیایکان) است که در سال ۶۰۳ هجری بترجمه آن پرداخته و دو رساله دیگر که در آخر تاریخ یهیمنی بوده یکی در مرثیه نصر بن سبکتکین و دیگری در بث شکوای مؤلف (۱) بترجمه آنها متعرض نشده فقط مرثیه نصر را عیناً بعربی آورده است

وهمین ترجمه در سال ۱۲۷۲ قمری باهتمام بهاءالدوله بهمن میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار و تصحیح حبیب الدین محمد کلیایکانی در طهران بطبع رسیده که رساله مرثیه نصر بن سبکتکین را هم ترجمه و منضم نموده است.

و تاریخ یهیمنی را شیخ احمد بن علی دمشقی مشهور به منینی در سال (۱۱۴۷) بعربی شرح کرده و بفتح وهبی نامیده و در سال (۱۲۸۶) در اسلامبول در دو جلد بطبع رسیده.

(۱) رساله (بث شکوی) را مرحوم ثقة الاسلام شهید اعلی الله مقامه بتصویب حسنعلی خان گروسی امیر نظام در سال ۱۳۱۷ قمری بفارسی ترجمه کرده و در تبریز چاپ شده است

و تمام صفحات کتاب آهار زده و جدول کشی طالا و لاجورد خوبی شده  
از اول کتاب پنج و شش ورق آبدیده و خطوط آن محو گردیده است.  
کاتب بدیع بن مصطفی بن عبدالحمید موسوی اصفهانی است و در سال  
۱۲۷۲ هجری نوشته شده.

مترجم کتاب (ناصر بن ظفر) پس از پایان ترجمه شرحی از حوادثی  
که در عصر مترجم اتفاق افتاده است مینویسد چون قسمتی از آن راجع  
بیک قضیه مشهور تاریخی بود نگارنده نقل آنرا بی مناسبت ندید که  
مشار الیه خود شاهد وقعه بوده است و عین عبارت او نقل میشود

#### (ذکر مشکل حوادث ایام (کذا))

در شهر سنه انین و ثمانین و خمسمائة کواکب هفتگانه را در برج  
میزان اجتماع افتاد و مدتها بود در افواه افتاده بود و منجمان در کتب  
احکام آورده که در این زمان طوفان باد باشد و مقدار سه گز و در  
بعضی اقایل ده گز و بیست گز از روی زمین برگیرد و کوههای عظیم  
بردارد و از آدمی و دیگر حیوانات چیزی نماند و قیامت که در قرآن  
مجید و اخبار و آثار آمده است این ایام خواهد بود و این وهم برخواطر  
مستولی شد و ربعی عظیم در ضمائر بنشست و یکی از معارف خراسان  
خبری روایت کرد (والعهدة علیه فیما رواه) که از پیغمبر علیه السلام پرسیدند  
که متى القيامة پیغمبر فرمود القيامة و چند بار مراجعت کردند و همین

جواب را شنیدند و زیرکان در این الفاظ تأمل کردند و از حساب جمل باز انداختند و از حروف این کلمه پانصد و هشتاد و دو بیرون آمد و این اعداد موافق احکام نجوم و عدد سالهای هجری آمد و خیالها بدین سبب مستحکمتر گشت و بسیار کس از اهل تمیز و اصحاب نعمت و ثروت اندیشه بدان گماشتند که در غارها مسکن و مأوی گیرند و بعضی منازل محکم ساختند و بداخل زمین جاهای حسیض ترتیب دادند و در ماه رجب سنه اثنین (کذا) که موعود قرآن بود تقدیر خدایتعالی چنان افتاد که مدت یکماه برك بردرخت نجیبید و خرمنها بصحرا بماند.

که باد در تنقیه آن یاری نمیداد و جهانیا را معلوم شد که اقاول اهل نجوم و ترهات ایشان همه باد است (انتهی)

(۱۹۱)

## ترجمه نگارستان ترکی شماره ۱۸۲

ترجمه نگارستان فارسی تألیف احمد بن محمد غفّاری قزوینی است که بزبان ترکی اسلامبولی ترجمه شده ولی مترجم ترجمه بودن آنرا اشاره نکرده

و اغلب اشعار فارسی را هم ترجمه بشعر ترکی ناموزون کرده و در بعضی حکایات که تماس با مذهب داشته تغییراتی داده از جمله در ذکر حالات حضرت حجه علیه السلام آنچه بعقیده خود مناسب بوده نوشته

و بعد ترجمه آنچه در اصل کتاب بوده آورده  
 و در آخر آن مینویسد ( اهل شیعه و روافض مذهبی و اونلارک  
 قول و اعتقاد لری وطن فاسداری بودور ) یعنی اعتقاد شیعه و رافضی ها این است  
 و غفاری قزوینی که در آخر کتاب از سلطان عصر ( شاه طهماسب  
 اول ازصفویه ) مدحهایی کرده مترجم نام سلطان سلیمان خان بن سلطان  
 سلیم را ( ۹۲۶ - ۹۷۴ ) نوشته

و تاریخ تألیف را که غفاری در آخر کتاب با سه بیت فارسی گفته آنرا هم  
 بشرکی ترجمه نموده که هر دو ذیلاً آورده میشود

در نگارستان فارسی

|                             |                                        |
|-----------------------------|----------------------------------------|
| در این روضه که از فرط نوادر | شود هر دم نگاری تازه لاهع              |
| پی تاریخ و نامش فکر کردم    | خرد گفتا که هست این نکته جامع          |
| چو در واقع نگارستان چین است | از آن آمد ( نگارستان واقع )<br>( ۹۵۹ ) |

در ترجمه

|                              |                               |
|------------------------------|-------------------------------|
| بو محموده که وافر دور نوادر  | اولور هر دم بهار تازه لاهع    |
| بونک تاریخ و نامک فکر قیلدیم | خرد دیدی اولور بون نکته جامع  |
| چو بنزر بیر نگارستان چینه    | دیدیم تاریخ ( نگارستان واقع ) |

مترجم نام خود را هم احمد بن محمد نوشته

و احتمال میرود که ترجمه بودن کتاب را مترجم نمیخواسته اظهار  
 نماید و بنام تألیف خود قلمداد کرده است و العلم عند الله

تاریخ کتابت و نام نویسنده را ندارد و خیلی مغلوط است و هر جا  
 نام نوشیروان بوده نوش الروان نوشته است



(۱۹۲)

## خزان و بهار فارسی شماره ۹۰

تألیف محمد شریف شیرازی متخلص به کاشف  
و متوفی بسال (۱۰۶۰) میباشد که مثنوی هائی بنام (عباس نامه) و (هفت پیکر)  
و (لیلی و مجنون) و چند تألیف نثری هم دارد و بگفته میرزا طاهر نصر آبادی  
در طرشت (از قراء ری) منصب قضاوت داشته است

خزان و بهار بطرز و موضوع، نظیر کتاب (فرج بعد الّشدّة)  
دهستانی است و مؤلف شرح حال خود را در آخر کتاب بتفصیل نوشته  
چون این نسخه بسیار ناقص و خیلی مغلوط است از شرح حال مؤلف  
هم غیر از دو صفحه آنها مختلف در این نسخه نیست

و این بیت در قاموس الاعلام بنام محمد شریف کاشف ذکر شده  
زمزگان خونین خود شرمسارم چو صاحب مصیبت زدست حنایی  
نام نویسنده و تاریخ کتابت هم ندارد

~~~~~

(۱۹۳)

خلاصة الأقوال فی عربی شماره ۷۸

معرفه الرجال تألیف جمال الدین ابی منصور حسن بن یوسف بن
علی بن مطهر حلّی است که از فحول علمای امامیه و بدلاّمه حلّی

مشهور است که در سال ۶۴۸ هجری متولد شده و در سال ۷۲۶ در گذشته است و این کتاب را که در شرح حال روات احادیث است در سال ۶۹۳ تألیف و اسامی روات را بترتیب حروف تهجی بدو قسمت مرتب و منقسم نموده است ، قسمت اول در ذکر رواتی است که قولشان معتبر و طرف اعتماد بوده اند و قسمت دوم اشخاصی که در اعتماد بر قول و روایت ایشان تردید داشته است

تاریخ کتابت ۱۰۶۵ و نویسنده محمد شاکر بن فیض الله انصاری است و در آخر کتاب که چند ورق سفید بوده است یک نفر که نام خود را ننوشته در خصوص حفظ چهل حدیث، روایتی از شیخ بهائی علیه الرحمة نقل نموده و روات را که غالباً از اجله علماء هستند با ذکر تاریخ وفات ایشان مسلسلأ تا حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نوشته است .

(۱۹۴)

الفتح الوهبی علی
عربی شماره ۱۸۸
تاریخ ابی النصر العتبی مؤلف تاریخ یمینی ابونصر محمد بن
عبد الجبار عتبی است

و شرح هائی بر آن تاریخ نوشته اند که از آن جمله همین شرح است که احمد بن علی بن عمر الطرابلسی الاصل والمنینی المولد متوفی بسال (۱۱۷۲) شرح کرده

و شرح را در سال ۱۱۴۷ با تمام رسانیده و در سال ۱۲۸۶ در دو جلد
در اسلامبول بطبع رسیده و تمام عبارات متن هم در حاشیه نوشته شده
در کشف الظنون جلد دوم صفحه (۲۰۵۲) در ضمن شرحهای تاریخیمینی
از همین شرح نامبرده و مینویسد (و شرحه فی زماننا الشیخ احمد الدمشقی
شرحاً بسیطاً فی مجلدین)

و معلوم است که این عبارات از ملحقات کشف الظنون است که ابراهیم
افندی متوفی بسال (۱۱۹۰) علاوه و ضمیمه نموده است و حاجی خلیفه
مؤلف کتاب کشف الظنون در سال (۱۰۶۷) وفات کرده است
و در همین نسخه عبارات متن بامرکب سرخ و شرح بامرکب سیاه
و بخط نسخ خوانا نوشته شده

نویسنده عبدالله بن ملا ابراهیم و تاریخ کتابت ۱۲۸۵ میباشد

(۱۹۵)

لؤلؤة البحرين عربی در ضمیمه ۲۳۶

تألیف شیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم الدرازی البحرانی است که
در سال ۱۱۰۷ در قریه ماخور از قراء بحرین متولد شده و در سال ۱۱۸۶
وفات یافته

و کتاب لؤلؤة بعنوان اجازه نامه ایست که مؤلف برای دونفر شیخ
خلف بن شیخ عبد علی و شیخ حسین بن شیخ محمد که برادر زادگان

مؤلف بوده اند نوشته است و احوال جمعی از علماء صاحبان اجازه و تألیفات و تاریخ وفاتشان را تا زمان شیخ صدوق علیه الرحمة در آن اجازه نامه ذکر کرده است که در واقع تذکره مختصر و خیلی مفید و جامعی از مشاهیر علماء و مجتهدین و صاحبان اجازه است

و مؤلف در آخر کتاب تاریخ حیات و اسامی مؤلفات خود را بطور اجمال آورده و در سال ۱۱۸۲ تألیف آن را باتمام رسانیده

و این نسخه نفیس بخط مرحوم میرزا محمد حسن حسینی زنوزی خویی مؤلف ریاض الجنة و کتاب بحر العلوم است و در کربلای معلی در سال ۱۱۹۷ نوشته است متأسفانه ورق دوم کتاب و یک برگ از وسط سفید است و نوشته نشده و مطلب ناقص مانده است

ولو لؤلؤة البحرين در بمبئی چاپ شده است

(۱۹۶)

معارج النبوة فی فارسی شماره ۱۳۹

مدارج الفتوة تألیف مهین الدین حاجی محمد فراهی متوفی بسال (۹۰۷) میباشد که امام جماعت و خطیب و واعظ معروف هرات بوده و پس از فوت برادرش نظام الدین محمد از طرف سلطان حسین بایقرا بقضاوت شهر هرات منصوب شده و پس از یکسال از قضاوت استعفاء داده و هرچه اصرار در رد استعفا شده قبول نکرده است

و (تفسیر حدائق الحقائق) و (تفسیر بحر الدرر) و (روضة الواعظین)
و (روضة الجنة) در تاریخ هرات و (شرائف الأوقات) در معراج نبی
از تألیفات اوست و در شعر معین تخلص میکرده است

و کتاب معارج النبوة در چهار رکن است که این نسخه نصف اخیر کتاب
و رکن سوم و چهارم است که رکن سوم در احوال و وقایع ایام حضرت
رسول علیه السلام از اول بعثت تا زمان هجرت ، و رکن چهارم از وقایع
اول سال هجرت تا سال رحلت آنحضرت است که وقایع را سال بسال
وخیلی مشروح نوشته و کتاب را در سال (۸۹۹) باتمام رسانیده است

یک برک از اول کتاب افتاده و نو نویس است نام نویسنده باقر بن حاجی محمد
و تاریخ کتابت ۱۰۳۹ می باشد

و در پشت ورق آخر کتاب معتمد الدوله فرهاد میرزا چنین نوشته است
(متمم این کتاب که خاتمه است در ماه رمضان ۱۲۹۱ از نسخه دیگر
است کتاب و باین کتاب ملحق شد)

و آن متمم در دو قسمت است اولی بعنوان (واقعه عجیبه) در آمدن
یک نفر عرب بمدینه بعد از رحلت حضرت رسول اکرم و سؤال و جواب
او با حضرت امیر المؤمنین و در چند ورق است

دومی بعنوان (خاتمة الکتاب فی معجزات النبى) در ۱۲۵ صفحه
و اشعاری بطرز مناجات است که از خود معین الدین می باشد

وباز معتمدالدوله مینویسد (از قراریکه مؤلف قرار داده این تاریخ
در چهار رکن است و دورکن او در دست نیست) (۱)



(۱۹۷)

هشت بهشت فارسی شماره ۱۶۸

تألیف ادریس بن حسام الدین بتلیسی است. و در شرح وقایع ایام و تاریخ
جنگهای هشت تن از سلاطین آل عثمان از بدو تأسیس سلطنت سلسله
مزبوره تا سلطان هشتم بترتیب زیر میباشد

عثمان خان بن ارطغرل متوفی در سال (۷۲۶)	سلطان اورخان متوفی در (۷۶۱)
سلطان محمد چلبی - (۸۲۴)	سلطان مراد اول - (۷۹۱)
سلطان محمد فاتح - (۸۸۶)	سلطان بایزید اول (۸۰۵)
	سلطان مراد ثانی (۸۵۵)
	سلطان بایزید ثانی (۹۱۸)

(۱) معتمدالدوله فرهاد میرزا در حاشیه اوائل رکن چهارم در وقایع غزوه بدر
دوبیت عربی از قول دیک الجن در مدح حضرت امیر مؤمنان نوشته و بدین عبارت
امضا کرده است (بتاریخ ۲۷ شوال ۱۲۸۳ فرهاد بن ولیعهد طاب ثراه و
بعد از امضا مینویسد (درینج داشتیم که تمام اشعار را ثبت نکنم اگرچه محل
حاجت همان دوبیت بود) و پنج بیت دیگر هم مینویسد

یک نفر مهدی نام گیلانی که شیعه متعصب بوده در حواشی کتاب در چندین جا
باسب و لعن بمؤلف تاخت آورده

و مؤلف بدین مناسبت کتابرا به هشت بهشت نامیده و در دو سال و شش ماه باتمام رسانیده که مینویسد :

(و حمله و فصالة ثلثون شهرآ)

و در دیباچه گوید (وجه تسمیة این مجموعه هشت کتاب در ثنا و دعای هشت پادشاه جنت مآب بزبان پارسی بهشت بهشت ملائم و صواب نمود و نام دیگر آن عربی (الصفات الثمانية فی اخبار القیصر الثمانية) مناسب بود

و ادریس بن حسام الدین از امرای اکبراد و منشی یعقوب بیگ از شاهزادگان آق قویونلو بوده است که در زمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی از ایران فرار کرده و در کشور عثمانیه اقامت گزیده و طرف توجه و مورد اعزاز و اکرام سلطان بایزیدخان ثانی گردید و کتاب هشت بهشت را بنام او نوشته و در سال (۹۲۱) در اسلامبول وفات یافته است (۱) و کتاب بعبارت منشأنه و بفارسی سلیمس نوشته شده و مؤلف شاعر بسیار خوبی هم بوده که اشعار زیادی در کتاب بعنوان (لمؤلفه) آورده است

(۱) ابوالفضل محمد دفتری پسر حسام الدین بتلیسی ذیلی بتاریخ هشت بهشت نگاشته که شرح حال و تاریخ سلطان سلیم اول متوفی در سال (۹۲۶) و سلطان سلیمان اول متوفی بسال (۹۷۴) و سلطان سلیم ثانی متوفی در سال ۹۸۲ می باشد

و کتاب را به کتیبه و داستانها تقسیم نموده که هشت کتیبه و هر کتیبه در شرح حال یکی از سلاطین است
و این نسخه دارای هفت کتیبه است که کتیبه هشتم را ندارد
و بخط نستعلیق خوب در سال ۱۰۸۴ نوشته شده و نام کاتب را
محو کرده اند ابتدای گفتار و داستان و کتیبه و عنوانها با جوهر قرمز
نوشته شده است



* (ط) *

(۱۹۸)

تشریح الانسان فارسی شماره ۱۲۱

و توضیح الابدان تألیف محمد بن عبد الصبور تبریزی خویی
 است که حکیم باشی وطیب محمد شاه و ناصر الدین شاه و مشهور بحکیم
 قبلی (۱) بوده است و کتاب را در سال (۱۲۷۱) قمری بانجام رسانیده
 و تألیفات دیگری هم در موضوع طب و معالجه امراض دارد که در کتاب
 دانشمندان آذربایجان ذکر شده است
 و در اول کتاب مینویسد

و این کتاب ما در دو فن است اولی را که همین مجموعه است در علم
 تشریح نوشته ایم (تشریح الانسان فی توضیح الابدان) نام نهادیم و دومی را
 که بعد از اتمام تشریح نوشته ایم قوانین العلاج تسمیه نمودیم

(۱) مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان صفحه (۱۲۲) شرح حال
 و تألیفات آن حکیم را نوشته است و در اشتهار او بحکیم قبلی مینویسد (چون
 عشق زیادی بقلیان داشت و هر جا میرفته قبل و منقلی همراه داشته از اینجهت
 بحکیم قبلی مشهور شده است)

اما چنانکه از اولاد آن مرحوم تحقیق شد اشتهار آن حکیم باین نام از این
 جهت بوده است که علتی در پایش عارض شده و در نتیجه عملیات پای او را بریده اند
 و پای مصنوعی از چرم داشته و بدین لحاظ او را قبلی گفته اند و بحکیم قبلی
 مشهور شده

و اگرچه در مقدمه همه جا از تألیف و تصنیف نام میبرد ولی خود اشاره کرده است که از کتابهای ترکی اسلامبول و کتابهای عربی مصر و سایر کتابهای لاتینی و فرانسوی ترجمه شده و در آخر کتاب هم مینویسد (تمّ علی ید مترجمها محمد الطیب التبریزی فی سنة ما نین واحدی و سبعین بعد الالف من الهجرة النبویة)

و این کتاب در سه جلد است که جلد دوم بنام اصول الطبیعة و جلد سوم بنام جواهر الحکمة است

و در سال ۱۲۷۲ در طهران باصور و اشکال تشریحی بنام (انوار ناصریه) در مطبعه سنگی چاپ شده است فقط در مقدمه این نسخه با نسخه چاپی فرق زیادی دارد که مقدمه چاپی بکلمی غیر از مقدمه این نسخه است اگرچه هردو بنام ناصرالدین شاه و وزیر اعظم میرزا آقاخان نوری است و این نسخه بخط خود مؤلف و تاریخ کتابت ۱۲۷۱ قمری میباشد

~~~~~

(۱۹۹)

تشریح الانسان  
و توضیح الابدان  
فارسی  
مکرر (همان کتاب شماره ۱۹۸)  
شماره ۱۶۱

این نسخه فقط جزء اول از کتاب است و بخط نسخ خوب و عناوین در حاشیه با جوهر سرخ نوشته شده و آخرش ناقص است نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد

(۲۰۰)

## رساله در کیمیای طبّی فارسی شماره ۸۵

از مؤلف و مترجم نامی در کتاب برده نشده در  
اول کتاب بعد از حمد چنین مینویسد ( این کتاب طَبّ تازه کیمیائی است  
این چنین کیمیائی که در آورد او را پرا کلیوس و مشتمل است بر مقدمه  
و مقالاتی چند )

مقاله اول در جزء نظری از چیزهای غریبه و او طَبّ کیمیائی است  
مقاله دوم در اساس طَبّ کیمیا

وفصول آن در حرق و قلی و تکلیس فلزات و گرفتن ادهان و املاح  
و روح از سایر موادّ است مثل گرفتن دهن قرنفل و کافور و دهن  
معدنیات از سرب و طلا و نقره و دهن مروارید و کهربا و کیفیتّ معالجه  
بعض امراض با این ادهان است

و بخطّ نستعلیق شکسته آمیز ریز در ۷۲ صفحه نوشته شده و چند

ورق در آخر کتاب سفید است که ناقص مانده

تاریخ و نام کاتب را ندارد

(۲۰۱)

## رساله‌ای در بیان سمومات در آخر شماره ۱۰

و تریاقت آنها رساله‌ای است منضم به زبدة الحکمة و محتمل است  
از دکتر پولاک نمساوی طبیب مخصوص ناصرالدین شاه باشد که در تعریف  
اقسام سموم و علاج آنها است در سه باب

باب اول در سمومات معدنی      باب دوم در سمومات نباتی  
باب سوم در سمومات حیوانی که در هر باب علامت مسموم بودن  
و دواهای مخصوص بمعالجه هر يك را ذکر مینماید و بخط نستعلیق خوب  
و خوانا است

و نام نویسنده عبدالحسین بن حسین و تاریخ کتابت ۱۳۰۳ قمری میباشد

(۲۰۲)

## زبدة الحکمة فارسی شماره ۱۰

قرا بادین (خواص الادویه) از دکتر پولاک نمساوی  
است که در دوره ناصرالدین شاه قاجار معلم مدرسه طب و طبیب  
مخصوص شاه بوده است که تقریرات دکتر مذکور را میرزا علنقی بن  
محمد اسماعیل که یکی از شاگردان او بوده جمع آوری و ترتیب داده و مشتمل

است بر یکمقدمه و دو جمله

مقدمه در تعریف علاج و انقسام آن و جمله اول در تدابیر سته  
ضروریّه و قوّه جاذبه

و جمله دوم در خواصّ ادویه و محلّ استعمال و مقادیر آنها  
و بخطّ نستعلیق خوانا و نویسنده عبدالحسین بن حسین و تاریخ کتابت  
۱۳۰۳ قمری میباشد

(۴۰۴)

## شرح الاسباب عربی شماره ۱۹۵

الاسباب و العلامة فی الطبّ تألیف شیخ نجیب الدین

ابو حامد محمد بن علی بن عمر سمرقندی است که در سال ۶۱۹ در حمله  
مغول بهرات بقتل رسید

شارح برهان الدین نفیس بن عوض طیب کرمانی است

و در مقدمه میگوید که میرزا الخ بیک کورگانی او را بسمرقند

دعوت کرد و در سمرقند این شرح را بالغ بیک تقدیم کرده است

و در کشف الظنون مینویسد که در سال ۸۲۷ از تألیف آن فارغ شده است

شارح شرحی بر الموجز علاء الدین قرشی هم نوشته که بشرح

نفیس و شرح قرشی مشهور است که آن را در سال ۸۴۱ یا تمام رسانیده است

و این نسخه بخط نسخ خوب و خوانا نوشته شده و روی عبارات  
متن جدول سرخی کشیده اند

تاریخ کتابت (۱۲۳۲) هجری است کاتب نام خود را نوشته

(۲۰۴)

غایة الاتقان فی تدبیر عربی شماره ۱۰۵

بدن الانسان مؤلف نامی از خود نبرده و در دیباچه چنین گوید  
صالح افندی که در خدمات دولت عثمانیه بوده مطالبی از مسائل  
طبی و ترکیب ادویه و قرابادین از کتب یونانی و کتابهای ابن سینا و اطباء  
مشهور استخراج کرده بود اکمال آن را اجل مهلت نداد ، بعد از آن  
یحیی افندی که منصب قضاوت کل را داشته و بمقام صدارت هم رسیده  
است آن را تکمیل نموده و تألیف و تعیین فصول و ابواب آنرا باین  
حقیر محول نمود

نویسنده نام خود را نوشته

و نسخه بخط نستعلیق ریز و بد و بسیار مغلوط نوشته شده

و در چند صفحه معنی بعضی عبارات را بترکی در حاشیه نوشته اند

تاریخ کتابت ۱۲۱۷

(۲۰۵)

## رساله‌ای در فارسی شماره ۲۳

فیزیولوژی در دیباچه از اینک که کتاب ترجمه یا تألیف است  
اشاره‌ای نشده و همچنین نامی از مؤلف یا مترجم نیست در آخر کتاب  
نوشته شده قد فرغ بالخير والسعادة فی يوم جمعه سابع عشرون (کذا)  
من شهر رمضان سنه ۱۳۱۸ حرره عبده المحتاج عبدالحسین بن  
حسین طیب ملقب بصدرالحکماء

و کتاب در پانزده باب است که هر باب چند فصلی است بدین ترتیب  
باب اول در سئل و اجزایش باب دوم در خون باب سوم دوران خون  
باب چهارم در رطوبت باب پنجم عمل هضم باب ششم عمل تنفس  
باب هفتم عمل صوت باب هشتم حرارت حیوانی باب نهم ترشحات  
باب دهم تغذیه باب یازدهم اعمال جلد باب دوازدهم اعمال عضلات  
باب سیزدهم سلسله عصبانی باب چهاردهم حواس عمومی باب پانزدهم عمل  
توالد و تناسل

و کتاب بخط نستعلیق شکسته آمیز در ۴۸۳ صفحه میباشد

(۲۰۶)

## القانون فی الطب عربی شماره ۱۸۶

کتاب قانون ، تألیف استاد الکمل شیخ الرئیس شرف الملك ابوعلی

سینا طاب ثراه است که در سال ( ۴۲۸ ) هجری وفات یافته و در همدان مدفون است

شیخ الرئيس در میان علمای فرنك مشهور و به آویسینا معروف است کتاب قانون او بزبانهای مختلف دنیا ترجمه شده و قرنهای متمادی توجه و مأخذ تدریس و عمل اطبای عالم بوده است  
شیخ الرئيس را تألیفات دیگری در طبیعیات و فلسفه و منطق و الهیات هست که در جای خود مذکور است

قانون در پنج کتاب است و این نسخه کتاب چهارم و پنجم از قانون میباشد که اولی در هفت فن و هر فن در چند مقاله و دومی در ادویه مرکبه و در دو جمله است و بخط نسخ قدیمی در کاغذ ضخیم نوشته شده هتاسفانه تاریخ کتابت و نام کاتب را ندارد که ورق آخری کتاب افتاده و نو نویس است و در پشت ورق اول کتاب تاریخهایی از مالکین مختلف کتاب هست که قدیمترین آنها از محمد مقیم طیب ابن محمد حسین و بسال ( ۱۰۳۶ ) میباشد

(۲۰۷)

القول الصریح عربی شماره ۱۷۰  
فی علم التشریح اصل کتاب بفرانسه از دکتر نائل فرانسوی  
است و مترجم به عربی یوحنا عنجوری است که در مصر در مدرسه ابوزعبل



بانتخاب كلوت بیک حكیم باشی و مدیر همان مدرسه ترجمه شده و تصحیح قواعد عربیه و تنقیح عبارات را محمد هراوی و شیخ احمد رشید انجام داده اند که کتاب (منتهی الاغراض) هم ترجمه و تصحیح همین سه نفر است و در مقدمه از تاریخ علم تشریح و کتابهایی که در این موضوع تألیف شده و مؤلفین آنها شرحی مینویسد و این مجلد آخرش ناقص مانده که جلد دیگری هم داشته است و بدینجهت نام نویسنده و تاریخ آن معلوم نشد

(۴۰۸)

### منتهی الاغراض عربی شماره ۱۶۶

فی شفاء الامراض کتابی است در طب که یوحنا عنجوری در مصر از لغت ایتالیایی و فرانسه به عربی ترجمه کرده است و محمد هراوی تصحیح و تهذیب آن پرداخته و در دو مقاله و بیست و دو باب است که مقاله اولی هفده و دومی پنج بابست و جلد اول و دوم در یک مجلد است

در دیباچه مترجم نام سلطان عصر را که یکی از خدیوهای مصر بوده است نوشته بوده یک بی بصیرتی نام همان سلطان را محو کرده نام ناصرالدین شاه قاجار را نوشته است در صورتی که در تاریخ کتاب ناصرالدین شاه هنوز جالس سریر سلطنت نبود

و کتاب بخط نسخ بسیار خوب در تبریز نوشته شده و اوائل بابها  
و عناوین بامرگب سرخ است  
تاریخ کتابت ۱۲۵۹ میباشد نویسنده نام خود را ننوشته

(۴۰۹)

منتهی الاغراض عربی شماره ۱۶۷

جلد دوم از منتهی الاغراض است که در شماره

(۲۰۸) ذکر آن شده و این نسخه از روی نسخه چاپی که در مصر در مطبعه

بولاق بطبع رسیده نوشته شده است

تاریخ کتابت و نام نویسنده را ندارد



\*( ریاضیات و هیئت و نجوم )\*

( ۲۱۰ )

پنججاه باب سلطانی فارسی شماره ۸۳

تألیف رکن الدین بن اشرف الدین حسین آملی است  
که در سال ۸۶۰ در هرات بنام ابوالقاسم بابر بهادرخان تألیف نموده (۱)  
موضوع کتاب در معرفت اسطرلاب و کیفیت عمل کردن با آن  
و مبتنی بر دو مقاله است که مقاله اولی درسی و هشت باب و مقاله دومی  
در دوازده باب است و چنانکه در مقدمه مینویسد این رساله چهارمی  
مؤلف است در معرفت اسطرلاب

و بخط نستعلیق خوب و عناوین بزرگ سرخ نوشته شده

و در اغلب صفحات جای اشکال سفید مانده

تاریخ کتابت ۱۰۷۲ و بخط محسن صوفی تبریزی است

( ۲۱۱ )

تشریح الافلاک عربی شماره ۴۹

تشریح الافلاک در هیئت تألیف شیخ بهاء الدین محمد عاملی اعلی الله

(۱) میرزا ابوالقاسم بابر بهادر کورگانی پسر از نه سال سلطنت درسی و شش  
سالگی در سال ۸۶۱ در سال گذشته است

مقامه است که در وصف آن در مقدمه گوید ( هذه درة یتیمه احتوت فی فنّ  
الهیة علی اصوله ولبابه )

و کتابرا بیک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه ترتیب داده  
فصل اول در دایره های بزرگ و کوچک فصل دوم در صورت افلاک  
فصل سوم در حرکت افلاک و ملحقات آنها فصل چهارم در حالات زمین و توابع آن  
فصل پنجم در صبح و شفق خاتمه در خط نصف النهار و تعیین سمت قبله  
و شروح متعددی بر تشریح شیخ نوشته اند  
که آقای جواهر کلام در جلد دوم صفحه ۱۲۸ فهرست کتابخانه  
معارف نام هشت شرح را بانام شارحین مینویسد  
و تشریح الافلاک به تنهایی و بضمیمه خلاصه الحساب مکرر بچاپ  
رسیده است

و این کتاب بخط نسخ خوانا در سال ۱۲۷۰ در تبریز نوشته شده  
نام نویسنده محمد هاشم تبریزی است

(۴۱۴)

تنبیهات المنجمین فارسی شماره ۷۲

تألیف ملا مظفر بن محمد قاسم منجم جنابادی است که در سال  
۱۰۳۱ باهر شاه عباس کبیر تألیف نموده تاریخ وفاتش معلوم نشد تاریخ  
تولدش ( بنحوی که در محلی از کتاب در حدوث قران مریخ و عطارد در

برج سنبله که در سال (۹۸۵) بوده مینویسد من پانزده ساله بوده‌ام (در سال ۹۷۰ می‌باشد که در زمان تألیف این کتاب شصت و یکساله بوده است موضوع کتاب در احوال کواکب و احکام مقارنه سیارات در بروج و آثاری است که بزعم منجمان از این قرانات بوقوع میرسد و در آخر این کتاب قریب چهل نفر از اساتید این فن را نام برده که در تألیف این کتاب از تصنیفات ایشان استفاده کرده است نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد فقط مهری هست بسجّع (بسم الله الرحمن الرحیم)

(۴۱۳)

### حاشیه بر جندی عربی شماره ۲۲۰

بر شرح چغمینی الملتخص فی الهیئة تألیف محمود بن محمد بن عمر چغمینی است که قاضی زاده رومی در سال (۸۱۵) آنرا بنام سلطان الغییک شرح کرده و حاشیه و تعلیقات متعددی بهمان شرح نوشته اند که در صفحه (۱۸۱۹) کشف الظنون مذکور است که از آنجمله همین حاشیه است که از مولی عبدالعلی بن محمد بن حسین بر جندی است و بقول صاحب الذریعه در سال ۹۳۴ وفات یافته

نام نویسنده احمد بن محمد است و در سال ۱۰۶۴ نوشته شده

(۲۱۴)

## خلاصه الحساب عربی ضمیمه شماره ۴۹

تألیف شیخ بهاء الدین محمد عاملی اعلی الله مقامه  
 است و مرحوم شیخ در مقدمه توصیفی از این تألیف کرده و مینویسد که  
 ( این کتاب خلاصه تمام کتابهای متقدمین و زبدۀ رساله‌های متأخرین است )  
 و در آخر کتاب هم خطاب بمطالعه کنندگان کرده و میگوید در  
 این کتاب جواهر نفیسه‌ای که تاکنون در هیچ رساله و کتابی نیامورده اند  
 آوردم پس قدر آن را بدان و از غیر اهلش پنهان بدار  
 و این کتاب در میان طلاب مقامی بسزا داشته و در مدارس قدیمه تعلیم  
 و تدریس میشد

و مؤلف آنرا بريك مقدمه و ده باب و خاتمه‌ای ترتیب داده است  
 و قریب به بیست شرح و حاشیه بر خلاصه الحساب نوشته اند  
 و شیخ مرحوم را غیر از خلاصه الحساب تألیف مفصل دیگری هم  
 در حساب بوده است که بحر الحساب نام داشته و در آخر باب  
 ششم و چند جای دیگر در خلاصه الحساب میگوید ( و جمیع هـ - ذه الاعمال  
 مفصّلة فی کتابنا الکبیر المسمی ببجر الحساب )

و این نسخه بخط نسخ بسیار خوب و عناوین با جوهر سرخ نوشته شده  
 تاریخ کتابت ۱۲۷۱ می باشد

کاتب نام خود را ننوشته و با احتمال شیهات خطّ بارساله تشریح الافلاک  
که ضمیمه همین مجلد است هر دو کتاب را یک نفر نوشته است که محمد  
هاشم تبریزی باشد

( ۲۱۵ )

خلاصه الحساب عربی ضمیمه شماره ۲۲۱

مکرّر تألیف شیخ بهائی علیه الرحمة است که در شماره  
(۲۱۴) از همین فهرست معرفی شد

نویسنده عبدالرحمن بن محمد و سال کتابت بمناسبت کتاب منضمی  
۱۰۸۰ هجری است

~~~~~

(۲۱۶)

رساله‌ای در هیئت فارسی شماره ۸۸

اول و آخرش افتاده مؤلف و نام نویسنده و تاریخ
کتابت معلوم نشد محتمل است که شرح و ترجمه تشریح الافلاک شیخ
بهائی علیه الرحمة باشد بد خط و مقلوط هم هست
پشت ورق اول این بیت نوشته شده

ز دریای شهادت چون نهنگ لا بر آرد هو
تیمم لازم آید نوح را در وقت طوفانش

(۲۱۷)

رساله ای در اسطرلاب عربی شماره ۲۰۷

رساله ایست در سیزده صفحه در اسطرلاب از شیخ

بهایی علیه الرحمه

نام نویسنده و تاریخ هم ندارد

(۲۱۸)

شرح اشکال التأسيس عربی شماره ۲۲۱

اشکال التأسيس تألیف شمس الدین محمد بن اشرف

سمرقندی است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است
و آن سی و پنج شکل از کتاب اقلیدس است

شارح موسی بن محمد معروف بقاضی زاده رومی است که در بناء

و تاسیس رصدخانه سمرقند در عهد الغریک بن شاه رخ کورکانی اشتراک داشته

و حاجی خلیفه در کشف الظنون صفحه (۱۰۵) مینویسد که قاضی زاده

این شرح را در سال (۸۱۵) نوشته و کلمه (خیره) تاریخ آنست ولی

نگارنده این کلمه و تاریخ را در این نسخه پیدا نکردم

نویسنده عبد الرحمن بن محمد و تاریخ کتابت (۱۰۸۰) میباشد

(۲۱۹)

شرح بیست باب فارسی شماره ۸۳

در اسطرلاب متن بیست باب از خواجه نصیر الدین طوسی اعلی الله

مقامه است که در سال ۶۷۲ وفات یافته

شارح عبدالعلی بن محمد بن حسین برجندی متوفی بسال (۹۳۴)

میباشد

و برجندی در هیئت و نجوم تألیفات متعددی دارد که مشهور است

و این شرح را بنام خواجه ناصرالدین وزیر نوشته است

و در مقدمه مینویسد که چون خواجه در تألیف بیست باب بغایت

اختصار و بذکر اصول و مهمات مسائل اکتفا فرموده است بخواهش

جمعی از دوستان بشرح آن اقدام شد که عموم را از آن استفاده حاصل آید

و آغاز کتاب که مراعات براءت استهلال راهم نموده است بدین نحو است

(فاتحه خطاب در هر باب و خاتمه مقال در همه حال سپاس و ستایش

حکیمی را سزد که درجات از تفاع آفتاب عزت و کبر یایش بعلاقه اسطرلاب

عقول و مقیاس حواس روشن نگردد)

و عبارات شرح بخط نستعلیق و متن بخط نسخ و حروف رموز و

اشارات بر نك سرخ نوشته شده

نام نویسنده عباس مشهور به محسن بن حسن صوفی تبریزی است

تاریخ کتابت ۱۰۷۲ می باشد

(۲۲۰)

شرح خلاصه الحساب عربی شماره ۳

خلاصه الحساب شیخ بهایی علیه الرحمه را شرحهای
 بسیاری نوشته اند که در جلد دوم فهرست کتابخانه معارف قریب به بیست
 شرح با اسامی شارحین ذکر شده که یکی از آنها شرح جواد بن سعد
 است که از شاگردان مؤلف بوده است
 و در پشت ورق اول همین نسخه نوشته شده (شرح شیخ جواد
 بر خلاصه)

ولی ابتداء کتاب شرح شیخ جواد را که مرحوم اعتصام الملك در
 جلد دوم فهرست کتابخانه مجلس نگاشته با ابتداء این نسخه مغایر است
 و در متن کتاب نامی از شارح برده نشده است
 و کتاب بخط نسخ خوانا است و فصول و ابواب باریک قرمز نوشته
 شده و روی عبارات متن خط کشیده اند
 نام نویسنده زین العابدین بن خدا ویردی و سال کتابت ۱۲۲۰ می باشد

(۲۲۱)

شرح ملخص عربی شماره ۹۴

(که بشرح چغمینی معروف است)

الملخص فی الهیئة تألیف محمود بن محمد بن عمر چغمینی است

(چغمین از قراء خوارزم است) که چند نفر از علماء هیئت شرح و تعلیقات بر آن نوشته‌اند که از آنجمله است همین شرح که از صلاح الدین موسی ابن محمود رومی معروف بقاضی زاده رومی است که در ساختن زیج الغ بیگی در سمرقند در سال (۸۴۱) باغیاث الدین جمشید کاشی (۱) و علی بن محمد قوشچی و معین الدین کاشانی اشتراك داشته

و این شرح را در سال ۸۱۴ بنام الغ بیک بن شاهرخ بن امیر تیمور کورکان متوفی در سال (۸۵۳) نوشته است

خط کتاب بد و مغشوش می‌باشد و از گوشه‌های کتاب آبدیده و رنگ گرفته و اشکال فلکی بعضی الوان و بعضی ساده است و یک ورق از آخر کتاب افتاده و نونویس است که نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشده

(۲۲۲)

لوائح القمر

شماره ۸

تألیف حسین بن علی بیهقی مشهور بکاشفی متوفی

بسال ۹۱۰ هجری می‌باشد صاحب تفسیر مواهب علیه و جواهر التفسیر است

(۱) مرحوم معتمد الدولة فرهاد میرزا در کتاب زنبیل مکتوب خیلی مفصل از غیاث الدین جمشید کاشی نقل کرده که در موقع اشتغال بساختن رصد و زیج از سمرقند به پدرش نوشته که از هنرهای خود و کیفیت ساختن رصد و معلومات ریاضی الغ بیک ذکر کرده است.

و در اول کتاب مینویسد چون شش رساله در نجوم پرداخته شد
و نام آنها را بدین ترتیب ذکر میکند :
مواهب الزحل ، میامن المشتري ، سواطع المريخ ، لوامع... (۱)،
مباهج الزهره ، مناهج العطار ، و بدین تألیف (لوائح القمر) سبعة کاشفیه
سمت اتمام و اکمال میپذیرد

(۳۳۳)

معراج الادراك فی عربی شماره ۲۲

شرح تشریح الافلاک تشریح الافلاک تألیف شیخ بهائی علیه الرحمة
راکه بشماره (۲۱۱) در همین فهرست معرفی از آن شده است شروح
بسیاری نوشته اند که آقای جواهر کلام در فهرست کتابخانه معارف جلد دوم
صفحه ۱۲۸ از هشت شرح با اسامی شارحین نام میبرد و شرحی هم بنام
(نهایة الادراك یا برهان الادراك) مینویسد که شاید مقصودشان
معراج الادراك و همین کتاب بوده است

شارح نام خود را در اول کتاب محمد باقر بن محمود البانی ذکر
کرده است که با رجوع بتذکره و فهرست هایی که در دسترس نگارنده
بود از حال او اطلاعی بدست نیامد و بنام امیر خسرو خان تألیف کرده
و چون يك برك از آخر کتاب افتاده است نام نویسنده و تاریخ
کتابت معلوم نشد

(۱) کلمه مضاف الیه لوامع نوشته نشده بود محتمل است (الشمس) باشد

(جغرافی)

(۲۲۴)

حدود العالم فارسی شماره ۸۰۰۴

نام مؤلف معلوم نشد چنانکه صریحاً در مقدمه

کتاب ذکر شده در سال سیصد و هفتاد و دو از هجرت بنام ابی الحرث
محمد بن احمد که از سلسله فریغونیان و از شاهزادگان گوزکانیان بوده
تألیف شده است و در جغرافیای عمومی است

و این کتاب منحصر بفرد بخط عبد القیوم بن حسین بن علی الفارسی
در سال ۶۵۶ هجری نوشته شده و در موزه آسیائی شهر لنین گراد
(پترزبورگ سابق) بوده و مستشرق شهر روسی بارتولد از طرف اکادمی
علوم دولت شوروی در سال ۱۹۳۰ باعکس برداری چاپ و تعلیقات و
حواشی بزبان روسی و فهرستی بر آن علاوه کرده است

و این کتاب بعد از ترجمه تاریخ و تفسیر طبری اولین کتاب فارسی
است که بدست ما رسیده و قبل از شاهنامه فردوسی تألیف شده است
و جناب آقا سید جلال الدین طهرانی از روی همین نسخه چاپ
عکسی در سال ۱۳۵۲ هجری قمری با فهرست اماکن بقطع کوچک در طهران
بچاپ رسانده است

(۲۲۵)

جغرافیا ترکی شماره ۵۹

مترجم از فرانسه به ترکی هاشم بن عبدالغنی تبریزی است و برای خواندن محصلین مدرسه ایرانیان در اسلامبول ترجمه کرده است و دو جلد در یک مجلد است که جلد اول در جغرافیای عمومی برای کلاس اول و دوم بطریق سؤال و جواب و جلد دوم برای کلاس سوم در جغرافیای مفصل و بعضی مسائل ابتدائی هیئت و طبیعیات است و تاریخ ترجمه و تحریر در هیچ یک از مجلدات نیست و در آخر جلد اول بعضی از نقشه‌های اولی جغرافیا ترسیم شده و برسم الخط قدیم ترکیه نوشته شده است

(۲۲۶)

نزهة القلوب فارسی شماره ۱۷۶

مؤلف حمدالله بن ابی بکر بن احمد مستوفی

قزوینی است

تاریخ وفات مؤلف را باختلاف نوشته‌اند گویا (۷۵۰) صحیح باشد

و نزهة القلوب را در سال (۷۴۰) تألیف کرده است

صاحب ریاض الجنة مینویسد که حمدالله در عهد سلطان محمد

خدا بنده و غازان خان مستوفی الممالك بوده است و باخواجه رشیدالدین و پسرش غیاث الدین خصوصیت کاملی داشته و پدران او هم مستوفی بوده اند اینست که بمستوفی اشتیهار یافته

موضوع کتاب در سه مقاله و ذکر هوایید ثلثه است و مقاله سوم آن بالانفراد در سال ۱۳۳۱ قمری هجری درلیدن چاپ شده است و تاریخ گزیده مشهور هم از همین مؤلف است که در سال ۷۳۰ تألیف کرده و تاریخ منظومی هم بنام ظفرنامه گفته است که در حدود هفتاد پنجهزار بیت میباشد که نسخه منحصر بفرد آن در کتابخانه لندن است و این نسخه نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد و بسیار مغلوط است که بدون اغراق میتوان گفت که هیچ سطرری خالی از غلط نیست



* (منطق) *

(۲۲۷)

شماره ۲۲۸ حاشیه بر حاشیه خطایی عربی

خطائی را در کشف الظنون مولانا زاده خطائی بدون تصریح باسم
مینویسد و میگوید که حاشیه ای بر شرح تلخیص مفتاح العلوم نوشته است
و این نسخه حاشیه بر حاشیه خطائی است که محشی معلوم نشد
و در ضمن شرح معانی بعضی کلمات را بفارسی آورده و همچنین
در بعضی جاها اشعار فارسی مناسب هم آورده است که در اول آنها مینویسد
(نعم ما قیل بالفارسیة) یا (نعم ما قال فلان بالفارسیة)

آغاز حمد آ لمن خلق الانسان وعلمه البيان
انجام هذا والمرجو من الله تعالى حسن الخاتمه وصلاح العاقبة
تمت الحاشية الشريفة الواقعة على الخطائی
تاریخ کتابت و نام نویسنده نگاشته نشده

(۲۲۸)

ترجمه مطول فارسی شماره ۴۰

این کتاب ترجمه مطول یا ترجمه شرح تلخیص است بفارسی و

احتمال زیاد بر این است که ترجمه مطول باشد متأسفانه از اول کتاب سه و چهار ورقی افتاده و مترجم آن و تاریخ ترجمه معلوم نشد و از فهرست‌هایی که در دست رس نگارنده بود در هیچیک اشاره‌ای بر اینکه یکی از شرح‌های مفتاح‌العلوم بفارسی ترجمه شده باشد برنخوردم برای آشنایی خوانندگان بطرز انشاء آن چند سطری از کتاب در اینجا آورده میشود

در صفحه اول این نسخه

و مخالفت قیاس آنست که کلمه برخلاف قانونی باشد که از تتبع لغت و صرف مستفاد است چون أَجَلٌ بدون ادغام در این قول شاعر که
 الحمد لله العلی الأجل انت سلیل الناس رباً فاقبل یعنی شکر مرخدای
 بزرگی را گویم که تو پادشاه مردمی‌ای رباً و رباً نام مردی است از پادشاهان عرب، چه قاعده در مفردات کلام عرب آنست که هرگاه دو حرف از حروف کلمه از جنسی باشند اول آنرا ساکن و در ثانی ادغام کنند و اگر گویی که ابی یابی نیز باید غیر فصیح باشد چه این برخلاف قاعده کلمات عرب است زیرا که فتحة عین در فعل مضارع مفتوح العین مشروطست باینکه عین الفعل بالام الفعل او حرف حلق باشد و حال آنکه در قرآن مجید واقع است جواب میگوئیم که ابی یابی اگر شاذ و خلاف قاعده است اما شاذی است که در کلام فصحاء و بلغاء واقع است پس گویا

که از قاعده مستثنی است و مُنْخَلّ فصاحت نیست)

بعد از چند صفحه

(الفن الاول) فنّ اول در بیان علم معانی است و آن اصول و قواعدی است که از تتبع آنها ظاهر میشود احوالات لفظ عربی چنان احوالی که رعایت آن موجب مطابقت لفظ با مقتضای حال بوده باشد بدانکه لفظ عربی را احوال مختلفه میباشد که بعضی از آنها عارض بنای کلمه میشوند، و آنها در علم صرف دانسته میشود مانند اعلال و ادغام والتقاء الساکنین و امثال آنها و بعضی دیگر عارض کلمه میشوند من حیث الاعراب و البناء چون رفع فاعل و نصب مفعول و مانند آن و آنها در علم نحو مذکور میگردد و بعضی عارض میشوند بجهة رعایت مطابقت کلام با مقتضای حال مانند ذکر و حذف و تقدیم و تأخیر و اشباه آن و آنها در فن معانی دانسته میشود) انتهى

و این نسخه با قطع کوچک در صفحات ۱۴ در ۹ سانتیمتر و هفده سطر با خط شکسته خیلی ریز و بسیار خوب نوشته شده و روی عبارات عربی جدول سرخی کشیده اند و حاشیه‌هایی بفارسی نوشته شده که در آخر بعضی از آنها جمله منه سلمه الله و در بعضی ها منه عفی عنه نوشته شده و تاریخ کتابت آن ۱۰۹۶ میباشد نویسنده نام خود را ننوشته

(۲۲۹)

مختصر شرح تلخیص عربی شماره ۱۷۳

مفتاح العلوم مؤلف مفتاح العلوم سراج الدین ابویعقوب یوسف بن ابی بکر سکاکی (۱) متوفی در سال (۶۲۶) میباشد و قسمت اول و دوم کتاب مذکور در علم نحو و صرف و قسمت سوم در علم معانی و بیان است و در مصر بطبع رسیده جلال الدین محمد بن عبد الرحمن قزوینی مشهور بخطیب دمشق متوفی در سال (۷۳۹) قسمت سوم مفتاح العلوم را تلخیص نموده و مینویسد در علم بلاغت کتابی مفیدتر و جامع تر از مفتاح تألیف نشده لیکن چون خالی از حشو و تطویل نبود به تهذیب و تلخیص آن اقدام گردید و برای توضیح مطلب اضافاتی از خود آورده و آنرا بربك مقدمه و سه فن معانی - بیان - بدیع منقسم و موسوم به تلخیص المفتاح گردانیده و بعداً خطیب خود شرح مفصلی بر همین تلخیص نوشته که آنرا الايضاح نامیده است

(۱) صاحب تاریخ قطب شاهی خورشاه بن قباد الحسینی (تاریخ تألیف ۹۷۰) مینویسد که سکاکی صاحب مفتاح دو خدمت جفتای پسر دوم چنگیز خان بغایت معزز و محترم بوده و جفتای از او کسب علوم غریبه میکرده و در وقت درس خواندن بدو زانوی ادب می نشست عاقبت باغواي وزیر از سکاکی رنجیده و او را حبس نمود و در زندان وفات یافت - گویند که سکاکی در اوایل عمر آهنگر بوده و دوات و قفلی در کمال ظرافت ساخته بوده که يك قیراط وزن داشته و علوم غریبه و فنون عجیبه بوی نسبت داده اند و العهدة علیهم

و چون این کتاب بین علماء و فضلاء بحسن قبول تلقی شده شروع و حواشی و تعلیقات متعددی بر آن نوشته اند که در کشف الظنون صفحه ۳۲۴ - ۳۲۷ جلد اول و اکتفاء القنوع صفحه (۳۵۷) و (۳۵۸) مشروحاً ذکر شده است

و سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی (۱) مشهور بملا سعد که در سال (۷۱۲) متولد شده و باقاضی عهد و قطب الدین رازی و سید شریف معاصر بوده و بوسیله ایشان بخدمت شاه شجاع راه یافته و بمقام مدرّسی دارالشفاء که یکی از مدارس قدیمه شیراز بوده رسیده و در سال ۷۹۲ در سمرقند وفات یافته است و جنازه او را حسب الوصیه بسرخرس انتقال دادند کتاب تلخیص مفتاح العلوم را شرح کاملی کرده که مشهور بمطول است و آنرا در سال (۷۴۲) در جرجانیّه خوارزم شروع کرده و در سال (۷۴۸) در هرات باتمام رسانیده و بنام سلطان معزالدین ابوالحسین کرت متوفی در سال (۷۵۱) موشح گردانیده

و بعد همان شرح را در سال (۷۵۶) بقول صاحب کشف الظنون و (۷۷۶) بقول صاحب روضات در غجدوان (۲) ملخص نموده که مشهور بمختصر تلخیص است (همین کتاب)

(۱) تفتازان از نواحی خراسان است

(۲) غجدوان بضم غین معجمه نام دهی است از بخارا معجم البلدان

و در مقدمه آن سلطان محمود جانی بیگ را نام برده (۱) و اول آن
 (نحمدك يا من شرح صدورنا لتلخيص البيان في ايضاح المعاني) میباشد
 تفتازانی را تألیفات متعددی است که صاحب روضات صفحه ۳۸۰ ج ۲
 مفصلاً ذکر کرده و قریحه شعری نیز داشته که اشعاری بهربی و فارسی
 سروده است و شیخ بهائی علیه الرحمه بعضی از آنها را در کشکول نقل نموده
 و این کتاب در سال (۱۲۴۴) در مدرسه صادقیه تبریز نوشته شده نام
 نویسنده را در آخر کتاب محو کرده اند و در آخر قسمت فن اول محسن
 ابن علی اکبر خوانده میشود و عبارات متن را که عیناً آورده روی
 تمامی آن جدول سرخ کشیده شده و اوائل مباحث و ابواب را هم در
 حاشیه برنگ سرخ نوشته اند و بخط نسخ خوانا است

(۱) ظاهراً جانی بیک همان است که بعدالت مشهور و در دشت قیچاق بوده
 و چون شرح جور و ظلم ملک اشرف بن تیمور تاش بن چوبان را شنید به ترغیب و تشویق
 قاضی مجدالدین بردعی در سال (۷۵۸) به تبریز آمده و اشرف شاه نبیره امیر چوبان
 برادر شیخ حسن کوچک را که سلطانی بس ظالم و غدار بوده گرفته و بقتل رسانید
 و تمام خزائن و اندوخته او را که بزور و ستم از مردم گرد آورده بود با خود برد
 که در این معنی گفته اند

دیدي که چه کرد اشرف خر او مظلومه برد و جانی بیک زر
 و چانی بیک در همان سال در مراجعت از تبریز وفات یافت

(۲۴۰)

مختصر شرح تلخیص عربی شماره ۹۱
مفتاح العلوم این نسخه از اولش ناقص است و قریب چهل

ورق افتاده نام نویسنده و تاریخ کتابت در آخر کتاب بدین نحو است :
اتفق اتمام هذا المختصر فی يوم الثالث السابع عشر جمیدی الاولی
ثلاث وخمسين و الف من الهجرة النبویة علی يد العبد العاصی ابن
عبد المؤمن بابا جهد (کذا) اویسی الدماوندی

(۲۴۱)

انبوب البلاغة فی عربی شماره ۷۷

ینبوع الفصاحة رساله کوچکی است در معانی و بیان تألیف شیخ
خضر بن حاجی محمد المفتی الاماسی (۱) که در سال (۱۰۷۲) قمری
از تألیف آن فارغ شده و در هشت باب به ترتیب ذیل میباشد

باب اول	در اسناد خبری	باب دوم	در مسند الیه
باب سوم	در مسند	باب چهارم	در متعلقات فعل
باب پنجم	در قصر	باب ششم	در انشاء

(۱) آماسیه از بلاد آناتولی مملکت دولت ترکیه است و در قدیم نام آن (خرشنه)

بوده است

باب هفتم در فصل و وصل باب هشتم در ایجاز و اطناب
و رساله بخط خود مؤلف میباشد

(۲۳۲)

الافاضة لانبوب عربی ضمیمه شماره ۷۷

البلاغه شرح رساله انبوب البلاغه است که بشماره (۲۳۱)
معرفی شد و خود مؤلف شرح کرده است و بخط خود مؤلف میباشد



* (نحو و صرف) *

(۲۳۳)

الفیه ابن مالک عربی شماره ۲۰۰

ناظم جلال الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن مالک طائی است که در (۶۷۲) وفات یافته و شروح متعددی بر الفیه ابن مالک نوشته اند که مشهور آنها شرحی است که جلال الدین عبدالرحمن سیوطی متوفی بسال ۹۱۱ نوشته که موسوم به (البهجة المرضیة) و معروف بسیوطی است و مورد بحث و تدریس و تعلیم میان طلاب است و مکرر چاپ شده است

و نام الفیه را بمناسبت این بیت که در آخر منظومه است
 احصى من الکافیة الخلاصة كما اقتضى غنی بالاختصاصه
 الخلاصة هم نوشته اند

و این نسخه نهصد و شصت و چهار بیت است نویسنده نام خود و تاریخ کتابت را ننوشته ولی پشت ورق اول کتاب شخصی بنام قاضی الحسینی مؤنثات سماعی را بامعانی آنها بترتیب حروف تهجی نوشته است تاریخ شهر شعبان ۱۰۸۱ دارد

(۲۳۴)

تبصره در صرف عربی شماره ۲۴

تبصرة للمبتدی و تذكرة للمنتهى تأليف حاج
 محمد کریم خان کرمانی متوفی بسال (۱۲۸۳) میباشد
 معظم له از ایل قاجار و از اجله علمای قرن سیزدهم هجری و از تلامذه
 حاجی سید کاظم رشتی است که بعد از سید مرحوم ریاست فرقه ای از
 شیخیه و تابعین شیخ احمد احسائی مرحوم را داشته است
 و تألیفات زیادی در علوم متفرقه از ایشان مانده که کتاب ارشاد العوام
 و فصل الخطاب ، و تقویم العوج ، و رساله جهادیه ، و چند کتاب دیگر از آنها
 به چاپ رسیده است

و این کتاب صرف را برای پسر خود محمد خان نوشته و بیک مقدمه
 و دو باب قرار داده است

نام نویسنده محمد بن احمد مازندرانی و تاریخ کتابت (۱۲۷۲) میباشد

(۲۳۵)

تهرین الطلاب فی عربی شماره ۱۳

صناعة الاعراب مؤلف زین الدین خالد بن عبدالله ازهری است که
 در سال ۹۰۵ وفات یافته و تاریخ تألیف کتاب (۸۸۶) هجری است و در بیان

اعراب و ترکیب ابیات الفیه ابن مالک میباشد

و به ترکیب خالد هم مشهور و در مصر بچاپ رسیده است
و کتاب بچند خط نسخ و نستعلیق بد نوشته شده و چند ورق از
اول کتاب افتاده و نو نویس است
و ابیات با جوهر سرخ نوشته شده و نصف اخیر کتاب آب دیده
و بعضی از صفحات آن ناخوان است
نام نویسنده و تاریخ معلوم نشد

(۲۳۶)

تهرین الطلاب عربی شماره ۲۱۴
مکرر شماره (۲۳۵)

و این نسخه آخرش افتاده نام نویسنده و تاریخ معلوم نشد

(۲۳۷)

شافیه در صرف عربی منضم شماره ۲۰۰

شافیه مقدمه ایست در صرف که جلال الدین

ابو عمرو عثمان بن عمرو بن ابی بکر معروف بابن حاجب که پدرش دربان
امیر عزالدین صلاحی بوده است تألیف کرده

وابن حاجب در سال (۶۴۶) در اسکندریه وفات یافته و در همانجا مدفون است و تألیفات متعددی دارد که از آنهاست کافیه در نحو که این هردو کتاب مکرر چاپ شده است

وابن حاجب هر دو تألیف خود شافیه و کافیه را شرحی نوشته و شرح و حاشیه‌های دیگری بر شافیه بهربی و فارسی و ترکی نوشته‌اند که اسامی شروح و شارحین در صفحه (۱۰۲۱) کشف‌الظنون ذکر شده است و مهم‌ترین آنها شرح احمد بن فخرالدین جابردی است

چند ورق از اوائل کتاب پاره شده و کاغذ سفید چسبانیده‌اند و يك دو برگ از آخر افتاده که نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد در پشت ورق اول نوشته‌ای بتاریخ (۱۸۰۱) دارد



(۴۳۸)

شرح دیباچه کتاب عربی پیوست شماره ۸۰

جواهر النحو مؤلف جواهر النحو شیخ ابوعلی فضل بن الحسن طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان متوفی بسال (۵۴۸) می‌باشد و قبر او در مشهد حضرت رضا علیه السلام در محلی است که بقتلگاه مشهور است

صاحب روضات می‌گوید که الجواهر فی النحو که منسوب بشیخ

ابوعلی طبرسی است محتمل است که از تألیفات شیخ شمس الدین طبرسی نحوی باشد شرح قاضی ابوسعید زواری است که فقط دیباچه کتاب جواهرالنحو را از نظر نحوی و موضوع اعراب شرح کرده است کاتب نام خود و تاریخ کتابت را ننوشته

(۲۴۹)

شرح رضی بر کافیه عربی شماره ۲۰۵

کافیه در نحو تألیف جمال الدین معروف بابین حاجب است که در سال (۶۴۶) وفات یافته و شروح و حواشی و تعلیقات بسیاری بر آن نوشته اند که حاجی خلیفه در کشف الظنون (صفحه ۹۳۷۰ الی ۱۳۷۶) به تفصیل ذکر کرده است و مهم ترین آنها شرح شیخ رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی متوفی بسال (۶۸۷) میباشد که در (۶۸۶) از تألیف آن فراغت جست و بشرح رضی معروف و مورد توجه طالبان علم و ادب است و مکرر در ایران و مصر و هند بطبع رسیده است و این نسخه جلد اول از همان شرح است که تا آخر قسم معربات و مبحث عطف بیان میباشد

و عبارت متن با جوهر سرخ نگاشته شده متأسفانه چند ورقی از اول کتاب و دو ورقی از آخر افتاده است

شرح شافیه در صرف عربی شماره ۱۸

مؤلف شافیه ابن حاجب معروف و متقدم الذکر میباشد

شارح فخر الدین احمد بن حسن بن یوسف جاربردی متوفی در سال (۷۴۶) (۱) که بنام سعد الدین ابی المکارم محمد بن تاج الدین علی ساوی نوشته است و از علمای معروف قرن هشتم است و غالباً در تبریز ساکن بوده (۲) و مؤلفات دیگری نیز دارد از قبیل (سراج الوہاج فی شرح المنہاج) در اصول فقه، و مغنی در نحو، و غیر از اینها

و شافیه را شروح متعددی نوشته اند که صاحب روضات در صفحه ۹۱ و کشف الظنون در صفحه ۴۴ جلد ۲ مفصلاً قید نموده اند و خود ابن حاجب هم شرحی بر آن نوشته است

با وجود این شروح شرح جاربردی مشهورتر از همه و مورد توجه و استفاده علما و طلاب بوده و بفارسی و ترکی هم ترجمه شده است

(۱) وفات جاربردی را صاحب روضات الجنات و شیخ عباس قمی^۳ در هدیه الاحباب بسال ۷۴۲ مینویسند

(۲) صاحب روضات در ضمن شرح حال جاربردی بمناسبت اینکه در تبریز بوده شرحی از شهر تبریز و خوبی باغات و حوالی آن و آبهای گرم معدنی آن بعبارت (حمامات الکبریتی) و مخصوصاً آب گرم نزدیکی اوجاز را مینویسد که آب گرم معدنی بستان آباد حالیه باید باشد

و در ایران و خارج مکرر بطبع رسیده
و این نسخه چند ورقی از اول و آخر افتاده که نام نویسنده و تاریخ
کتابت معلوم نشد

(۲۴۱)

شرح عوامل عربی شماره ۲۲۲

عوامل در نحو معروف و از کتابهای ابتدائی
متداول در بین طلاب است و این نسخه شرحی است بر عوامل و در سال
۱۰۹۵ نوشته شده

(۲۴۲)

فرائد الشمسیه عربی شماره ۱۲۳

شرح فوائد الصمدیه است

کتاب صمدیه در نحو تألیف شیخ بهاء الدین محمد بن حسین بن
عبد الصمد عاملی معروف بشیخ بهائی است که از اعظم علمای امامیه
عهد شاه عباس کبیر میباشد و در سابع شهر شوال سنه (۹۷۵) باتمام
رسانیده که جمله (سابع شهر شوال) تاریخ تألیف آن است
شارح جمال الدین احمد بن محمد لاهیجانی است و زمان او از مآخذی
که در دست رس نگارنده بود معلوم نشد ولی در دیباچه کتاب که مؤلف را

بعبارت استادی نام میبرد (حتی الهمت الی ان اشرح الرسالة الصمدية التي صنفها الشيخ واستادی الفاضل) بعید نیست که از تلامذه شیخ بوده است صمدیه را شروح بسیاری نگاشته اند که آقای جواهر کلام در حاشیه فهرست کتب خطی کتابخانه معارف هفت شرح را نام برده ولی از این شرح ذکر نشده
و این کتاب بخط نسخ خوانا در کاغذ آهاری و تمام متن با جوهر قرمز نگاشته شده

و کاتب میرزا موسی مرندی است و در سال ۱۲۶۴ نوشته شده



(۲۴۳)

شواهد عینی عربی شماره ۱۶۰

تألیف بدرالدین محمود بن احمد بن موسی عینی است که از اهل عینتاب (۱) بوده و در سال (۸۵۵) وفات یافته چنانکه در مقدمه گوید ابیاتی که در شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک استشهد شده و آن شواهد را ابن ناظم و ابن ام قاسم و ابن عقیل و ابن هشام هریک جداگانه شرح کرده اند این مؤلف آنها را جمع آوری کرده و اعراب و معنی لغات و وجه استشهد آنها را بیان و آنرا (المقاصد النحویة فی شرح شواهد شروح الالفیه) نامیده

(۱) عینتاب شهری است در نزدیکی حلب و در معجم البلدان مینویسد که نام قدیم آن مدلوك بوده است

و برای هر يك از شارحین چهار گانه حرفی بعنوان رمز معین کرده است
و این نسخه جلد اول از کتاب و تا باب لازم و متعددی است و بخط
بسیار خوب و شواهد و عنوانها با جوهر سرخ و آبی است و در سال ۱۲۶۶
هجری در اصفهان نوشته شده

و یوسف نامی تاریخچه مختصری از چهار نفر شارحین بنقل از طبقات
النحاة سیوطی در پشت صفحه اول نگاشته و فهرستی برای ایمانی که بعنوان
استشهاد آورده شده در اول کتاب نوشته است

و این نسخه یکوقتی در تصرف لطفعلی میرزا ابن مؤیدالدوله قاجار
بوده است که خط و مهر ایشان بتاریخ (۱۲۹۷) در چند جا از کتاب هست

(۲۴۴)

الفوائد الضیائیة عربی شماره ۱۸۴

کافیه در نحو تألیف جمال الدین ابو عمرو بن
عثمان بن عمر معروف بابن حاجب و متوفی در سال (۶۴۶) میباشد
و شروح و حواشی متعددی بر آن نوشته اند که از آن جمله همین
شرح است که نورالدین عبدالرحمن جامی که از مشاهیر شعرا و عرفای
قرن نهم هجری است و تألیفات زیادی بعربی و فارسی نظماً و نثراً دارد (۱)

(۱) برای اطلاع کامل بر شرح حال جامی و تألیفات او رجوع شود بکتاب
(جامی) تألیف استاد فاضل محترم جناب آقای علی اصغر حکمت دام بقاء که در سال
۱۳۲۰ شمسی در طهران بطبع رسیده است

نوشته است و چون این شرح را برای پسر خود ضیاء الدین یوسف نوشته
آن را (الفوائد الضیائیة) نامیده است و صاحب روضات میگوید که
جامعترین و دقیقترین شرح کافیّه شرح جامی است
و این شرح مورد بحث و تدریس طالب بوده و مکرّر در طهران و
تبریز چاپ شده است

نویسنده محمد بن محمد ملیکی و تاریخ کتابت (۱۱۶۷) میباشد

.....

(۲۴۵)

الفوائد الضیائیة عربی شماره ۱۵۷

شرحی است بر کافیّه ابن حاجب از نورالدین
عبدالرحمن جامی که در شماره (۲۴۴) معرفی شد
و این نسخه چند ورق از آخرش افتاده که نام نویسنده و تاریخ
کتابت معلوم نشد

~~~~~  
(۲۴۶)

الفوائد الضیائیة عربی شماره ۲۵۰

همان کتاب شماره (۲۴۴)

این نسخه تاریخ کتابتش سال (۸۹۹) هجری است که یکسال بعد از  
وفات جامی نوشته شده نام کاتب معلوم نشد

(۲۴۷)

## مراح الارواح عربی شماره ۲۹

**در صرف** مؤلف نام خود را در مقدمه چنین ذکر کرده  
( قال المفتقر الى الله الودود احمد بن علي بن مسعود ) و معلوم نشد که در  
چه تاریخ بوده و کدام سال وفات یافته صاحب روضات در ذکر حال  
ابراهیم بن عربشاه در صفحه ۵۰ جلد اول بمناسبتی از مؤلف مراح نام  
برده و گوید ( مشهور التصنیف و مجهول الاحوال است )

حاجی خلیفه در کشف الظنون مینویسد کتاب مراح الارواح  
در تصریف نافع و مختصر است و هشت نفر از علمای نام میبرد که  
مراح را شرح کرده اند و یک شرح هم به ترکی شده  
و این کتاب بسیار بد خط و مغلوط است و کاتب نام خود را ننوشته  
( شاید خجالت کشیده است ) و تاریخ را بدین طرز نوشته ۱۰۳۰۷ که  
از قراین ۱۰۳۷ باید باشد

(۲۴۸)

## المفصل فی النحو عربی شماره ۶۸

المفصل فی صنعة الاعراب تألیف جلاله ابوالقاسم  
محمود بن عمر زمخشری خوارزمی متوفی بسال (۵۳۸) و مؤلف تفسیر  
مشهور کشاف میباشد

و بقول صاحب کشف الظنون در اول رمضان ۵۱۳ شروع بتألیف  
 این کتاب کرده و در اول محرم ۵۱۴ باتمام رسانیده است  
 شرح و تعلیقات و حواشی بسیاری برالمفصل نوشته اند که مفصلاً  
 در ستون (۱۷۷۴) کشف الظنون مندرج است  
 و مؤلف بعد از تألیف آن را مختصر نموده و به انموذج نامیده  
 که شرح آن در مدارس مقدماتی طلاب علوم دینیّه مورد تعلیم و تدریس است  
 و المفضل بچهار باب منقسم است اول در اسماء، دوم در افعال، سوم  
 در حروف، چهارم در مشترکات، که هر سه قسم در آن مشترك باشند  
 تاریخ تحریر کتاب سال ۱۰۳۹ هجری و نویسنده حسین بن رجب  
 قاضی اشتبینی (۱) است

(۱) اشتبیین از قراء قره داغ و از محال تبریز است



\* (کتاب متفرقه) \*

---

(۴۴۹)

ابدع ماکان فی صور      شماره ۴۸

سلاطین آل عثمان      این کتاب در سی و شش ورق است  
و در هر ورق عکس رنگین یکی از سلاطین عثمانی (دولت ترکیه فعلی)  
بطرز زیبایی و باتذهیب کاری کراور و چاپ شده

و اول آنها غازی عثمان خان است که سر سلسله و مؤسس خاندان سلطنت  
همان دولت است و در سال (۶۹۹) هجری بسطانت رسیده و در سال  
(۷۲۲) وفات یافته است

و بعد از آن به ترتیب ، عکس سی و سه نفر دیگر از سلاطین  
آل عثمان است که آخرین آنها سلطان عبدالحمید ثانی است  
و در بالای هر عکس نام سلطان و تاریخ تولد و تاریخ جلوس و تاریخ وفات  
همان سلطان را بهری و سال هجری ، و در زیر عکس همان کلمات را  
بفرانسه و تاریخ میلادی چاپ کرده اند

گرد آورنده سلیم افندی فارس مدیر مطبعه جوائب اسلامبول است  
تاریخ طبع را در جایی از کتاب نیاورده ولی معلوم است که در  
زمان سلطان عبد الحمید ثانی بوده که سی و چهارمین سلطان از ه. ب.

سلسله میباید و در سال ۱۲۹۳ قمری بسلطنت رسیده است  
در پشت ورق تمام عکسها که سفید بوده است یک نفر ایرانی که  
نامی از خود نبرده شرح حال همان سلطان و سوانحی که در ایام سلطنت او  
از لشگرکشی و فتوحات اتفاق افتاده بطریق اختصار بفارسی و بخط  
دیز بسیار خوب نوشته است

(۲۵۰)

### اسناد سیاسی (۱) فارسی شماره ۱۵۶

شرح مسافرت حسین خان مقدم آجودانباشی است  
(بعداً ملقب بنظام السلطنه شده) که بسمت سفارت فوق العاده در سال  
(۱۲۵۴) هجری از طرف دولت ایران بدول ثلثه نمسا وانگلیس  
و فرانسه فرستاده شده

در سال (۱۲۵۴) که محمد شاه قاجار بمحاصره هرات مشغول بود  
و مدت محاصره یکسال بلکه زیاد تر بطول انجامید باوجود اینکه قبلاً  
مابین ایران و انگلستان قرار دادی منعقد بوده که اگر دولت ایران  
بافغانستان حمله کند دولت انگلیس بیطرف بماند

(۱) این کتاب را استاد محترم آقای ملک الشعرا بهار در روزنامه نوبهار  
منطقه تهران از شماره ۷۴ تاریخ نهم ابانماه ۱۳۲۲ بعنوان گوشه ای از  
تاریخ (اسناد سیاسی) شروع و تدریجاً در هر شماره درج میفرمودند



مستتر مکنیل سفیر دولت انگلیس بامر دولت متبوع خود در دفع محاصره هرات و ترك مخاضمه تأکید و اصرار زیادی داشته و بالاخره که کار بر محصورین تنگ شده و حاضر بتسلیم شهر میشوند جهازات جنگی انگلیس بخلیج فارس وارد و بجزیره خارک قشون پیاده مینمایند و نائب سفیر انگلیس نزد محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم که در اردو و لشکرگاه بوده اند رفته و رسماً اعلام میدارد که اگر دولت ایران دست از محاصره هرات بردارد قشون انگلیس بداخله ایران حرکت خواهد کرد

در همان سال بجهت مذاکره همین مسئله نقض قرار داد و عهد نامه، حسین خان آجودانباشی نامبرده بعنوان سفارت فوق العاده بلندن میرود که در ۲۳ جمادی الثانیه (۱۲۵۴) از تبریز از راه ارضروم و طربوزون باملتزمین رکاب حرکت کرده و از همان راه مراجعت نموده و در پنجم شوال (۱۲۵۵) به تبریز وارد گردیده است که بطریق اختصار در جلد قاجاریه ناسخ التواریخ در وقایع سال (۱۲۵۴) مندرج است

و سفر نامه بقلم عبدالفتاح منشی گرمرودی است که در همان مسافرت همراه بوده و نیابت سفیر را هم داشته است  
يك مسئله تاریخی که در همان سفر نامه جاب نظر میکند ذکر آنرا بی مناسبت ندیدم و گمان میکنم مطالعه کنندگان هم قبول نمایند که بزرگمت خواندنش میارزد



در مسافرت بخاک فرانسه مینویسد

روز یازدهم محرم از وینه حرکت کرده و عازم ولایت فرانسه شدیم حاکم استراژ بورغ که در اول خاک دولت فرانسه میباشد بسیار بسیار بما احترام کرد و یکروز در آنجا متوقف شدیم ( پس از چند سطری مینویسد ) حاکم مزبور درین صحبت ذکر کرد که که من خبر ورود شما را در مدت هیچده دقیقه در شهر پاریس باولایای دولت فرانسه رسانیدم

از این فقره بسیار تعجب کرده از کیفیت آن تحقیق کردیم حاصل تقریر او این شد که از اینجا تا شهر پاریس در هر چند میل مناره باندی ترتیب داده اند و حروفات مقطعه را کلاً بخط جلی حاضر داشته اند وقت معینی هم قرار داده اند که باید مستخدمین در مناره ها همان ساعت جمیع اسباب خود را حاضر کرده بیکدیگر نظاره کنند چون بخواهند خبری را زودتر برسانند مأمورین مناره اول در وقت معین از حروفات مقطعه يك دو کلمه علی الاختصار بهم دیگر وصل کرده بر روی مناره نصب مینمایند تا اینکه مأمورین مناره دوم فوراً با دورین نگاه کرده مطلب را دریابند و عین آنرا برای مأمورین مناره سوم نشان دهند و همچنین تا مناره آخر باین سیاق مطلب را میفهمانند چنانکه بعد از ورود ما همیشه قدر نوشته بود که ( حسین خان آمد )

و این نسخه بخط شکسته بسیار خوب در کاغذ ترمه اعلا نوشته شده است و يك سرلوح بسیار زیبا و نفیس را دارا ست و حواشی و مابین سطور دو ورق اولی تذهیب و نقاشی شده است و تمام صفحات جدول

لاجوردی و علائی دارد

و در آخر کتاب چند ورقی در جغرافیا و احصائیه نفوس هر دولتی نوشته شده است

کاتب محمد ابراهیم حسینی انجوی است که در سال (۱۲۶۱) بموجب سفارش محمد علیخان نوری نوشته است که قریب بیک صفحه عناوین و القاب برای محمد علیخان مزبور قائل شده است و در نگارش تاریخ تحریر که بعربی نوشته اشتباهی رخ داده که بجای احدی و ستین احدی و خمسین نوشته است

(۲۵۱)

اصول علم فیزیک فارسی شماره ۲۷

در این کتاب هم مثل کتاب شماره (۲۰۵) که در علم فیزیولوژی بود اشاره ای از ترجمه و تألیف نشده و نویسنده هر دو یک نفر است و ظاهر اینست که ترجمه از یکی از زبانهای خارجه است نویسنده عبدالحسین بن حسین طبیب ملقب بصدر الحکماء است تاریخ کتابت ۱۳۰۸ قمری میباشد

(۲۴۵)

ترجمه زهر الربیع شماره ۱۹

مؤلف زهر الربیع بعربی سید نعمه الله شوشتری

جزائری است که تصنیفات عدیده دارد و در سال ۱۱۱۲ وفات یافته  
 زهر الریبع را که موضوعش فکاهی و حکایت های ظریفه میباشد سید  
 نورالدین جزائری پسر یا نمیره سید نعمه الله مؤلف بنا بخواهش محمد  
 صالح خان مکاری بیکاریمکی عربستان بفارسی ترجمه کرده که در سال  
 ۱۳۰۱ در تیریز بچاپ رسیده است

ولی این ترجمه از عبدالعال بن محمد مقیم خوانساری فریدنی است  
 و بنام امیری نوشته که نام او را در کتاب مجو کرده اند و ترجمه اشعار عربی  
 باجوهر سرخ نوشته شده است

و از آخر کتاب چند ورق افتاده نام نویسنده و تاریخ کتابت معلوم نشد  
 و از کتابهای وقفی حاجی محمد علی بادامچی تبریزی است

(۴۵۳)

شماره ۴۴

توزوک تیهوری

توزوک که نام این کتاب است لفظ ترکی است  
 از دوزماق که بهمنی پهلوی هم چیدن است که نظم و ترتیب قاعده و  
 قانون باشد مؤلف معلوم نشد نسبتش با امیر تیمور کورکان است که در سال  
 ۸۰۷ وفات کرده و در سمرقند مدفون است و کورکان لفظ ترکی بمعنی  
 داماد است چون در اوائل حال برای پیشرفت کار خود از اغلب ایلات  
 مهم اترک دختری باز دواج خود در آورده بود ترکان او را بدین

لقب خواندند اینکه بعضی او را گورگان یا کورگانی مینویسند اشتباه است و موضوع کتاب در تدبیرها و کنکاش‌هایی است که امیر تیمور در جنگ‌ها بکار برده

و کتاب در سال (۱۲۸۴) از روی نسخه ملکی اعتضاد السلطنه علیقلی مهرزا مرحوم است کتاب شده و نویسنده نام خود را ننوشته است

در پیوست این کتاب دو رساله ایست اولی بنام ( حکایت رفتن خلیفه بغداد بدخمه نوشیروان ) افسانه ایست مثل حکایات الفلیله و بخط همین نویسنده تزوک تیموری است و در سال (۱۲۸۴) نوشته شده است

دومی رساله ایست در هفت و هشت برگ بنام ( صورت دستورالعمل امیر تیمور ) دستورالعملی است بحکام و عمال درامن نگاهداشتن راهها و شهرها و در آسایش رعایا و اهالی ولی نباید از امیر تیمور کورکان باشد زیرا در یکجا مینویسد ( در وقت تحویل نیر اعظم از برجی برجی توپچیان توپ سردهند ) و در زمان امیر تیمور توپ نبوده است

در اول و آخر کتاب بیست و شش برگ سفید است

و این کتاب هم از جمله کتابهایی است که مرحوم حاجی محمد علی

بادامچی در سال (۱۳۱۸) شمسی وقف کتابخانه نموده است

(۴۵۴)

جواهر الاسرار فارسی شماره ۷۶

و زواهر الانوار در شرح مثنوی مولوی تألیف کمال الدین

حسین بن حسن خوارزمی است که از مریدان خواجه ابوالوفاء خوارزمی و از اعظم متصوفه و عرفا بوده است و تألیفاتی بنام كنوز الحقایق و مقصد الاقصی و ينبوع الاسرار دارد

وفات مؤلف را حضرت آقای بدیع الزمان فروزانفر در مقدمه کتاب خلاصه مثنوی صفحه (و) و حاجی خلیفه در کشف الظنون در سال ۸۴۰ نوشته اند اما در حبيب السیر ذکر شده که در سال ۸۳۸ در حمله اوزبك بخوارزم بقتل رسیده

مؤلف قبل از شروع بشرح آیات مثنوی ده مقاله در مقدمه بدین ترتیب ایراد کرده

المقالة الاولى فی ذکر بعض مشایخ هذه الطريقة و ایراد مناطقوا به من الحقيقة  
المقالة الثانية فی تفسیر الفاظ تدور من هذه الطائفة الذين آراؤهم حول  
كعبة اللطائف طائفة

المقالة الثالثة فی تباین مشارب ارباب الحال و تباعد مراتب اصحاب الكمال  
المقالة الرابعة فی المحضرات النائية و بعض المراتب الكلية  
المقالة الخامسة فی الاسماء والصفات وما بينهما من تفاوت الدرجات

المقالة السادسة في العوام والحضرات المسماة بالمجالي والمطالع والمنصات  
 المقالة السابعة في كشف سر البدو والايجاد وبيان طرق المبدء والمعاد  
 المقالة الثامنة في التنبيه على حقيقة الروح الاعظم واسمائه في العالم الانساني  
 باعتبار مرتبة من المراتب وملاحظة معنى من المعاني  
 المقالة التاسعة في عود الروح اليه وضمحلل جميع المظاهر لديه  
 المقالة العاشرة في بيان حقيقة المحبة واقسامها وظهور نتائجها لا قوامها  
 ودر مقاله اول كه در ذكر حال مشايخ طريقت است اول حضرت  
 امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام و بعد امام حسن و امام حسين  
 تا امام جعفر صادق عليهم السلام را با شرح حال مختصري از هريك ذكر  
 کرده و بعد از آن اويس قرني و مالك دينار و ساير مشايخ را نام ميبرد  
 و متأسفانه اين نسخه خيلي ناقص است يك ورق از اول و چند ورق  
 از آخرش افتاده و بد صحافي شده است كه بعضي اوراق پس و پيش است و  
 نام نويسنده و تاريخ كتابت معلوم نشد



(۴۵۵)

## شماره ۱۲۰

رساله ايست فارسي بقلم مرحوم آقا شيخ رضا دهخوارقاني كه نماينده  
 آذربايجان در دوره دوم مجلس شوراي ملي بوده است ، و اين رساله را در  
 سال ۱۳۳۹ قمری نوشته و موضوع آن وقايع و مذاكراتي است كه در زمان

نیابت سلطنت آقای ناصرالملک بین مؤلف و ناصرالملک جریان یافته  
و ذم و انتقاد از اعمال و افعال ناصرالملک است

و در آخر آن رساله کوچکی باز بقلم مرحوم دهخوارقانی هست  
در اثبات اینکه مشروطیت دولت ایران منافی با مذهب تشیع نیست  
و هر دو رساله بخط و امضای خود مؤلف و از کتابهای وقعی مرحوم  
حاجی محمد علی بادامچی است

و منضم بهمین شماره رساله کوچک چاپی است در انتقاد فرقه اعتدالیون  
و در سال ۱۳۲۸ قمری در تهران چاپ شده و بقلم محمد امین رسولزاده  
است که در آن زمان مدیر روزنامه ایران نو بوده است



(۲۵۶)

شماره ۳۲

فارسی

رساله کوچکی است که حاجی معتمد دفتر مستوفی برادر حاجی  
مشیر دفتر مرحوم بقلم خود و خط شکسته بسیار خوب در تاریخ (۱۳۴۳)  
قمری نوشته و موضوع آن در قدردانی و تمجید از عبدالله خان طهماسبی  
امیر لشکر است که در آن تاریخ فرمانده لشکر آذربایجان بوده و در  
امنیت آذربایجان و تسطیح راه تهران و گردنه‌های شبلی و قافلانکوه و باز  
کردن خیابان‌ها در شهر تبریز جدیت کاملی داشته و شب و روز کار میکرده است  
و از اصلاحات مملکتی شاه فقید (رضا شاه پهلوی) که در آن

زمان سردار سپه بود توصیفات و سپاسگزاری‌ها کرده است  
و باجلد مخملی خوب مجلد و سرلوح و صفحات را مذهب کاری ساخته  
و بکتابخانه اهدا کرده است

~~~~~

(۴۵۷)

رکمان فارسی شماره ۴۷

در کیفیت ترتیب پیاده نظام و مشق سربازی و اصطلاحات
تعلیمات نظامی است و در آخر کتاب مینویسد (تمام شد کتاب رکمان اطریشی
گفته مازور باهتمام سرکار احمد آقای سرهنگ در ۱۲ شوال ۱۳۰۴)
و این تاریخ قمری هجری است که در آن سالها، معلم‌های اطریشی
استخدام شده و در ایران مشغول تعلیم سربازهای پیاده نظام بودند
و معلوم است که صورت دستور و تعلیمات ایشان است که جمع آوری شده
و کتاب بچند خط نوشته شده که اوائل آن بخط نستعلیق شکسته
آمیز و خوش خط است و در چند جا شکل ستون بندی و صف بندی
بارنگ سیاه ترسیم شده و در بعضی صفحات جای تصویرها سفید مانده است
نویسنده نام خود را ننوشت تاریخ کتابت ۱۳۰۴ هجری قمری است

~~~~~

(۴۵۸)

## شرح مسعودی عربی ۲۰۸

رساله ایست در آداب بحث و مناظره که شرح بر رساله شمس الدین



محمد سمرقندی است و در پشت برك اول ( شرح مسعودی ) نوشته شده  
و بخط خیالی بد و ناخوان است

نویسنده الیاس بن هلال است که در آخر کتاب مینویسد  
در زمان سلطنت سلطان سلیم در مدرسه کوچک مرتضی افندی  
نوشتم تاریخ کتابت ۱۲۲۰ می باشد

(۴۵۹)

## الشرق و البرق عربی ۶۹

تألیف سید جعفر بن ابی اسحق موسوی مشهور  
بکشفی و متوفی در سال ( ۱۲۶۷ ) می باشد که در شماره ( ۸۹ ) صفحه ۷۷  
همین فهرست معرفی از او شده است

موضوع کتاب در تطبیق عقل و نقل است و عناوین رساله را بجای باب  
و فصل، الشرق و البرق قرار داده که شرق در عقلیات و برق در نقلیات است  
و تألیف آن در سال ۱۲۲۴ در نجف اشرف با تمام رسیده است

( ۴۶۰ )

## عنوان الشرف عربی شماره ۱۵۹

تألیف شرف الدین بن اسمعیل المقرئ الیمنی متوفی بسال ( ۸۳۷ ) می باشد  
و در پنج علم است ( فقه ، و نحو و تاریخ ، و عروض ، و قوافی )  
و با جدول های عمودی در پنج ستون نوشته شده

اول سطرها که بجوهر سرخ است اگر عمودی خوانده شود در علم عروض است

ستون دوم که آنهم بارنگ سرخ است در تاریخ دولت بنی رسول است

ستون سوم باز با جوهر سرخ و در علم نحو است

ستون چهارم که حروف و اواخر کلمات و در آخر سطرها است در

علم قافیه است

و متن کتاب که حروف و کلمات سرخ و سیاه افقی خوانده شود

در علم فقه است

و در سبب تألیف این کتاب در کشف الظنون مینویسد که مجد الدین

شیرازی صاحب قاموس برای سلطان اشرف صاحب یمن کتابی تألیف

کرده بود که اول تمام سطرها الف بوده و سلطان بانظر تعجب و استحسان

بر آن نگریست و شرف الدین چون طمع در منصب قضاوت داشت این

کتاب را بهمین نظر تألیف کرد ولی در حیات ملک اشرف با تمام نرسید

و بملك الناصر پسر او تقدیم کرد و در نزد ملك الناصر و سایر علماء

هوقی بسزا یافت

و مؤلف در اول رساله عروجه مینویسد ملك اشرف او را مأمور

باین تصنیف کرده است

و در کشف الظنون مینویسد ابن مقری ذوفنون بوده و او را ابیاتی

است که در ظاهر مدح است و اگر برعکس خوانده شود ذم است

و باز کشف الظنون گوید بدر الدین محمد میاطی معروف بابن کمیل متوفی

بسال (۸۷۸) را نظیر کتاب عنوان الشرف کتابی است بازیات دو علم دیگر  
کاتب حسن بن کاظم حسینی همدانی است و در سال (۱۲۴۸) بخط  
نسخ بسیار خوب نوشته شده است

کتاب عنوان الشرف در هند چاپ شده است

~~~~~

(۲۶۱)

مجموعه صنائع فارسی شماره ۲۵

در اول کتاب نامی از مؤلف نیست در پشت
ورق اول نوشته شده مؤلف حکیم کامران شیرازی است و در چهل و دو باب
ویکصد و چهل فصل است و از هر نوع عمل کیمیاگری و حل کردن طلا
و نقره و زیبق و ساختن لعل و یاقوت و مروارید و غیره بگزاف و افسانه
سخن میراند

و در بعضی از فصلها مینویسد که این عمل را از غیر اهلش باید پنهان
داشت و در رنگ کردن تمام اجسام تعلیماتی دارد و سخنانش تمام
اغراق آمیز و بی پایه است مثلاً در چاره اینکه مو روئیده شود مینویسد
(فصل در آنکه مو برویاند سیاه دانه آنقدر که خواهند بسوزانند و بسایند
و بآب بشویند و بمالند در حال موی برویاند) و در آخر تمام فصلها کلمه
(والله اعلم) هم فراموش نشده

آخر کتاب افتاده است که نام نویسنده و تاریخ معلوم نشد

(۲۶۳)

مسالك المحسنين فارسی شماره ۱۱۶

از تألیفات حاجی میرزا عبد الرحیم طالبوف پسر
ابوطالب نجار تبریزی است که در اوایل جوانی از تبریز بشهر تهرخان
شوره در (روسیه) رفته و مشغول تجارت بوده است
و از نویسندگان معروف و از آزادیخواهان دوره اول مشروطیت
است که در دوره اول مجلس شورای ملی هم بسمت نمایندگی از تبریز
انتخاب شد ولی بعلة کسالت مزاج از قبول آن معذرت خواست
و در سال (۱۳۱۷) قمری بمکه رفته و سال (۱۳۲۸) وفات یافته
و در تهرخان شوره مدفونست

و از تألیفات آن مرحوم آنچه بطبع رسیده مسائل الحیات ، و کتاب
احمد یاسفینه طالبی ، (در دو جلد) و نخبه سپهری ، و بند نامه مارکوس ،
و کتابی در فیزیک ، و مسالك المحسنين ، و کتابی در هیئت که ترجمه ملخص
از هیئت فلاهاریون است میباشد

و چنانکه در آخر کتاب مسالك المحسنين اشاره مینماید چند تألیف
دیگری هم داشته که هنوز بطبع نرسیده است
و مجموعه مکانیکی هم در همین کتابخانه هست که منسوب بایشانست
و بشماره (۲۶۳) در این فهرست ثبت است

و موضوع کتاب مسالك المحسنين مسافرت تصویری و زمانی هیئت

مرگب از چند نفر طبیب و مهندس و معلّم شیمی در سال ۱۳۲۰ قمری با اسباب و لوازم مهندسی و عکّاسی از تهران بقلّه کوه دماوند است که ارتفاع قلّه و کیفیت معدن یخ و سایر خصوصیات آن را معین نمایند و بعنوان نشر معارف و تنویر اذهان و افکار عمومی بقلم بسیار شیرین و عبارات ساده و سلیس نوشته شده

و این کتاب در سال ۱۳۲۳ قمری در مصر چاپ شده است و کتاب، اهدائی مرحوم میرزا غفار زنوزی سیاه پوش است تاریخ کتابت و نام نویسنده را ندارد و ممکن است که قبل از چاپ شدن کتاب استنساخ شده است

(۴۶۳)

مقاله‌ها و مکتوبات فارسی شماره ۱۲۵

از مرحوم حاجی میرزا عبدالرحیم طالبوف میباید که در

شماره (۲۶۲) همین فهرست معرفی شده

این مقاله‌های سیاسی بعنوان مکتوب بنام اشخاص یا در جواب مکتوب اشخاصی نوشته شده که از جمله بنام میرزا صادق و میرزا عبدالله است (بنظر می‌آید که نام مستعاری باشد)

و صورت مکتوب‌هایی است که با اشخاص معین که خود نام برده نوشته است که از آن جمله است مکتوبی بحاجی زین‌العابدین مراغه باسلامبول و مکتوبی بمیرزا اسدالله خان وزیر مختار ایران در پترزبورگ

و بحاجی امین الدوله بطهران و بیار محمد خان سردار اکرم
و تاریخ مکتوبها مابین سالهای (۱۸۷۳) و (۱۸۸۸) میلادی است
و در یکی از مکتوبها تاریخ ۱۳۱۹ هجری قمری دارد

و در آخر کتاب نمایشنامه ای در چهار پرده که بیست صفحه است و از
آثار قلمی مرحوم طالبوف است نوشته شده که کمندی و اغلب مذاکرات
و مندرجات آن با کتاب کوچکی که بنام تیاتر کریم شیرینی معروف دوره
ناصرالدین شاه قاجار مشهور است یکی است

و رئیس بازیگران در این نمایشنامه طالبوف هم نامش کریم شیرینی است
و در صفحه آخر مقداری از اشعار آن مرحوم نوشته شده که این چند بیت از آنها است

میان دو خور بهرجو جنگ شد	لگد زد یکی دیگری لنگ شد
بنالید از درد و گفتا همی	که حاشا تو خر نیستی آدمی
روانیست خر خوانمت زانکه خر	نیازارد انباز خود چون بشر

چه خوش گفت دادا دلی ز اهل روس سزد زین سخن دست او داد بوس
تو اول بگو با کیان دوستی من آنکه بگویم که تو کیستی
همان قیمت آشنایان تو عیار است بر ارزش جان تو

و این کتاب در سال ۱۳۲۱ قمری نوشته شده و کاتب نام خود را ننوشته

و هدیه کننده مرحوم میرزا غفار زنوزی سیاه پوش است

(۴۶۴)

محاصره پاریس فارسی شماره ۱۶۴

شرح جریان محاصره پاریس از طرف آلمانها
 است در جنگ سال ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱ میلادی که منجر بمحاصره شهر
 پاریس ومغلوبیت دولت فرانسه ومعااهده ورسای گردید
 نام مؤلف در متن کتاب معلوم نشد ولی همین قدر معین است که
 از صاحب منصبان نظامی دولت فرانسه است ودر آن گیرودار در شهر پاریس
 وجزاء محصورین بوده است . وگزارش و عملیات روز مره را از تاریخ
 نهم سپتامبر ۱۸۷۰ تا ژانویه ۱۸۷۱ بطور روزانه نوشته است
 مترجم بفارسی محمد کاظم معلم حکمت طبیعی در مدرسه دارالفنون
 است ودر سال ۱۲۹۳ هجری ترجمه نموده است وبا خط نستعلیق درشت
 بسیار خوب در کاغذ آبی نیم ورقی در ۳۵۰ صفحه نوشته شده است
 وتمام صفحات جدول طلایی ولاجوردی دارد و تصویرهای چاپی با اندازه صفحات
 از منگراهی اطراف شهر پاریس ومیدانهای جنگ واز سر کردگان فرانسه دارد
 و در صفحه (۳۲۵) مینویسد که چون رابطه شهر پاریس با سایر
 ایالات کشور فرانسه بعلت محاصره قطع شده است ما برای اخبار وپست
 متوسل ببالون وکبوترهای نامه بر شده ایم
 متأسفانه نویسنده که خطی بدین خوبی وزیبائی نوشته نام خود را
 نگاشته است

و در پشت ورق اولی این عبارت نوشته شده (انتقالی از کتابخانه
اندرون شهر صفر قوی‌ئیل ۱۳۰۱) و در زیر این عبارت مهری بسجع
علی اکبر بن حسین الحسینی دارد

(۲۶۵)

مسیب نامه فارسی شماره ۱۸۹

جمعی از اهل کوفه که پس از فوت معاویه بن
ابی سفیان در دعوت حضرت امام حسین علیه السلام بکوفه شرکت بسته
و با مسلم بن عقیل نماینده آنحضرت بیعت کرده بودند ولی در ورود
امام بکربلا در یاری و نصرت آنحضرت کوتاهی کردند پس از قضیه
عاشورا از عمل خودشان سخت نادم و پشیمان شده و گفتند این لکه عار
را از خود نمی‌توانیم دور کنیم مگر اینکه قاتلین آنحضرت را بکشیم
و یا کشته شویم و خود را تواین نامیدند و باقتل آنحضرت جنگ‌ها کردند
و بسیاری از آنها را کشتند و بالاخره در جنگ باعیدالله بن زیاد و لشکر
شام در نزدیکی کوفه همگی کشته شدند که از سران آنها
مسیب بن نجیه فزاری و سلیمان بن صرد خزاعی و عبدالله بن سعد ازدی
و رفاعه بن شداد بجلي بودند که از شیعیان و اصحاب حضرت امیرالمؤمنین
بوده‌اند و این وقعه در سال شصت و چهارم هجری بود

و این کتاب که بنام مسیب نامه نوشته شده تمام افسانه مانند است که
مطابقت با تاریخ ندارد و مؤلف آن معلوم نشد
کاتب شیخ مهدی واعظ است و در سال ۱۳۰۰ قمری در همدان
نوشته شده است

(۲۶۶)

رسائل خواجه فارسی شماره ۶۶

عبدالله انصاری خواجه عبدالله لقبش شیخ الاسلام و کنیتش
ابو اسمعیل است و بانصاری هروی و به پیرانصار معروف و متخلص به پیرهری است
تاریخ تولدش را در سال (۳۹۶) و وفاتش را در سال (۴۸۱) نوشته اند
تألیفات متعددی دارد که از آن جمله است (کنز السالکین) و
(منازل السائرین) و رسائل (دل و جان) (قلندر نامه) (هفت حصار)
(محبت نامه) (مقولات) (الهی نامه)

و این کتاب منتخباتی از رسائل اوست و با خط شکسته بسیار خوب
نوشته شده و سرلوح مذهب زیبایی دارد و تمام صفحات با جدول طلایی است
چون از آخرش چند برك افتاده نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد

(۲۶۷)

میزان الملوك فارسی پیوست شماره ۷۵

والطوائف تألیف جعفر بن اسحق فاطمی است که بنام محمد

تقی میرزا حسام السلطنه (۱) تألیف نموده موضوعش در معنی عدالت و کیفیت سلوک سلاطین و وزراء و امرا و قضاة و علماء بارعایا و سلوک رعایا با وزراء و امراء و علماء است و در ده باب ترتیب داده شده و در آخر دیباچه کتاب مینویسد : (که این مختصر ملقب بعشره کامله است و نام نهاده شده است بمیزان الملوك والطوائف و صراط المستقیم فی سلوك الاخلافت و در تمام بابها از آیات قرآنی و احادیث استدلالاتی نموده و بعضی حکایات و اشعار مناسب آورده است و عبارات ساده و سلیس است)
کاتب محمد زمان ولد ملا رضای لاری است و در سال ۱۲۶۶ در بندر عباس نوشته شده

~~~~~

(۲۶۸)

نهایة الطلب فی شرح المکتسب عربی شماره ۱۸۵  
شارح عزالدین آیدمر بن علی جلد کی اسکندری  
است که در مقدمه سفر اول از کتاب میگوید که مؤلف المکتسب را ندانستم که کیست

حاجی خلیفه در کشف الظنون ( جلد دوم ستون ۱۸۱۱ طبع جدید )  
مینویسد که در پشت يك نسخه ای دیدم که کتاب المکتسب فی زراعة الذهب

(۱) محمد تقی میرزا حسام السلطنه پسر هفتم فتحعلی شاه قاجار است که پس از فوت فتحعلی شاه در سال (۱۲۵۲) هجری بامر محمد شاه قاجار او را با چند تن از شاهزادگان گرفته و در قلعه اردبیل محبوس داشتند

از شیخ ابوالقاسم محمد بن احمد السیماوی العراقی صاحب کتاب  
الاقالیم السبعة است

و موضوع کتاب در اقسام اکسیر و کیمیای قدیم است و عقیده موهومی  
شارح و صاحب متن بر این است که قارون و شداد بن عاد این علم را داشته اند  
و همین بس که براه که این صنعت ( یعنی تبدیل و تغیر سایر فلزات بطلا و نقره )  
را از جابر بن حیان بدست آورده بودند و هارون الرشید از این جهت از  
ایشان متوهم شده و در استیصال ایشان کوشید و همچنین مؤید طغرائی  
که قصائد و اشعار در این موضوع دارد عالم و عامل این عمل بوده و مورد  
حسد حاسدین شده و مقتول گشت

و چنانکه از فصول کتاب بدست می آید جلدکی شارح را تألیفات  
دیگری هم در این موضوع بوده است بنام ( التقریب فی اسرار الترمیم )  
( الشمس المنیر فی تحقیق الاکسیر ) ، ( غایة السرور فی شرح الشذور )  
( الدرّة المضمیّة ) ( بغیة الخبیر فی قانون طلب الاکسیر )

و کتاب در سه سفر است نام نویسنده و تاریخ کتابت را ندارد



# کتابخانه

11

|               |     |
|---------------|-----|
| 1. کتابخانه   | 100 |
| 2. کتابخانه   | 100 |
| 3. کتابخانه   | 100 |
| 4. کتابخانه   | 100 |
| 5. کتابخانه   | 100 |
| 6. کتابخانه   | 100 |
| 7. کتابخانه   | 100 |
| 8. کتابخانه   | 100 |
| 9. کتابخانه   | 100 |
| 10. کتابخانه  | 100 |
| 11. کتابخانه  | 100 |
| 12. کتابخانه  | 100 |
| 13. کتابخانه  | 100 |
| 14. کتابخانه  | 100 |
| 15. کتابخانه  | 100 |
| 16. کتابخانه  | 100 |
| 17. کتابخانه  | 100 |
| 18. کتابخانه  | 100 |
| 19. کتابخانه  | 100 |
| 20. کتابخانه  | 100 |
| 21. کتابخانه  | 100 |
| 22. کتابخانه  | 100 |
| 23. کتابخانه  | 100 |
| 24. کتابخانه  | 100 |
| 25. کتابخانه  | 100 |
| 26. کتابخانه  | 100 |
| 27. کتابخانه  | 100 |
| 28. کتابخانه  | 100 |
| 29. کتابخانه  | 100 |
| 30. کتابخانه  | 100 |
| 31. کتابخانه  | 100 |
| 32. کتابخانه  | 100 |
| 33. کتابخانه  | 100 |
| 34. کتابخانه  | 100 |
| 35. کتابخانه  | 100 |
| 36. کتابخانه  | 100 |
| 37. کتابخانه  | 100 |
| 38. کتابخانه  | 100 |
| 39. کتابخانه  | 100 |
| 40. کتابخانه  | 100 |
| 41. کتابخانه  | 100 |
| 42. کتابخانه  | 100 |
| 43. کتابخانه  | 100 |
| 44. کتابخانه  | 100 |
| 45. کتابخانه  | 100 |
| 46. کتابخانه  | 100 |
| 47. کتابخانه  | 100 |
| 48. کتابخانه  | 100 |
| 49. کتابخانه  | 100 |
| 50. کتابخانه  | 100 |
| 51. کتابخانه  | 100 |
| 52. کتابخانه  | 100 |
| 53. کتابخانه  | 100 |
| 54. کتابخانه  | 100 |
| 55. کتابخانه  | 100 |
| 56. کتابخانه  | 100 |
| 57. کتابخانه  | 100 |
| 58. کتابخانه  | 100 |
| 59. کتابخانه  | 100 |
| 60. کتابخانه  | 100 |
| 61. کتابخانه  | 100 |
| 62. کتابخانه  | 100 |
| 63. کتابخانه  | 100 |
| 64. کتابخانه  | 100 |
| 65. کتابخانه  | 100 |
| 66. کتابخانه  | 100 |
| 67. کتابخانه  | 100 |
| 68. کتابخانه  | 100 |
| 69. کتابخانه  | 100 |
| 70. کتابخانه  | 100 |
| 71. کتابخانه  | 100 |
| 72. کتابخانه  | 100 |
| 73. کتابخانه  | 100 |
| 74. کتابخانه  | 100 |
| 75. کتابخانه  | 100 |
| 76. کتابخانه  | 100 |
| 77. کتابخانه  | 100 |
| 78. کتابخانه  | 100 |
| 79. کتابخانه  | 100 |
| 80. کتابخانه  | 100 |
| 81. کتابخانه  | 100 |
| 82. کتابخانه  | 100 |
| 83. کتابخانه  | 100 |
| 84. کتابخانه  | 100 |
| 85. کتابخانه  | 100 |
| 86. کتابخانه  | 100 |
| 87. کتابخانه  | 100 |
| 88. کتابخانه  | 100 |
| 89. کتابخانه  | 100 |
| 90. کتابخانه  | 100 |
| 91. کتابخانه  | 100 |
| 92. کتابخانه  | 100 |
| 93. کتابخانه  | 100 |
| 94. کتابخانه  | 100 |
| 95. کتابخانه  | 100 |
| 96. کتابخانه  | 100 |
| 97. کتابخانه  | 100 |
| 98. کتابخانه  | 100 |
| 99. کتابخانه  | 100 |
| 100. کتابخانه | 100 |

# فهرست اعلام

## الف

|                            |                                                           |
|----------------------------|-----------------------------------------------------------|
| ۳۷                         | آخوند خراسانی (آخوند ملا کاظم خراسانی مرحوم)              |
| ۵۴ ، ۴۰                    | آقا باقر بهبهانی (محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی بهبهانی) |
| ۳۱                         | آقا بزرگ طهرانی (شیخ)                                     |
| ۱۳۸ ، ۹۹ ، ۳۹ ، ۱۰         | آقا جمال خوانساری (جمال الدین محمد خوانساری)              |
| ۲۰۷                        | آقا خان نوری (میرزا)                                      |
| ۱۷۰                        | آمدی (ابوالفتح عبد الواحد بن محمد آمدی)                   |
| ۲۷۱                        | آیدمر (عز الدین علی جلدگی اسکندری)                        |
| ۱۰۳                        | ابان بن عبدالحمید                                         |
| ۲۴۸                        | ابراهیم بن عربشاه                                         |
| ۵۷                         | ابراهیم بن محمد حسین (نبیره سید علیخان)                   |
| ۱۲۲                        | ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی                         |
| ۸۶                         | ابراهیم شیرازی (میرزا)                                    |
| ۱۲۲                        | ابراهیم فاروقی                                            |
| ۲۲                         | ابن ابی الحدید                                            |
| ۲۴۵                        | ابن ام قاسم                                               |
| ۲۰۱ ، ۷۰ ، ۶۹              | ابن بابویه (شیخ صدوق)                                     |
| ۹۸                         | ابن تیمیه احمد بن عبدالحلیم حنبلی                         |
| ۱۰۸                        | ابن جانی بیک                                              |
| ۲۴۶ ، ۲۴۳ ، ۲۴۲ ، ۲۴۰ ، ۴۸ | ابن حاجب (جمال الدین ابو عمرو)                            |
| ۱۴۸                        | ابن حجة (ابوبکر حموی)                                     |
| ۱۵۶                        | ابن خلیکان (احمد بن محمد بن ابراهیم)                      |
| ۱                          | ابن داود - محمد بن محمد بن داود                           |
| ۵۹                         | ابن الساعانی (مظفر الدین احمد بغدادی)                     |
| ۲۱۳ ، ۲۱۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۲      | ابن سینا                                                  |

|                           |   |   |   |   |   |                                          |
|---------------------------|---|---|---|---|---|------------------------------------------|
| ۱۰                        | . | . | . | . | . | ابن طاوس رضی الدین ابوالقاسم             |
| ۲۴۵                       | . | . | . | . | . | ابن عقیل                                 |
| ۱۸۸                       | . | . | . | . | . | ابن العمید - وزیر دیلمیان                |
| ۲۶۳                       | . | . | . | . | . | ابن کمیل ( بدرالدین محمد دمیاطی )        |
| ۲۴۵ ، ۲۴۰ ، ۲۳۸           | . | . | . | . | . | ابن مالک ( جلال الدین ابو عبدالله طائی ) |
| ۱۵                        | . | . | . | . | . | ابن مقری - شاه قاسم ابن مقری ( کاتب )    |
| ۲۴۵                       | . | . | . | . | . | ابن ناظم                                 |
| ۲۴۵                       | . | . | . | . | . | ابن هشام                                 |
| ۱۶۱ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۵۳ ، ۱۳ | . | . | . | . | . | ابن یوسف شیرازی - ( ضیاء الدین حدائق )   |
| ۱۳۲                       | . | . | . | . | . | ابو اسحق - ابراهیم بن عبدالله بغدادی     |
| ۱۸۴                       | . | . | . | . | . | ابوبکر - خوارزمی                         |
| ۱۰۳                       | . | . | . | . | . | ابو جعفر - ( منصور عباسی )               |
| ۱۴۶ ، ۱۴۵                 | . | . | . | . | . | ابوالحسن بن گلنظر ( کاتب )               |
| ۱۷۲                       | . | . | . | . | . | ابوالحسن حسینی فراهانی                   |
| ۸۸                        | . | . | . | . | . | ابوالحسن محمد بن حسین رضوی ( کاتب )      |
| ۱۰۲                       | . | . | . | . | . | ابوالحسن میرزا - پسر سلطان حسن بایقرا    |
| ۸۳                        | . | . | . | . | . | ابوالحسن بن یوسف حسینی تبریزی            |
| ۱۲۲                       | . | . | . | . | . | ابوحفص سفدی ( شاعر )                     |
| ۶۰                        | . | . | . | . | . | ابوحفص نسفی                              |
| ۱۲۳                       | . | . | . | . | . | ابوریحان بیرونی                          |
| ۱۹۰                       | . | . | . | . | . | ابو سلیمان سگزی                          |
| ۱۶۸                       | . | . | . | . | . | ابوطالب - پدر امیر مؤمنان علیه السلام    |
| ۱۹۰ ، ۱۸۹ ، ۱۸۸           | . | . | . | . | . | ابوعلی مسکویه                            |

- ۱۶۹ . . . . . ابوالفتح بستی
- ۹۳ . . . . . ابوالفتح کراچکی - محمد بن علی بن عثمان
- ۴۸ . . . . . ابوالفتوح رازی - (جمال الدین حسین بن علی بن محمد)
- ۱۴۰ . . . . . ابوالفتوح - شهاب الدین یحیی بن امیرک
- ۱۰۴ . . . . . ابوالفرج اصفهانی
- ۲۰۴ . . . . . ابوالفضل محمد دفتری - پسر حسام الدین بتلیسی
- ۱۰۶ . . . . . ابوالفضل بن مبارک
- ۱۴۹ . . . . . ابوالقاسم بن محمد (کاتب)
- ۲۷۲ . . . . . ابوالقاسم محمد بن احمد السیمای (شیخ)
- ۱۸۸ . . . . . ابو محمد مهلبی
- ۶ . . . . . ابونصر - حسن بن طبرسی
- ۱۳۱ . . . . . ابونصر فارابی
- ۱۲۶ . . . . . ابونصر فراهی - بدرالدین محمد بن ابی بکر فراهی
- ۱۴۵ ، ۱۳۹ . . . . . اثیرالدین - (مفضل بن عمر ابهری)
- ۲۶۱ . . . . . احمد آقا سرهنک
- ۵ . . . . . احمد بن حسن زنوزی (کاتب)
- ۵۱ . . . . . احمد بن سلطان محمد (کاتب)
- ۲۴۸ . . . . . احمد بن علی بن مسعود
- ۲۱۸ . . . . . احمد بن محمد (کاتب)
- ۱۹۷ ، ۱۹۶ . . . . . احمد بن محمد - غفاری قزوینی
- ۱۴۸ . . . . . احمد بن یوسف غرناطی
- ۱۲۶ . . . . . احمد داعی
- ۱۴۰ . . . . . احمد رفاعی - (دکتر) - مؤلف کتاب العصر المأمونی

- ۱۵۶ . . . . . غیاث بن غوث (شاعر عرب)  
 ۲۰۴ ، ۲۰۳ . . . . . ادريس بن حسام الدين بتليسي  
 ۱۲۸ . . . . . ادوارد براون  
 ۲۶۶ . . . . . اسدالله خان (ميرزا)  
 ۱۲۲ . . . . . اسدي طوسي - ابو منصور علي بن احمد  
 ۱۱۴ . . . . . اسكندر بيك منشي  
 ۷۰ . . . . . اسمعيل بن ابراهيم عامري سبزواري (كاتب)  
 ۵۴ . . . . . اعسم نجفي - شيخ محمد علي  
 ۲۲۳ ، ۱۳۹ . . . . . اعتصام - ميرزا يوسف خان اعتصام الملك  
 ۱۴۹ . . . . . افسر - شيخ الرئيس محمد هاشم خراساني  
 ۱۲۶ . . . . . اقبال - آفای عباس اقبال آشتياني  
 ۱۳۰ . . . . . الله ويردي تبريزي (كاتب)  
 ، ۲۲۴ ، ۲۲۱ ، ۲۱۸ ، ۲۱۰ ، ۹۰ . . . . . الغ بيك  
 ۲۶۲ . . . . . الياس بن هلال - (كاتب)  
 ۱۱۴ . . . . . امير بيك - ظهير الدين محمد  
 ۲۵۷ ، ۲۵۶ . . . . . امير تيمور كوركان  
 ۱۰۸ . . . . . امير حسين حسيني هروي  
 ۲۲۵ . . . . . امير خسرو خان  
 ۱۱۱ ، ۱۰۵ . . . . . امير شيخ احمد سهيلي  
 ۱۲۴ . . . . . امير عبد الفتاح  
 ۱۷۳ ، ۱۶۵ ، ۱۶۱ ، ۱۶۰ . . . . . امير عليشير نوائي (نظام الدين)  
 ۱۹۴ . . . . . امير نظام حسن علي خان گروسي  
 ۶ . . . . . امين بن رضا كاشاني (كاتب)



|           |                                             |
|-----------|---------------------------------------------|
| ۲۶۷       | امین الدوله (حاجی) میرزا علیخان امین الدوله |
| ۱۷۳ ، ۱۵۸ | انوری - اوحدالدین علی بن اسحاق ایبوردی      |
| ۱۰۳       | انوشیروان - کسری                            |
| ۱۷۱       | انوشیر میرزا                                |
| ۱۵۱ ، ۱۱۱ | اوزون حسن - حسن بیک آق قویونلو              |

ب

|                           |                                          |
|---------------------------|------------------------------------------|
| ۲۳۶                       | بابا بن عبداللہ مؤمن (کاتب)              |
| ۲۹                        | بابا بن عبدالرسول (کاتب)                 |
| ۱۸۰                       | بابا طاهر لر                             |
| ۲۱۶                       | بابر - ابوالقاسم بهادر                   |
| ۱۶۳ ، ۱۵۹ ، ۱۵۰ ، ۹۵ ، ۷۰ | بادامچی - حاجی محمد علی                  |
| ۲۶۰ ، ۲۵۷ ، ۲۵۶ ، ۱۶۸     |                                          |
| ۲۲۶                       | بارتولد (روسی)                           |
| ۲۰۲                       | باقر بن حاجی محمد (کاتب)                 |
| ۵۷ ، ۵۶                   | بحرالعلوم - سید مهدی                     |
| ۲۴۵                       | بدرالدین عینی - محمود بن احمد عیبتابی    |
| ۲۵۸ ، ۱۸۳                 | بدیع الزمان - آقای فروزانفر              |
| ۱۸۴                       | بدیع الزمان همدانی ابوالفضل احمد بن حسین |
| ۱۹۵                       | بدیع بن مصطفی اصفهانی (کاتب)             |
| ۲۲۲ ، ۲۱۸                 | برجندی - عبدالعلی بن محمد بن حسین        |
| ۱۰۳                       | برزویه حکیم                              |

- برهان الدین بن کمال الدین حمید ۱۳۷ . . . . .
- بلغمی - ابو علی محمد بن محمد ۱۹۱ . . . . .
- بهاء الدین (شیخ بهائی) محمد بن حسین عاملی ۴۶ ، ۱۱ ، ۱۰ ، ۹
- ۱۹۹ ، ۱۷۴ ، ۱۲۸ ، ۶۳
- ۲۲۱ ، ۲۲۰ ، ۲۱۹ ، ۲۱۶
- ۲۴۴ ، ۲۳۵ ، ۲۲۵ ، ۲۲۳
- بهاء الدین - وزیر الملك الظاهر ۱۷۶ . . . . .
- بهاء الدین یعقوب (شیخ) ۱۸۰ . . . . .
- بهاء الشرف (رجوع به نجم الدین)
- بهار - آقای محمد تقی ملک الشعرا ۲۵۱ . . . . .
- بهرام شاه مسعود غزنوی ۱۵۴ . . . . .
- بهرام میرزا ۱۱۴ . . . . .
- بهشتی - ملا محمد علی ۲۷ . . . . .
- بهمن میرزا بهاء الدوله پسر فتحعلی شاه ۱۹۴ . . . . .



- پهلوی رضا شاه کبیر ۲۶۰ . . . . .
- تولاک (دکتر) ۲۰۹ . . . . .



- تربیت - میرزا محمد علیخان تبریزی ۲۰۶ ، ۱۸۰ ، ۱۶۷ ، . . . . .
- تقوی - حاجی سید نصرالله ۱۶۷ . . . . .
- تقی الدین گیلانی (کاتب) ۴۹ . . . . .



ثقة الاسلام کلینی (رجوع به کلینی) : . . . . .  
ثقة الاسلام شهید (میرزا علی) : . . . . . ۱۹۴



جابر بن حیان . . . . . ۲۷۲  
جاحظ - ابو عثمان بصری . . . . . ۱۷  
جابر بن عبد الله بن جابر . . . . . ۲۴۳ ، ۲۴۱  
جامی - نورالدین عبدالرحمن جامی ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۶۸  
۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۶ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷  
جانی بیك (سلطان محمود) . . . . . ۲۳۵  
جرجی زیدان . . . . . ۱۷۰ ، ۱۰۴  
جریر - حذیفه بن عطیه (شاعر عرب) ، ۱۵۷  
جعفر بن شیخ خضر (صاحب كشف الغطاء) ، ۲۸ ، ۸۰  
جعفر صادق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ۸۵ ، ۱۰۶ ، ۲۵۹  
جغتای . . . . . ۲۳۳  
جلال الدین دوانی - محمد بن اسعد . . . . . ۳۹ ، ۸۳  
جلال الدین رومی (مولوی) ۱۲۰ ، ۱۵۴ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۲۵۸  
جلال الدین عبدالرحمن (رجوع بسیموطی)  
جلال الدین - محمد اکبر شاه . . . . . ۱۰۶ ، ۱۱۶  
جلال الدین - ابو منصور حسن فرزند شهید ثانی . . . . . ۶۳

- جمال الدین - احمد بن محمد لاهیجانی ۲۴۴ . . . . .  
 جمال الدین - حسین مؤلف فرهنگ جهانگیری ۱۱۶ . . . . .  
 جمال الدین (وطواط) محمد بن ابراهیم انصاری ۱۰۸ ، ۱۰۷ . . . . .  
 جمشید کاشی ۲۲۴ . . . . .  
 جواهر کلام - آقای عبدالعزیز جواهر کلام ۵۷ ، ۳۸ ، ۳۴ ، ۲۴ . . . . .  
 ۲۴۵ ، ۲۲۵ ، ۲۱۷ ، ۷۰ . . . . .  
 جوهری - ابوالاحمد محمود بن عمر الجوهری الصائغ الهروی ۱۶۷ . . . . .  
 جویانی - حسین بن محمد عاملی (کاتب) ۱۳ . . . . .

چ

~~~~~

- چاوش زاده - مصطفی رسمی (کاتب) ۱۴
 چیمینی - محمود بن محمد بن عمر ۲۲۳ ، ۲۱۸
 چنکیز خان مؤلف ۲۳۳

ح

~~~~~

- حاجی کریمخان (رجوع بکریمخان کرمانی) ۱۷۷ ، ۱۳۹ ، ۹۲ ، ۱۴ . . . . .  
 حاجی خلیفه (مؤلف کشف الظنون) ۲۵۸ ، ۲۴۸ ، ۲۴۲ . . . . .  
 حافظ اوبهی ۱۲۲ . . . . .  
 حافظ (خواجه حافظ شیرازی) ۱۶۳ ، ۱۶۲ ، ۴۸ . . . . .  
 حبیب الدین - (محمد کلپایکانی) ۱۹۴ . . . . .  
 حبیب الله بن محمد باقر حسینی (کاتب) ۱۵۹ . . . . .  
 حبیب الله شیرازی باغنوی مشهور بملا میرزا جان ۱۹۶ . . . . .

|                             |   |   |   |   |                                            |
|-----------------------------|---|---|---|---|--------------------------------------------|
| ۱۹۶                         | . | . | . | . | حجة - حضرت حجة عليه السلام                 |
| ۹۴                          | . | . | . | . | حجة الاسلام - ميرزا محمد تقی نیر           |
| ۱۸۳                         | . | . | . | . | حسام الدين چلبی                            |
| ۱۲۷                         | . | . | . | . | حسام الدين - حسن بن عبدالله خویی           |
| ۱۴۵                         | . | . | . | . | حسام الدين کاتبی                           |
| ۲۷۱ ، ۷۸                    | . | . | . | . | حسام السلطنة - محمد تقی میرزا              |
| ۱۱۹                         | . | . | . | . | حسن بن حاجی غلامعلی                        |
| ۹۳                          | . | . | . | . | حسن بن عبدالرزاق لاهیجی                    |
| ۷                           | . | . | . | . | حسن بن محمد باقر مراغه (کاتب)              |
| ۴۳                          | . | . | . | . | حسن بن محمد علی                            |
| ۲۶۴                         | . | . | . | . | حسن بن کاظم حسینی همدانی (کاتب)            |
| ۲۰۱                         | . | . | . | . | حسن زنوزی خویی (میرزا) صاحب ریاض الجنة     |
| ۲۸                          | . | . | . | . | حسن (شیخ) فرزند شیخ جعفر نجفی              |
| ۸۵                          | . | . | . | . | حسینیه (کنیز حضرت صادق علیه السلام)        |
| ۲۱۶                         | . | . | . | . | حسین آملی - رکن الدین بن اشرف الدین        |
| ۶۹                          | . | . | . | . | حسین (ابو عبدالله) برادر صدوق              |
| ۲۰۰                         | . | . | . | . | حسین بحرانی (شیخ)                          |
| ۲۵۴ ، ۲۵۳ ، ۲۵۱             | . | . | . | . | حسین خان مقدم آجودانباشی                   |
| ۱۸۶                         | . | . | . | . | حسین علی شیرازی (کاتب)                     |
| ۱۲۲                         | . | . | . | . | حسین وفایی                                 |
| ۲۴۶ ، ۱۸۲ ، ۱۷۲ ، ۱۵۲ ، ۱۵۱ | . | . | . | . | حکمت - آقای علی اصغر حکمت                  |
| ۲۰۷ ، ۲۰۶                   | . | . | . | . | حکیم قبلی - محمد بن عبد الصبور خویی تبریزی |
| ۲۶۴                         | . | . | . | . | حکیم کامران شیرازی                         |
| ۲۲۸                         | . | . | . | . | حمدالله مستوفی                             |
| ۱۲۷                         | . | . | . | . | حمید الدین - عبد الرحمن انگوری             |

- جمیری - سید اسماعیل . . . . . ۱۷۰  
 حیدر بن نعمت الله طوسی . . . . . ۱۵

## خ

- خازن - علاءالدین علی بن محمد بغدادی . . . . . ۳  
 خالد بن عبدالله ازهری . . . . . ۲۴۰ ، ۲۳۹ ، ۱۳۵  
 خاقانی - افضل الدین ابراهیم . . . . . ۱۶۹  
 خطائی - مولانا زاده . . . . . ۲۳۰  
 خطیب دمشق - جلال الدین محمد بن عبد الرحمن قزوینی . . . . . ۲۳۳  
 خلف بحرانی ( شیخ ) . . . . . ۲۰۰  
 خلیل بن اولیا ( کاتب ) . . . . . ۶۰  
 خلیل بن غازی قزوینی ( ملا ) . . . . . ۴۷  
 خلیفه سلطان - سلطان العلماء . . . . . ۴۷ ، ۴۳  
 خواجه ابوالوفاء خوارزمی . . . . . ۲۵۸  
 خواجه جهان ( محمود ) . . . . . ۱۴۰  
 خواجه رشیدالدین - فضل الله . . . . . ۲۲۹ ، ۱۳۴  
 خواجه شمس الدین محمد . . . . . ۱۳۴  
 خواجه عبدالله انصاری . . . . . ۲۷۰  
 خواجه ناصر الدین ( وزیر ) . . . . . ۲۲۲  
 خواجه نصیرالدین طوسی - محمد بن محمد بن حسن . . . . . ۹۰ ، ۶۱ ، ۱۲  
 . . . . . ۲۲۲ ، ۱۷۴ ، ۱۳۴ ، ۹۲  
 خورشاه بن قباد الحسینی . . . . . ۲۳۳

- خوشنویس - میرزا محمد علی پسر میرزا شفیع تبریزی ، ۱۹ ، ۲۰  
خیام - حکیم عمر خیام . . . . . ۱۸۰

س

- دابلیم - سلطان هند . . . . . ۱۰۳ ، ۱۱۸  
دبیران کاتبی - ابوالحسن علی بن محمد قزوینی ، ، ۱۳۳  
درویش علی گیلانی . . . . . ۱۸۶  
دکتر پولاک ( رجوع به پولاک ) . . . . . ۲۰۹  
دکتر غنی - آقای دکتر قاسم غنی . . . . . ۱۶۲  
دهخدا - آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا ۱۰۶ ، ۱۳۱ ، ۱۸۸ ، ۱۹۰  
دوانی ( رجوع به جلال الدین )  
دوست محمد خسرو جردی ( کاتب ) . . . . . ۲۶  
دولت - محمد علی میرزا قاجار ( دولت شاه ) . . . . . ۱۶۴  
دیک الجن - عبد السلام . . . . . ۲۰۳

ذ

- ذکاء الدولة - سعید سراج میر ( حاج ) . . . . . ۱۶۷  
ذوالکفایتین - ابوالفتح علی بن ابی الفضل ابن عمید قمی وزیر رکن الدوله ۱۸۸

ر

- رجب علی هراتی . . . . . ۹۸  
رشید یاسمی . . . . . ۱۲۸

|           |   |   |   |                                         |
|-----------|---|---|---|-----------------------------------------|
| ۲۴۱       | . | . | . | رضا حضرت عالی بن موسی الرضا علیه السلام |
| ۲۶۰ ، ۲۵۹ | . | . | . | رضا دهخوارقانی (شیخ)                    |
| ۲۴۲       | . | . | . | رضی الدین (شیخ) محمد بن حسن استرآبادی   |
|           |   |   |   | رضی شریف - سید (رجوع بسید رضی)          |
| ۱۵۵ ، ۱۵۴ | . | . | . | رفا محمد بن علی                         |
| ۲۶۹       | . | . | . | رفاعة بن شداد بجلی                      |
| ۱۸۸       | . | . | . | رکن الدولة دیلمی                        |
| ۱۶۷       | . | . | . | روحی ولوالجی                            |

ز

|           |   |   |   |                                                |
|-----------|---|---|---|------------------------------------------------|
| ۱۷۱       | . | . | . | زب العلماء حسامی                               |
| ۲۴۸ ، ۱۲۵ | . | . | . | زمنشیری - جلاله ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی |
| ۲۲۳       | . | . | . | زین العابدین بن خداویردی (کاتب)                |
| ۲۶۶       | . | . | . | زین العابدین مراغه (حاجی)                      |

س

|                           |   |   |   |                                           |
|---------------------------|---|---|---|-------------------------------------------|
| ۱۵۰                       | . | . | . | سام میرزا صفوی                            |
| ۱۲۱                       | . | . | . | سروری - محمد قاسم کاشانی مؤلف فرهنگ سروری |
| ۲۴۳                       | . | . | . | سهل الدین - ابی المکارم ساوی              |
| ۲۳۵ ، ۲۳۴ ، ۱۲۹ ، ۵۰ ، ۳۰ | . | . | . | سهل الدین مسعود (ملاسه تفتازانی)          |
| ۱۸۰ ، ۱۷۷ ، ۱۴۹           | . | . | . | سهلی                                      |
| ۱۰۴                       | . | . | . | سید نفیسی                                 |



|                             |   |   |   |   |                                  |
|-----------------------------|---|---|---|---|----------------------------------|
| ۲۲۳                         | . | . | . | . | سکاکی - ابویعقوب یوسف بن ابی بکر |
| ۱۵۳ ، ۱۵۲ ، ۱۵۱             | . | . | . | . | سلطان ابوسعید                    |
| ۲                           | . | . | . | . | سلطان احمد خان                   |
| ۲۶۳                         | . | . | . | . | سلطان اشرف ( صاحب یمن )          |
| ۲۰۳                         | . | . | . | . | سلطان اورخان بن طغرل             |
| ۲۰۳                         | . | . | . | . | سلطان بایزید اول                 |
| ۲۰۳                         | . | . | . | . | سلطان بایزید ثانی                |
| ۲۰۱ ، ۱۵۱ ، ۱۱۱ ، ۱۰۵ ، ۱۰۲ | . | . | . | . | سلطان حسین بایقرا                |
| ۱۱۱                         | . | . | . | . | سلطان خلیل پسر اوزون حسن         |
| ۲۶۲ ، ۲۰۴ ، ۱۹۷ ، ۱۵۰ ، ۵۳  | . | . | . | . | سلطان سلیم                       |
| ۲۰۴ ، ۱۹۷ ، ۱۱۲ ، ۶۸ ، ۵۳   | . | . | . | . | سلطان سلیمان                     |
| ۱۵۸                         | . | . | . | . | سلطان سنجر                       |
| ۲۵۰                         | . | . | . | . | سلطان عبدالحمید ثانی             |
| ۱۰۸                         | . | . | . | . | سلطان قایت بای                   |
| ۱۱۸                         | . | . | . | . | سلطان محمد - پسر ناصر کیا        |
| ۲۰۳                         | . | . | . | . | سلطان محمد چلبی                  |
| ۲۲۸ ، ۱۳۴ ، ۹۸ ، ۴۸ ، ۳۳    | . | . | . | . | سلطان محمد خدا بنده (اولجایتو)   |
| ۹۱ ، ۹۰ ، ۲۰۳               | . | . | . | . | سلطان محمد فاتح                  |
| ۲۰۳                         | . | . | . | . | سلطان مراد اول                   |
| ۲۰۳                         | . | . | . | . | سلطان مراد ثانی                  |
| ۲۳۴                         | . | . | . | . | سلطان معزالدین - ابوالحسن گرت    |
| ۱۸۳                         | . | . | . | . | سلطان ولد                        |
| ۲۵۰                         | . | . | . | . | سلیم افندی فارسی                 |

|                             |   |   |   |   |   |   |                                                      |
|-----------------------------|---|---|---|---|---|---|------------------------------------------------------|
| ۲۶۹                         | . | . | . | . | . | . | سليمان بن صرد                                        |
| ۱۵۴                         | . | . | . | . | . | . | سمنائي غزنوى                                         |
| ۱۸                          | . | . | . | . | . | . | سهل بن حنيف                                          |
| ۳۸                          | . | . | . | . | . | . | سيد آقا قزوینی                                       |
| ۱۰۸                         | . | . | . | . | . | . | سيد احمد ( شيخ الاسلام كازرون )                      |
| ۲۲۶                         | . | . | . | . | . | . | سيد جلال الدين طهرانی                                |
| ۱۳                          | . | . | . | . | . | . | سيد حسين سيد عینی                                    |
| ۲۲                          | . | . | . | . | . | . | سيد رضی شریف ( ابوالحسن محمد بن طاهر )               |
| ۱۱۵                         | . | . | . | . | . | . | سيد رضی طباطبائی سمنانی                              |
| ۱۶                          | . | . | . | . | . | . | سيد سجاد حضرت امام زين العابدين عليه السلام          |
| ۲۶۹ ، ۲۵۹ ، ۱۵۰             | . | . | . | . | . | . | سيد الشهداء - حضرت حسين بن علي عليه السلام           |
| ۲۳۴ ، ۱۴۵ ، ۱۳۷ ، ۱۳۶ ، ۱۳۴ | . | . | . | . | . | . | سيد شريف - علي بن محمد جرجانی                        |
| ۱۱۹                         | : | . | . | . | . | . | سيد عبدالرحيم خلخالی                                 |
| ۱۴۷                         | : | . | . | . | . | . | سيد عليخان كبير - صدر الدين علي بن احمد دشتکی شیرازی |
| ۵۰                          | . | . | . | . | . | . | سيد علي طباطبائی - ابن ابی المعالی                   |
| ۱۷۱ ، ۸۶ ، ۸۱               | . | . | . | . | . | . | سيد كاظم رشتی ( حاجی )                               |
| ۱۰۲ ، ۶۰ ، ۲۵               | ! | . | . | . | . | . | سيد محمد مجاهد                                       |
| ۲۵۶ ۲۵۵                     | . | . | . | . | . | . | سيد نعمة الله جزائری                                 |
| ۲۵۶                         | . | . | . | . | . | . | سيد نورالدين جزائری                                  |
| ۲۳۸                         | . | . | . | . | . | . | سيوطی - جلالدين عبد الرحمن سيوطی                     |

ش

~~~~~

۲۰۴	.	.	.	.	.	شاه اسمعیل صفوی
۸۷	.	.	.	.	.	شاه جهان - ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد صاحبقران
۱۹	.	.	.	.	.	شاه سلطان حسین صفوی
۱۳۸ ، ۹	:	.	.	.	.	شاه سلیمان صفوی
۲۳۵	.	.	.	.	.	شاه شجاع
۹	.	.	.	.	.	شاه صفی ثانی
۱۹۷ ، ۱۴۴ ، ۱۱۴ ، ۳۴	.	.	.	.	.	شاه طهماسب اول صفوی
۲۱۷ ، ۱۲۱ ، ۴۳ ، ۳۲	.	.	.	.	.	شاه عباس اول
۱۵۰	.	.	.	.	.	شاه محمد بن فخرالدین علی شهبازی (کاتب)
۶۵	.	.	.	.	.	شاه محمود کاشانی (پدر ملا محسن فیض)
۱۷۵	.	.	.	.	.	شرف‌الدین - ابو عبدالله محمد بوصیری
۱۵۶	.	.	.	.	.	شرف‌الدین - ابوالقاسم عمر بن ابی‌الحسن حموی
۲۶۰۲	.	.	.	.	.	شرف‌الدین بن اسمعیل مقرئ یمنی
۱۱۹	.	.	.	.	.	شرف رامی - حسن بن محمد تبریزی
۱۸۱	.	.	.	.	.	شعله - سید محمد اصفهانی
۱۴۸	.	.	.	.	.	شمس‌الدین بن جابر اندلسی
۲۶۲ ، ۲۲۱	.	.	.	.	.	شمس‌الدین (محمد بن اشرف)
۱۷۲ ، ، ۱۲۲	.	.	.	.	.	شمس فتیری (شمس‌الدین بن فخرالدین اصفهانی)
۶۷ ، ۵۸ ، ۵۲ ، ۲۹ ، ۲۷	.	.	.	.	.	شهید اول - شمس‌الدین بن جمال‌الدین مکی
۶۸ ، ۶۱ ، ۵۷ ، ۵۳ ، ۲۹	.	.	.	.	.	شهید ثانی - زین‌الدین علی بن احمد عاملی
۱۷۱ ، ۸۶ ، ۸۱	.	.	.	.	.	شیخ احمد احسائی

۲۱۴	شیخ احمد رشید
۵۴	شیخ اعسم نجفی (شیخ حسین)
	شیخ بهائی (رجوع شود بهاءالدین)
	شیخ جعفر نجفی (رجوع به جعفر بن شیخ خضر)
۲۲۳	شیخ جواد
۲۳۵	شیخ حسن کوچک
۲۳۶	شیخ خضر مفتی آماسی
۲۴۲	شیخ شمس الدین طبرسی
۳۰ ، ۲۴	شیخ طوسی (ابو جعفر محمد بن حسن)
۱۷۲	شیخ علی اتحاد تبریزی
۱۸۴ ، ۲۲	شیخ محمد عبده
۱۶	شیخ محمد قاری (کاتب)
۱۷۹	شیخ محمود شبستری (سعد الدین محمود بن عبدالکریم شبستری)
۹۴ ، ۳۱	شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان)
۵۵	شیخ مهدی (کاتب)
	شیخ یوسف بحرانی (رجوع به یوسف)

ص

۲۲۱	صالح افندی
۵	صافی بن ابراهیم بن محتاسن الصمیری
۵۵	صدرالدین قمی (سید)
۱۴۸	صدرالدین حلی (شیخ)
۹۵	صفوت (محمد علی تبریزی)
۱۴۰	صالح الدین ابوبی

ض

ضیاء الدین یوسف ۲۴۷

ط

طبری ابوجعفر محمد بن جریر طبری ۱۹۲ ، ۱۹۱
 طبرسی (ابوعلی فضل بن حسن) ۲۴۱ ، ۵
 طالبوف (حاجی میرزا عبدالرحیم طالبوف) ۲۶۷ ، ۲۶۶ ، ۲۶۵

ظ

ظہیر الدین رودراوری (ابو شجاع) ۱۹۰

ع

عباس آشتیانی (رجوع شود به اقبال)
 عباس قمی (شیخ) ۲۴۳
 عباس میرزا نایب السلطنه ۸۸
 عبدالباری بن عبدالرحمن علیابادی (کاتب) ۱۳۷
 عبدالحسین بن حسین صدرالحکما (کاتب) ۲۰۹ ، ۲۱۰ ، ۲۱۲ ، ۲۵۵
 عبدالرحمن بن محمد (کاتب) ۲۲۱ ، ۲۲۰
 عبدالرحیم خلخالی (سید) رجوع بسید عبدالرحیم (.
 عبدالرحیم (کاتب) ، ۱۷۰

	عبدالرحیم طالبوف (رجوع بطالبوف)	
۱۱	عبدالرزاق (کاتب)	
۹۳	عبدالرزاق لاهیجی	
۷۹	عبدعلی بن احمد بحرانی (شیخ)	
۷۹	عبدعلی بن جمعه (شیخ)	
۲۵۶	عبدالعال بن محمد مقیم خوانساری	
۷۷	عبدالعلی شیرازی (ملا)	
۸۲	عبدالعلی ناصر حویزی (شیخ)	
۷۹	عبدالغفار حسینی قندهاری (کاتب)	
۱۵۰	عبدالغفور لاری (ملا)	
۲۴	عبد الغنی تونی (کاتب)	
۲۵۳	عبدالفتاح گرمودی	
۱۴۸	عبدالقادر طبری (شیخ)	
۲۲۶	عبد القیوم بن حسین بن علی الفارسی	
۱۶۹	عبد الکرم افندی زاده (شیخ)	
۱۹	عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی (ملا)	
۲۰۰	عبدالله بن ملا ابراهیم (کاتب)	
۸۶	عبدالله بن ابراهیم (کاتب)	
۲۶۹	عبدالله بن سعد ازدی	
۴۳ ، ۴۳ ، ۳۷	عبدالله شوشتری (ملا)	
۷۵ ، ۵۵	عبدالله خراسانی (ملا)	
۲۶۰	عبدالله خان طهماسبی	

۱۰۳	.	.	.	.	.	عبدالله بن مقفع
۱۴۶	،	۱۴۴	،	۱۳۰	.	عبدالله بن نجم الدین یزدی شه آبادی
۱۲۰	.	.	.	.	.	عبدالمطیف بن عبدالله کبیر
۷۷	.	.	.	.	.	عبدالوهاب دهلی
۱۱۲	.	.	.	.	.	عبدالواسع علیسی رومی
۲۵۸	،	۱۱۳	،	۷۳	.	عبیدالله خان اوزبک
۲۹	.	.	.	.	.	عبیدالله مسعود بخاری
۱۹۹	،	۱۹۴	.	.	.	عتبی - ابونصر محمد بن عبدالجبار
۲۵۰	،	۲۰۳	.	.	.	عثمان خان بن ارطغرل
۱۴۸	.	.	.	.	.	عزالدین موصلی (شیخ)
۱۹	.	.	.	.	.	عزیز خان سردار مکری
۱۹۳	.	.	.	.	.	عرب بن سعد قرطبی
۱۸۸	.	.	.	.	.	عضدالدوله دیلمی
۱۸۶	.	.	.	.	.	عطار (فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری)
۱۲	.	.	.	.	.	عطا ملک جوینی (علاءالدین)
۱۵۸	.	.	.	.	.	علاءالدین حسین بن سام
						علاءالدین علی بن محمد (رجوع بماعلی قوشچی)
۳۲	،	۲۴	،	۲۳	.	علامه حلّی - جمال الدین ابو منصور حسن بن یوسف
۷۵	،	۷۴	،	۳۶	،	۳۳
۱۹۸	،	۱۰۰	،	۹۹	،	۹۸
۱۹	.	.	.	.	.	علم الهدی - سید مرتضی
۱۵۶	.	.	.	.	.	علمی - (ملا) کاتب

۹۷ ، ۲۱ ، ۱۷ ، ۱۴ ، ۱۳	علی بن ابیطالب امیر المؤمنین علیه السلام
۱۸۱ ، ۱۷۲ ، ۱۳۰ ، ۱۰۱	
۲۶۹ ، ۲۵۹ ، ۲۰۳ ، ۲۰۲	
۲۶۹	علی اکبر حسین حسینی (کاتب)
۵۹	علی اکبر بن محمد تابچی (کاتب)
۹۵	علی اکبر (کاتب)
۲۲	علی اکبر بن معصوم علی بخشایشی (کاتب)
۸۱	علی اصغر بن عبد الجبار دهنوی (کاتب)
۹۲	علی بن محمد بن حسن (شیخ) نوّه شهید ثانی
۱۰۲	علی بن محمد لطیف مرز آبادی (کاتب)
۴۱	علی بن نصر الله اللیثی الجزائری
۱۵۸	علی چتری
۲۵۷	علی قلی میرزا (اعتضاد السلطنه)
۲۰۹	علی نقی بن محمد اسماعیل (میرزا)
۱۰۸	علی نقی بن محمد حسین کازرونی (کاتب)
۴۳	علی نقی بن حسین (کاتب)
۱۴۰	عمادالدین - ابوبکر قره ارسلان
۱۳۶	عمادالدین - محمد بن یحیی بن علی فارسی
۹۵	عماد - حاجی میرزا علی اکبر عماد تبریزی
۷۶	عماد طوسی - محمد بن علی بن حمزه
۱۸۳	عمر بن علی (کاتب)

غ

- غازان خان - محمود ۲۲۹
 غازی خان تكلو ۱۱۴
 غزالی حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد ۱۶۹ ، ۱۰۹ ، ۱۰۸ ، ۳
 غفار زنوزی سپاه پوش (میرزا) ۲۶۷ ، ۲۶۶
 غنی زاده محمد بن عبد الغنی ۲
 غیاث الدین محمد بن خواجه رشید ۲۲۹ ، ۱۳۴

ف

- فاضل دربندی (ملا آقا) ۱۱۸
 فاندك (ادوارد) ۱۹۲
 فتحعلی شاه قاجار ۲۷۱ ، ۱۹۴ ، ۱۶۴ ، ۷۸ ، ۲۵
 فخرالدین حسن انجو ۱۱۶
 فخرالدین خالد ۱۵۸
 فخرالدین علی شهابی (کاتب) ۱۵۰
 فخرالدین محمد بن حسن حسینی استرآبادی ۹۳
 فخرالدین محمد (پسر علامه حلی) ۲۴
 ذراء بغوی - ظهیرالدین ابو محمد حسین بن محمود ۳
 فرهاد میرزا قاجار (معتمد الدولة) ۲۰۳ ، ۲۰۲ ، ۱۰۸
 فصیح خوافی ۱۵۹
 فندرسکی - میر ابو القاسم ۱۷۴
 فیض - ملا محمد متحسن کاشانی ۶۵ ، ۵۴ ، ۴۴

ق

- قاسمی - علی بن نصیر (قاسم انوار) ۱۶۵
- قاضی ابوسعید زواری ۲۴۲
- قاضی اشجینی - حسین بن رجب (کاتب) ۲۴۹
- قاضی الحسینی ۲۳۸
- قاضی بیضاوی - عبدالله بن عمر بن محمد بیضاوی شیرازی ۱
- قاضی زاده موسی بن محمد ۲۲۴ ، ۲۲۱
- قاضی عضد - عبدالرحمن ایچی ۲۳۴ ، ۱۱۰ ، ۹۲ ، ۴۹ ، ۴۸
- قاضی مجدالدین بردعی ۲۳۵
- قدوری - شیخ ابوالحسن قدوری ۵۹
- قرشی - علاءالدین ۲۱۰
- قرب - آقای عبدالعظیم ۱۷۷
- قزوینی - علامه قزوینی میرزا محمدخان مرحوم ۸۵
- قطبالدین محمد رازی ۲۳۴ ، ۱۳۷ ، ۱۳۶ ، ۱۳۴
- قطران - ابومنصور ۱۶۸ ، ۱۶۶ ، ۱۱۶
- قهرمان - امین لشکر (رجوع بمیرزا قهرمان)

ک

- کانبی قزوینی - نجم الدین عمر بن علی ۱۳۴
- کاشف - محمدشریف شیرازی ۱۹۸
- کاشفی - واعظ سبزواری کمال الدین حسین ۱۶۰ ، ۱۰۴ ، ۱۰۲
- ۲۲۴ ، ۱۱۱

۵	کازم بن محمد علی (میرزا)
۶۱	کریم ایروانی (ملا)
۲۳۹	کریم خان کرمانی (حاجی)
۱۶۶	کسروی - سید احمد تبریزی
۲۷۰ ، ۲۶۲ ، ۸۴ ، ۷۷ ، ۷۴	کشفی - سید جعفر بن ابی اسحاق
۲۱۴	کلوت بیک
۴۵	کلینی - ثقة الاسلام محمد بن یعقوب رازی
۲۵۸	کمال الدین - حسین بن خوارزمی

گ

۳۲	گل محمد گاوگانی (کاتب)
۴۲	گوهر - میرزا حسن

ل

۱۲۱	لبابیدی - احمد بن مصطفی
۱۲۳	لطف الله بن یوسف حلیمی
۲۴۶	لطف علی میرزا (مؤیدالدوله)

م

۹۲	مؤمن بن مرتضی کاشانی (کاتب)
	مؤیدالدوله (رجوع بلطفعلی میرزا)
۲۶۳	مجدالدین شیرازی (مؤلف قاموس)

۲۳۵	محمد بن علی اکبر (کاتب)
۲۲۲ ، ۲۱۶	محمد صوفی تبریزی (کاتب)
۶۱ ، ۵۰ ، ۳۴	محقق اول - شیخ نجم الدین جعفر بن محمدی حلی
۳۴ ، ۳۲	محقق ثانی - شیخ نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی
۸۷ ، ۴۳	محقق سبزواری - محمد باقر بن محمد مؤمن
۱۹۳ ، ۱۷۵ ، ۱۴۷	محمد حضرت رسول اکرم سلام الله علیه
۲۰۲ ، ۱۹۵	
۱۶۴	محمد آقا کهیا
۲۵۵	محمد ابراهیم حسینی انجوی (کاتب)
۸۰	محمد اخباری (میرزا)
۱۰۰	محمد اصفهانی (ملا)
۲۶۰	محمد امین رسول زاده
۲۵	محمد امین خوانساری (کاتب)
۱۴۷	محمد اورنگ زیب عالمگیر
۲۲۵	محمد باقر بن محمود البانی
۱۴۱	محمد باقر حسینی تبریزی (کاتب)
۸۰	محمد باقر وضوی (کاتب)
۶۷	محمد باقر مجلسی
۲۳۹	محمد بن احمد مازندرانی (کاتب)
	محمد بن حسن (رجوع بشیخ طوسی)
۹۴	محمد بن حسین مامقانی
۱۷۰	محمد بن داود علوی شادی آبادی
۶۹	محمد بن زکریا رازی
۹۳	محمد بن سلیمان (کاتب)

۱۳۶	محمد بن شیخ محمد (حاجی) (کاتب)
۱۱۸	محمد بن عبدالغالب
۸۷ ، ۴۵	محمد بن عبدالفتاح گرمرودی (ملا)
۶۲	محمد بن علی بابا ارونی (کاتب)
۳۰	محمد بن کافی (کاتب)
۲۴۷	محمد بن محمد ملیکی (کاتب)
	محمد بن محمد بن نعمان (رجوع بشیخ مفید)
۱۳۳	محمد بن مسعود شیرازی (قطب الدین)
۱۸۰	محمد تقی کرمانی (میرزا)
۸۷ ، ۷۰ ، ۴۵	محمد تنکابنی (میرزا) صاحب قصص العلماء
۱۲۶	محمد جمال اصفهانی
۱۰۶	محمد حسن بن ابراهیم واعظ
۱۴۴	محمد حسین یزدی (ملا)
۲۳۹	محمد خان (حاجی)
۱۲۲	محمد دهلوی - قاضی خان بدر
۱۲۴	محمد رضا تبریزی (کاتب)
۴۰	محمد رضی بن حسن ربیعی (کاتب)
۳	محمد رنجاوی (کاتب)
۱۱۹	محمد رفیع
۱۲۱	محمد روضه خوان (حاجی ملا)
۱۵۷	محمد زکی موسوی شوشتری
۱۵۰	محمد شاکر بن سید احمد
۱۹۹	محمد شاکر بن فیض (کاتب)
۲۷۱ ، ۲۵۱ ، ۲۰۶ ، ۱۰۳	محمد شاه قاجار
۲۵۶	محمد صالح خان مکرری
۱۷۴	محمد صالح خلخالی
۱۹	محمد صالح خطاط قزوینی

۹۷	محمد صالح کشفی ترمذی
	محمد عبده (رجوع بشیخ محمد عبده)
۱۰۵	محمد بن علی اکبر (کاتب)
۶۲	محمد علی تبریزی (کاتب)
۴۵ ، ۴۴	محمد علی حسینی (کاتب)
۲۵۵	محمد علی خان نوری
۲۷	محمد علی عطار میر (کاتب)
۸۵	محمد علی عطار (کاتب)
۱۰۵	محمد علی کرمانی
۲۰۲ ، ۲۰۱	محمد فراهی (معین الدین)
۶۱	محمد قاسم دیلمقانی (کاتب)
۶۸	محمد قاسم مازندرانی (کاتب)
۲۶۸	محمد کاظم معلّم
۱۲۲	محمد لاد
۲۷	محمد مؤمن بن مرتضی (کاتب)
۲۱۳	محمد مقیم طبیب
۶۴	محمد مقیم حسینی (کاتب)
۳۷	محمد مهدی شیرازی (کاتب)
۲۲۰ ، ۲۱۷	محمد هاشم (کاتب)
۷۳	محمد هاشم بن محمد مهدی
۲۱۴	محمد هراوی
۱۱۵ ، ۱۱۳	محمد یوسف طبیب هروی
۵۸	محمود بن جعفر میثمی
	محمود شهبستری (رجوع بشیخ محمود)

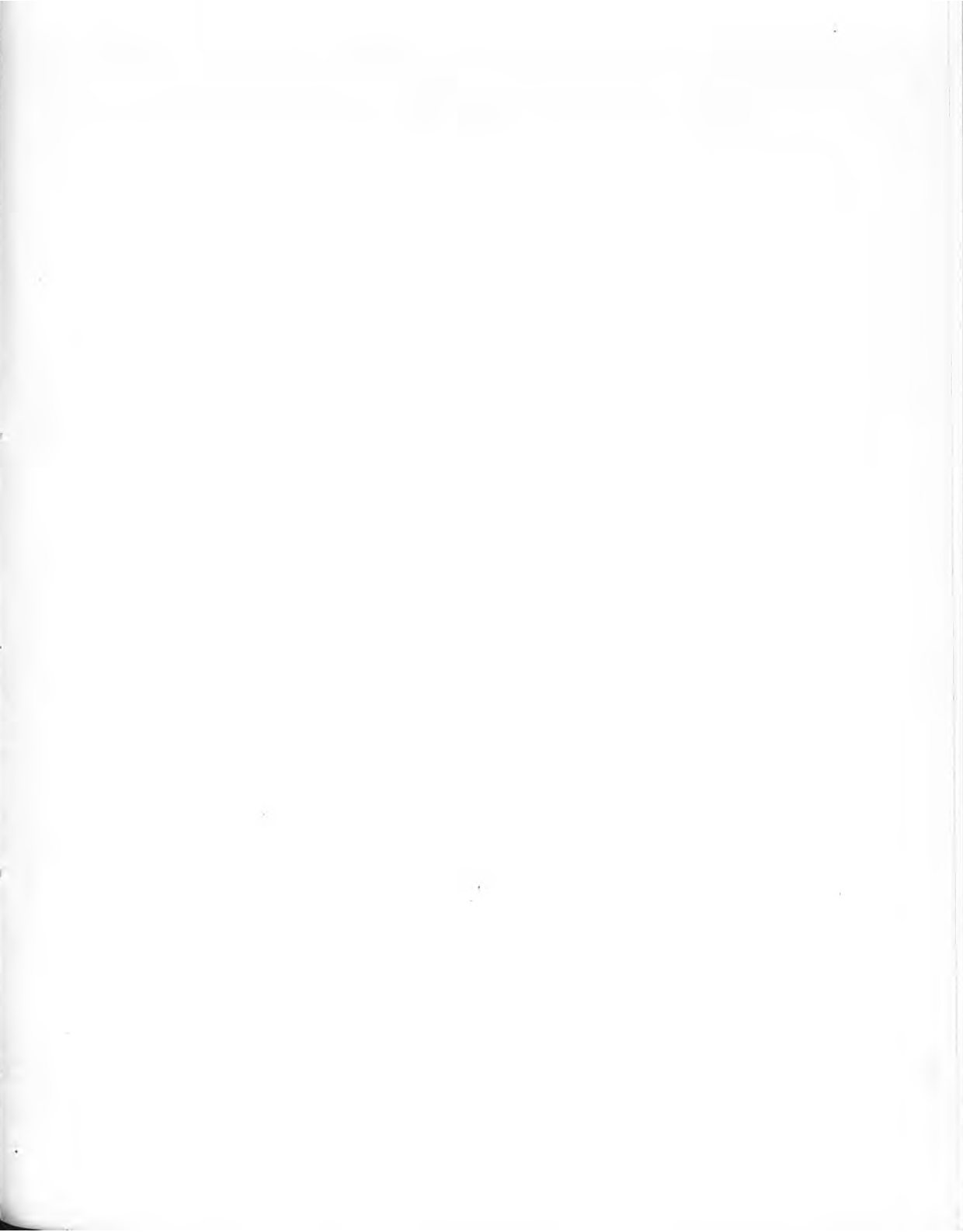
۴۲	محبیط - محمد حسین کرمانی
۳۹	مدرس خیابانی (میرزا محمد علی مدرس)
۱۵۵ ، ۱۵۴	مدرس رضوی (آقای محمد تقی استاد دانشگاه تهران)
۳۷	مرتضی انصاری شوشتری (شیخ)
۶۰	المستنصر بالله - (ابوالقاسم عبدالله بن یوسف)
۲۶۹	مسیب بن نجمه
۲۶۰	مشیر دفتر (حاجی)
۷	مصطفی بن سید محمد (سید)
۲۶۰	مقدم دفتر (حاجی)
۴	مقداد بن عبدالله سیوری حلبی
۲۵۳	مکنیل - سفیر دولت انگلیس
۱۷۱	ملا اسدالله (حاجی)
۱۰۰	ملا حسن بن عبدالحق تونی
۱۲۸	ملا صدرا - محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی
	ملا عبدالله شوشتری (رجوع به عبدالله شوشتری)
۶۶	ملا علی خویی کاتب
۱۱۰ ، ۹۲ - ۹۰	ملا علی قوشچی - علاءالدین علی بن محمد
۲۲۴ ، ۱۳۸ ، ۱۳۷	
۲۱۷	ملا مظفر جنابدی
۱۲۸	ملا میرزای شیروانی - محمد بن حسن
	ملا میرزا جان شیرازی (رجوع به حبیب الله شیرازی)
۲۳۵	ملك اشرف بن تیمور تاش
۳۳	ملك علی شیرازی (ملا)

۱۷۶	.	.	.	.	.	الملک الظاهر
۲۶۳	.	.	.	.	.	الملک الناصر
۱۲۵	.	.	.	.	.	مطهرزی - ابوالفتح ناصر خوارزمی
۱۶۸	.	.	.	.	.	مملان - از ممدوح‌های قطران
۱۹۱	.	.	.	.	.	منصور بن نوح سامانی
۲۰۰ ، ۱۹۹ ، ۱۹۴	.	.	.	.	.	منینی - شیخ احمد بن علی دمشقی
۱۸۵	.	.	.	.	.	مهدی خان (میرزا) منشی نادرشاه
۲۰۳	.	.	.	.	.	مهدی گیلانی
۱۹۹ ، ۴۴	.	.	.	.	.	موسی‌الکظم حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
۲۸	.	.	.	.	.	موسی (شیخ) پسر شیخ جعفر نجفی
۱۶۴	.	.	.	.	.	موسی نجفی (شیخ)
						مولوی (رجوع بجلال‌الدین رومی)
۱۳۹	.	.	.	.	.	میبندی - حسین بن معین‌الدین
۱۳۳	.	.	.	.	.	میرک بخاری - شمس‌الدین محمد بن مبارکشاه
۱۲	.	.	.	.	.	میثم بن علی بحرینی - کمال‌الدین
۱۲۲	.	.	.	.	.	میدانی ابوالفضل احمد بن محمد نیشابوری
۱۲۸	.	.	.	.	.	میر داماد - میر محمد باقر
						میرزا آقاخان نوری (رجوع به آقاخان)
۲۵۳	.	.	.	.	.	میرزا آقاسی (حاجی) صدر اعظم
						میرزا حسن زنوزی (رجوع به حسن زنوزی)
۲۶۶	.	.	.	.	.	میرزا صادق
۲۶۶	.	.	.	.	.	میرزا عبدالله
۳۸	.	.	.	.	.	میرزای قمی (میرزا ابوالقاسم)
۱۹	.	.	.	.	.	میرزا قهرمان امین لشکر
۲۴۵	.	.	.	.	.	میرزا موسی مرندی (کاتب)
۶۷	.	.	.	.	.	میر مهدی اصفهانی (کاتب)

۱۸۰	.	.	.	.	.	.	ہاتف - سید احمد
۸۵	.	.	.	.	.	.	ہارون الرشید
۲۲۸	.	.	.	.	.	.	ہاشم بن عبدالغنی
۸۹	.	.	.	.	.	.	ہانری مارتن انگلیسی
۱۶۹	.	.	.	.	.	.	ہدائی افندی
۱۷۳	.	.	.	.	.	.	ہدایت سے رضاقلی خان
۱۷۳	.	.	.	.	.	.	ہلالی - استرآبادی

١٤٨	،	،	،	،	،	وجیه الدین - عبید الرحمن علوی
١٣٩	،	،	،	،	،	ولی بن حسین علی (کاتب)
١٣٦	،	،	،	،	،	ولی ولد علی باشا (کاتب)

۲۶۷	،	،	،	،	،	،	پار محمد خان
۱۸۸	،	،	،	،	،	،	یاقوت حموی
۲۱۱	،	،	،	،	،	،	یحیی افندی
۱۰۳	،	،	،	،	،	،	یحیی بن خالد برمکی
۲۱۳	،	،	،	،	،	،	یوحنا عنجوری
۲۰۴	،	،	،	،	،	،	یعقوب بیگ از شاهزادگان آق قویونلو
۲۴۶	،	،	،	،	،	،	یوسف
۲۰۰ ، ۵۳ ، ۳۱	،	،	،	،	،	،	یوسف بحرانی (شیخ)
یوسف خان اعتصام الملک (رجوع باعتصام)							
یوسف شروی طبیب (محمد) رجوع بمحمد یوسف							



فهرست کتبی که در این مجلد نام برده شده

کتابهایی که نام آنها با حروف درشت چاپ شده کتابهایی است که در کتابخانه موجود است



ارشاد المسترشدين و هداية الطالبين	الف
۹۹	آمین اکبری ۱۰۶
الاستبصار ۳۱، ۳۰، ۲۵، ۲۴	آتشکده حجة الاسلام ۹۵
۶۹، ۶۳	آداب اللغة العربية ۱۷۰، ۱۰۷، ۱۰۴
۱۲۸	ابدع ما كان ۲۵۰
اسفار ۲۵۱	ابصار المستبصرين ۷۷
اسناد سیاسی	اجابة المضطرين ۷۸، ۷۷، ۷۴
الاصلاح وفيه الفوز والفلاح ۶۰، ۲۵	احياء العلوم ۱۶۹، ۱۰۹
اصول الطبيعة ۲۰۷	احياء معالم الشريعة ۷۹
اصول علم فيزيك ۲۵۵	اخلاق محسنی ۱۰۲
۹۴	ادات الفضلا ۱۲۲
اطراف الدلائل	ادبيات ايران ۱۲۸
الافاضة لانبوب البلاغة ۲۳۷	ارشاد الازدهان الى احكام الايمان
الاقناع لما حوى تحت القناع ۱۲۵	۲۴، ۲۳
اكتفاء القنوع ۲۳۴، ۱۹۲، ۱۴۴، ۹۳	۲۳۹
الهي نامه ۲۷۰	ارشاد العوام
الفقيه ابن مالك ۲۴۰، ۲۳۸	ارشاد المسترشدين (شرح خطبة
الفقيه شهيد ۶۸، ۵۴، ۷۷	طنجیه) ۸۱
الالواح العمادية ۱۴۰	
امارات الكلم الرحمانی ۷	

۲۸	بقیة الطالب	۲۳۶	انبوب البلاغة
۱۵۰ ، ۱۴۹	بهارستان	۸۲	الانصاف
۲۳۸	البهجة المرضية	۹۸ ، ۸۲	الانصاف فی الاتصاف
	ب	۲ ، ۱	انوار التفریل
	ب	۱۴۸ ، ۱۴۷	انوار الریج
۱۴۰	برتو نامة	۱۰۶ ، ۱۰۳	انوار سهیلی
۲۶۵	پند نامه مارکوس	۱۱۲ ، ۱۱۱	
۲۱۶	پنجاه باب سلطانی	۱۱۰	انوار شافیه
	پ	۱۶۵	انیس العارفين
	پ	۱۰۴	الاوراق
۱۵۱ ، ۱۵۰	تاریخ احوال و آثار جامی	۱۷۴	اوصاف الاشراف
۱۸۵	تاریخ جهانگشای نادری	۱۴۵	ایساغوجی
۱۹۳ ، ۱۹۲	تاریخ طبری	۱۲۵	الایضاح
۲۳۳	تاریخ قطبشاهی		پ
۲۲۹	تاریخ گزیده		~~~~~
۱۲۶	تاریخ مفصل ایران	۱۹۴	بت شکوی
۲۳۹	تبصره در صرف	۱۶۲	بحث در آثار و احوال حافظ
۱۹۱ ، ۱۹۰ ، ۱۸۸	تجارب الامم	۱۱۳	بحر التجواهر
۹۲	تجريد المقاید	۲۱۹	بحر الحساب
۹۰	تحریر عقاید الاسلام	۲۰۲	بحر الدرر (تفسیر)
۱۳۴	تحریر قواعد المنطقیه	۲۰۱	بحر المعلوم
۱۲۲	تحفه الاحباب اوبهی	۲۸ ، ۲۷	برات المنجاة
۱۸۲	تحفه الاحرار	۱۰۹	البسیط والوسیط
۱۶۱ ، ۱۶۰ ، ۱۵۰	تحفه سامی	۲۷۲	بقیة الخیر

التلويح في كشف حقائق التفتيح	١٤٤
٢٩ ، ٣٠	١٦٩
التلويحات	١٠٦
٢٣٩ ، ٢٤٠	٧٨
تمرين الطلاب	١٠٥
٨٣	١٩٣
تمييز الحق	١٩٤
٢١٧	٢٥٥
تنقيح الاصول	٢٣٠
٢٩	٩
٣٠ ، ٣١ ،	١٨٠
تهذيب الاحكام	١٩٦
٦٩ ، ٦٣	٢٥٦
١٢٩ ، ١٤٤ ، ١٤٦	٢٢٠ ، ٢١٧ ، ٢١٦
تهذيب المنطق	٢٠٦ ، ٢٠٧
٨٩	٩١
توراة	١١
٢٩	٢٩
التوضيح في حل غوامض التنقيح	٢٢٦

ش

ندارد

ج

٣٢ ، ٣٣	جامع الفوائد
١٢٣	جامع اللغات
٣٣ ، ٣٤	جامع المقاصد
٣٥ ، ٣٦	جغرافياى تركى
٢٢٨	جوامع الجامع
٦ ، ٥	جواهر الاسرار
٢٥٨	جواهر التفسير
١٠٢ ، ٢٢٤	جواهر الحكمة
٢٠٧	الجواهر في النحو
٢٤١	

تحفة شاهجانيه	١٤٤
تحفة المراقين	١٦٩
تحفة فتحية	١٠٦
تحفة الملوك	٧٨
تذكرة الاخرة	١٠٥
ترجمة تاريخ طبرى	١٩٣
ترجمة تاريخ يمينى	١٩٤
ترجمة زهر الربيع	٢٥٥
ترجمة مطول	٢٣٠
ترجمة مفتاح الفلاج	٩
ترجمة منهاج المابدين	١٨٠
ترجمه ننگارستان	١٩٦
تزوك تيمورى	٢٥٦
تشريح الافلاك	٢٢٠ ، ٢١٧ ، ٢١٦
تشريح الانسان	٢٠٦ ، ٢٠٧
تشبيد القواعد	٩١
تعبير خواب	١١
تعليق بر شرح ثمعه	٢٩
تفسير طبرى	٢٢٦
تفسير فارسى	٦
التقريب فى اسرار التركيب	٢٧٢
تقويم المروج	٢٣٩
تلخيص مفتاح المعلوم	٢٣٤

۸۰	الحق المبين	ح	
۱۸۰	حق البقین		
۱۴۰	حکمة الاشراف	۳۶	حاشیه بر ارشاد الاذنهان
۱۳۳	حکمة الیقین	۱۱۰	حاشیه بر تهذیب منطق
۸۵	حلیة المتقین	۲	حاشیه بر تفسیر انوار التنزیل
۸۴	حسنیه	۲۱۸	حاشیه بر جندی بر شرح چغمینی
	ح	۲۳۰	حاشیه بر حاشیه خطائی
۱۸۲	خردنامه اسکندری	۱۳۸	حاشیه بر حاشیه خفزی
۸۸	خزائن	۳۷	حاشیه بر رسائل
۱۹۸	خزان و بهار	۱۳۸ ، ۹۲	حاشیه بر شرح تجرید
۱۰۹	الخلاصة	۱۲۵	حاشیه بر شرح شمسیه
۱۹۸ ، ۷۵ ، ۲۳	خلاصة الاقوال	۱۳۷ ، ۱۳۶	
۲۲۰ ، ۲۱۹ ، ۲۱۷	خلاصة الحساب	۳۹	حاشیه بر شرح مختصر عضدی
۱۲۳	خلاصة المجموع	۱۱	حاشیه بر شمسیه
۷	خلاصة المنهج	۳۸	حاشیه بر قوانین الاصول
	ح	۱۴۶ ، ۱۳۱ ، ۱۲۹	حاشیه ملا عبد الله
۱۹۰ ، ۱۸۸	دائرة المعارف اسلامی	۲۵۸	حبیب السیر
۲۰۶	دانشمندان آذربایجان	۸۹	حجة الاسلام
۲۷۲	الدرة المضيئة	۱۰۶	حدائق الجنان
۱۸۵	دره نادری	۲۰۲	حدائق الحقائق (تفسیر)
۱۱ ، ۱۰	الدروع الوائیه	۲۲۶	حدود العالم
۲۷۰	دل و جان	۱۶۹ ، ۱۵۴	حديقة الحقيقة

رساله در اشعار حضرت ابيطالب	۱۵۶	ديوان ابن فارس
۱۶۸	۱۵۶	ديوان اخطل
۴۱ رساله در خيالات	۱۵۸	ديوان انوري
۴۲ رساله در طهارت و صلوٰه	۱۵۰	ديوان جامي
۲۶ رساله در فقه عامه	۱۶۳ ، ۱۶۲	ديوان حافظ
۴۳ رساله در مسائل نكاح	۱۶۴	ديوان دولت
۲۰۲ رساله در هيئت	۱۶۵	ديوان قاسمي
۴۵ رساله در وجوب نماز جمعه ۴۳ ، ۴۵	۱۶۷ ، ۱۶۶	ديوان قطران
۲۶۰ رساله در هنجوار قاني	۱۶۰	ديوان نظيري
۱۰۰ ، ۴۲ رساله رضاعيه	۱۶۰	ديوان نوائي
۱۱۰ رساله الزوراء		ذ
۸۶ رساله سيد كاظم رشتي		
۲۶۱ رساله شمس الدين	۴۴	ذخيرة المعاد
۴۰ رساله في الاجتهاد والاخبار	۸۲ ، ۶۸ ، ۳۱ ، ۲۵	الذريعة
۴۱ رساله في الارث	۲۱۸ ، ۹۱	
۹۱ رساله الفتحيه		ر
۹۱ رساله المحمديه		
۱۲۲ رساله محمد شندوشاه	۲۷۰	رسائل خواجہ عبد اللہ انصاری
۲۶۰ رساله معتمد دفتر	۴۰	رساله آقاي بهبهاني
۱۲۲ رساله ميرزا ابراهيم اصفهاني	۱۲۲	رساله ابو حفص سعدي
۱۸۱ رعنا و زيبا	۱۲۲	رساله ابو منصور (اسدي طوسي)
۸۴ ، ۷۸ ، ۷۴ الرق المنشور	۲۳۹	رساله جهاديہ
۲۶۱ رگلمان	۱۲۲	رساله حسين وفائي
۹۵ رنكارنك	۲۲۱	رساله در اسطرلاب

۸۶	سراج المفاهج	۱۶ ، ۱۳ ، ۱	روضات الجنات
۲۴۳	سراج الوهاج	۳۲ ، ۳۱ ، ۲۳ ، ۱۷	
۱۸۰	سعادت نامه	۵۵ ، ۵۳ ، ۴۱ ، ۴۰	
۸۷	سفيمة النجاة	۹۱ ، ۷۰ ، ۶۵ ، ۶۱	
۱۸۲	سلامان واسبال	۱۳۸ ، ۱۱۰ ، ۱۰۹	
۱۸۲ ، ۱۸۱	سلسلة الذهب	۲۴۱ ، ۱۴۷ ، ۱۴۴	
۱۲۷	سلك جواهر	۲۴۸ ، ۲۴۳	
۱۴۳	السماء والعالم	۵۳	الروضة البهية
۲۰۹	سمومات و تریاقات	۲۰۲	روضة الجنة
۷۸	سنابرق	۴۷ ، ۴۶ ، ۴۵	روضة کافی
۱۸۵	سنکلاخ	۲۰۲	روضة الواعظین
۲۲۵	سواطع المریخ	۲۲۸ ، ۲۰۱ ، ۲۳	ریاض الجنة
۸۹ ، ۸۸	سيف الامة و برهان الامة	۵۱ ، ۵۰	ریاض المسائل

ش

۴۷	الشافي في شرح الكافي
۲۴۱ ، ۲۴۰	شافيه (در صرف)
۲۴۳	
۱۷۳	شاه و درویش
۱۸۰	شاهد نامه
۲۰۲	شرائف الاوقات
۲۱۰	شرح الاسباب
۱۶۹	شرح اشعار ابو الفتح بستی

ز

۱۲۲	ز
۴۶	زبدة الاصول
۲۰۹	زبدة الحكمة
۲۷۱	زراعة الذهب

س

۱۲۲	السامی فی الاسامی
۱۸۲	سبحة الابرار
۱۶۸	سخن و سخنوران

۳۲	شرح القواعد	۲۲۱	شرح اشکال التامیسی
۵۰	شرح کبیر (ریاض المسائل)	۱۴۵	شرح ایساغری جی
۵۱	شرح کبیر جلد دوم	۲۲۲	شرح نیست باب در اسطرلاب
۵۱	شرح کبیر جلد سوم	۹۳ ، ۹۰ ، ۸۸	شرح تجرید
۵۲	شرح لمعة (الروضة البهیة)	۲۳۰	شرح تلخیص
۵۷ ، ۵۳		۲۴۳	شرح جار بردی
۲۶۱	شرح مسعودی	۲۲۳	شرح جغمینى
۵۴	شرح مفاتیح	۱۳۳	شرح حکمة الایمن
۵۴	شرح منظومة فقهی	۱۳	شرح خطبة الایمان
۱۲	شرح نهج البلاغة	۲۲۳	شرح خلاصة الحساب
۵۶ ، ۵۵	شرح الوافیة	۲۴۱	شرح دیباچه جواهر النحو
۱۳۹	شرح بداية الحکمة	۲۴۲	
۱۱۰	شرح هیاکل النور	۱۷۰	شرح دیوان حمیری
۱۲۲	شرفنامه منیری	۱۶۹	شرح دیوان خاقانی
۲۶۲ ، ۷۸ ، ۷۴	الشرق والبرق	۲۴۲	شرح رضی برکافیه
۱۳۴	شمسیة	۲۴۳	شرح شافیه
۲۷۲	الشمس المنیر فی تحقیق الاکسیر	۴۹	شرح الشریح بر مختصر الاصول
۹۳	شمع الیقین	۱۳۴	شرح شمسیة
۱۴۱ ، ۱۴۰ ، ۱۱۱	شواکل الحور	۵۰	شرح صغیر
۲۴۵	شواهد عینی	۴۸	شرح عضدی بر مختصر الاصول
۱۷۴	شیر وشکر	۱۱۰ ، ۹۲	شرح عقائد عضدی
		۲۴۴	شرح عوایل
		۱۷۲	شرح قصائد انوری

۱۰۴	المصر المأمونی
۹۳ ، ۹۲	عقائد عضدی
۱۲۷	عقود الجواهر
۲۶۴ ، ۲۶۲	عنوان الشرف
۱۰۶	عیار دانش
۱۳۳	عین
۹۲ ، ۴۹	عیون الجواهر
۱۳۳ ، ۱۳۲	عیون المسائل

غ

۲۱۱	غایة الاتقان فی تدبیر بدن الانسان
۲۷۲	غایة السرور فی شرح الشذور
۱	غایة القصوى
۱۷	غرر الحکم و درر الکلام
۱۰۸ ، ۱۰۷	غرر الخصائص
۵۶	غصون الادب و ل

ف

۱۹۹ ، ۱۹۴	الفتح الوهبی
۱۵۴	فخری نامه
۳۷	فرائد الاصول (رسائل)

ص

۱۵	صحيفة الاعمال
۱۷ ، ۱۶	صحيفة سجادیه
۱۷۳	صفات العاشقین
۱۹۳	صلة تاریخ الطبری
۲۴۴	صمدیه
۱۴۰	صندوق العمل

ض

ندارد

ط

۸۸	طاقدیس
۶۹	طیب من لا یحضره الطیب
۱۴۳ ، ۱۴۲	طیبهات شفا

ظ

۲۲۹	ظفر نامه
-----	----------

ع

۱۱۴	عالم آرای عباسی
۲	عالم الانوار و علیم الاسرار
۱۹۸	عباس نامه

١٤٤	قصص العلماء	٢٤٤	فرائد الشريعة
٦٥ ، ٥٣ ، ٤٥ ، ٢٣	قصص العلماء	١٩٨	فرج بعد الشدة
٨٩ ، ٨٧ ، ٧٠	قصيدة برده	١٦٨ ، ١١٨ ، ١١٦	فرهنگ جهانگیری
١٧٦ ، ١٧٥	قصيدة برده	١٦٨ ، ١١٦	فرهنگ حکیم قطران
٢٧٠	قلندر نامه	١٦٨ ، ١١٦	فرهنگ سروری (رجوع بمجمع الفرس)
٣٣ ، ٣٢	قواعد الاحکام	٥٧	فصل الخطاب الابراهيميه
٩٨	القواعد والفوائد	٦٩ ، ٦٣	فقيه من لا يحضره الفقيه
٣٨	قوانين الاصول	٧١ ، ٧٠	الفهرست (لابن النديم)
٢٠٦	قوانين العلاج	١٩٢	فهرست کتابخانه مجلس
٣٨	قوانين المحكمة	١٧٧ ، ١٣٩	١٥٩ ، ٢٣٣
٢١٣	القول الصريح في علم التشريح	١٢	فهرست کتابخانه مسجد سپهسالار
	ک	٦٥ ، ٥٣ ، ٤٦ ، ٣٩	١٢٠ ، ١٥٩ ، ١٦١
٦٣ ، ٤٧ ، ٤٥ ، ٦	الكافي	٣٤ ، ٢٤	فهرست کتابخانه معارف
٥	الكافي الشافي	٧٠ ، ٥٧ ، ٥٥ ، ٣٨	٢٢٣ ، ٢٢٥ ، ٢٤٥
٢٤٧ ، ٢٤١	كافيه	٥٧	فوائد الاصول
١٤٥	كبرى	٢٤٧ ، ٢٤٦	الفوائد الضيائية
٢٦٥	كتاب احمد	٤٩	فوائد غياثيه
٩٣	كتاب التعجب في الامامة	٢١٢	فيزيولوژی
١٣٢	كتاب الحروف		ق
٢	كشاف زمخشري	١٩٨ ، ١٨٣ ، ١١١	قاموس الاعلام
٩٤	كشف السبحات	٢١٢	القانون في الطب

۵۸	لب القرائض	کشف الظنون	۳۹ ، ۲۹ ، ۱۴
۱۲۳	لسان الشعراء		۹۲ ، ۹۱ ، ۶۰ ، ۵۹ ، ۴۹
۱۲۱ ، ۱۲۰	لغات اللغات		۱۳۰ ، ۱۱۹ ، ۱۱۰ ، ۹۶
۱۱۹	لفت اياسی		۱۳۴ ، ۱۳۹ ، ۱۴۵ ، ۱۷۷
۱۹۰ ، ۱۸۸ ، ۱۳۱	لفت نامه دهخدا		۲۱۰ ، ۲۰۱ ، ۲۰۰ ، ۱۸۳
۱۴۰	اللغة		۲۱۸ ، ۲۲۱ ، ۳۳۰ ، ۲۳۴
۵۸ ، ۵۳ ، ۵۲	لمعة دمشقية		۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۸
۲۲۴	لوائح القمر		۲۴۹ ، ۲۵۸ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳
۲۰۱ ، ۲۰۰ ، ۳۱	لوع لوعة البحرين		۲۷۱
۱۱۱ ، ۱۱۰	لوامع الاشراف	کشف النطاء	۸۰ ، ۲۸
۵۸	لوامع النكات	کفاية الفقه	۴۴
۱۸۲	لیلی ومجنون جامی	کلیله ودمنه	۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۶
۱۹۸	لیلی ومجنون کاشف	کنز السالکین	۲۷۰
۱۷۳	لیلی ومجنون هلالی	کنز العرفان	۵ ، ۴
	م	کنز اللغات	۱۱۸
		کنز اللغة	۱۱۹
		کنوز الحقائق	۲۵۸
		کیمیای سعادت	۱۰۸
		کیمیای طبی	۲۰۸
۱۳۲	مابعد الطبيعة	گلستان سمعی	۱۴۹ ، ۱۷۷
۱۲۲	مؤید الفضلاء	گلشن راز	۱۷۹ ، ۱۸۰
۲۲۵	مباهج الزهره	گوهر مراد	۹۳
۱۰۸	مباهج الفكر	ل	
۱۸۲	مثنوی مولوی		
۱۷۳ ، ۲۳	مجالس المؤمنین		
۲۱	مجمع المحررین		
۵۹	مجمع البحرین وملتقى النیرین		
۲۴۱ ، ۵	مجمع البیان	لباب التاویل	۴ ، ۳

۶۴	مشکوة العقول	مجموع الفرس فرهنگ سروری	۱۱۹ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۴
۸۸	مشکول		
۱۲۵	مصباح در نحو	مجمع الفصحاء	۱۶۶ ، ۱۸۱
۱۴۰	المطارحات	مجموع فصیحی	۱۵۸ ، ۱۵۹
۲۳۱	مطول	مجموعه منافع	۲۶۴
۱۴۰	المعارج	معاجس النور	۱۰۸
۲۰۱	معارج النبوة	محاصرة باريس	۲۶۸
۶۳	معالم الاصول	محبته نامه	۲۷۰
۶۳	معالم الدين	مختصر اصلاح المنطق	۱۲۵
۶۵	معتمد الشيعة	مختصر الاصلاح	۶۰ ، ۶۱
۱۹۰ ، ۱۸۸ ، ۱۷۴	معجم الادبا	مختصر الاصول	۳۹ ، ۴۸
۲۴۵	معجم البلدان	مختصر شرح تلخيص	۲۳۳ ، ۲۳۶
۲۲۵	معراج الادراك	مختصر القدوري	۵۹
۸۸	معراج السعادة	مختصر النافع	۵۰
۱۲۲	معيان جمالي	مدارج النمل	۸۲
۱۲۵	المغرب في اللغة	مرآت المحققين	۱۸۰
۶۶ ، ۶۵ ، ۵۴	مفاتيح الشرائع	مراح الارواح	۲۴۸
۴۴	مفاتيح النجاة	مهر صاد القباد	۹۶
۲۳۳ ، ۲۳۱	مفتاح العلوم	مرفوع	۱۹
۶۷	مفتاح الغيب	مسائل الحيات	۲۶۵
۹	مفتاح الفلاح	مسالك الافهام	۶۱ ، ۶۲
۸۹	مفتاح النبوة	مسالك المحسنين	۲۶۵
۲۴۹ ، ۲۴۸	المفصل في النحو	مستند الشيعة	۸۸
۶۸ ، ۶۷	المقاصد العلية	مسيب نامه	۲۶۹
۲۴۵	المقاصد النحوية	مشرق الشهبان	۶۳

۴۸	مواقف السلطانية	۱۳۱	المقااة فى السياسة
۲۲۵	مواهب الرحل	۱۸۴	مقامات بدیع الزمان همدانی
۲۲۴ ، ۱۰۲	مواهب العلیة	۱۶۵	مقامات العارفين
۱۰۰	موجب الذخيرة	۹۶	مقامات الطائرين
۲۱۰	الموجز	۲۵۸	مقصدا الاقصى
۲۲۵	ميامن المشتري	۲۷۰	مقولات
۲۷۰	ميزان السلوك والطوائف	۲۶۶	مکاتب طالبوف
۲۸	منية الراغب	۲۷۱	المکتسب
	ن	۲۲۳	الملخص فى الهيئة
		۹۶	منارات السائرين
		۲۷۰	منازل السائرين
۷۲ ، ۷۱	ناصر الاخوان	۹۷	مناقب مرتضى
۱۷۴	نان وحلوا	۸۸	مناهج الاصول
۷۳	نتائج الحائرية	۲۲۵	مناهج العطار
۲۱	نخبة الاعمال	۶۴	منتقى الجمال
۲۶۵	نخبة سهرى		منتهى الاغراض فى شفاء الامراض
	نخبة العقول فى علم الاصول	۲۱۵ ، ۲۱۴	
۷۸ ، ۷۳		۴۸	منتهى السؤل
۲۲۸	نزهة القلوب	۱۸۵	منشآت
۱۲۶	نصاب الصبيان	۱۸۶ ، ۱۸۵	منطق الطير
۱۲۷	نصيب الفتیان	۱۸۶	منظومة درويش هلى گيلانى
۱۹	نظم الفرر ونضد الدرر	۵۹	منظومة شيخ ابو حفص
۱۸۶	نفحات الانس		من لا يحضره (رجوع شود به نقيه من لا يحضره)
۲۲۵	نهاية الادراك	۹۸	منهاج السنة
		۹۹ ، ۹۸ ، ۸۲	منهاج الكرامة

۱۱۲ ، ۱۱۱	همايون نامه	۲۷۱	نهاية الطلب
۱۴۱	هياكل النور	۱۰۰ ، ۷۴	نهج المسترشدين
	و	۲۱	نهج البلاغة
		۱۱۰	نور الهداية
۱۰۰	واجب الاعتقاد	هـ	
۷۵ ، ۵۵	الوافية	۱۳۹	هداية الحكمة
۱۰۹	الوجيزه	۱۰۰	هداية المنصفين
۷۶	الوسيلة الى نيل الفضيلة	۲۴۳ ، ۳۹	هدية الاحباب
	ح	۱۵۰	هدية العرفان
		۲۰۳	هشت بهشت
۱۸۲ ، ۱۸۱ (مثنوى)	يوسف وزليخا	۱۹۸	هفت بيكر كاشف
۲۵۸	ينبوع الاسرار	۲۷۰	هفت حصار

(پایان فهرست)

با همه زحمتی که برای بی غلط در آمدن کتاب کشیده شد و آقایان حسین آقا سلیم النفس مدیر چاپخانه شفق و حسین آقا عماری که در طبع این فهرست زحماتی را متحمل شدند و بنده از ایشان متشکر و ممنونم و در موقع طبع جدیدت داشتند که حتی المقدور کتاب بی غلط در آید متأسفانه باز محتاج بغلطنامه گردید.

از خوانندگان محترم خواهشمند است غلطهایی را که در زیر اشاره شده تصحیح فرموده و جز اینها نیز هر غلطی بنظر شاف برسد با عفو و اغماض بتصحیح آن اقدام فرمایند

صفحه	سطر	غلط	تصحیح
۳	حاشیه ۱	و کتابت میکرد	و تاریخ کتابت میکرد
۱۱	۹	اسفند از	اسفندار
۱۹	آخر	بود نوشته	بود نوشته شده است
۳۴	۶	علی بن بن حسین	علی بن حسین
۳۷	۴	رجب ۱۱۱۴	رجب ۱۱۱۴ میباشد
۳۹	۷	تحفه الاحباب	هدیه الاحباب
۴۰	۸	بهبانی	بهبهانی
۴۲	۱۱	محمد حسین علمی اکبر	محمد حسین بن علمی اکبر
۵۵	۶	مؤلف وافیه	مؤلف الوافیه
۷۵	۲	فی علم الرجال	فی معرفة الرجال
۷۵	۹	وافیه	الوافیه
۱۰۲	۷	ابوالحسن	ابوالحسن
۱۰۹	۹	هوا	هوی
۱۲۲	۷	ایشان	آنها
۱۳۸	۲	بسال ۱۰۹۹	بسال ۱۰۹۹ میباشد
۱۳۸	۱۱	حال و تالیفات	حال و تألیفات
۱۳۹	۱۵	نوشته سنه ۱۱۱	نوشته و نوشته است سنه ۱۱۱

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۸۱	آخر صفحه	۸۹۸ هجری	۸۹۸ هجری است
۱۳۹	آخر	سفید گذاشته	سفید گذاشته است
۲۰۰	۱۷	لوء لوة	لوء لوة
۲۰۴	۱۳	سلیس	سلس
۲۱۰	۱۳	گورگانی	گورگانی
۲۱۶	سطر آخر	در سال گذشته ست	در گذشته است
۲۴۰	۱۴	جلال الدین	جمال الدین
۲۴۱	۱۰	(۱۸۰۱)	(۱۰۸۱)
۲۴۹	۳	سرح	شرح
۲۶۶	۵	سلیس	سلس
۲۷۱	۷	سلیس	سلس
۲۷۵	۱۶	ابوالحسن میرزا	ابوالحسن میرزا
۲۷۶	۲۳	۱۴۰	۱۰۴
۲۷۹	۱۴	تولاک	پولاک
۲۸۰	۱۸	جلال الدین	جمال الدین
۲۹۳	۷	۹۲	۲۹
۳۱۰	آخر	خغن	سغن

سپاس خدا را که توفیق عطا فرمود و با همه ناتوانی این فهرست
پایان رسید .

۱۸ اسفند ۱۳۲۹ شمسی مطابق ۳۰ جمادی الاولی ۱۳۷۰ هجری قمری

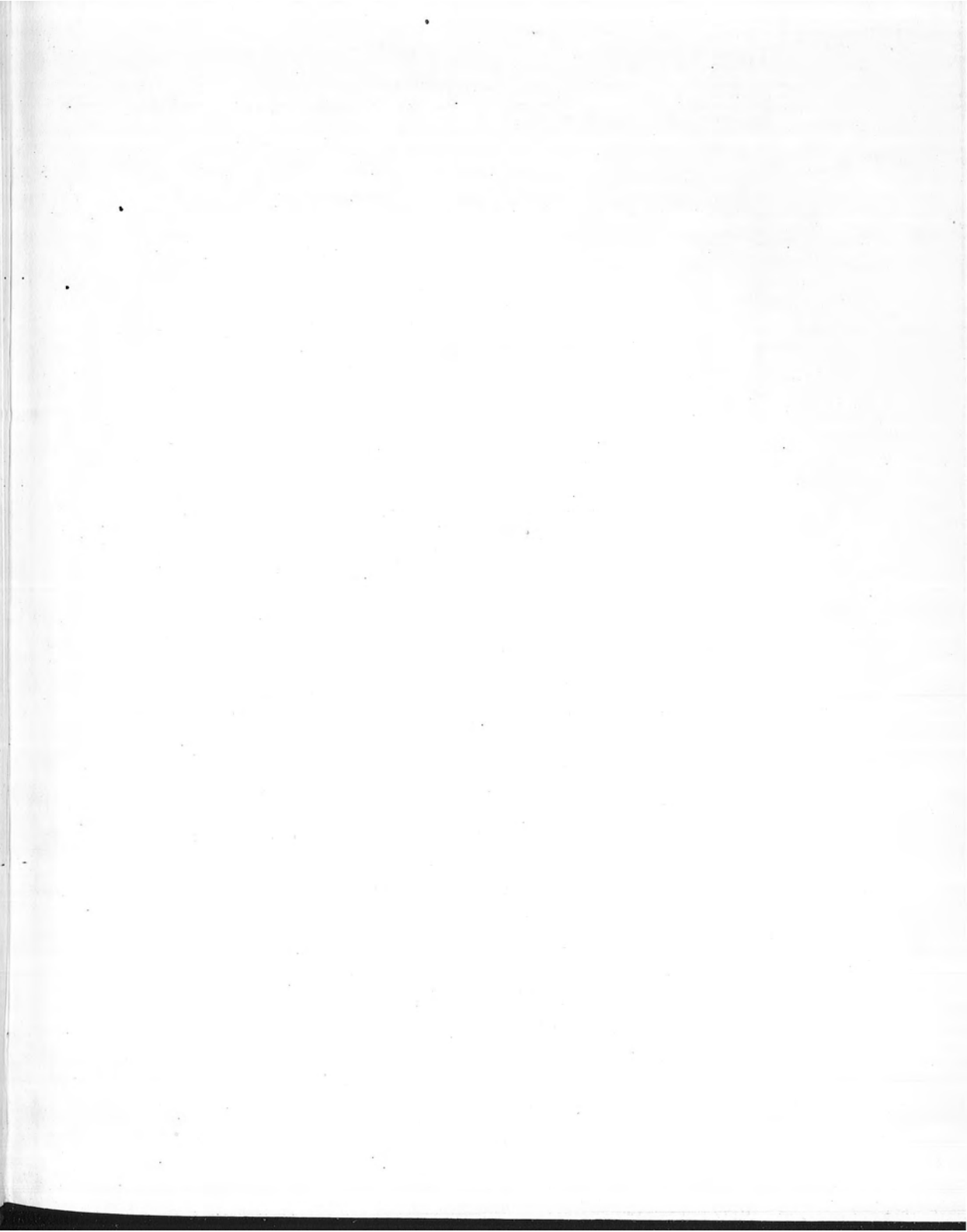
تبریز محمد نجفوانی



Date	Time	Description	Remarks
1911	10:00	Left for ...	...
1911	10:15	...	...
1911	10:30	...	...
1911	10:45	...	...
1911	11:00	...	...
1911	11:15	...	...
1911	11:30	...	...
1911	11:45	...	...
1911	12:00	...	...
1911	12:15	...	...
1911	12:30	...	...
1911	12:45	...	...
1911	13:00	...	...
1911	13:15	...	...
1911	13:30	...	...
1911	13:45	...	...
1911	14:00	...	...
1911	14:15	...	...
1911	14:30	...	...
1911	14:45	...	...
1911	15:00	...	...
1911	15:15	...	...
1911	15:30	...	...
1911	15:45	...	...
1911	16:00	...	...
1911	16:15	...	...
1911	16:30	...	...
1911	16:45	...	...
1911	17:00	...	...
1911	17:15	...	...
1911	17:30	...	...
1911	17:45	...	...
1911	18:00	...	...
1911	18:15	...	...
1911	18:30	...	...
1911	18:45	...	...
1911	19:00	...	...
1911	19:15	...	...
1911	19:30	...	...
1911	19:45	...	...
1911	20:00	...	...
1911	20:15	...	...
1911	20:30	...	...
1911	20:45	...	...
1911	21:00	...	...
1911	21:15	...	...
1911	21:30	...	...
1911	21:45	...	...
1911	22:00	...	...
1911	22:15	...	...
1911	22:30	...	...
1911	22:45	...	...
1911	23:00	...	...
1911	23:15	...	...
1911	23:30	...	...
1911	23:45	...	...
1911	24:00	...	...

1911-12-31
 1911-12-31
 1911-12-31







10007500405419

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران



10007500405419

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران